

شماره قفسه ..... ۱۷۳۲

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

1110

الحاج محمد بن سليمان وابنه

۱۷۳۰

Y-1516





کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب کلاب ترکی

مؤلف

متوجہ

شماره قفسه ۱۷۲۲۰



پیشہ ورانہ تعلیم

تعداد و اهمیت کتاب

$$Y \cdot n \cdot F_{AC}$$

عقد اب ت ث ج

حاج میرزا یو بانی

Handwritten text in a cursive script, likely a signature or a name, possibly "J. M. P." or similar, written on aged paper.

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content.

تای ۹۱

الحمد لله رب العالمين

1734

$$y = \Delta F \lambda \phi$$


॥ श्रीगणेशाय नमः ॥  
 ॥ श्रीगणेशाय नमः ॥

۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲  
 ۴۸۳  
 ۴۸۴  
 ۴۸۵  
 ۴۸۶  
 ۴۸۷  
 ۴۸۸  
 ۴۸۹  
 ۴۹۰  
 ۴۹۱

اولاد

155



بسم الله الرحمن الرحيم  
 شرح لی صدری و یسری امری و اخلل عقدۀ من لسانی  
 قوی یارب ره عشقه بنی شیدا قیل احکام عبادتک بنکا  
 قیل نظاره صنعکد کوزم بینا قیل اوصاف حمیدکد و لم کو با قیل حضرت ملک  
 ان مقدر و منعم منکر عظم سلطان و محمدا نه کتاب واجب التکریم و کلام  
 العظمه میدان محنت بلا کسری و عاقبت ارادت منعش لری بوز  
 کما بیل سرفراز ایتدی کیم و کنبیلو نگم یعنی ای شاه راه صد اقدۀ ثبات  
 و خواستین قیل نروای طریق وفا و دیارنده لاف استقامت او رب  
 طالب اولاندر اگر چه ارقام صحایف اعتقاد نکززه و افصح و کیفیت  
 نکززه لایح اما سیزه معلوم اولمق ایچون سیزی امتحان  
 نه ایلد من الخوف که اول عبارت در بار ترغیب عبادت ایچول  
 بان یا ظهور در تبت سلیم و توکل ایچون نر مصایب و نیویرن  
 ربانک رصوت قوای شهوت ایچون قحط شراب طعام  
 یه ایچون ارنکاب صیامدن و تقوی من الاقوال که اول عبارت در  
 و ایچون اخراج خمس و زکوٰۃ دن با کس طغیان نفس ایچون نارای

حادثان و الا نفس که اول عبارت در بار واسطه کھولتد تقوی قوای  
 وسیله امر اضل تعطیل حواس جسمانی و التذات که اول عبارت در بار باقله  
 باغ و بوستاندر یافت اولاد دن که نمره شجره نوع ان ندر و مراتب امتحان  
 بیویش که و بشیر القابوین یعنی بن رت در صابر لره الذین آ  
 مصیبه چون آنلره بر مصیبت یتہ قالوا ایت الله و انا الکیا  
 وجود من خالق اکبر در عاقبت امر آنکسجه حکم مقرر و در هر آینه بوی  
 شرفیایا سندن مستغاد اولاندر در در کما عباد و عموم بلا شام  
 وف و کنبیلو نگم حضرت و اخللر اما اول جمله دن مواقع مصایبده دا  
 مضطرب الیمنلر و مصادر نوا یبده خاطره نکین و یرب اظهار جریع قیلند  
 بشارت بولمش و مستحق توفیق تقرب اولمش طالبی و رطه مصایبده ش  
 ایلر صبر و اول محک که محنت کفر ایمانی امتیاز ایلر بو عبارت کتب سامعون مند  
 که من احب او احب هبت علیک البلاء یعنی هر بنده مقبل که محب البلاء  
 بولدی یا محبوب البلاء قابل اولدی لاجرم کند و سین هدی سهام بلا و منزل  
 همیت سبزه صد اقدۀ طرز اطمینان بیان بلا دن نشو نابولور و  
 خلفنده آتش محنت دن روشن اولور البلاء للولاء کما القیبت  
 افزای محبت در بلا کیم بلا آتش محبت و طلال بو مضمون مطالع



بما له وسلم بمیش که ان الله اذا احب قوما ابتلاهم  
ه اخفصاص بولہ رسم مفرد کہ محنته اسیر و بلا یه گرفتار  
بلا در معارج بلا موافق طبقات والا بو نکته مشهور بو  
من سوال اولونز و قدہ که ایضا التامس اشهد ان لا  
بلا بلا معروف و کنیزت عیانله موصوفه ربور دیگر که الانبیاء  
سیرت سالت محترمی زیر امر انب محبتی در حیات  
لمی شدت مصیبتی پیه مصون و سوال اولونز و قدہ کیم  
لا مثل یعنی طریق مصابر نه آنکه شبیه اولاندر و جاده  
و نک بو نکته اولیاء الله اشارتد که آینه وار حقایق انبیا  
بوت اجرا ارب بر اسم شریعت احیا ایدر و سوال اولونز و قدہ  
که فالامثل یعنی شبیه نقوا و شعبه شیوه صلاحه اولیایه  
تابعیت قبلا ندر بو مضمون انقیای انام و صلیای فرقه اسلامون  
میل سایر خلقون امتیاز بولشدر و محاسن افعالیل القرآن و انشاله

لایق اعلی شدر نه مخلص که درگاه معبوده اقرب هموی اشده و بیات اصعب  
ب بر قدر قرب کیم اول واقع اولور آفت روزگار اونکا مقرب فی الواقع عالم فناء  
و من شالم و منکر متنع اولوق محض مصلحت و عن حکمیدر تا ملک بقاده ادراک فوت نمیت

منکره

منکره موجب تر ایدالم واقع اوله و احساس عدم الم مؤمنه نضاعف نغم اولو  
زیاده قبیلہ بلکہ خیر ندر نعمت نه بیسوان روز جزا کیم نه لطفنک مظهریدر  
اعتقاد قبیل مؤمن الم ادر کین اولمز مطلع کیم نه تعذیل در روز خنده ارباب  
میزان بلا میز مراتب والا اولمغین معلوم اولدی و نبوت بولدی که ان  
معبوده اقرب فرق انبیا و زمره اولیا در زیر شرایط تعظیم آداب عباد  
اجرای شریعت و ارشاد امت آنکه بر امر در جمیع بنیانه شامل و بر حکمدر  
حایل و بودخی مفرد که افضل انبیا حضرت مصطفی در صلی الله علیه و سلم  
اتنی آنکا مؤدود و قد و اصلاح جمیع طوائف مختلفه و اسم منوعه آنکا موجود در لاجرم مجموع  
انبیا دن رتبه سی افضل و بلنای فی انم و اکلدر و اول حضرت بو معنایه مطابق و بو مضمونه  
موافق بیو میسر که و ما افری نبی مثل ما ذنبت و دلیل صادق بود عوایه اولو  
که نوایخ سلفه مسطور و السند خواص و عوامده مشهور اولان انبیا بلا لرینک پی  
آنکا معادل اولمز و امکان مناسب بو طر حضرت سول اللهنک صنادید قریشدن  
چکدر کی مبارزه و سفاهای امتدن کوردکی بلا ره اول جمله ندر و اقد و شرف کربلا و ح  
قتل امام حسین بن علی مرتضی که قدوه خاندان رسالت و زبده دودمان نبوت  
آنکا متوجه اولان مصیبت حضرت سول نسبت کمال امانت و نهاده  
حضرت امام یافعی کتاب مراتب الجنات دن حسن بیری نقل ایلد ان



هميش که واقعه كربلا ده اهل بيت را اول آن صاحب سعادت شربت شهادت انجمن  
زناننده هر بری بی معادل و عصرينده هر بری بی تماثل ایدی و مصایع القلوب ده مذکور در که  
عجب الاخبار بر کون اخبار سلف نقل ایدر کن دیدی ای قوم مصایب جمیع از مننه بکلیه  
واقف اولدم و نوانیک جمیع طوائف اطلاق بولدم واقعه كربلا در آن اصعب حادثه مطالعه  
قبیلدم و آنرا اعظم مصیبه مطلع اولدم حق که حضرت امام حسین مظلوم علیه السلام  
شهید اولد و قد مدتی قات کو قات آن غلدي دیدیر ابا اسحق هرگز افلاک قات آن غلدي  
دیدي و یلکم ان قتل الحسین امر عظیم یعنی ای بیدر دار قتل حسین امر عظیم  
زیرا اول حضرت مقبول رب العالمین و حکمران کونیه حضرت سید المرسلین و فرزند  
شاه اولیا و نور دیده فاطمه زهرا و یار و یار حسن مجتبا و کزیده آل عبا در قسم اول واجب  
الوجوده که کعبه روحی آنک قبضه قدر شده در که نقل صحیح ایلد تحقیق انشم که  
حسین مظلومینک لعین ملائکه آسمان ابا عبد الله المقتول و ملائکه ارض ابا عبد الله المذنب  
و ملائکه دریا حسین شهادت یوب اول شهید اولد و غی کوندن ملائکه سما و دین بر کرده و  
مبارک کنه می اور اولوب قیامت دکن عزاسینه مشغول و هر شب جمیع نیمیش بنک نکر زیارت  
کلو صبحی دکن عزاسینه مشغول اولوب صبح اولد و قد هدیه ثواب عبادت و تکریم مرصحت  
قبیلور هر حکم که جمیع اهل جهان ملک ان سمن و وحش و طيور عقل و نفس  
عنصر افلاک علوی و سفلی و انانث مذکور و در تمام حسین شهید ایدر لراه و ناله

نادم صو

نادم صو بر مصیبتدن اولین آگاه اولد احمد شفاعتندن دور روز حشر اولد  
نظر لطف کرد کار غفور بود خنی اخبار صحیح و نذر که من بگی علی الحسین اویا کی  
لله الجنة یعنی هر کیم امام حسین ایچون آغلیه یا بر کسینه آغله و اجدر آنکار و خا  
شیخ جابر الله علامدن نقلدر که من قشبتک بقوم فلو صفتهم مقتضا سجنه اگر تقلید  
و خنی کران اولوب یعنی کیم کران اینده اول جلیله داخلدر و آنکار و خنی اول ثواب حاص  
امام رضای نجاریدن روا یدر که خاک كربلا بر طینت پاک در که آنده تخم شهادت تو کلید  
و نهال مصیبت و یکیش اگر جو بیار و دیده ننگدن آنکری سیراب استلک الدنیا مژده عظم  
الاخوة مقتضا سجنه روضه رضوانه اول تخمک نتیجه سی ثمار شجاعت بهشت باقی  
اولد و اول نهالک ثمره سی آثار لذات نعیم موعده اولوب انطفای نیران قهر الهی فیل  
خاک پاک كربلا در اول مبارک بقعه کیم آنده تحصیل مطالب ایملک آسان اولور  
اشک تو ملک آه چمک ضایع اولد و روز حشر کام بخش چشم پر خون و دل سوزان اولور  
اشک آنک قطره سی کلبر کلزار بهشت دود آهنگ مدی نخل روضه رضوان اولور  
المنه الله که فرقه اسلام و زمره اصحاب ایمانه بوسعدت میسر و بوعادت مقرر اولوب در  
که همراه محرم تجدید مراسم ماتم ایدر اطراف جوانیدن متوجه بهشت كربلا اولور لرا اول  
شریف تر بنده بقعه بقعه مجال و محافل قور و بنگار و قایع كربلا لیه شهید داغ مصیبتدن  
تازه قبیلور محرم در بهار گلشن غم مقام دلکش اندوه ماتم اول لیه سینه نرنگانی



بنا که کونکر غنی سید اول سالور چاک اما جمیع مدون مجال و محافده تقریر اولان  
 وقایع کر بلا و کیفیت احوال شهدا فارسی و تازی عبارتند به بیان اولمغین اشرا و  
 و اکابر عجم متبع بولوب اسزده اتراک که جزو اعظم ترکیب عالم و نصف اکثر نوع بنی آدم  
 در سطرز اید صحیف کتب کبی صفوف بحال در خارج قالوب استیفای ادراک صفایق  
 احوال ذن محروم فالور ردی بوسبیدن اقتضا عموم ماتم آل زبان حالیکه بن خاک  
 تعرض اتری و دست تعرض ایل کریمانم و دودی که ای پرورده خوان نعمت شاه کر بلا  
 فضولی مبتلا نوله اگر بر طرز مجده و مخترع اولسکر و همت و نوب بر مقتل ترکی  
 انشا فیلسف که فصیحی ترک زبان استماعدن تمتع بوله لروادراک مضموننده عرب  
 و عجمد نک مستغنی اوله لکر ار ذکر واقعه دشت کر بلا مقبول خاص عام و رضا  
 و کبار در تقریر اید نله سبب عز و احتشام تحریر اید نله شرف و زکار در بن که بوضیعی  
 اصفای قیلدم و بوجده تنک محض سعادت اولد و غنن محقق بیلدم عدم استطاعت  
 و قلت بفا عندن احمر از و اجتناب بتمیوب انجمنه توجه قیلدم اگر چه عبارت  
 ترکیده بیان وقایع و شوار و اکثر الفاظی رکیک و نامهور در امید در که اولیا انما  
 مساعد اوله و انجمنه معاونت قیلد ای فیض رسان عرب ترک عجم ایدی  
 عربی افصح اهل عالم اید نک فصیحی عجمی بن ترک باندن التفات ایلکه کم  
 الله واقف کیفیت حال و عالم دقایق افعال سن بیلور سنک که سنکله و ز که معین

و مظهرم

و مظهرم بوقدر و اطراف و جوانیده حاسد و معانیدم جو قدر عجم مکملکن و کما  
 مرا حنکدنک توقع بودر که بونای مجده و تمرینده و بوملک منو بدستخیزنده الفاظ و معانی  
 جمیع مصالح محتاجه قیل سن و اصحاب حسد و ارباب عناد مجوم ایدد که بجا معین و  
 اوله سنک اناک علی کل شیء قدیر حالا السنه عربده مذکور اولان مقتل ابوحنفیه  
 طاووسی در که سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد الطاووسی  
 تحقیق و توفیق استاد معتبر دن نقل ایدب انما سنه اهتمام ایتیش و افواه عجمه مشهور اوله  
 کتاب روضه الشهداء در که حضرت افصح المتکلمین مولانا حسین و اعظم متبع تواریخ ایدب  
 و قتل یازمغین و روایتی در وجهه یتیم بن خاک سنک ندی اولدر که اصل بالیفه  
 روضه الشهداءیه اقتدا قیلوب سیر کتب اولان نکات غریبه لری ممکن اولد و عجم آنکا  
 علاوه قیلدم و حدیقه السعد ایلد موسوم ایدب لک باب بر خاتمه دن صورت تالیفنه  
 اتمام ویرم<sup>۱</sup> انبیا احوالین بیان ایدر<sup>۲</sup> حضرت رسولنک  
 قریشیه حکیدکی جفالری بیان ایدر<sup>۳</sup> حضرت سید المرسلین و فائین  
 بیان ایدر<sup>۴</sup> فاطمه زهرا و فائین بیان ایدر<sup>۵</sup> حضرت شاه اولیا  
 علی المرتضی و فائین بیان ایدر<sup>۶</sup> حضرت امام حسن و فائین بیان ایدر<sup>۷</sup>  
 حضرت امام حسین علیه السلامک مدینه دن مکتبه توجه ایدر<sup>۸</sup>  
 بیان ایدر<sup>۹</sup> حضرت مسلم بن عقیلنک شهادتین بیان ایدر<sup>۱۰</sup>



حضرت امام حسین علیه السلام که بلایه کلد و کین بیان ایدر  
سه هادین بیان ایدر محدثات اهل بیت که بلا دن نشانه کنند و کین بیان ایدر  
بارب مسافره صحابی عنتم نوفیق ایدر رفیق بنکا صدق رهبرایت سر منزل مراده تیر  
سربند قیل محو قیل جمله مرادم میرایت بعضی انبیای عظام  
و رسول کرام احوال الین بیان ایدر ابتدای آدم علیت لایم بلکه کر که محنت  
سرای خلقت و دار البدای فطرته مصیبت زده لرینشواسی و دلشده لر مغنیه اسمی آدم  
مغفیر آدم که فضای عالمه با صدی قدم ازده بلایه اولدی اول محمد مخصوص  
آدمه بلای عالم عالمه بلا حکمین اولمز آدم هنوز آدم صفی تنگنای عدم دن فضای  
وجوده کلیدن و خلعت خلقت کیوب اضراست برله سرافراز اولدین بلا یک زبان طعن  
اوزاندرلو آتی هدف تیر طعن اوز بلر که انجمل فیها امن یفسد فیها روائیدر که  
ابتدای خلقت و حضرت ملک الجلیل عزرا نیل حکم ایزی کیم جمیع اجزای زمینک جزیر  
و سندن بر فضی خاک الوب بطن نمانده جمیع قیل و بر صحابه امر ایزیکه فرق کون اول تو پراغند  
اوز رینه باران تو کوب ترتیبه شغول اولدو بخدمته مأمور اولان سیاح اوز دوز و نوز  
کون دریای لادن و چشمه محمدنک نم جگر دی و اول تو پراغنه باران محنت تو کردی قرینچی کون  
که موعدا تمامیدی بر نچه قطره بحر فخر حدن کنور و ب اوز رینه سباجوب صورت اتمامه  
یتور دی و پیکر اتمامین ظهوره کنور دی بوسه بد فقر اوزدی که طینت بشریت اکثر او تمام

منسبت

منسبت ریاچین غم اول و حقیقت آناری سروری نهایت ندرت و کمال درجه قنوت اول  
آدمک غم برله تو پراغینک نم قیلدیر آنزه درو محنته منزل معر قیلدیر موقد ازده  
و نیران ایلوب ترکیبی صفیه جاننده نقش غم مصور قیلدیر الهامه آدم وجوده کلوب  
یا آدم اُسکن اَنْت و ذُو جَلَّتِ الْجَنَّةُ اَشَار تیل ساکن بهشت اولدو قده میوه شجره  
منه نیل غیر جمیع تنوعاتک تصرفه حضرت بولدو قده ایلوب بوجال و افاق اولوب نیلاد  
حسد قیلوب اسطه مار و طاووس سبیل بهشت کوردو کوه آدم و سوسه و بر ب راه  
ضلالت کوسردی آدمک ایلوب بولدو غنه سبیل اولدیکه مظهر افعال ستوده و مظهر  
خصال حمیده ایدی کذب و خلافه امکان و بر میوب ایلوب کسوزین محض فضیلت تصور  
ایتدی ای خوش اول صافی طبیعت کیم ضمیر پاکینه یتیمه مطلق بو کیم عالمده  
مکر و حیل دار وی خوش اول صاحب سخاوت کیم دم اظهار وجود دشمنک مقصودین  
اوز نفعینه ایل اختیار روانیدر که شجره منه نیل میوه سنی آدم و حواتنا اول نیدو کدر نضکره  
کرد ادا بار جیره اعتبار لریندن تو توب اضراست فرق اقتدار لریندن دو شوب و خلعت  
کرامت بد لریندن انتزاع بولوب و صورت صالری دگر کون اولوب مضطرب و متحیر  
قالوب سندن نره ایلک معتکف اوییه حرمان اولدیر خد شکرینه خصال مأمور ایلک ایلک ایلک  
نفرت قیلدیر و سرای سرور لری معمور ایلک سبیل حاد ثاندن و یران اولدی اولد سبیل  
مکشوف العورت قالوب حیای قیلدین هر درخت که منوصه اولور لر دی آنلا لر دن فرار



ابو لروی بوجالته حضرت عزت زن ناکه که با آدم الفرائض آدم ایندی که بل حیاء منک  
یعنی سندن فرار ایتم کند و فعلی که سندن ام بر کوار خدا یا که سندات حمل بنی مکرم ایکن  
خار خاک را بیدی بود جزای آنک که سنها مخالف و لوب هوای نفس و عاتین اختیار  
اندی عاقبت برک انجودن ستر عورت ایوب فرمان قضا خبر بانیله بنشدن حقیقه غم انیدی  
آدم حوائشک الین آنک بستر قدم با صد و فده بر ساعت یمن و ساره با قوب توقع ایردی  
که مشرق کورن آفتاب غفور و عطا طالع ایوب و ظلمت حرمانه اخفات ویرب اوج عنایتدن  
سیی بعلقت پیدا اولوب کلزار امیده طراوت تیوره هیچ جا بندن رایحه مراد استشمام تنیوه  
نا امید و شریه قدم با صد و فده لساننه کلمه طیبیه بسم الله الرحمن الرحیم جاری اولدی جبرئیل  
اتدی یا آدم توقف ایست اولکه بوجله طیبیه برکاتندن ابواب مرحمت افتتاح بوله و شقاوت  
سعادت مبتدل اوله خطاب کلدی که ای جبرئیل آوم نیشه مانع اولدنک جبرئیل اندی الهی محمد  
الرحیم اسمیله سنی باید اندی نوله دریای مرحمتک موجه کلوب بحر عنایتک مثل طم باران  
نوله ناکه کلدی که ای جبرئیل بنم رحمتم عاصدا کر بکون آدم متعلق اولسه بغیر مخصوص اوله بستر  
که عرضیه نیادن ملک عقابیه توجه فله و فده دار الغنادن معموره بقایه راجع اولد و فده  
کنز ویه و نیک بیک اولد دینه اظهار کمال رحم قیام و هول قیامت جمع مجریه سینه سناه اولم  
زهی کریم که مردم عموم رحمتی عطایه جمل خلق امیدوار ایله زهی جواد که مجری  
نسلی ایوب همیشه عفو کنایله افتخار ایله کنز الحقایقه مسطور در که آدم بنشدن

اخراج

اخراج اولد و غنینه سبب ایردی که متعرض عشق اولدی اقتضای دار الملایم ایوب ملازم  
ارباب ملامتد آنکا دار السلام مناسب اولر و اهل سلامت اختلاط طیل و رونق بولمز  
اگر ملامته صبر ایلمدن ای غافل ملامت ایلمه عشق پوری سلامتله کمال عشق ملامت  
در خیال اتنه که عشق ذوق ویره اوله ملامتله و اول دلر با که سحره منهدیه صورتند آدم  
کورندی شاهد محبت ایردی و اول نهی تنهیدن غرض از دیار غربت ایردی که آنک حرش  
علیه مانع یکن که اگر اول شجره سمیعله اختصاص جلیبید و نهیله ممنوع اولمیدی آدم کثرت  
لدن و تنگداری آنکا پر و اقل سیدی و شدت اشغال سایر اذ و اقل آنکا ملنگت  
اولمیدی لطفه هر جور که غنائینه اولماه ایردی قلیقه نظاره غافل اولنی آگاه اید  
هر صفا سنده حبیبیک بنک عنایتدن زمان کیم که غافل در جفا سندن آنک اگر اید  
عاشقه معشوقدن جفا مین و فدا آندن غافل و ملق آنکا بر جفا در نخوشد  
اولکه محبوب اوله بر فن کونکرده دوست اوله دلده دشمن جفا سنده وفا اوله  
مضمون اوله عین طلبت معین و مقرون فراقه اوله ظاهرده طلبکار وصاله  
اوله باطنده خریدار الفقه آدم حکم اولدی که ای آدم اگر مراد نکر بنشینت الله سینه  
مبتدا اولدی قناعت قیل و شجره منتهیه اطرافنه کلمه و مطلق آنکا بایل و راغب  
اوله که آنک میوه سی اندوه محنت و سایه سی طلت صیرندر آدم طبعیت اقتضا بجه  
بهشتی چون کور شدی آندن غربت کونورب شاهد محبت کونکل ویر میشدک الاحرم



شکر بلا که لازمه تشکر آنکاملازم اولدی و کرداب محنت که عین دریای مجتهد آبی احاطه  
قیدلی عشق و عود در جفا چنگ کواه اگر کواه اولمسه دعوی بر تپاه سلطان العارفین  
قدس سره بیوریش که خلقت آدم دن مقدم شاهد محبت جلوه ظهور انیکه بر نظر استری  
اول زمان که دبدبه عبادت ابلیس ملک ملکونی و دندی شاهد محبت آنکاتصالینه  
میل اندی اما سلطان غیرت اول اتصال حضرت و بر میوب آنکذوق وصالین  
ابلیس لاتی کو میوب همیشه پرده خفا و خلوت عناده منقلدی اول وقتیک که دست  
قدرت رخ آردن عدم نقابین کو نورب آن سجود ملک قیدلی و آدم شرف کرامت  
بولوب منظر عین اعیان ممکنات اولدی منور اولدی جهان پر نور جانکنکنک  
شرف اولدی زمان دولت وصالنکدن شاهد محبت نرمت سرای بهشتنک شجره  
منتهیه صورتنده کندوسین آنکاعرض ابتدی و آدم اختیار بر سر او نکا والد اولوب  
هماندم تمنای مواصلت قیلوب افسین دندی اما پرده دار حرم سرای ارادت ربانی  
و حاجب درگاه مشیه تانید سحمانی منع اندی که ای آدم بو عروس زیبا شک حلیه زینتی کوهر  
اشک چشم پر بند و بو مخدره رعنائنک زبور بهجتی یا قوت شعل آه دما در جنت فزای فرخ  
فراسنده جوهر اولمزه بهشت بهجت سراسینه بوخل صورت بولمزه تحمل انیکه دارد نیاده  
بوز بنیلر بله مزین اولد و حق موکده آشک عقد زویجی سنگا میسر اولور و اول زینیلر بو بوسند  
رونق مجالین زیاده قیلور عروستقه زبور روی زرد و اشک ملکوندر دل سوزان

جسم

جسم دردناک چشم پر خوندر بوز بوز حاصل اولمزه نگاه صحن صحته متاع خانه محنت سرای  
دینی و دوزخ بر سر آدم که عاشق بیقرار اولدی ناچار وعده وصال و امید انقالبه ترک بخت  
ایوب محنت خانه دینی اختیار اندی و هوای محبت ذوقیل دامن صبر و ندی حکم اولدی  
که ای آدم حوادن مباحث اختیاریت و ملک فراغدن تجاوز ایوب سرکوی بلا ده قرار  
ایت که هنگام وصال منقضی اولدی و ایام فراق کلدی و زمان مواصلت انجام بولوب اولان  
مفارقت اولدی ای مایل محنت غم همراه اولغل دم دوقدن اورمه مدم آه اولغل  
ای جامع هر صفت و صالی بولدنک بهجران للمذک دخی آگاه اولغل الفقه مفاض  
انقراض مدت پیوز رشته مواصلت قطع ابتدی و آدم حوادن مفارقت قیلوب هر  
بر دیاره دوشندی و هر بری بنک بلایه صتا شدی آدم وادی سرانیدب سرگردانی اولوب  
حواسو اصل دریای هنده دوشندی نه ایشدرای فکک لدراری دلدارنک آیرمق  
جفا کشر عاشقی یار و وفادارنک آیرمق آدم و حواکنده و صالتلرینه کریان و جمیع ملائکه  
آنلر نک واقعه برینه حیران ایکی یوز بیل بو نو عبیله پریشانلق چکدیلر و اشک ندامت توکلیر  
ابن عباسدن نقلدر که هرگاه آدم یاد بهشت اوردی پدهوشل اولوردی حضرت عزیزک  
ندا کلوردی که ای جبرئیل آدم غریبدر آنکله موانست قیل برکون آدم جبرئیل سوال  
اندی کیم ای جبرئیل انیس حلیم حوادن نه خبرن وار جبرئیل اندی اول ساکن ساحل  
دریای هنده اولوب شک فرافکنک کریاندر و ایشی آه و افغاندر آدم اول خبرنک استماع



پیشتر اولوب عالم مراقبه کوردیکه حواس حل دریا ده ابرو اسلاب برشک دادم تو کوب  
دیر که یا حی یا قیوم انت امر شبعان الالبی انت امر غنیان انا ثم انت امر قضا  
آدم جواب تلک کنده ایکن کندویه کلدی حوای کور میوب برنوخه قبلدی که خبر نیل نزل دوشو  
سوال اندیکه ای آدم بونه حالندر آدم صورت واقعه سین بیان ایند دکه اول خبر دن  
مناثر اولوب بنا جات اندیکه یارب بو عزیز بیچاره رحم ایت خطاب کلدیکه ای حیریل  
وقت اولدیکه هزار امیده نسیم مقصد توفیق گذار ایده و اول نسیم ایل غنی مقصدی آجیل  
آه آتشباری عشاقنک سر آتش دکل عاقبت هر خیم تیر یا پانه غایت  
سیر دکل الفقه دمنک توبه سین قبول قلیوب عیاسی اجابت بولدی و ایام محنتی  
هنکام راحته مبتدل اولدی محقق درن نقلدر که سبب قبول توبه آدم اوج نشسته ایدی  
بری حیاء و بری بکا و بری دعا اما حیاسی بر غایتده ایدی که ابتدای خلقته که چون  
آدم علیه سلام جنتدن دنیا یه نزل اتدی اوج یوز نیل مبارک باشین قلدر  
یوقر و باقدی و یسین و یساره نظر بر اقدی اما بکاسی بر مرتبه بولشدی که هجوم سیلاب  
اشکدن رخ لر رینده جو بیار لر عیان اولوب فرات و دجله کی آندن و خوش  
و طهور تمتع آلوب دیرلردی که نه خوش آب خوشکوار و نه زیبا شربت ساز  
در آدم اول سوزی استنزا حمل ایدیکه کون مناجات ایندیکه یارب و خوش طهور  
منم آب چشمه منم ایدر لر آب شوره شربت خوشکوار دیرلر ندا کلدیکه ای آدم

بیج جوهر

بیج جوهر کوهر اشک ایل نیاز دن اعلا و بهر شربت زلال سرشک مردم پاکباز دن اجلا دکل  
فی الواقع بر کوهر که معدن دیدار باب نظر در خاک رفدلته قالدیه و بر جوهر که منم تحفه  
در کا همدر محقر اولمزه و نه معدن رسوا چشم ترکیم آندره در دانه در سرشک ملحه  
نور بهر اول برینده رتبه معراج در کا قبول بو بر نزه قوت کیفیت فیض نظر اما دعای  
آدم بوایدی که یارب محمد و آل محمد پیچون توبی قبول ایت بر کون بارگاه حضرت عزیز دن  
ندا کلدی که ای آدم سن محمدی نه بیلور سنک که ذیل شفاعتینه متمسک اولوب سن آدم  
اندی یارب محمدنک اسم شریفین صفی ساق عرشده سنک نام لطیفنک معارفن کون  
بلدم که آذن اشرف و افضل خلقنک یوقر آنکا نوسل ایدرم اخر نور مصطفی فی  
کون خاتم نسل انبیای کونک نورای چراغ عالمدر آبروی شمع آدمدر و آوندک  
بر مصیبتی دخی قیل بایل ایدی روایتدر اهل تفسیرن که قبول توبه دن صوره آدم حوایه  
ملحق اولدی و یکری توبت حواس حل اولدی هر توبت بر غلام و بر جاریه آذن طهور  
کلدی و اول زمانده مشربیت آدوده هر بطنک جاریه سین غیر بطنک غلامینه و برک  
عادت ایکن اتفاقا قابلنک همزادی اولان اقلیم نام جاریه بایل همزادی اولان  
لیوذا نام جاریه دن آجیل واقع اولدی و آدم بایل همزادی اولان جاریه قابله حکم  
قلدی قابله عادت مسنونینه قابل اولوب قبول ایندیکه اقلیمای بایل و پرو بکنده  
لیوذا به قناعت قیل و سایر اولاد آدم کیمی مطیع متقاد شرح اوله مکابره قیلدیکه ای آدم بو

دخی



اثر محبت در نه مقتضای شریعت آدم ابتدای اگر بنم صلاحی اولی مرتب مرافعه او نگرانی  
قاضی الحاجاته رجوع ایدب آتشک امرینه راضی اولنگ و آتشک حکمته متابعت فیلنگ  
بری اهل مزاج ایدی مزرو عا شدن بر قیج خوشه حاضر ایدب و بری شبان ایدی بر  
قیون متیاقیلوب بر عرصه قویوب شرط ایندی لکه هر کسینک قربانی قبول اولور  
اقلیمای اول تصرف قبل مرص حکم اولدوقده عالم غیبین بر برق لامع چغوب با بیلنگ  
قربانین تصرف قیلدی و قابیلنگ قربانی معطل قالدی بوسیدک آتش حسد قابیلنگ  
بنای اختیارین با قویب سیلاب بر شک معوره قرارین میغوب با بیلنگ هلاکته عزم ایندی  
آدم متوجه زیارت بیت المقدس لیکن فرصت بولوب مشغول خواب لیکن آتی هلاک  
ایرب قرق کون باشی اوزرینه کولورب کز دی زیر ایلدی که نیمک کرک بر کون  
کوردی که بخواب بر حفره محفور ایدب بر خراب متین دفن ایندی قابل آذن ارشاد  
آکوب با بیل دفن ایدب اوزرین کیندی رشکد رجانه اصطلاب سالن رشکد  
عالمی خراب قیلین رشکد موجب جفای نیزید رشکد ریم حینی قیلدی شهید العقبه  
آدم بیت المقدس دن مزاجعت قلدوقده جمیع اولادی استقبال ایدب با بیل اولنگ  
سکندره اولمغین احوالین استفسار ایندو که دیوید بر بنجه کونور غیب اولور آدم  
مضطرب اولوب بدی کون تغیش و تفحص ایندی سکنجی کون ملائکه یوقویه کیندی  
واقعه سنده کوردیکه با بیل آلوده خاک خون اولوب استغاثه ایدر که یا ابتاه الغیث آدم

اضطر ایل

اضطر ایل بیدار اولوب فریاد ایندو که جبرئیل حاضر اولوب ایندی با بیل قابل هلاک  
ایوب بر موضعه دفن اینتشر آدم بنیاد نومه ایدب نضرع ایندی که ای برادر آتشک  
مزارین مشکاکو ستر جبرئیل آدمی با بیلنگ مزاری اوزرینه کتورب و آدم آتشک مزاری  
اوزرین توپراق مجابین کونرب کوردیکه بیکری بوزلیش و اعضاسی پاره پاره اولیش  
آغاز نومه قیلوب روی نضرع حضرت بی نیازه دو نوب مناجات ایندی بیکه یارب  
قابل سنکد حکمکدن نجوا ایدب منم صرتم دو نوب بومظلومی قتل اینتشر حضرت حسین  
حضرت عزترن نراکدیکه ای آدم مقرر ایندم که نصف عذاب دوزخ قابل منسوب الیه  
و اول عذاب ایچینده متوقف قاله ای عزیز لر مکه آدم صرتمین دو نوب آتشک بر فرزند  
قتل ایدک بومو نجه عذاب مستحق اولور معلومدر که حضرت رسولنگ که آدمون اشرف  
وافضل در صرتمین دو نوب اکثر اولادی شهید ایدن نه تعذیه استحقاق بولورونه  
دو ایل عقوبته فالور صیغه ضویه ده مطوردر که قاتل امام حسین دوزخ شده بر آتشین  
تابوت ایچینده محبوس اوله که رایحه گریه سندن اهل دوزخ نفرت قیلدی بیکلف حسین  
مظلومنگ قتل و افعوسی اعظم و حاده که در اول جلد و کی محنت آدم بیکدی محنتدن بدتر  
در زیر اگر چه آدم بهشتدن جدا و شوب وادی عزربنده سرگردان اولدی اما حضرت  
آدم سین علیه السلام مدینه منوره دن و مکه معظمه دن و روضه حضرت رسول اتودن محروم  
اولوب عزبت کر بلاده ازار و اندام اولدی و اگر آدم بر فرزندینک قتلینه مزار اولوب ملائکه  
بیکدی حضرت امام حسین علیه السلام اولاد منوره شهدا دین مشاهده قیلوب آتشک نراکد



محنت آدم و کل مانند اندوه حسین فی المثل بر شعله در برق بلادن اول شر  
 از شرف خلق جهان که اولاد دینی قتل این نردونی و عقیده اولی و بره و  
 حضرت نوح پیغمبر علیه السلام با دین محنت بلا کسری نیک و با دین محنت سرخوشی نیک  
 بری و دینی نوح بخیر در که دو قوز بوزنیل مدف سهام سیاست ستمهای قوم اولدی و سنگ دل  
 جفا سین چکوب صبر قیلدی و دعوت اینکدن تقوی ایتدی و دقایق تبلیغ احکام الهی  
 آنکدن تکامل و تکامل ظهوره یتدی نظمه مسطور در که اول واضع قانون شریعت و کلزار  
 ریاضین کرامت هر کون سیاحتی کون اولمقدار سیاسته یتدی که جسم لطیفی لعل ابدار  
 کیمی داشت که چینه ایتدی اما نینه صبر نیل علیه السلام حاضر اولوب اول کل باغ رسالتی لاله دار حلقه  
 بر خون و اعضای باره ایلد اشک چیدن جعفر پر بالین اعضا سینه سورب خوت و پ  
 از زمین کیددی حضرت نوح بینا نجن آرای قوم اولوب کله طیبه قولوا لا اله الا الله عباده  
 آنکه آغاز دعوت ایدست حمرنه بو طریقی مسلوک ایدوب قریب قریب ایدند اما کون  
 کوزن قومک جفا سکی نکا زیاده اولدی بر کون برعد بر فرزند ناپسندینه نوحی کو ستر نصیحت  
 قیلدی که ای فرزندانم طریقه نکرده بو شخصه با نیت عین عبادت در طهارت کمال اطاعت  
 در غافل اولمیسین و تقوی قیلدیس اول سرآمزاده ایتدی ای بابا اولمیه بو وصیت ادا  
 اولونمیزین اجل یتوب بو عبادت نوا بندن بنی محروم قیلدیر حضرت نوحه متوجه  
 اولوب برده اشیا صیبه مبارکین مجروح ایرب محاسن شریفه فان روان اولدی  
 و اول سیل نونا بیلد در بای طوفان موج ایرب حضرت نوح و عاقبت بیکر اتی مغلوب

ایکچو مجلس  
 حضرت نوح

فانقص

فانقص ناوک تیرد عاسی هدف اجابت یتوب احاطه طوفان عالمی دو نوب  
 جمیع مخالف غرقه اولدی همان نوح نابعل فور تولدی سیل بیدار و سحر منشاه طوفان  
 نوح اولسون غافل بلادن اهل بیدار و ستم خانه ظالم کیدر سیلابه مانند صاب  
 دونه طوفان عالمی مظلومه طوفانک نه خم کنز الغرایبده مسطور در زورق نوح ایا  
 طوفانده هر طرف سیر ایدر کن طقه کر بلا یه ارشد و کده حایر و بدو کله منزلده سحر اولوب  
 توقف ایدوب حرکتدن دوشدی حضرت نوح بو حال حیرت ایتد و کده نذا کله بیکر ای نوح  
 بو اول منزلده که مثل اهل بیت کشتل سفینه نوح بو منزلده غرقه کرداب خون اولد اولد  
 بیتنک اکثر افاضل و اعیانین بو منزل دایره حیرت بر اقوب کردان قیلدی فی الواقع تامل  
 ایتد و کده مناسب کور و نور و حدیث صحیح مقتضا سنجله اهل بیت حضرت رساله سینه  
 دیلور زیر اهل نفس اصحاب عنادله دریای مصایب تلاطم اولد و قده صحای کر بلا طوفان  
 بلا احاطه قله و قده هر کیم اهل بیت داخل ایدی بلا ی معصیتدن نجات بولدی و هر کیم خارجین  
 ایدی هلاک اولدی روایتدر که حضرت امام حسین علیه السلام مدینه دن عزیمت کوفه قیلد و  
 یتدی یا شنده بر معصومه سی اولوب مرافقینه قدرت بولمیزین ام سله خدمتده قائمشدی  
 و واقعه کر بلا دن صوره حضرت امام حسین علیه السلام شهید اولد و قده بر غراب شکین بال پر  
 بالین قایلر نکلین ایرب متوجه مدینه اولوب ام سله سرای دیوارینه قونوب خون افش تلق  
 ایردی اول معصومه آنی کورب حضرت امام حسین علیه السلام شهادتین معلوم ایرب نقاب



قیلدی اسم سلمه اتی ای مخی و نه واقع اولدی اول معصومه اتی ای عزیزه خراب منجر احوال  
 سفینه نوحه خالبا بکون سفینه اهل بیت طوفان بلای نیادن نجات بولدی و محرک  
 هوای قرب الهی آنلری ورطه بایلدن و اصل ساصل نجات قیلدی بو خراب آن زن کلو  
 و آنلردن خبر و بر اتم سلمه اتی بو واقعه تنگ نشانی وارد اول معصومه اتی نشانه  
 نذر اتم سلمه اتی بر کون حضرت رسول الله خلوندن و نه حقیقی بر مدت مکث  
 ادیب نرولیده موی و غبار آلوده روی مراجعت قیلدی دیدم یار رسول الله بونکر و  
 بیوردیک با اتم سلمه بویجه بنکاه واقعه بر بر کون ستر دیکر که آنکا کر بلا دیر لر اول منزلده جبر کوشم  
 حسینک و بعضی اولاد دینک قتلکاهین بنکا زیارت ایتد و یلر من اول منزلدن مقدار  
 خاک آلو بکلیتم مبارک الدین آجوب اول تو پراخی منکام سلیم اتی دی و بیوردیک  
 بو تو پراخی بر شیشه ده حفظ ایتد لکن و عده شهادتد بر بنشیند و کلی اجزای تراب  
 او راق کل کی فان زکین دوتر من اول تو پراخی حفظ ایتدیم و بر و ایتد و مخی قاضی  
 عیاض کتاب شفا ده نقل ایتد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امام حسین مظلوم قتلده  
 خبر و بر بنشین کر بلا دن که آنکا طفلد دیر لر دی بر بنشیند خاک آلو ب اتم سلمه اتی  
 و بر و ایتد و مخی امام یانی مرآت الجنانده انسن بن ماکلدن امام خلیل واسطه سبل  
 نقل ادیب سطور ایتد که بر کون ملک السحاب حجره رسالت کلوب حضرت امام حسین  
 حاضر اولوب فولدین حضرت رسولنک بویننه بر اقوب مبارک کیسور یل بنیاد  
 ملاعبت

ملاعبت قیلدی ملک السحاب اتی یار رسول الله بو پرورده نعمتک ایلان فرزند سعادتمندی  
 اتم بیوفاکر بلا ده قتل ایدره لر و کر بلا دن بر مقدار خاک نموننا بکون حضرت رسول عرض ایتدی  
 رسول حضرت آنی اتم سلمه تسلیم ایتدیدی هر تقدیر ایل اتم سلمه اول شیشه حاضر اید و بطل خط  
 قیلد و قد کوردیکر که اول خاک خراب املیش اول نشانه وقوع بولیش چون نشان ایل  
 کر بلا واقعه سینک کفایتین بیلدیلر آغاز مصیبت قیلوب عزایه عزیمت قیلدیلر  
 یارب بنه فتنه در که خراب اتی عالمی آرزو قلدی روح رسول مکرمی اعیان آل احمد  
 کردون جفا قیلوب اشرف اهل بیت رو کوردی مانتی و احسنا کر بولدی خلیل سبل  
 فتنه دن مشرک بنیای متقن و بنیاد محکم کلزار کر بلا یه نیکی دی نهال غم خوشد  
 که ایلیمه آنی سیراب کوز نمی ابتلای حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام  
 دیار بلاما نروری و کلزار عنا مجاور لرینک جمله سندن بری محبوب ملک الجلیل حضرت  
 ابراهیم خلیل در که تا خلعت خلت ایلد سرافراز اولدی و خلوت خلعت شرف محرمیت  
 بولدی هرگز هجوم بلا دن امان بولدی و صد و رحا و نه دن فارغ اولدی جمله بلا دن  
 بری اولد که نمرود مرد و نک آتش ایلد اسی زبانه حکوب سحاب تسلطی باران بلا تو کوز  
 استد عا قیلدیکر اول طلای تمام عیاره آتش سوز ایلد تاب بیره و اول شمع شبستانی  
 باقوب ظلمت سرای کفرینه نور و سرور بتوره الفقه ابراهیم منجیفه کرد که و ملایکه آنی  
 آتش منجم کورد که نهاجات ایتدیکر که یارب جمیع نبی آدم دن بر کعبینه در که سنگ

ادب جنجی مجلس  
 حضرت ابراهیم  
 علیه السلام مندر



احد بنكاست و عبادتك متصرف در آنی باند مقابله بر خفت و بر که معاش  
 قلیوب آنی بونهلکدن خلاص ایدیم حضرت عزتدن ندا کلدیک ملازمیندن کدن  
 اگر معاونت استرسه مدد ایدنک بواسطه ملک السحاب حاضر اولوب ایتدی ای خلیل  
 اجازت ویرورسن که سیلاب سیاستل اعدانک نایره فسادلرین منطفی قلیوب  
 بنای عنادلرین فنایه ویرملک حاضر اولمشم و ملک الارض ایتدی که اگر اشارت اولور  
 قوم غمردی قارولن کیمی تحت الشرا به چککه عزیمت قبلیم حضرت خلیل ایتدی ای عمال  
 کارخانه دنیا و قوانین نظام اشیا اصلاح بهبوده منم اقتیارم و دوستدن کلن دردنگ  
 در ماینه اقتدارم یوقدر در دیکه خرسند اولان در مینه درمان استمز ذوق تحت  
 بولع عشق راحت جان استمز هر کیمی استرسه جانان عالم عشقده فرد جبر ایدر تنهاله  
 انصار و احوال استمز بوناظره لرون صونه که خلیل منجیقون جدا و شوب آتش ناله  
 دو شکر قریب اولدی جبرئیل امین اول شمعنک باشند پروانه وار دوله نوب ایتدی ای  
 خلیل هل لک صحت حاجتد یعنی حاجتک و ارمی دیدی اقا الیک فلا یعنی احتیاج وار  
 اما سنکا یوق جبرئیل انری مدد ایتد آنک که اونکا محتاج سن ابراهیم انری علمای مجالی  
 حسبی عن سوالی یعنی آتشک علی حاله مانع در سواله غافل اولمزدون در ده گرفتار  
 ایلین عاشق عارف دکل در دینی اظهار ایلین ال چکن در دم علا جندن که تحقیق  
 ایتیمشیم استرسه صحت ویر بر بهماره بجای ایلین فی الواقع بر عاشق صادق که یازن

خیرنی

خیرنی کند و به اغیار سیلور بانبار نری ایل در مینه درمان قلیوبی عار بلور رواندر که  
 ابراهیمک کمال استغناسی خیردن در بای رحمتی موجب کلوب خطاب کلدیک صندن  
 غیور اسید و تمینی منده غیره محتاج ایتیم و بعضی دیمشدر خلیلنک جوابی جبرئیل اولدی که من  
 محبتستم هیچ دشمن کورمزم که بوجوالی آندن بیلم حاشاکه دوست جفا سندن شکایت قبلیم  
 یَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَجْعَلُ مَا يُرِيدُ بولفتاره مقارن ندا کلدیک یا انا انکونی بودا و سلاها  
 علی انک ایتیم یعنی ای آتش سوزان سلامت اولغل خلیلد نسته که اول طبیعت شریندن جنوب  
 محض خلاص اولدی سن دخی طبیعتنکدن جقوب احراقی اشفاقه تبدیل ایت  
 کلشن ایتد بر صبردن سیراب اولور صبر قلیونک آب کوهر سنک لعل ناب اولور تیره اولور  
 کسب ظلمت ایلیموب هر خانه کیم جلوه کاه بر تو نور رشید عالم تاب اولور و حضرت خلیلنک  
 بر مصیبتی دخی قضیه ذبح اسمعیل که لسان تنزیل جاری اولمش که ان هذال هو البلاء  
 المبین روایت صحیح و نقل صحیح که بر کون اسمعیل صید کاهدن خسار غبار آلوده ایل  
 حضرت ابراهیمک حضور مینه کلد که حضرت ابراهیم علیه السلام نظر التفات اول آفتاب  
 عالنا بنک صفی رخسارینک مطالعه قل و قوه سلسله کیمی مشکهار زن هر سر روی بر رک  
 جانینه پیوند و شمع شعله جمال پر انوار سندن هر رشته شعاع بر عضو مینه بند اولوب لذت  
 دیدارنده محو اولدی و تماشای خسار نه جمله نقد وجودین صرف قبلدی تعالی الله بهر خسار  
 مرغوب لا راد که دل در کنده عاجز جان تماشا سنده شهید در لاجرم سلسله غیرت عشق



الهی متحرک و لب رابطت مجازینک انقطاعی لازم مکتوب عشوق مشفق عاشق صادقین  
اختیار دین قطع ابتکار نوحه قیلیدی یار ایستمر که عاشق اغیاره یار اوله هر لحظه برزد  
ایله بقرار اوله ایستمر که لوح ساده اولوب نقش خیزدن پیوسته کند و نقشینه آینه دار اوله  
العقده چون خلیلک قلبین محبت اسمعیل مملوق قیلیدی راقعه دیوان فضا دین حکم اولدی که  
ای محرم سر پرده خلعت وای مقتدای جماعت است اگر جاده محبت نه ثابت قدم سنگ  
مندان غیر دین غمت کو تور و بو مفتونی اولد و غنک حکم کو غمتک رشته حیاتنه تیغ انقطاع  
یتور ایلمک معشوقی عاشق غیره مسا از ایستمر عاشقی معشوق هم غیر ایلد مسا از ایستمر  
ابراهیم اول یونودن بیدار اولد و قدح ماجر ایستدی ای هم سهر بان اسمعیل انواع زبیل  
برایه جمال آتور و تجدید لباسیل زبور ویر که دوست مهمانی اولور ماجر حسب الاشاره اول نورید  
آسمان لطفنک سبیل کبوس مشکبارین شانه لبوب و اول سر بوستان و لایتنک انعام  
لطیفین <sup>ابلیس</sup> الوانله مزین قیلوب مهیا قیلد و قدح ابراهیم ایستدی ای ماجر بر سر و بر تیغ  
دخی همراه ایله ماجر ایستدی با خلیل الله صحبت احباب سبب اسطه اتصال اولور تیغ که آلت  
قطعدر آنده نه مناسبه مجموع اصحاب محل حل اشکال اولور رس که آلت عقده در آنده  
نه واجب خلیل ایستدی شاید که بر قربان انکم لازم اولد و بغله و کسمک تیغ و رس ضرورت اولد  
العقده ابراهیم و اسمعیل ماجر و دایع ایرب روانه اولد و قلمزیده ماجر ورطه تفکره و دوشوب  
نتیجه قالد و قد زنگره ابلیس که محرک سلسله ف و د و موسه بنیان عدوان و عناد فرست  
بولوب

بولوب قصد قیلد که مانند آن خلعت رخنه خلل برافه و خلیلک معوره بنوین حیل ابریه  
بر بر صالح صورتنده تمثیل اولوب ماجر نک خد متینه کلوب ایستدی که ای صالح بیلور سیر  
که ابراهیم و اسمعیل قنده کیدر ماجر ایستدی دوست صلا صیافت ایدر میش آنکا اوج  
ایدر لر ابلیس ایستدی ای عاقل خلط خیال اینیش سن ابراهیم اسماعیلک قانین نوک  
استر تیغ ورسندن اندیشه نه اولد و غنم بلدنک و صورت افعالنک کون کیفیت احوالین  
ملاحظه قلمدنکمی بو کفنا ردن ابلیس عاسی بوایدی که جماعت سارق قتل معرود و طایفه  
عورات قتل مبر و نباطه موصوفدر ماجر بو خبردن متاثر اولوب اضطراب قیلد و خلیلک  
عزیمتینه مانع اولد ماجر اندی ای بر خرف عجب که سن ابلیس اولیسنک زیر اخلیل اختیار قیلندن اگر  
ایدر کن اسمعیل کیمی بار و فاداره جبار و اکور می ابلیس تری ای ماجر و افه سنده بومره مامور  
اولیشدر ماجر ایستدی خلیل الله کاذب کلد و فرمان الهی بو خصوصه صدر و بولدی ایسم جانب  
حقون انشاسته بیل اولدی ایسنه لال تیغ بلا چشمه آب بغداد و قطره خون اسمعیل الله بو کلام  
عز و علادر جانیله برون اگر خشنود اولور جانانمز جاننه منت در آتش قربانی اولور جانانمز  
ابلیس ماجر دین نو صیدا و لب خلیل الله رکندارین دو توپ ایستدی ای عاقل زمان و افضل اهل  
جهان نه روا در که کلد از بنو تنک مال پاکین کشن اقتدار اکیمن و سوسه خواب خیال ایلد آرزو نه  
جفا قیلد سن هدف سالتنک کو هر نا بناکین زبور اسخر و اعتبار اکیمن و غنقه فکر مالاکرد اب بلا  
سالوب تیغ و متأسف اولد سن باغبان زینت کلد از اولال شاخ کلی کسوفوت زینت کلد از



اندر پیشه قبل نشاد ایدب اغیارنگی آزرده قیلله یارنگی رنج و یار و طعنه اغیاردن اندر پیشه  
حضرت خلیل بیلدی که اول بو بخت ایلدی دیدی ای مدبر اگر چه میوه نخل حیاتم و کهنه  
کوهر ذاتم اسمعیل در صفه اگر هر رک اعضای ترکیبم بر اسمعیل اول و در حمله سینه قطع امر عبود  
صدور بولس و توقف انیم و طریق تخلف و تمیم در عشق یار کونکم ملکینک سلطانید  
حکم آتشک حکیدر فرمان آتشک فرمانیدر ابلیس لعین آذن دخی نومید و لب اسمعیلی طفل  
صانوب فریبه قابل نهو ایدب ایتدی ای کلزار نبوت ای نعل حدیث رسالت عربینک  
نهنگار در اسمعیل ایتدی دوست ضیافت خانه سینه ابلیس ایتدی عاشا ابراهیم سنی ذبح اینک  
اسمعیل ایتدی ای پرگاه نم قلم آتشک مراد اول و در دخی آتشک طاعتی بجا امر اول و نبوت در انقیاد وزن  
نردم بودر خصوصاً امر اول و نبوت اول جانمی جانان نم ایسترنه شت جانم جان مکریم آبی  
قریان ایتیم جانانم خلیل ایتدی ای اسمعیل بو بخت ابلیس در حمله سندن هذرایت اسمعیل  
جانب ابلیس سنگ اجتناب آتوب دفع ایتد و کد نضکره والد صالح و ولد خلف اتفاقاً مینایه  
کلید ابراهیم تیغ چکوب سنجیقرب ایتدی ای فرزند عزیز ناظم کارگاه حکمت و مقور صورخانه  
فطر تن حکم اول و بدو در صلح آتشک در اسمعیل ایتدی ای والد بزرگوار بو فرمانه موجب ایتد  
خلیل ایتدی ملک محبت قبول شرکت قیل و محبت مشارکت مناسب امر غالباً طغیان مجتهد  
موجب تحریک غیرت حضرت عزت واقع اولدی و هوای افراط و تفریط بایر شک مجب  
حقیقی متحرک قیلدی اسمعیل ایتدی ای عزیز غالباً که بو واقعه تاثیر خواست اغشکر و بو فرمان نتیجی غریب

راحت

ذبح

راحت بابتک عجباً اللیحت کیف ینام کل نوم علی المحبت حوام و بیشتر که متوقف  
عاشق همیشه بیدار و دایماً جلوه حسنین فرودار ایسترسن که دعوی عشق قیل آلوده خواب  
غفلت و آسوده بستر راحت از لیس عجب میدر که بیل خواب پریشان کورب پریشان خلق بود  
الغده هر طریقی اسمعیل اول واقعه کند و به شرف روزگار بلوب و اول سعادت مباحات قیلوب ایتدی  
یا آبت افعل ما توفی ای پدر بزرگوار اسمعیل دنیاده بدل و اراما امر حضرت خلیل عیوض  
بو قدر احد مطلق دامن دوت بوقه اسمعیل کی جو قدر ابراهیم ایتدی ای فرزند گرامی نه صینک  
وار ایتدی ای مخدوم نامی اوج و صیتیم واربری اول که زمان قتل بمی حکم بغلیه سن که اقتضای  
الم تیغ ایرشد که جسم ضعیفم اضطراب اختیار ایدب حرکات سناک بر آسیت  
موجب عصیان اولیه حکیم خیم نوک قائم تیغ بر آتشک سنگ فورقم آندرد که برون  
اوله دامانک سنگ ایکمی و صیتیم اولدر که زمان ذبح و خضار و زردی بر یوزینه برانوب  
منی بسم ایه سنگ اولیه که مطالعه صفتی رخسارم ایتد و کده محبت طبعی متحرک اولوب  
اجرای حکمت تأخیر و بروب قتل مانع اولد و بو صورت سنی توفیر طاعتی قتل و اوچی و صیتیم  
دخی اولدر که دار السعاده ننگا مرا حجت قیل و قد و والده مهربانی سنی ایدب رعایت  
واجب بیلد سنگ و در شکر طریقنه هدایت قیل سن و صایا تمام اولد و قد و ابراهیم ایتد  
الذین اباقدرین حکم بغلیوب خلق مبارکینه تیغ بیدرین اور و قد و ملایکه زمین و آسمان  
خزونه کلدی که یارب بونه بنده عظیم الشان نذر و مخلص عظیم الا فرزند که طریق محبت



آتش سوزانه برافروز تفاوت قبل و بعد کوشه سینک قلبینه حکم ایدر برتر جزا و لمر القصة بمیت شوب  
بنج جالری قطعاً قطع ایتدی و اول جسم لطیفه فریتدی خلیل الله خشمناک اولوب تیغی دانه  
چالده و قد تیغ تیز زبان چکدی که الخلیل یا صوفی بالقطع و الخلیل یغنیانی من مترصد  
حکم جلیلیم نه تابع امر خلیل روایتدر که بوجالتده ملایکه عالم علوی متجی اولوب ایتدی یار ابراهیم  
اسخی میدر که جگر کوشه سین قربان ایدر یا خود اسمعیل اکرم میدر که حق ریاضا سین و دوتوب  
نیک جان ایدر حضرت واجب الوجود دن ندا کلدیکه من ابراهیم دن اسخی و اسمعیل دن اکرم  
که ابراهیم قربانین قربان ایتدین قبول ایدرم و اسمعیل سوال ایتدین آنکا هدیه ارسال  
ایدرم القصة ابراهیم منجیر ایکن جبریل اینوب قربان بیتور دیکه ای خلیل قل صدقت الوبیا  
اشارت و بشارت سنکا که قربانتک مقبول اولدی و عبادتک درجه قبول بولدی  
و کیش عظیم البرکاتی اسمعیل عوضه قربان ایت ابراهیم نشطاً تماماً بند بلای اسمعیل دن  
کو توب اول قربانه تیغ چالوب اسمعیل ایتدی ای فرزند عزیز چون نقد عبادتک سک قبول  
بولدی و درگاه رضا معبود چه مبارککا مفتوح اولدی بوشکرانه ایل بر دماغیل و فرصت خفیتدر  
بارگاه کبریا دن التماس عفو و عطا قبل اسمعیل ایتدی الهم انصر الزمان پیغمبرینک امتینه حمایت  
که آنلازه اولان عفو و عطا همان منکا در جواب کلدیکه ای اسمعیل اجبتک قبول اولدی و  
درجه اجابت بولدی ای خوش اول بنده کیم عبادتیل شرف عز و اعتباری اوله کند سین  
نور تربت عاصیدن خیر خلقک فی شفیعی اوله حضرت امام علی ابن موسی الرضا علیه التبیته

والتنادن

والتنادن نغدر که ابراهیم عوضه قربان ایتد کونشکره خاطر شریفه منظور ایتد و کده که فرزند  
قربان آنکه عزم انجیلک خورش ثواب حاصل ایتدم حضرت عزیز دن دخی ندا کلدی که ای خلیل  
مجموع خلقدن کیمی زیاده سورسین ابراهیم ایتدی یارب سنکا معلوم محمدی که افضل کایناند  
خطاب کلدیکه محمدی زیاده سورسین یا او زکی ایتدی منکا که محمدی جواب کلدیکه آنک که اولادین زیاده  
سورسینک یا کند و اولادنک ابراهیم ایتدی منکا که آنک اولادین ندا کلدیکه ای خلیل آنک اعتر  
اولادین کربلا ده شهید ایدر ابراهیم اول واقعه استماعدن متالم اولوب قربان اولد و قد  
ندا کلدیکه ای ابراهیم مظلوم دشت کربلا ایچون بومقدار ناملنک نوبی او غنک قربان ایتد کنگ  
خواندن زیاده در تامل ایدنک ای اهل فراست که شهید کربلا ایچون بمقدار عمل ناجور در  
عبادت مانور فی الواقع مناسب احوال شهید کربلا وقایع امور ابراهیم و اسمعیل ابراهیم  
اگر آتش خروده توجه قلدی و ملایکه دن معاونت قبول ایتدی شاه کربلا دخی مصایب کربلا ده  
شکر جن و سپاه ملکدن مساعد استیوب استغاثه دانین دوتدی و اگر ابراهیم واقعه حکمی ایدر ایدر  
ذبح ایتدیکه اقدام ایتدی شاه کربلا دخی واقعه مقدضا بنج متعدد اولادین و انس بین فدا قیلو  
درجه کاله ایتدی اگر اسمعیل نقد جان صرفه حق ایتدیکه موفق اولدی شاه کربلا دخی اول مرتبه  
احسن و جمل حاصل ایدر به شهادت توفیق بولدی اینه اهل تبیین منقولدر که هر دانه شرک  
که شهیدای کربلا ایچون کوردن نوکلور صرف شرفه بر کوهر تابد ایدر اوله میزان عملده اکثر  
سینانی رفیع اولور و صحیح اعمالدن اکثر سواد خطای اول محو قیلور کربلا شهنشهرین

Handwritten marginalia in the left margin of the right page.



یاد فیلوب اشک تو کن آتش و زهرادن الم و غم بجز شمع اهلین آنکوب شوقیله یانوب  
 یا قیلین الم شعله نیران جهم بجز شمع سبیل بن عبد الله و همیشه در کمن عاشور کونی اشک  
 ندامت تو کردم و الم تا سفا بیوب حسرت بکردم که درینجا اول شاهنک افقه کر بلا ده ملازمتیه  
 موفق اولدم و خدمت معزنده سعادت بولدم بولم لعل ایله دیدم غدا کم یوفویه کنده  
 حضرت رسول صلی الله علیه آله و افعده کوردم بیور دیکه ای سبیل حضرت ذوالجلال لک عظمی  
 حقیقی که هر قطره اشک منم فرزند مصیبتده کوردم تو کله اولقد ثوابه سبدر که صابنده  
 کتابه یوان فلک عاجز دره بودی اخبار معبر و نذر که حضرت امام حسین روز قیامت عرصه  
 عرصه جبره خون آلوده کلوب ضایعات اید که دیت شغنی فیمین بگی اعلیٰ مصیبتی  
 یعنی الهی حضرت شفاعت بر شکا آنرا بچون که مصیبتده اشکبار اولمش و تضرعیده اهل  
 بیت شیه فیلوب ثواب کلی بولمش خوش اولکه یاد فیلوب کر بلا شهربارین زمان زمان  
 تو که نولوی شاهوار سرشک ابتلا ی حضرت یعقوب پیغمبر علیه السلام زمره ارباب  
 بلا و زرقه اصحاب خانیک بری دخی یعقوب پیغمبر علیه السلام در و بری یوسف صدیق حضرت امام  
 رکن الدین علیه الرحمه ترجمه سوره یوسفه ببله تحریر نمیشد که بر کون شتره ابروان ریش  
 و دیباچه دیوان نبوت منگن مسند راحت اولوب در بای التفاتش بر کن روزه کومرته  
 و فاس مجنبا و بر کناره سر و بویبار سنا حسین بن علی المرتضی علیه السلام قرار و نوب  
 گاه اول کومر نظاره سندن دیدیه نوز و بر روی و گاه یوسر و شاهده سندن سینه سرور و توفیق

در این مجلس  
 حضرت یعقوب  
 بنود

بوم حال معارن جبرئیل ملک الجلیل و نک کلوب سلام بنور سینه اشارت فیلوب ابتدی  
 یا رسول الله اتمجتها حضرت پیغمبر یور دیکه نعم اولاد و اگدا و نا جبرئیل ابتدی یابی  
 محبتی منت و میدر با متفا و می حضرت سول ابتدی لا فرق بینهما ببر معارف کومر  
 و فلک مکارم اختر لریدر جبرئیل ابتدی یا رسول الله بوا یکی شهزاده تنک برین زهر ضایله هلاک  
 فیلوب برین تنک تیغ میدر بنی ایله بغربن جاک ایدره حضرت سول صلی الله علیه آله ابتدی من  
 بفعل بهیما یا انخی کیمدر بوا فعال قیده منفردی اوله جبرئیل ابتدی یا رسول الله امت  
 بیوفالرنک حضرت سول ابتدی آبان جبرئیل مقبول اولد و نه جنایتله و جنایه استحقاق بولدر  
 جبرئیل ابتدی جنایتدن معر و ضایاندن میرادر حضرت سول بولایه کند و سین مخصوص  
 متصور فیلوب بوجفا ده متالم اولد و قد جبرئیل اول حضرتنک تسلی خاطر ایچون بوی  
 سوره سین نازل ابتدی قوله تعالی فَمَنْ نَقَضَ عَلَيْهِمْ آخِذُ الْقَفْصِ  
 محبت حسن و محنت حسین شهید دمی که اولدی غم افزای طبع پاک سول تسلی دل  
 پاک ایچون حقن بیان قضا یعقوب یوسف ابتدی نزولی و منشا ابتلا ی حضرت  
 یعقوب اولدر که اول حضرت حقن اولن ایکی اولاد ذکر کرامت اولکوب جمله سندن  
 سیر شده و صورتده یوسف اکمل و اجل واقع اولدی نده کیم صریح تنزیل آذن خبر و بر  
 که عاشا لله ما هذ بشوات هذا الامم لک کدیم جمال بی بدلی فتنه خواس  
 و عام کل همیشه بهار و نه همیشه تمام عشق و محنت ملازم حسن و ملامت اولوق عادت



معمود اولمغین بهیرت یعقوب یوسف کمال و جمالینه برغایتده والہ اولدیکه باقی اولان  
 فراموش قیلدی اولاد یعقوب بوجالته مشاہدہ قیلدوقده آتش رشک حزمین  
 مرو تکرین باقوب سبیل حسد بنای مود تکرین یعقوب یوسفک دفعینده و رفعینده  
 هست و تدریقا عده مراعات اخوت و ابوتی او تدریلر ہوا تدریادی بنالر  
 یقر حسد آتشی خان و مانلر غیر همیشه مقدمات مکر ترتیب اید بل نظر فرست  
 اولر زمانہ دک کہ یوسف واقعہ سزده مرد ماہ و ستارہ لری کند و سینہ صاحب کوری  
 و یعقوب آتشک تعبیر بر صورتی و آنک مہا تندن حسد اخوان زیادہ اولو  
 بر موسومہ کہ یوسف کل مضر کلزارینک سلطان اولشدی و دشمنہ سید لکب محفو  
 خوانین مہر کیمی اعضای لالہ زاری بارہ بارہ قیلشدی اولاد اتفاقا بابا لری یعقوبک  
 خدمتینہ کلوب ایتدی لری آسمان نجوم سعادت ای معدن جو ہر فنوت ابکا  
 رباجین پردہ خفادن یعقوب عالم افروز اولدی و مشاطہ نو بہار جهان حلیہ از بارہ  
 مزین قیلدی ضرر پردای سیلاب فائز کمالی انا در رحمۃ اللہ دیو بوسکان بیت  
 الاحزانہ صلا سیحرا و پرور زبان سبزہ نوحیز انما العیون الذین لالعجب کھو  
 دیوانہای مزده تماشا ی بہار بیابان ینور جوقی یا شیل پردہ دنک عرض  
 ایلدی رخسار کل سالدی مرآت ضمیر پاکدن زنگار کل صان ذلیخا خلوتیدر  
 غنچہ در بستیم چہدی آنک دامن جاکیل یوسف ار کل نولہ کربو موسومہ یوسف  
 رخصت

رخصت دیرہ سنک کہ ہر دم لالہ زار سیردن کل کیمی کو نکل اچیلہ سبزہ نظارہ سی زکس  
 شہلا سہن منورہ بنفشہ عطری دماغ لطیفین معطر قیلہ یعقوب ایتدی ای عزیز لر  
 یوسف ناز پروردہ مسند را صد رزده جفا سینہ تخیل انیز و طفل نازک طبع در سباع  
 ذبابہ مقابل اولست مغاوتنہ قدرتی ینیز اولاد ایتدی لری پدر بزرگوار یوسف بزم  
 حمایتزده و حرز مرا سزده اولسہ کرک حمل سباع نہ مجال یا انحر حیلہ زبابہ نہ احتمال  
 القصہ انواع الی حالہ یعقوب یوسفک فراق نہ رضا و یرب انعام لطیفین ملون جامہ  
 لریلہ مزین قیلوب اولادینہ ہمراہ اید بشارش ایتدی کہ دروازہ کشف نازک خارج شجرہ  
 الوداع آلتندہ من کلنہ تر قف ایزنک آنک کیدنک آنک شہدن جیغوب سجرہ الوداع  
 یند و کرہ یعقوب دخی متعاقب کلوب یوسفی اختیار سیر یغیرینہ با صوب یوزین یونہ  
 سور بایندی ای اولاد احماد یوسف مجتہدن منی معذور دینک کہ او را اختیار مل  
 و کل لذت شوق جمالی دمدم افزون اولور عارضین کور کچہ کوز کونکلم ہنر  
 مفتون اولور یوسف ایتدی ای حکمر گوشہ وفا کہ اگر قدرتم اولیدی سزک آیر لر دم اما  
 یندہ ہم ضعیف عالم ای فرزند لبند جہد قیل کہ بویکچہ معاودت قیل سن یا بنی الوہیت  
 اللیل لا احوقت پس یوسف آغاز نصیحت قیلدی کہ ای فرقا العین اللیل جبتلی معلو  
 و کل کہ یارین آیتہ روزگار نہ صورت کوسترہ دیو بوستان عالمہ نہال حکمت نہ غم ویرہ  
 بویک نیلگون بنک موج ہر ساعت عیان ایلر اولو الاربارہ بر کشف اسرار ی



نهان ایلمر حالا سگاد و دست نصیحت و اربانی لا انتشی الله ای فرزند معبود کنی او تو تم  
 اذ اوقعت بلیة فاستعین بالله یعنی اگر بلا بی و تو شک معبود دند شک معاونت  
 ایستد فی اکثر الاوقات اذ کثر من قول حسنی الله ونعم الوکیل یعنی بویکه  
 اکثر وقتلده جوق ذکر اید سن ولا تنسانی فانی لا انساك یعنی منی فراموش  
 اینته که من منی او تو غمزم روایتد که یوسف شک بر دنیا نام همیشرسی و اربدی یوسف مقوم  
 صحرا اولد و منی زمانده اول صالحه او فوده ایدی واقعه سنده کوردیکه یوسف بر بچه کرک خوشواره  
 گرفتار اولدی اصطر ابله بیدار اولدی یوسفی تفحص ایتد و کده دیدیکه صحابه متوجه اولدی  
 فریاد و فغانیل شهر دن جقد قده کوردیکه یوسف یعقوبله و داع ایتد که در ایاغینه و ثوب  
 تفرع قیلدی که ای عزیز من وای پدر مهربان بر نشان بو تو کوریم یوسف شک عزیمت سفرین  
 فیج ایستد اگر تو تم لازم ایستد کاملا ذمتده اولمده رفعت ویرکه مفارقتده طاقتم بو خدر  
 شب و داع سحرگاه روز مجرا نر اساس بنیه فریاد آه و افغاندر الفضا قضای حکم قضا  
 فیج عزیمتد رضا ویر میوب یوسف والد بزرگوار همیشرف و فادار ابله و داع ایوب اخوان  
 جفا کار ایلد روان اولد و فده یعقوب رو بلی ایتدی ای فرزند منم ابرار لادم من یوسفی  
 سگاد تا بشودم سندن استرم خالبا بوسهون که دیمدی الله تعالی حضرتند تا بشودم بونجه فراقه سزاوار  
 اولدی و بلا لره استعداد و استحقاق بولدی هیچ مقصوده دست سس بولم غیر معبوده اعتماد  
 قیلن و اصل منزل مراد اولم از ادوب آئی غیر یاقیلن و بر شرب شیر و شکر و بلی تسلیم ایتدیکه  
 یوسف شک

یوسف شک طبع نازکنده ناب حرارت آفتاب طاقت بو قدر نشنه اولمده بر شرب دن حرارت نشین  
 ویر بر روزیاده توقف ایتمیوب یوسفی سگاد تکابنوره سیز که سیز کلیم من منز که غمزم الفضا آنکر  
 روان اولدیلر و یعقوب آنکر شک اثر لر بلی بلیان قالوب هر لحظه آه جگر سوز جگر دی  
 و هر دم بینک قطره اشک که کون نو کردی کیتدی اول سرو که کام دل دیوانه ایدی مرغ  
 جان نور رحمتی شعبینه پروانه ایدی خالدهی بهجند کونل مضطرب کردان ای خوش اول  
 دم که او تکا جدم و همخانه ایدی جو یوسف را بان کرکان سپردند فلک کفنا که کرکان  
 برده بردند یعقوب شک عرصه مناجاده سلی اولد و بجه یوسفی فرزند اشکری مکرتم و محترم دوتوب  
 کوک سرنیه آلبگاه باشلر سینه کو توب کیدر لر دی کیمی گو سنده ایلدی مقابین  
 کیمی باشند و مقام احترامین کیمی ایلدی کرد امین پاک بولندن دفع ایدردی خار  
 خاشاک کیمی نکر ایدرب کفنا شیرین و برردی نازنین طبعینه تسکین گروه حیل انگیز و  
 جفا جو کمال مکر ایلد یعقوبه فرشتو قیلوب اظهار آثار تلطف قیللردی قوت تعلیم یوسف  
 چون امتداد بعد مسافت یعقوبله اولادی ارا سنده حایل اولدی و رشته قد شعاع  
 نظر یعقوب بنیج سبیل اشکال انقطاع بولدی اول بیوفالر قوتده اولان کینه لرین فعل  
 کنور دیلر و پرده مواسا و مدارای ارادن کو توردیلر و یوسفی که افسر قرق رفت و کوهر  
 تاج سعادت لری ایدی عاتقه نام کیمی باشلر سندن خاک مذلت بر افدیلر که ای صاحب فریاد  
 کاذب اول مسجوری اولد و غنک مهر و ماهه استغاثه قیل که سگاد اعانت قیللر



و واقعده کور و کنگ سناره لردن توقع ایت مبوط اخترا بل اقبالنگا مساعد اولسونلر القه  
یوسف اوج تعظیمدن خفیفه و شوب کریم توجه ایتدی تعرض ایتدی و هر جانب  
که مایل اولدی آزار بولدی ظلم الیل باشندن عمامه سین سالوب تعلیل ابا غندن آلوب  
سنبل کبسون پریشان ایتدی و خار خاشاک زیرینه آتی پابرمنه برتدی کف پان  
جراحت قیلدی پر خون سمن برکینی خواب ایتدی کلکون غبار آلوده اولدی ماه روی  
پریشان جعد موی مشکبوی کیم کیم ایلدی و دینی اظهار آنکا البته آنزن ایتدی آزار  
کیمنک کیم دانی و تدی اول پاک کریمانی قیلدی کل کیم پاک کیمنک کیم آغینه و تدی  
اول نور باشنیدن قیلدی رفت سایه سین دور اول وفته دکه آفتاب له قلع بولدی و  
سینه سوزان یعقوب کیمی عالم سوز اولدی آتش عطش حکم بوسه حرارت بل قلدی و لهب  
شدت عطش حزن صبر و قرارین یافدی بزمده قیلدی سر و خرامانی قلع آب  
کلیم که دوشدی تاب حرارتدن اضطراب یوسف غایت اضطرابدن و بل ایتدی ای برادر  
من سنگ حیطه امانت و حفاظت است که ام منکار حلیت و فریاد بیت آنزن التفات یوسف  
شمعون ایتدی ای برادر شیخ طغیان عطش رشته حیاءم قطعند و در نوله بر قطره سوز یازد  
اضطرابیم تسکین و پره سنگ شمعون بی مرمت اول مشرب نو پراغه نو کوب آنکا و برودی و اول  
شیر و شکر نو پراغه و کوردی و آنکا لایق کوردی نته که دشت کر بلاه بعضی بد بختلر لال  
فراتی جمع مخلوقات مباح الکن آل مصطفی دن قطع ایتدی و طریق هدایت ظاهر الکن

آنکه

آنکه راه ضلالت و تدیله دور ایتدی کر بلا راه خطا و تمیشت فرات قلمه منبش آل محمد و تنگ  
درماننی اول سبد نور یو کیم عذریله و تمیشت فصل الی یوسف فریاد خاک کر بلا و امانینی القه  
شمعون ایتدی ای یوسف قرناش لردن توقع ایتدی و کنگ قطره آب شسته تیغ آبدار و ملح الیلدن  
التفات نوک شجر خوشخوار در یوسف که و عبید هلاک ایتدی مخافت قتلدن اکل و شراب ایزدی  
چون صید اولدی افغان ایزی یوسف در اشکینی غلطان ایتدی یوسف جگر فانیله  
مژگانین قیلوب نم نم مژگانیله پردی و مادم که ای سبیل سرشک تندر قنار جوامع یوق  
سنگ لطف ایلر نه مار یری یعقوب حاملدن خبر و یر خم بی اعند المدن خبر و یر خبر و یر سوبله  
ای بر بلاکش قیلوب هر یوسفی کردون مشوش اولوب در خاک ذلت خاکساری نه همرازی  
نه غمخواری نه یاری آیا که یعقوب پریشان روزگار یوسف خجسته خضالی اول ذلت کورده  
ایدی نولوردی حالی و اگر مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم کر بلاه حسرتک مالینه مشاهده قیلدی  
ذغایت بزدی محنت و ملالی تحقیق محنت و غم آل عبا ابجول صحرای کر بلاه کدار ایلد یابانی  
حال حسینه خاک مذلتده قبل نظر اندیشه غریب یار ایلد یابانی القه یوسف جهادون نومید  
اولوب روی تفرع قبل مناصاته و توب ایتدی الهی نته که نار غرودون خلیل نجات یردنک  
و طوفان اضطرابدن نوصه مدد یوردون منکا بو عاده دن امان و یر یوسفنک نسیم متجانی  
یهود اشک روضه سمعندن کل رفت آجوب یوسف ایتدی ای برادر تو هم ایتدی که منم تها  
حیاتده اثر اولد و فیه سنگا ضرر قناتیز و صر صر آفت حصار حمایتده کشتن احوال کدار ایتدی



سایر اخوان بهودانک ظل حمایتین یوسف که از زنده ممد و کور قبضیدن تجاور اید  
 برخیزند پیرا بنیدیکر قول تعالی واجتبعوا ان یجعلوه فی غیابته الحب اتفاقا کنک  
 اوج میل مقداری بر چاه بعید الفور و ارایی اول چاهی سام بن نوح علیه السلام عمل ایدی  
 یوسفی اول چاه اوزرینیه آپاروب برامق تدارکنده اولدوقده یوسف اول واقعه دنگ  
 اضطرار جکوب اخوان بیوفانک اللہین او یوب ایا غلرینیه یوسف سرب استغانه  
 قبلی اما فایده قبلی و هیچ برینک دل سختی آشک مرور سیل شکند نرم اولدی  
 دره که دارد مرده بریار قالدی شرح غم دل انیکه غمناقالدی طی قبلی وجود و مرده است بساطنی  
 مطلقا طرد و دره دیار قالدی یوسف کوریکه امتیجات بوق تفریح ایتدیکه ای عزیز  
 بر دم مهلت و یرنگ که ایکی رکعت نماز قیام ایدیم دیدیر سن نه یلور سن نازنر یوسف دیدی  
 اگر چه طفلان اما پدر زبر کوار ایل محراب عبادت جوق توجه ایدب عادت انجمن مالوغم اولمشد  
 الفقه احازت آتوب نازه مشغول اولدوقده مناجات ایتدیکه یارب زام مهام تنک  
 قبضه اقتدار کنده دریندن حمایت استرم مناجاتن فارغ اولدوقده اول بیوفالر قوتزه اولان  
 اطال دست تغلب قلیوب بدیندن پراهن مبارکین جعفر من استدر که یوسف اندی ای تیر تیر  
 زنوبی ستر عورت مرده یکن لواز مدر نوله اگر پراهنه مخوض اولمیه سیزدیر خون آلوده اید  
 یعقوب کور ستر مکر ایچون پراهن بزه مطلوب در تضرع فایده اتموب بدن لطیفین غنچه وار  
 پراهن دن مترا قبیل یار موی میانشه رشته رس چو نر ایدب تیره چاه ایدر دیر تنی پرتن

قبیل دیر

قبیل دیر عور کلین برک سندن قبیل دیر دور رسنر ایلیمو باعضا سینه بد درونین  
 باقدیر قتل مانند مقید اولمیب فریاد آیه آفی ایتدیر اول تیره چاه شعاع  
 نور روی برق آبی منور ایلدی اول تیره چاهی اما هنوز نصف راه قهر چاه اولمیدین  
 اول رسی سلسله راه محبت کبی قطع ایتدیر و چار و تنهارا قوب اول چاهنک اوزرینیه  
 خار و خاشاک بغوب اوزریندن کیشدیر و ایتدیر که یوسف غزون قطع امتداد ایدب  
 کند و سین حضرت واجب الوجوده تسلیم ایدب غایت مؤشندن بهوش اولوب  
 و چون فراموش قبیل دیر حضرت عزیزن جبرئیل حکم اولدی که اذکر عتدی فی الحال جبرئیل  
 یوسفی کونورب قهر چاه به نور دی وصل بهشتن ستریدن دیوب پر و بالین صحت ایچون  
 جبرائیل سینه سرب سربا کین مذلتدن کونورب صورت احوالیه حیران ایکن نراکله یک  
 یا جبرئیل یوسفنک برچیزواستین اختیار ایتدیر غیر سدر و بیدار اولدوقده منم سلام بتور و نرده  
 نجات و جبرئیل ایتدی الهی اجازت دیر که اوزمی آنکا بغوب صورتند کوسنم کعبند  
 مشتاق در یوسف اول خواب بهشتن بیدار اولوب اول سکر خنندن بیدار اولدوقده جبرئیل  
 یعقوب صانوب فریاده کلدی که ای ایتاه کور دنگی اخوان بیوفانه جفا لریلدیر و عفو نیر  
 منی یوزندان بلایه سال دیر جبرئیل اول اضطرار طافنت کتور موب سیدی ای یوسف من  
 یعقوب دگلم جبرئیل اینهم و رسول رب العالمین خدای سنکا سلام بتور و فراق والدنک  
 خصوصنده تفریق برور و حکم ایدر که بلایه نجل ایدر سن و صبر یار نجات ایتدیر اول سن



صبر قیل صبر که مقصودینه صبر اهل بیت صبر ایدین صبر ایدین سرشته مقصود دوزر روایت کرد یعقوب  
اولاد یزداد است و دایم منزلدن متحرک اولوب اول مسافر لنگ مر اجعتنا انتظار جگر دی  
و لوطه لوطه یاد خیر یوسف ایدب آه صوت جکوب دیده دن اشک شامت نو کردی  
اولز مانک اول آفتاب عالم تاب اول خورشید زین طناب یوسف شمشعاعه جاده مغرب  
نزد اول استدی و غبار کرد و رت ظلمت دود دل یعقوب کیمی صفی روز کاری دوندی قطعا اول  
مسافر لدن اشک و نمیب یعقوبیک اضطراری حد دن زیاده اولوب یدری بر خبر ویر  
ای صبا سوز و انم قنده در جانمک آلمی یوخ آرام جانم قنده در نیک و ننگ خندنگ  
فک خورشید عالم تابمی سول رخ فرخنده ماه مهربانم قنده در دمدم تخیل ایدری  
که آیا اوج المکن اخترم طلوعینک نازنین سبب واقع اولدی اوله و آسمان دعا دن آیت  
رحمت نزولینه نه مانع اولدی اوله شام اولدی و کلدی نکارم ای دیده نوک ایدری  
اشک بارم معنی دور ایدنک ای دور فک بر ماه سجادن که ذوق و صلید رگیزش نکادینا  
و عقبا دنک شب تار یکدن ای کردون قیاس اشک حالین که دوشمشدر جدا بر افتا  
عالم آرادن یعقوب تمام کیم بوسود بل مترنم ایدری اول وقتیه دک یعقوب بچند موی  
صبح صادق یوسف خورشید اشتیاق دن آه سرد جگر دی و بر کردون خم قامت اولوب آه  
سودن رقت قیلوب ستاره سرشکین توکی یعقوب ادای نماز صبح ایدب اولگون دخی  
منزلینه مراجعت قیلوب شجره و دایم آکنده سایه وار یدون یره مترد اولوب اول شمع شبتان

انتظار اید

انتظار اید ایل نوصه قیلدی اما اخوان یوسف اول ام قیلد ارنکاب استدی که نضنکه  
اول کیم مراجعت میت اولوب بوجاده قالوب بوقوبه کیتدیلر نصف اللیلده بیهودا  
سایر خواندن خفی چاه اوزرینه کلوبند اقیلیدیک یا اخی انت اخی ام میت یوسف  
ایندی آیا سن کیمسن که غریب لرحالین افسوس ایدرسین یدی ای برادر من بیهودا یم نذر  
حالنک یوسف ایندی ای غریب نوله حالی آننگ غریب لدن جفا کورد که معاونت استدی  
قومن جفا کورب آتش فراق پر و نایره خدای برادر دن ضمن حیاته نه خایته و خدمت  
ایچون دانیان دوشن طایفه پید ایلد احبب کر بیابان دونه سزب ملک خشم  
خراشنگ آه درد غم نه بر مؤسس نه بر شفق نه بر همونه بر همدم بیهودا ایندی ای برادر  
کیفیت حالنک معلوم درو قینک و اربابان ایت یوسف ایندی و صیتیم بود که والد بزرگوارم  
حسنوزده مجلس جمعتنکرا انعقاد بولد و قدومم پریشانلغی فراموش نمیه سیر و جهد نکرا اولوب  
اول بر عاجز نک کو کلین یغیب انجمنه سیر الله الله نه مناسبدر بود صیت آنکاکیم حضرت  
سردطان کر بلا حسین بن علی المرتضی علیه السلام امام دین العابدینه و صیت قیلدیکه  
ای فرزند دلیند سلامی صلحای امتیه تیور و التماس ایتیکه بر قنده که بر ظلوم و غریب شاهد  
قله و قجه نم مظلوملغ و غریب لغم یاد ایدر ای قیلانلر آرزوی آب کوزد مبدم تشنه  
دنیا دن کیدن آل رسولی یاد ایدونک ما جرای کر بلا ذکرین قیلوب شام و سحر طبعنکرا اول  
ذکر رفت بخشیدل معتاد ایدونک روایتدر که هنوز بیهودا مراجعت قیلدین برادر ایدری



خبردار اولوب تنبیه کلوب کوردیلر کریان سبک که به نذر دیدیدیلر بوغریلر کچون آغلارم برادر  
آنی ملامت ایدر سرجاهی محکم ایدر متوجه کنعان اولدیله بو سنک بر این برک کل کی  
خونین ایدر ذبابه آلدردق و یکله اتفاق قیلدیله شجره الوداعه فریب اولدوقده یعقوب  
ملازم اولان دنیا نام دختر بلندی اختر کوردیکه اولاد یعقوب کلور اما ارزنه یوسف قیو  
اعضاسینه لرزه در شوب مضطرب اولدوقده یعقوب ایتدی ای ضعیفه بونه عشته  
اول معصومه اول مظلومه ایتدی ای پدر بزرگوار اولانک کلر بلر اما یوسف کورنر بلیم  
کلر آجلدی کورنر اول کل خندان نه سود جقدیلر سیاره لر خیمه تابان نه سود  
بو حاله قار اولاد یعقوب بیلدیله که هنوز یعقوب شجره الوداع آلتنه در حبله ایله  
کریا بلرین چاک ایدر و مکر ایله دیده لرین نمناک ایدر و اخاه و ابوشناه دیونوه  
باشلدیله دنیا نام دختر صورت حال لرین مضمونه مطلع اولوب یعقوب خبر ویدکه یعقوب  
بچاره بهوش اولوبه شد و کده دنیا فریاده ایتدی که ای عزیز لر یعقوب الدن کیده  
آیغدن دو شدری مد و قینک اولد اول بر مظلومک او زربنه جمع اولوب بهودا اتری  
ای جابلر بونه فکر خطا و اندیشه ناصواب ایدی کفیل و اگر خفاک بو بهوده ندرینر نیچی  
دنباده موجب ملالت آفرینده سبب خجالت در اما یعقوب نامرادی بهوش ایکن اول  
خاک نعلدن کونور دیله و محنت خانه سیننه بنور دیله بر مدترن صوره یعقوب ای زینه کلوب  
ایتدی آنا ایق دیدیلر کند و منزل کرامت کده و فرسعاد تنگده سن یعقوب ایتدی حاشا

چون یوسف بو خدر منزل منزل نغزیت مقام مقام نراقدر ندرم جان جهانی شکا  
دلدار کرک ندر جان جهان عاشقه دیدار کرک الفقه یعقوب خزین لباس نام کلوب  
و بنای بیت الاخران قیلوب ناله و افغانی بریره بنور دیکه ملایکه آسمان متصدع اولو  
مناجات ایتدیله که یارب یی سخی یعقوبه بنور یا خود بزه رخصت ویرکه بر بوزینه ایتوب  
آنکامو انقت فلیلم جبرئیل ایتدیله که با یعقوب انکلت بیکانک الملائکه سنک نر  
آغلار منکدن فرشته لر افغانه کلور بر یعقوب ایتدی یا جبرئیل بسته دادم همجران  
بارم نیلیم عیب قیلنک کیری می ی اختیارم نیلیم یعقوبنک چشم اشکباری بر مرتبه ده  
رخصت بیکان بولدیکه سواد مرد چشمین بیاض دیده دن محو قیلدی ننه که صحیح منزلی آدن خبر ویر  
و ایتدیت عیناه من المحدث فحسوا کلام نقلدر حضرت امام زین العابدین علیه السلام  
واقع کرملدن صونکر همیشه کریان ایدی التماس ایتدیله که یا امام زمان کثرت بکار ایدم  
ایتمه صبرایت اول حضرت سبور دیکه ای عزیز لر منی معذور دوننک بر او غلندن جدا  
دوشمشدی یعقوب ایتدی که نر بلشیدی کوزین کور عجبی کیری قیلیم من که دوشدم نچه  
یوسف لغا محبوبن دور حضرت یعقوب پیغمبر سید را دن ایکی او غلندن بری غایب اولدوقده  
و غایبک منی وصالینه رحا حاصل ایکن اولقدر آغلدی که نقطه سواد دیده سین نیغ سیل شریک  
حک قیلدی من که والد بزرگوارم و اعظام عالم قدارم و اخوان بلند اقدارم حضور مده شهادت بولدیله  
وی امید مرا حجت عالم بقایه نوجوه قیلدیله که کیری قیلیم عجمید منم حامله نه بلیسون اولمین محنت



گرفتاری ملک آزدوسی غریب پریشانی خیم افکاری روایت کرد که اولاد یعقوب  
 یوسفی بر اقوب کینند و که نهضت که هر زمان معاودت قلوب احوالین نجس ایدر لودی  
 بر کون ملک نام بر تاجر نکنداری اول جابه اوزرینه دوشوب یوسفی جفود و قد اولاد  
 یعقوب خبردار اولوب و زرینه وار ب بوزیم قولمزد دوشوب مالک صاندیلر و سفارش  
 ایندی که بنده گریز پادربند و زنجیر سیر قوینک و عبد عاصیدر استغفار اکل و شرب لطیف  
 ویرمک یوسف صدیق آنر کلامین اینست که بصدق و بر بجه ایدردی اما بند و زنجیر  
 کلد که یوسف توقف سیر فغان کلدی مالک ایندی ای غلام بنده گریز پایه بند و زنجیر لازم  
 نه افغان ایدرسن یوسف ایندی ای مالک من بند و زنجیر آنرا اما اول کون باد  
 کلد که حضرت سلطان بارگاه کبریا مالک و در نه حکم ایدر که منم طاعت منم مترو اولادی  
 سلاسل و اغلاله چک آبا و جفاری رو اوزر ملک حالی اول وقت نه اولاد دوشوب آنرا  
 مالک و جفون متاثر اولوب ایندی ای غلام کلامانده اثر و اورد و بند و زنجیر مستحق و کل  
 اما خواجهر لرنک خاطری ایچون بر دم مقید اولد و نهضت که سنی اطلاق ایدرم چون اولاد یعقوب  
 یوسفی مقید ایدر کینند یوسف مالک تفریح ایندی که ای مالک لطف اینست بر منی خواجهر لرم  
 ویدارینه منی مشرف قبل مالک ایندی ای غلام بونجه جفادان صوره بونه محبت در که سنی  
 آنره مشتاق ایدر یوسف ایندی ای مالک بولرم منم مخد و ملر مدر بولردن نوزت کورد که الغم  
 زبانه مالک تعجیل ایدر آواز بتوردی که ای اشراف کنعان تعجیل ایلینک بونده برنی

سیری

سیری کوریک استر اولاد یعقوب توقف ایدر یوسف زنجیرین سوریب آنره ملحق اولوب  
 ایندی ای عزیز لره جفا که قبلد و انکر سینه حلال ایندم بوشرب طیلد که بدو بزرگوار نکیر عایتند  
 احوال احمیه سیر بود اگر بان اولوب ایندی ای یوسف حال بر مصیبت و واقع اولدی مرد  
 اولوب جمد اینک نماندن بنونه سیلاب جزدن خلل نیور میسن مراد کر کلد  
 عاشق عشاقه جنج دکل موافق بی صبر دکل مراده قابل صبر ایدر اولور مراد حاصل الغم  
 یوسفی بر نایه میندر ب بر غلام زشت روی تندوی آنکا فکل ایندی بروتوجه و ارا ملک مصر  
 اولوب محمل غریب بر نایه یوسف بیچاره بر سر صلد و سرور افغان قلوب و بر سر لره نخر  
 روی زبان قلوب انواع کور و رتیلد کیدر کن بولده مغایر آل اسحق کلداری دوشوب والد  
 هزارین کورب اختیار سیر نایه دن اوزرین صالوب اول قبری قو قلوب فریاد ایندی که یا  
 أمّاه ملاحظه قبل که بنده لکیمی بیع کرب و دوسا فکیمی زنجیر و جلوب نه عفو بنده گرفتار  
 اولیشتم فیردن آواز کلدیم یا ولله یا قریه عیناه فاضل رب اللہ مع الصّابین  
 اما صبح صادق اولد و قد یوسف موکل اولان غلام یوسفی نایه اوزر نه کور سوب نجس ایدر کن  
 کور که بر قبر اوزر نه اوزر ب نوحه ایدرین محابا بر نجه طبا نجه ایدر رخسار لطیفین مجروح ایدر ب  
 ایندی ای بنده حاجی خواجهر لرنک سنگ خصوصه صادق اولد و قدی معلوم اولدی یوسف هیچ  
 جواب یرمدی اما در دیلر بر آه چکدی که ملک ملکوتی خلفه دوشدی فی الحال ایدر باد و رعد پیدا  
 اولوب بر طوفان قوی که اهل غافل و ملوهم اولوب بدیلر بو علامت قیامت یوسفی



اولان غلام ایندی ای عزیز لر بو غلامه من بر طبا پنجه اوردم بو غلام نفر عذر بر آه بکدی بو عادت  
ظاهر اولدی مالک ایندی ای غلام سبب طبا پنجه نر ایندی دیدی آیدن دو شوب فراتنگ  
نذر کنده ایدی مالک ایندی زنجیر اینله فراتنگ اولمز یوسفی حاضر ایدب دیدی نیشم  
ناقون دوشدن یوسف ایندی والدہ شفیع قبرین کور بن یار ننه توجم ایندم نظام  
منی بیکناه انجندی من هم بر آه بکدم که مجاہدانی تاریک ایندی دره دلدن چهره خورشید  
کر چکم نقاب تاقیامت اهل دنیا یہ کور و نر آفتاب اهل قافله یوسف نظر اعتبار  
باقوب الناس بتدی که ای جوان عالی شان وای نو باده گلستان بو کدورتی آینه  
روزگار دن کوثر فی الحال یوسف کو که باقوب لب کو هر فشانین دعایه متحرک ایند و کده  
مواون کدورت کیدب صفایه مبتدل اولدی مالک یوسفک بند و زنجیرین کونور  
فاخر لباسلر بیلد بلس ایدب کترتم و محترم قیلدی ای عزیز لر یوسف مزار مادرین کورب  
فغان ایند کده بوبله مؤثر اولدی معلومدر که محذرات حمزه رسالت و مظهرات سر ابر  
نبوت ایتام اصلا بے لایبت و شمت کبر بلاه بدن سیز باشلری و باش سیز بدنلری  
کورب نوم قیلد و قدہ مؤثر اولور حاصل کلام مالک بن زعر یوسفی مصره بنور کده زنجیا  
بیج ایرب آدی و اوز بنی دام مجتنه گرفت رابلدی چون عشق زنجیا آئوده مجاز ایدی  
تاب ملامت کتور میوب کند و سینه راحت و معشوقه تبینه محنت رو اوردی و دامن پاکت  
نهت جاک محنت بر اقوب بند و زندانیل آنگا آزار بتوردی . عالم عشق پنجه اولدر عادت  
معهود کیم

معهود کیم عاشق اهل درد اولوب معشوق اولان بیدر اوله هیچ عاشق خاطر معشوقه آزار  
استمر مرد اولان معشوقه حور انز مکر نامر اوله بر کون زنجیا حکم ایندی که یوسفی زنجیر نیل  
بر ناقیه میندر ب مهرنگ محل لر نده کز و دره لر که دلی بغت حرم سراینه خیانت قیلنلرنگ  
جزا سی بودر بو خبر شایع اولد و قدہ مهرنگ رو دیواری نظاره اهلندن صحایف تصویر  
اولدی زیر مشاهده جمال یوسف اهل مصری غایت میرندن صورت بوار قیلدی بو طریق ایل  
سیر ایدر کن زنجیا کسوت مجبوریلد یوسفک کفر کا هینه کلوب و ردی که جالین کورب کلانین  
استماع ایدر ب حالته یوسف مناجات ایندی که الہی بیکنام سن و قایع احواله واقف سن  
رحم ایت بزرگوار خدا یا اسیر جبرانم شکسته حال دل آرزو و پریشانم مقیم  
کوشه غم مبتلا ای جبرانم اسیر دام گرفتار بند و زندانم جبر نیل حضرت ملک الجلیل رنگ  
کلوب ایندی ای یوسف بند و زندان غم چکه که سنگ بر زه جس معاوذه مضائقه چکه  
لعل آبر اولوب زبور افسر سلطانین اولمز و قطره آب تنگی صدقه محبوبس اولد و شکر  
اولوب محبوب و صالحین دست سس بیلز ای یوسف زنجیا کز کا هینه دورب متر صد استماع  
کلام شکر حکمر که جبرع قلبی سن و کمزرت کسوت المندن مشکلی اولمیه سن ناگز زنجیا اعلندن  
خشنود اولمیه سنگ تلالنکدن سرور بولمیه روا ایند که یوسف زنجیا بینه منادی  
لسانه بوجاری اولدی که هَذَا غْلَامٌ مِنْ کُنْعَانَ وَالْعَدُوُّ عَلَیْهِ غَضَبُان جبر نیل  
ایندی ای یوسف منادی جواب بر که هَذَا خَلِیْقٌ مِنْ غَضَبِ الْخَلْقِ وَ مَعْصِیَةِ الدَّيَّان



وَدُخُولِ الذِّبْذَانِ وَسَدِّ امْرِيقِ الْفُطْرَانِ يوسف بوا دایله منکام اولدوقده جبرئیل اول  
صدای زلفیایا بر شدیدی زلفیایا منفعیل اولوب کند و منزلت کینه کیدب جارس زندانه ارسال  
قبلی که من بعد بو غلامه خیار واکور یوب بند و زنجیرین کوز ب حسن رعایتند تقصیر  
ایتمیدسن الفقه یوسف بدی نیل مقیم زندان ایدی اما اول مرتبه افتان ایدردیکه  
اهل زندان دیرلردی ای عزیز کونز ناله ایدرسن باری کیجه تحمل اینک بزه راحت میسر اوله  
زلفیایا بو حاله مطلع اولدوقده بیوردی زندانن طریق عامه بر دیکجه آجیل اولکیم صادر  
وارد نظاره سندن یوسفنک ل بقیقرارین برقرار کله اتفاقا اول دریکجه جانب کنعانه آجله  
هر کیجه صلابت مندوی خلقت شب اول کذر کا هدن خلقنک راه سرورین قطع ایدردی  
یوسف اول دریکجه مفتوح ایدب جانب کنعاندن متحرک اولان نسیمی مخاطب ایدب یعقوبنک  
احوالین استفسار ایدب آنکا پیغاملار ارسال ایدردی بر خبر و برای صبا اولاه تا باذن  
بنکا کیم رعیتند بوزنم ایدی دوراندن بنکا اوله خافل تنگ کچون دایم نرود ایلوب که بنو  
سندن آنکا پیغام کاه آنک بنکا بر کون بر اعرابی شتر سوار شهردن متوجه صحرایکین ناهه آتی  
براقب بی اختیار یوسفنک نداننده مقابل دورب لسان حال یوسف سلام ویرب ایدردی بنو  
ملک جلیل وای شکوفه گلزار بنی اسرائیل کنعاندن موهه کلدم و حالایینه مهردن کنعانه کیدرم  
یعقوب پیغامنک ورمی یوسف کنعان ذکرین و یعقوب آدین استماع ایدی فریاد و فغانی  
آسمانه ایدی صبا لطف ایدونک اهل درده در ماندن خبر ویردنگ تن بچاره جانان

صبا جانانن خبر ویردنگ بو حاله معاران اعرابی اضطرار ایلد کلوب ناهیه نازیانه اودرمی  
قصد بند ایکن زمینه حکم اولدی که آتی حبس ایده مقید اولدوقده یوسف ایدی کنعانک  
قنقی محله سندن و قنقی ناحیه سنده اولورسن اعرابی ایدی منزل کاه هم چینه سار بنی اسرائیل  
و مفرار آل یعقوب بر یوسف ایدی ای برادر اول بادیده پنج بر دخت مارور کور دیکه کون  
ایکی بوداخی اولوب برین صرصر آفت نورب بر مدند که اصل درخت آرزوی فرخ ایلد نرود  
و پنج درخت اشتقاق شاخسار ایلد افسرده در اعرابی ایدی بو نکته احوال یعقوبنک کنیز  
که اون ایکی اوغلندن برین اینورب حال بر مدند که بوللر اوزر سنده بر محنت خانه بنا قیلد  
اسمین بیت الاحزان قویب آنده ساکن اولوب صادر وار وادون خبر ویردنگ ایزر بولر  
چیکیم یارب اسیر دام بجران اولسون منزلی یعقوب نسبت بیت الاحزان اولسون  
عاشقنک بر دم مراد نجه مدارا نر فکک بخیر دم کلون فریاده کر یان اولسون یوسفنک  
دردی بو خبردن زیاده اولوب ایدی ای برادر حاله عیشنک نه جانیه در اعرابی ایدی  
بادیه حجازه عزیم انیمشیم که آرن مناع مناسب کلوب کنعانه مراجعت قیلیم یوسف ایدی  
سنگا بو تبار نده مقدار فایده منصور در اعرابی ایدی بوز درم یوسف ایدی سنگا بر  
یاقوت ویردیم که قیمتی بوزنیکم مدن زیاده اولسون بو تبار طیلد که بو منزلتدن کنعانه  
مراجعت قیلوب اول پردنم سلام بنوره سنگ خاک پایینه نیازم عرض ایده سن که ای  
رسول صاحب قبول ذکر کنده اولان عزیز بلی و فراقنک چگون ی نصیب لری هنگام وعاده



فراموشی انچه پس وستی او نمیشد ای او نمیشد اعرابی ایندی ای عزیز اسمک نزد یوسف  
 ایندی صفحه چهره شرح مختصم مرقوم در ظاهر مدک باطن کیفیت معلوم در اظهار  
 اسم نه حاجت محبت صورت حال مدک کیفیت فالوغم ملاحظه اینک اولور دیو آنار ملا لمدن  
 اول پر خبر ویر که و کیم اولد و غم بلور کوز رخ زرد مده ای مدم سرشنگ لی اول کل رخایه بو  
 زکیمه بلور عالی ای اعرابی اگر آنک مردم چشمی بکند سیلاب سرشنگه و شوب محو اولدی آه  
 منم عالم خصام خون جگر کرد اینده ناباب اولدی و اگر آنک مقام بیت الاضغان درین منزل  
 بند و زنند ای اعرابی بویاقوی آلوب بعد سرشنگ اول معدنی مروته خبر ویر که آنی فرخاک  
 ایوب عابین آل سن زیر استیباله الدعوة در اعرابی ایندی من گرفتار زمین حرکت قدرتم بود  
 یوسف ایندی ای اعرابی بونا فده مبارک در سندان مقدم بویا ویر خربت گرفتار لرینه مکان  
 بیت الاضغان دن پیام کنوری و طالبه طلبوب نژده سین بتوری مستحق عقوبت و کل  
 نقرضند نجا از ایت اعرابی نوبه ایوب مفاغه دن نجات بولدی اول یاقوی آلوب جانب کفانه  
 روانه اولدی یوسف اول اعرابی آردنجه سرشنگ سیلاب تو کوب ویری بالیت اچی کم بلیق  
 فی چون دمی شاد اولمزم و در جفا انجا مدن کاشن مرکز و غنیمت ما در ایامدن  
 الفقه اعرابی کنعانه بتوب نصف اللیله بیت الاضغانه کلوب یعقوبه سلاطه ویر که  
 اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَهْمُومُ السَّلَامُ عَلَیْكَ  
 اَیُّهَا الْمَهْمُومُ یعقوب اول صدادن برفح احساس ایوب جبره دن یعقوب ایندی

علیت

عَلِیْكَ السَّلَامُ ای بنده خدایه ما بنده کلو رسن اعرابی ایندی پیغام دار مصر جان بنده  
 و نمای حکایتین تفصیل شرح ایندی یعقوب اول پیغامدن سرور تمام و نشاط نام بود  
 مرادینه ایندی عفاک الله ای قاصد خوش خرام بتور و نک نکا دلبر مدن پیام  
 رموز نهان آشکارا بلد نک منی وصله ایندی دار ایلد نک ای اعرابی جهان حریفه نژده ایل  
 خبر ویر نک قلب محرومه کلمات بهجت آنار بله تسکین بتور و نک نایره جهرانه لفظ کهر باریل  
 نمکین ویر نک نه شکرانه ایتر سن اعرابی ایندی یا رسول الله دنیا مرادین یوسف دن حاصل تبشیم  
 سندن نجات حضرت ایچون استدعای دعا قیلورم پس یعقوب ایندی الهی بوند و سکر است  
 موتون فایح ایوب مستعد رضوان بهشت ایت بو حال مقارن نایقه زبان حالیه فریاد ایت  
 که یا نبی الله واسطه پیغام من ایدم من دخی و عاریه خنجام یعقوب ایندی الهی بونا فده بهشت  
 نایقه لر سندان ایوب آنکا سرور بله جنت کایران لغین نصیب ایت اعرابی ایندی یا نبی الله  
 بوزمان اصابت عا در اول اسیر زان ایچون دخی برو عاقیل یعقوب ایندی آنی مطلوبه  
 راصل ایوب جمیع مرادین حاصل ایت الله الله خوش مناسبت یوسف نک جفالرین کورب  
 و بند و زنانه و شوب یعقوب رسال ایندی کی پیغام شنید کر بلا نک خجاری قومدن تعرض  
 قیلوب شت کر بلا ده مختله گرفتار اولد و فده روضه حضرت رسول الله عرض حال ایتد و کینه  
 زهی تحمل که اخوان و اقارب بربر مقابلنده شربت شهادت ایچدی و کند و نه نامتزلزل  
 اولدی دراکه اهل دانش و ادراک کیند بلر مجروح و دل شکسته و غناک کیند بلر آلاش

آلهی



زخارفه آلوده املیوب دنیا به پاک کلمه یل و پاک تیدیلر روایت در حضرت امام حسین  
 اخوان و اقارب و نهضه تنها قالوب مناجات ایتدیک یارب زار و تنها قالیشم  
 بارود یاریدن جدا اهل بیت رسالت شاهزاده تنگ بیک لکن کورب فغانه کلوب  
 بر طرفدن نبات مظهرات کریبان چاک ایدرب و بر طرفدن اخوات خون جگر برده دیده این  
 نمناک ایدرب بر طرفدن حضرت امام ذین العابدین علیه السلام حداد افغان متوجه افلاک ایدرب  
 غلغله مصیبت بر فانیه بندی که فلک بی رحمتک اول حالت رحمی کلوب شدت محنت و در ظالمی اول  
 مظلوملرنگ حالینه متحیر ایتشدی بنگره مزبور یونک احوالینه احوال حسین نیشه  
 کیم یوسف اولوب بسته زنجیرمن دوشدی زنجیر و لی قیلدی زنجیر کیمی تیرید و عدد جسمینی  
 روزن روزن فی ابتلائی موسی کلیم الله تیر تحمل سرشته برینک تیغ نکل  
 کشته برینک بریدی حضرت موسی کلیم الله در علیه السلام که گفت احوان و انصار یل فغانی  
 آل فرعونیه تحمل اولوب و سغهای قوم آزارینه هر قیلوب سکر ایدردی فی الواقع آشک شدت  
 احوالی و کثرت احوال نه شبیه رو قایع حضرت شاه کر بلا به که استبلای اعدادن منبر ایدرب  
 و کز دوشه رسول ایدرب دارد و یارزون محروم قالوب بنشت کر بلا و مبتلای دام مصایب و بسته  
 بند خواب و لافده تحمل پیشه قیلوب تنزل اولمدی و عقده صلاحی اصلا تغیر جلدی محنت  
 موسی کلیم الله و حسین زرقین ایتدیک نگران اندوه بلا شمع بزم افرد زور وادی  
 این آتشی نار عالم سوزد بر بق بلا ابتلای عیسی روح الله علیه السلام

بشنخی مجلسی  
 حضرت موسی  
 علیه السلام

عاتق  
 مجلس  
 عین روح الله

طریق

طریق محبت ثابت قدرینک سر برده محنت محمدینک بری عیسی محبت در کسوزن و اهر باب  
 دنیا دن کیم بر سرشته شوق فنا بقاد و تمیشت ترک تعلقات فانی ایدرب طریق تجرد  
 و تمیشت جماعت یهود اولی نهضه منسوب ایدرب صلیبه اقدام ایتدیلر و متابعتدن  
 انحراف ایدرب طریق مخالفت و تدبیر نیت کیم حضرت شاه کر بلا ترقف خلافتدن که  
 استحقاقیلر آنکا انسب در سجا و ز قیلوب مجاورت روضه رسول الله اختیار تمیشت  
 ایکن و تعرض ارسطندن که ارشید آنکا افریدر احوال ایدرب کوشه قناعت و تمیشت ایکن  
 ظلمت است صرصر و لای غیل زور و تمیشتدن و ز بلا به سالوب سر رشته اختیارین زور بازو  
 طلبیدن زندان غرقه کرداب فنا قیلدی قصد قتل عیسی بریم قیلن ساعت یهود ایتدیلر  
 مضطرب آتی تجردیم جان کوشه سید کر بلا حالین کزک جان ایدرب هم فراق آل اولادیلر  
 بولدی انجان ابتلای ایوب نبی علیه السلام بستر بلا بیمار برینک بادیه  
 فنا و تفکار برینک بری ایوب بلا کشی که زود این الله یحیی کل قلب حزین دل  
 پاکین جوهر اشتیاقدن مالامال ایتیش و عقیده انا عند المنکر قلوب یقسم همیشه  
 دل شکسته سینده مکان و تمیشت زیر اسطغان سریر کر بلا تنگ عنایتی عین خدا در حکم توان  
 فضا تنگ التفاتی محض بلادر برودر مصدر جلال و جمال بریلور قدر و لطف اهل کمال  
 کر چه احوال مختلف چو قدر برودر اهل حقایق احوال روایت در که ایوب صبور زمان محنتدن مقدم  
 زرق پیل مداوم نوال نعت و مقیم ریاض راحت ایدی اون ایکی فرزندی اولوب بر سرشته استبلای

حضرت ایوب  
 علیه السلام



هر بری بر سلیمان زمان ایدی و درت یوز عبد ملوک ایلوب بعضی قطارینه  
ساربان و بعضی رسه لرینه شبان و بعضی بوستانلرینه باغبان ایدی اما  
هرگز کثرت تعلقات آتشک بله معبودی ارا سنده حایل اولمزدی واستفای  
اسباب مراد مدت ذکر آن غافل قلمزدی و ملایکه ایوبیک شدة اطاعتین  
و کمال عبادتین کورب تصور قیلدیر که اول عبادت سبب تغیر مطالب اول اطاعت با  
حصول مواهب در کمال استبدیر که اگر از آن نعمت واقع اولد استمرار موهبت خلل بولر  
آتشک شکری شکایت مبتدل اولور و بنای اعتقادی نزلزل بولور لاجرم امتحان ایچون  
برکون حضرت جبرئیل ملک جلیلدن کلوب ابتدای ای اوبوب برمدنر که منظر آن نعمت  
سن و معین کوشه راحت وقت اولدیر که راحت یاریندن محنت یکنینه منور اولر سن و  
کیم نعمت لذتین کورونک محنت ذوقین دخی بولر سن ایتوب صبور اول ضرورن اصلا مغیر  
اولمیبوب توهم قلیوب ابتدای ای جبرئیل بودنی بر نعمت غیر مکرر و در هر زمان بر جانک  
سیری میسر بولر من کند و رایله زیان و سودی بنده ام من بادشاهم بیک  
بیلور بهبودی القه اوبوب صبور منظر بلا و منزه فنا اولوب برکون کوشه محراب  
عبادتنده نماز و فارغ اولوب مشغول مواظباتین بر طرفدن شبان کلوب خبر  
ویردی که نمای رسه یلا فناء غرق اولدی بر طرفدن ساربان خبر تیوردی که جمیع ناله  
هر صحرای فناء بولدی و بر طرفدن باغبان کلوب آفت زلزله دن بوستان هلاکین

تغیر

تغیر ایدب فغانه کلدیله بر طرفدن خدم و ششم زلزله دن فخر و ایوان انهدامن  
خبر ویرب نوصه قلدیر اما چون ایتوب مقدمه دن خبردار ایدی بو خبر لردن اصلا  
ایوبوب بوجادنه لردن آینه خاطرینه بخبار کرد و رت بنمیبوب حق ذکرینه مشغول  
ایدی ناگاه خبر ویردی که ای ایتوب اول برا و غلنگ اکبر اولاد نک ضیافتنه مشغول  
ایکین سقف سرای منهدم اولوب اولن ایکسیمی خی هلاک اولدی ابتدای حالنده  
ایوب به استیلا ای جرح ظفر بولر و قدغه بینه غیرت محبت منی ایله صبر ایدب دعایه مشغول  
اولدی خاطر یار اگر عاشقه از ارا سندر کرک آزار چکه عاشق اگر یار سندر  
کفر در عاشقه اندیشه صحت قلیق یار اگر عاشقی دردی ایله بیمار استر اما  
چون فناء مال و منال و فوت اولاد و خیال ایوبه تغیر ویردی و بنای اعتقادین آسیب  
حوادث خلل تیوردی ملایکه ابتدای بربارت افضل نعم شرف صحت در و ایوبی فوت اولان  
نعمت لک استر دادینه امیدوار ایدب عبادتده قایم ایدن اول نعمتدر حکم اولدی که انتقام  
ایچون صحرای وجودی سریر سلطان صحت ایکن سیرکاه سباه ستمه مقام اوله و مجاری عروق  
اعضا سنده هر قطره فان برکرم خونخوار اولوب مفاصل ترکبینه منزل قیلر بو مختلردن  
دخی صبرینه و عقده سینه انحلال بولمزدی اول زمانه دک که گرم لر زبان و قلبنه دخل استبدیلر  
و فکرر بکزارین بغلیوب تذکر حشریمه سین و تدبیر ایتوب بیچاره فزاید کلدی که ایتی  
مَسْنِي الْقُصْرَ وَ اَنْتَ اَنْتَ حَمْدُ الدَّالِ حَمْدُ بَعْثِي مَكَاهِرَ رَشِيدِي زِيَا جَمِيعِ الدُّنْ وَ كَرَمُ كَرَمِي



نسلی اولوردم و غم و ازوه کور کجه ذکر نکردن فرح و فکر نزن طرب نمنا قیلردم حالا  
 دل که آلت فکر و زبان که سبب ذکر در مرض نداشتن کند در و منی تفکر نزن محروم  
 ایتمکده در و مناجات نزن مایوس قلمقه در حاشاکه بوجاه رضا ویره سنگ و بوسنده  
 نخلی ذکر نکردن و فکر نزن محروم روا کوره سنگ زبان بلبل باغ ذکر خداد  
 دل آینه حسن و صفادر معنی بیدل و بی زبان قومه باری که بیدل لیک و بی زبانلق  
 بلاد در حق سبحانه و تعاد دل متضرع و زبان متخشعند قبول توقع قیلوب جمیع  
 فوت اولان نعمت نیک استر و ادینه حکم قلدی و تن مکسور نیک صباری و دل ویرانک  
 معاری اولدی ای عزیز اگر ایوب صبور فوت اموال و موت اولاد دلیله متغیر اولوب  
 صبر قلدی شهید کربلا دخی خان و مان نیامه و یروب اخوان و اولاد و انساب موئین  
 شاهده قیلوب صبار اولدی و اگر صبار تو نیک بدنده درت نیک کرم خود خوار منزل و دودی  
 شهید کربلا ننگ دخی نشنده یوز بینک بجان آمار قرار بولدی دیکیم شاه کربلا الی  
 غم ایوب و دلفکار جدر صمانه کیم زخم نیش کرم ضعیف ضرب شمشیر آیدار جدر  
 حضرت ذکر تایا در ابتلا ز کربلا علیه سلام جفای فلک آزرده لرینک و محنت زمانه افسرده لرینک  
 علیه السلام منبری ذکر تایا مظلوم و در بری بجای معصوم در روایتدر که بر کون حضرت ذکر تایا علیه السلام  
 محراب عبادتنده مناجات ابتدی که الهی شام شبانه جمیع شب بایر شدی و رابطه  
 جان و تن رشته سینه ب معی لفت و شدی فحقت لی من لک لک و لیتا یعنی

عنایت

بدینجی مجلس  
 حضرت ذکر تایا  
 علیه السلام

عنایت قیل منکا بر خلف صاحب تقوی و فرزند یاکیزه لاف حق تقانا و ک دعا سین بدرف  
 احاطه بتقوی و بجای معصومی آنگاه و پردی اوج یا شینه بند کده بر کون اطفال محله ذکر تایا  
 حبه سینه جمع اولوب بجای به تکلف لعب لهوا بتدلیر بجای حبه دن جفتوب جواب پردی  
 که ما خلقنا للعب العتقه ابتدای طفولیتده رفتن غایله محول اولوب و ترک  
 لعب لهو و قیلوب همیشه استماع احوال قیامت مایل و کیفیت احوال محشر و سایل  
 ایدی دورت یا شینه بند کده نورانی حفظ ایدی و اون یا شینه احکام شرعیته  
 کنینه بندی شست روز کربان اولمغین و ماه و سال ناله و افغان قیلغین بر کون  
 ذکر تایا حاجات ایندی که باریک باندک بر خلف ایستردم که سر و سینه اوزن میتر اولد  
 منکا بر نطفه کرامت قیلدیک که راحتم کیتدی و ناله و افغان منی آزرده ابتدی خطاب  
 کلدیکای ذکر تایا سمندن فرزند ولی شعار نمنا قیلدیک بودر ولی لرینک نانی که  
 همیشه کربان و پیوسته ناله و افغان قیلدیکای ذکر تایا بونهز صبح بلادن بر نشانه  
 سحر و در آتش موندن بوبر شر و در نخل قیل که عنقریب بو شکوفه شک موه سبن  
 دیره جکس و بو عتیقه نیک کلین کوره جکسنگ ای ذکر تایا و قدر که سنی باشند ابافه  
 ارة ایلدیک بایره قیلدیک و بجای تنک حلقه تیغ نیز قیلوب قیلبنه مؤمن و اولد بار  
 سندن ترک جان استر کونور جانندن طمع هرنه آندن خبر کور سنگ قطع قیل  
 آندن طمع شمع و شش چون یغین ایسترد متصل جانان آتش سوزانگیر



کتاب صواب و طبع القصة چون بجای نیک خونی بر خاسته ابدی که اول حاضر اولد و قد ذکر یا  
عقوبت محشر در بر کلمه بیان اید و بزرگی و بر حرف عیان قلمزدی بر کون بجای که غافل است  
غایب صواب ذکر یا ایندیکه دوزخه بر غضبان آدلوکوه آتشین و آری که آتزن سبیل شکلی  
گذر اینک اولور و بدر فیه سوز که از ایل یا پائینه نیک اولور بجای ایند ب دراعه سین  
براقوب جانب صحرایه روان اولدی الویل لمن دخل غضبان دبوب فغانه باشلدی  
ذکر یا آنک احوالینه مطلع اولوب منردن اینوب اودینه کلوب والده سینه ایندی ای  
ضعیفه کون سهوا بر برشته احوال دوزخدن بیان ایندم بجای استماع ارب افغان  
قلوب صحرایه دوشدی مرافقت قبل صحرایه کیدب آغ سنفسار اید لیم اتفاقیل اول  
ستم رسیده لر صحرا کرد و بیایان نورد اولوب اوج کون سیاحت اشتغال قلوب  
آنن انز بولدیلر و مقامنه مطلع اولدیلر حانه نکرز دلبرم بیلن مکانی قنده  
کیم جلود عالی و عتقا آشیانی قنده در درمی کون بر شبانه بنوب تمقش ایند که  
شبان ایندی من آتی کوردم اما اوج کوندر که بوکو مساردن بر صدای دلسوز کلور  
که استماع حضوره مانع اولور اول جانبیه توجه ایند که کوردیلر آغشته خاک خون  
اولوب چخود یا تورا و زرینه کلوب فریاد ایندیلر کوز آچوب صانزیکه ملک الموت در قبض  
روح اینک که کلبش در نزع قلوب ایندی ای ملک الموت اولقدر مملکت ویر که پدر و مادر  
حقیر می کورب و داع ایدم والده سی ایندی ای کورشم منم والده و تفکار و مادر بیقرار نیک

بجی

بجی ضرور اولد و قد تدارک فرارده ایکن انواع بمنزله شکین و بر ب ذکر یا دخی بر جانک  
تضع قلوب آتی منزله کتور دیلر و بمقدار حدس طبع ارب بجی یوض اند و کده  
بجی ندر بمقدار تناول قلوب بیل خواب ایند و کده و افغ سنده خطاب اولوب  
اضطراب ایل افغان قلوب صحرایه دوشدی روا ایند که بجی مدت عمر بنده هرگز خیال  
معصیت خاطرینه بنور مدی و ذکر مناهی و لعینه کتور مدی نقلد که روز قیامتده  
ایکی نوبت نرای عام اید لر بر نوبت بجی چون بو عبارتی که ای اهل محشر نظاره قند  
پوسده معصومه کیم هرگز اندیشه خطا ضمیرینه نیمه میشد و لذات و بنوی صرف  
اینه میشد بر جمیع اهل محشر کوز آچنده بجی معصومیت اید و قبلد و کناه کار نشمار  
اولد بر نوبت دخی حضرت فاطمه طاهره اچون ندا قیلد که ای محشر بشیر غفوا ابقا  
و کتم یعنی ای بنی آدم کوز لکزی بو منکر که فاطمه زهرا کلور نقلد که فاطمه زهرا عرصت  
محشره بر نوبت گذار اید که هیچ ناظر تاب نظاره سی اولمیه و هیچ شاهدت اید سینه  
قدرت بولمیه نشسته کیم بر کتفنده بر این زهر آلود امام حسن مجتبا و بر کتفنده و جانه بر خون  
شاه کربلا و کف مبارکند و عانه خونین حضرت امیر المؤمنین علی المرتضی و امن عرش  
و نوبت نظم کوسسته که بارب فریاد بیت جبرئیل حضرت سید کاکیانه خبر متوره  
که یار رسول الله خانون قیامت و امن عرشه ال اور بر و نظم ارب بارگاه عدالتده  
دور بر و قند که هر صحرایک از نون در بای قند آتشی نموجر کلر و عالی غرقه طوفان غضب قبله

بسم الله الرحمن الرحیم  
قل هو الله احد  
لا یستمع له  
لکم کفوا



حضرت سید نجم البکر عرش امانت کلاه و فاطمه زهرا علیها السلام فی قتل که ای نور دیده و آرام دل غمخیز  
بکون روز معانند و وقت محاسن و کل زمان رعایت در ایام شکایت و کل سنگ  
حسینک صابنه بر خونین و حسرت بر این زهر آلودین اله العوب من کیوی خبار آلودی آتوب  
و عاقبت لیم و انت کنه کار شمع اول لیم که ارحم الراحمین اهل عصیان رحمت قبله خصوص اول  
کبت که مظلوم لرزیده و شهید لرزیده و دیده لرزیده و گریان و سینه لرزیده  
برایان اتمیشلو و عایانه اولاد و مرغان سین و دویشلر اهل بینک یاد اید بپوش  
آب دیوسین ضایع اولنا شک تو که دیوه خواران بر مصیبت اشکینک بر قطره  
سندک روز خشر اجر بر بدینک بحر رحمت از دیواران اخبار صحیحون نقلدر که  
ذکر بای مظلوم و بحبی معصوم ایله معاصرا و لان ملک بر چنگ منکوحه سینک زوج آخر دن  
بر جمیله فیزی اولوب کند و به زن اولوب استعدا قیلدی که فرزند اول ملک عقدینه مقرر قیل  
ملک بر خصوصه بجایه شورت قیلد و فقه بچی رضا و بر محبوب ملکی بواندیندن منع قیلد  
اول مکاره منجر اولوب کینه سین خاطرینه دوتی بر کون ملک مجام استیلا شهوتون  
صت ایکن فرزند سیند اول محبوبترین ایرب آنکا کوستردی ملک آنکر و صالحینه  
حریفین اولوب طلب مواصلت قیلد و فقه ابتد بچی تنک فانی تو کو لینی بر صورت مستر اولمز  
و در جاکان بولمز ملک بچی قلمینه حکم قیلد و فقه علمای عصر دیر بجایانک بر قطره فانی  
بر یوزینه نو کولس از برای عروق من بعد پیوندد و تحیه و روی زمینده بهایم متع اولفد

کیاه

کیاه بنیه ملک حکم ایندی که بجایانک باشینی بر پشت او زربینه کسوب و فانی نخت  
دفع ایره لکه بر یوزینه نو کولمیه الققه جلا در مقرر اولدی بجایانک قلمینه امر اولوزد  
جلا در ایندی لکه ذکر یا سنجایه العوه در او غلینک قلمین آنکه آشنگ دعاسیندن احراز  
ایده رز حکم اولدی که اول ذکر یا فانی نو که بر یوزینه نو ذکر یا اینک منزلتیه کلوب بچی مقید  
ایند و کده یعنی کسبه ذکر یا بخت جوینه روان اولدی و ذکر یا صفا ایلر کیدر کن شدت ضعیفدن  
برینده ایسترن بر درخت عالی کورب آنکا متوجه اولد و فقه اول درخت جاک اولوب  
ذکر یا تیه بطننده بر ویدی ذکر یا دخول ایند و کده صورت التیام و دتی اما ذکر یا اینک  
کوشه در سین ابلیس کوب بپوش و فقیه ذکر یا تفحصنده اولانلر ایند و کده ابلیس  
بر بر صالح صورنده کلوب فله ایندی که مظلوم بکر بود درخت ایچنده در و کوشه زادی  
اولد و کوشه کافر لکر تری در خندن جعفرق تدار کند ایکن ابلیس ایندی اما  
اگر قرضنکر او تنک قلمیدر درخت ایچنده و فقیه میتر اولور و آنله ایکی باشلو بجقو  
تالیف ایرب تعلیم ایندی رو ایند که کفر ذکر یا اینک فرق مبارکینه اتره فوید و فقه  
حضرت خرنک نذکله کدی ای ذکر یا بوج حکم مطاع مندر اگر قتالم اولجق اولور سنک اسنک  
جریده بتونن محو قیلد عاشتم دیر سنک بلای عشقن آه ایله آه ابوب غیاری  
احرازن آگاه ایله عشق سلطانین فرمان اید کوشه استغیاد اجتذاب ایتمه  
تغفر قلمه کراه ایله ذکر یا ایندی الهی چون منم قائم سنک سر کوشه نو کولر حق که آره وار



جميع انعام زبان اوله شکر نکردن غیر تکلم اقدام بنیم واضطرار بایب طریق جزع و غم  
 الققه اید اول مظلومی فرزند نادم یکی باره قلدیلر بر آه چکدی و دیه نماد کن بر قطره  
 سرشک نظم تو کدی لذت جو پیلن خوردن اگر اه انمز بار سلسله سیمینی باشند  
 اباغه آه انمز اما بجی معصومی مقید اید نلر بر طشت او زرنه سرشک بغین بدن لطیفدن  
 جدا قبول اول نابکاره هدیه آید دیلر و فانی بر جاده بعید العزیز تو کدی لر و ایدر که هر  
 تیل اول فان جو شکر کلوب کل کبی نازه اولوردی اول زمانه دک که بخت انصر کلوب  
 نصرت بولوب آنلردن یتیمش بیک کار قتل قیلدی اول خونریز لغدن عسکره کجا بختک  
 قانی جو شدن ساکن اولدی شواهد نبوت کن بنده حضرت امام ذین العابدین نقلد که  
 حضرت امام حسین علیه السلام مکه معظمه کوفیه توجه ایدر کوه هیچ منزله نیردی که بجی معصوم  
 ما براسی ذکرین انمز دی و بیور دیکر روز کار نک عدم مروتین و فلک نک کمال و فاضلین کو نک  
 که بجی کبی صلح نک سعادت مندین بر فاجره هدیه انیش سعدین جبر عباسدن روایت  
 ایدر که بر کون حضرت رسول الله صلی الله علیه آله خبر واقعه کربلا دن شالم اولوب تفکر ایدر که  
 آیا اول غریب لر نک انعامین ظالم لردن کیم آلور اول حضرت عزنه عزنه عزمی کلدیکه  
 بار رسول الله بجی بن ذکر یا شک انعامی ایچون یتیمش بیک کافر سیاه سندی و سنک فرزند  
 ار جند نک ایچون یتیمش کوه یتیمش بیک منافق قتل اولسه کرک فی الواقع بو وعده وفایه  
 تیدک زیر مختار به ابو عبیده ثقیفی و سید بن ققاع خزاعی و ابراهیم بن مالک شمر بنی

و ابوسلم



و ابوسلم مروزی بر برینه متعاقب خروج ابوب صفخر و نکاردن اکثر احدی آل رسولی  
 محو ایدیلر و فانیلرندن سرشک مظلوم لر کبی جو بیار لر بر نلر و عیون الرضا ده سطور در  
 که مهدی آل محمد شهادت کربلا اعدا لرینک نغمه ذریانین روی زمیندن کو نور و فاعده  
 آنار شرافت نامی اول حضرت برینه بنور کرا و مسیدی سبب انعام خون حسین  
 ظهور مهدیه جگر دی انتظار وجود قضایه و عده مقصود اختراعیدن جزای قاتل سکر بنجی مجلس  
 آل رسول در مقصود حضرت صدر رسالتک فرمیشدن صادر حضرت رسول  
 اولان بفالرا ایدر کین بیان ایدر حضرت سلطان مارگاه رسالت و ناظم کارگاه الله سنده  
 شریعت و کو هر کجینه اسرار حکمت و کلین حدیقه رحمت در خزانه رحمت آجوب و درج بلند  
 جواهر حقیقت صاحب سبب بریندر که ان عظیم النبلا و مع عظیم المولا یعنی هر بلا  
 بر جزا و هر عنایه بر عطا مقرر و مراتب بلا و عنا ارتفاع بولد و قیله جزا و عطا مرتفع  
 اولوب همیشه الشفاء و رحمت امراض محبت بلا لرینه موفور و هواره اوقات طیب  
 شفا خانه نکرمیت بیماری معالجه سینیه معروف و مبرنده صادق که حدیقه حقیقی مثبت  
 سال محبت در لاجرم نهال فطرتی نواز از مار ملال محنت زنجی بن معاد داری رحمت الله تعالی  
 علیه بر کون شاجات ایدر که بایر جریان عادت اهل عالم بو طریقیلر در که بر کینه  
 بر کینه محبت برافسه آنک جمع جوانیدن رعایت خاطرین اوزینه لازم بیلور و ممکن  
 اولد و قیله آنک حصول سلامنه مایل اولور و مجبور که سنک محبتله سرفراز ایدر و کنگی محبتله مایل ایدر

سکر بنجی مجلس

حضرت رسول

اللہ سنده



از کلمه که ای یحیی منم طریق خلاف اهل علم را آنکه علامه مودت علی انار رحمت و منم نش  
 محبت محنت المرد زنجدر کینج کو هر راحت درد و کلشن کل رحمت ای خوش اول  
 درد مندم برور که رفیق غم اوله همدی درد در دن خیر اولیه یاری عذون اوز که  
 انیس غمخواری بعضی کتب سماوین منقولدر که ای بنی آدم هرگاه که صیاد و قضا سنی نشانه  
 ناوکل بلا قیل و جلاد فلک تیغ جنایه قتلکامایل اوله فقد عینک یعنی در به امید یکی نور  
 ضایله روشن ابر بکش قیل که علامه معارج انبیاء و اولیا نشانه حصول مرتبه غرور علا  
 و بو معنیدر که بلای نوع بنی آدم صانعا قرب اولعین سایر مخلوقان زیاد در زیر  
 ابتدای خلقتد جسمه خرابه دن رزقی مقسوم اولوب کمال ذلتد گرفتار اولور و قوت  
 نزد بولورده عقوبت تربیت استاد و اندوه تعلیم و ارشاد یله معدن اولور بر مدت اول  
 محنتد فالور و مرتبه بلوغ حاصل ایتد که مکند کسب معیشت و سلسله تکلیف حیوات قیدینه  
 و در شوبگاه غم دنیا و گاه خوف آخرت قرارین آور بودنی محققدر که رتبه بلای انبیاء و اولیا جمیع  
 بنی آدمون اعلا و اعظم در بلایه صبر ابر کتساب قبول قرب انیمک انبیایه و اولیایه مسکله  
 انبیاء در ظاهر رحمت امنای خزاین حکمت هر بلا که فکدن ایتدی نزول انبیاء  
 اول بلای ایتدی قبول سبزن اوک غم اولار در آتشک ایچون سکرتم اولار در و بودنی  
 مقرر در که اول مقدار بلا که حضرت مصطفایه یشدر اول مقدار زهر محنت که اول حضرت خرم  
 انیشدر هیچ پیغمبر و ستر اولیش کل و هیچ بلایه آنکه کی صبر قلمیش کل اگر چه در شوبگاه غم

مزدوج

مزدوج ایدی و اگر بجز فکیندر و بودی رنج و غمایل منسوج ایدی فی الواقع بر بلا ی عظیمه رتبه  
 اجرای احکام شریعت اولوب متعهد شفاعت اهل عصیان اولوق و غفلت سرای راحنه خواب  
 فراغت برستی اولان پیوسته ایچون کیم بر صابو دک میدار اولوب عاقبتی زهی کماله اگر شتر  
 عزت بارگاه قدرین قبه قاب فوسینه چکس کدر بچکرده دامن اقتدار سینه تیز و فایده حکمت کربلا  
 شکوین پنجه عجز و انکساره تابشورده ست اعتقاد دنک دامن توکل کینز کمال اعتدال  
 طبعی اول غایتده کیم بولمز تغییر کر زمین و آسمان زیر و زبر اولسه تکبر ایلز معراج صبر بایه قدری  
 مزاجی کس بولمز فرخش خاک رکبزار اولسه مجلاد دیوان قضا دن اول حضرتنک نام شریفتر  
 مرقوم اولان بلا لرنک استیاسی اولدر که هنوز دله بطینده ایکن والو بزرگوار ی وفات  
 ایرب صرف و زکار اولر کر آتاشنک لغین بنیم قیلدی و توفیق رفیع وجود شریفی بو طغریله  
 مزین نولکر اولسه بنیم اول در در بای حبا کیم بنیم اول فخر و قدر در در بایه بها و حضرت ایزد  
 تعالی کیجه خطای ایتدی که اگر چه حبیبیم بنیم در من آنکاه لی و وکیلیم نعم المولی و نعم الوکیل  
 در و ایتد که ایکی باشینه نید و کده والدۀ محترمه لی مکر دن مدینه نعل ایرب ال حضرت والد  
 بزرگوار ینک زبانه مشرف اولوب مراجعت ایتد و کده مریض اولدی حضرت رسول  
 اول مخدومه تنک شمع بالینی اولوب ل سوزان دیده گریان ایلر زار زار آغلیوب دیردی  
 کیمته ای روح روان بهر طریقه زار اینمه بنی یا زرب فرقه یی و در قرار اینمه بنی نظر مدکل خسارتک  
 چنان ایچونک فارغی رنج بهر طریقه زار اینمه بنی اول صدف کو هر رسالت و نهال شکوفه نوبت

مزدوج



بهوشش لیکن هوشه گلدی دیده اشکبارین آجود و قد حضرت رسولنک چهره مبارکینده  
 اشک حسرت کور بنیان حالید بکنده منزم اولدی **تَبَارَكَ فَهَلْكَ مِنْ غَلَامٍ اِنْ**  
**صَبَّحَ مَا أَبْقَرْتُ فِي الدَّائِرِ فَأَنْتَ تَبْعُوتُ إِلَى الْأَنَامِ مِنْ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِلَهِ**  
 گداور ای فرزند سعادتمند من واقعه کوریشم و باغدن دخی استماع ایندیشم که سن پیغمبر  
 مرسل سن اگر من ملک فسادن اقلیم بغایه متوجه اولم خم جگر ام لبراسنک کمی یادیکارم وار  
 غم دکال کردانه محو اینده در روزگار چون نهال بارور فالیشدر آذن یادیکار  
 روایند که آرده همارفت مادر مهربان اضافه سایر نوایب حزان اولوب سکر باشینه نیکو  
 جد بزرگوار ای عبدالمطلب که کافل معام و انجام مرام ایدی دار دنیا دن انتقال ادب اول حضرت  
 عموی ابو طالب شکفل اولدی و یکری باشینه نیکو که پیش نیل شبانلق ایندی و اول صفت  
 ضمیمه رعایت امت کمالینه نیدی و یکری پیش پیلدن صوره خدیجه حضرت نرینه انتقال  
 ادب قرعنی پلده نزول وحی پله شرف اولدی و فرق اوچجی پلده آغاز دعوت فیلدی و ابتدای  
 دعوت اون پیل مکده اهل کفزدن انواع شداید و اصناف محایر کورب خواجه کدی نسخ زلال الرضا  
 مسطور در که اول حضرتنک سعادتمانه سی ایکی جبار جبار اسنده واقع اولوب بری ابولهب  
 و بری عتبه بن ابی معیط ایدی **کُلُّ نَجْمٍ قَبْلَكَ كَيْفَ سَمِينٍ جَاكَ غَفَّةً** هر دم بتر آنکاخ غم قرع  
 جوار خار باقوت قمریله نیمه زمین دل اولسون حکایت نامه خاردن اطرافنه حصار بعضی نوازش  
 مسطور در که ابولهب شکوه سی ام جمیل اکثر او قانده رکذار لردن خار و خار جمیع ادب کچه لراول

کل کلزار

کل کلزار سالت کذارینه برافوردی که اول حضرت صبحدم نماز ایچول حرم سرادن چغند  
 قدم مبارکی آرده اولوب مراجع شریفی مکرر اوله طاروق بن عبدالله دن نقلدر که بدو الاسلام  
 برکون بازار ایچنده بر شخص مبارک صورت کوردم حایه کلکو نیل نید اقلدر که **بِأَقْوَمِ قَوْلُوا**  
**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ كَذَّابٌ** آنک گفتارینه نکذیب ادب دیدی ای قوم بوکذا  
 قولینه اعتماد قیلنک زمان زمان سنک ستم برله سینه سین مجروح ایدردی من سوال ایندم  
 که بولرینه طایفه در دیدلر بوسرخ حایه لومحمد فریشدر خلعه ایمان دعوت ایدر و بو انکار پل اقام  
 ایدرن حموسی ابولهب و اکثر صنادید فریش ابولهب تابع اولوب بو شخصه کاه ساحر و کاه  
 شاعر و کاه کاهین او قیرلر و کاه محبون دیو پشتر ایدرلر و اول حضرت بو جناری جکوب قطعا  
 بود و وزن عالی اولردی و شرایط صبر و تحمل و تقصیر فیلردی و حضرت و اصعب الوجود آنک  
 نسلی خاطری ایچون ایندر نازل ایدردی بو مضمونیکه هیچ بر پیغمبری بر قومه ارسال ایندیک  
 که آتی سوره یا چون نه نسبت فیلدی و آنکا معاند و مخالف اولدی و بطریق مملکده صبر ایدر منزل  
 مقصوده بتر و تحمل قیلن دامن مقصود دوزخ فاضلر **كَمَا صَبَّأُوا إِلَى الْعَذَابِ مِنْ أَمَّا**  
 ای خوش اوکیم عشق میداننده در ناست قدم دامن دلدارن کسرتن تنع نسیم  
 ایلکم معجزه اولرد و قین زیاد ایلر شراب خون دل ایچک قیلر افزون صفا سین و دمدم  
 روضه الاصابه مذکور در که عروه بن عبدالله و قاصدان سوال ایندیلر که آیا حضرت رسول  
 صنادید فریشدن متوجه اولان صفالرنک اکثرینه مطلع اولدنک قفق حفا اشده و اصعب ادب ایدی



بر کون اکی بر پیش جمع اولوب حضرتنک حکایانین اورنیکه کنورب ایندیلر بزر بریندنک نخ  
 غصه سین چکه لیم کلنک انفاق ایوب آنک قانین نوک لیم فاطمه بوشورندن خبردار اولوب  
 کربان کر یان حضرت خد منینه کلوب ایندی بآیت اِنَّ الْعَوَمَ عَزَمُوا اَنْ يَقْتُلُوْكَ  
 حضرت رسول قطعا مضطرب اولوب واندیشه قلیوب ایندی ای فرزند بر مقدار سو  
 حاضر است که اسلحه و ضو سلاح المؤمنین در اوزه مهیا قلییم و جوشن الصلوة حصن المسلمین  
 الکنوه آله یم پس ضو آلوب حرم سرادج جیفوب مسجد حرام قدم با صدوقده بر مقدار سنک  
 الدینه آلوب شاهه الوجوه دیوب اول سنک لدر طرفینه بر اقوب وردی روایت  
 که جیح برینک کوز آجقه قدرنی اولمدی و هیچ بری اول اختر برج سعادندک طلوعینه  
 مطلع اولمدی و اول سنک بزه لر بر کیمه توفیقی ایسته نکام حرب بر کیمی البینه منقول  
 اولدی نیکیم ابو جهل و عتبه و شیبه و امیه و عماره هدف تیر دعای مستجاب اولوب انصارین  
 الله فدا بولدیرواقعه کر بلا ده دخی یگزی بینک نفر شامین و کوفیدن حضرت امام حسنک  
 تبرع سینه هدف اولوب جمله سی اول بیلده هر بری بر بلا ایلد دنیا دن کیتدی و هر برینه  
 عقوبت یتدی بر مراد اولر شهید کر بلا قانین نوکن اهل بینک میل اشک حشم  
 کر یانین نوکن کثر الغرایبده مسطور در ابو جعفر استادیله که بر کون بر آشنای کوردم  
 اعمی اولمیش سوال ایندم که برادر سن بینا ابرنک سبب اولدی که نور هر نک ظلمت عمایه  
 تبدیل اولدی جواب یتدی که ای عزیز و واقعه کر بلا ده داخل سپاه عبید الله زیاده ایدم اول واقعه دن

صنکر

صنکره مقامه مراجعت ایندکده بر کیمه واقعه کوردم که حضرت رسول بر سجد ایچینده محرابه بایسته  
 او نور میش و اطراف و جوانبده صحابه صلواته او میش و حضرت امام حسین اعضاء مجروح  
 و لباس بر خونیله منتظر لکیمی قرشو سینده و ورپ عرض حال ایدر و شهیدای کر بلا قانلرین  
 بر بر کنورب حضرت رسول اشارت ایلر که اشد موجهم بالسبف و آخر قوه هدر  
 بالنار و زبانیله آنلری قتل ایدر اوده بر اقوب با فد قمر حیات محبه دیوبوب بردخی  
 نکمر ایلر اول عذاب کر فدا اولور لردی من یوسیا سنک خلافتدن توهم ایدر حضرت  
 رسول سباه کنورب استعانه طریقیله ایندم السلام علیک یا رسول الله اول  
 حضرت سلام آلیوب غضب کونیله باقوب ایندی یا عده الله نبیشه منم حرمتن دومدن  
 دیدم بار رسول الله حق سلور که من نیغ جکدم اول حضرت ایندی نیغ جکده کنگده صادق سن  
 اما سبب کثرت سپاه اعدا ایدنک سبور دیکه ایلر دکل پوششت بر خونه مشاهده قیل نظر  
 قیلد و فده کوردم بر طشت بر خون دیدی ای بد بخت بو منم جگر گوشم فاسیدر پس بر میل ایلر  
 اول قانن منم کوزمه جکدی هوایل عیدار اولد و فده عالم کوزمه نیره اولدی سنهید کر بلا  
 قتلینه رغبت ایندنک اف ظالم سنکا جکک عذاب نی و عقوبت مقرر در نماشای مضاف  
 کر بلا ایندنک حذر قیل کیم علامت گاه تغذیرنک سنک محوای محشر در محمد اسحق  
 نقلد که اول حضرت ابوطالبینک حصن حمایتنده اولد فجه کفار فی الجمله اذاسینه دست  
 راس بولر لردی و چندان متعوض اولر لردی اما فرقه اهل اسلام مدن هر قنده بر فقیر عا حذر



کورس لردی ممکن اولد قبحه تعرض بنور لردی اول جمله نذر که امینه بن خلف بلال حبشی هر کون  
 بطحایه آبارب عربان ایوب اعضا سینه حرارت آفتابله فزیشداشکری باصوب  
 و بدن حریم یلیم یک کرم اوزرینه با نورب بر دیکه ترک دین محمد قلیوب لایق و عزایه  
 ایمان کنور بلال ابودر دیکه اَعْبُدْ اَحَدًا یعنی واحد اولان معبودی پرستش ایدرم  
 القصه اول صیدان مجاهدت پهلوانلری و اول عالم ایمان صاحبقرانلری انواع بلایه و اضایه  
 عنایه متحمل اولوب صبر قلیوب بر لردی بلا عین عطا و رجافضی رجا اما تدریجیه اول  
 ظالم لرتک فساد زیاده اولوب و مروریله دریای عصیانلری طغیان قلیوب برخایه  
 بتدیکه مسلمانلرتک قلیبنه نه منیه دست تغلب از ایندیلر و حار بن یاسرک الدردا کسین  
 بکنده قتل ایندیلر اول مظلومله ستملر بریندیلر بعضی صحابه بالقرورت حضرت رسول اشایه  
 حبش جانبینه هجرت ایدر بعضی سایر بلاد و بقاعه متفرق اولوب اخوان و انصار دین فلت  
 بولغین کفار اول حضرت نکلا و درینه فرصت بولدیلر بر کون گذاری صنادید قریش جمعیه و  
 ابو جهل و عدوی سایر سفها هر جانبدن تیغ زبان حکوب اول حضرت آرزده جراحات طعن  
 تشیع ایندیلر اول حضرت وَاِذَا خَالَطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا طبعیه  
 سالک اولوب مجادیلر و محاربه سیر کچوب بر کورستان کنارنده ملول و محزون او نورکن  
 ابو جهل ملعون قول قبیح ایلد کتفا قلیوب بر تکب فعل شنیع اولوب اول حضرت حدون زیاده  
 آزار بنوردی روایتدر که او کون حمزه تمامی روز مشغول صید اولوب بر شکاره ظفر بولسوپ  
 غضبناک

غضبناک مراجعت مکینه فیلد و قد در وازه مکره بر جباریه عبید جعدان استقبالی ایدر  
 ای حمزه شکارانک و صید کاهه کینک نه ناسبدر که برادر زاده عزیز که حابنیز اولغین ابو جهل  
 و سایر سفها انواع اینزالر بنور دیر حمزه بو کمالا نزن مثلاً اولوب منزله کله که کوردیکه منکوسری  
 کر بایان او نور سبب مورد قد اولدخی محاربه ننگ داغ طغیان تازه قلیوب ایندی با ابا  
 حماره نه مصیبت بوزن زیاده اولد که اشرف بنی هاشمه تحمل اولمین جباری عود رو کوره لر حمزه  
 ایندی نواقیع اولمشدر و بدی ابو جهل ابو حمزه بر نچ سفهایله حمزه و دو تو بک خسار مبارکین بر تو  
 آفتاب کیم غبار آلوده ایندیله حمزه ایندی و او یلاه ابو طالب قنده ایدی دیدی مزه کینه کشیدی  
 ایندی ابو طحطبه قنده ایدی دیدی اول سنگدل التفات اینیوب بلکه ابا شته تخریص ایدر دیکه  
 بو کذاب ساحر و دیدی عبا قنده ایدی دیدی عباس بر وانه وار اول شمع شبستانک  
 بشینه دولانوب استشفاع ایدردی اما قبول انحر لردی حمزه و خبردن زیاده متالم اولوب  
 زار زار اقلیوب اگر چه اوچ کونیدک طعام و شراب تناول تمه بشدی ماکول و مشروب التفات  
 اینیوب بدی محمدنک انتقامین ابو جهلدن آلمه طعام و شراب نکاح زامدر الوقه حضرت  
 رسول استفسار ایندیکه کوردی اول حضرت حرم مکره ملول و مکره دوباره نکینه فیلد ایدی  
 ایندی السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ابن اخی خاطر مبارکنک خوش دوست که انتقامنک و شتمننک  
 آلمه کلمه بشه ممکن اولد قبحه انده خاطر نکاح نزارک قلیبه عربیت قلیشسم رسول ایندی جمیع اقربا  
 التفاتی شکایه ایکن عجب که خلاف حادث سندن ظهوره کلوب و تمغای خاطر ناشاد که



پنج کیسند دن میسر اولم سندن و مرده کله  
پنج بر در دم جلوب ندید و زمان ابتدای تنگدل بر غنچه ام لیکن فلک بر کون منی نو بهار  
لطف خرمیکه خندان ابتدای حمزه کریان اولوب قسم باد ایندی که ای برادر زاده عزیز خا که رضای  
خاطرنگ حاصل انک نکالانم اولیش حضرت رسول ایندی ای تم بزرگوار منم خاطر منم بذل مال و  
ارباب قتال ایله حاصل اولم حمزه ایندی بسنه ایله حاصل اولور ایندی ای تم اگر رضای خاطر  
استرسنگ حضرت اجاب الوجود و حدایتنه اعتراف ارباب لوح ضمیرنگ غبار کفرون  
پاک است عز و جاه و دولت اقبال ملک عالمک اولم غصیلینه راغب کیم نما انجاده  
دولت اسلام کس بنمکه توغیر نه کیم دولت باقی که دیر لدولت اسلام حمزه ایندی ای تم  
زاده بولکه ایله خاطرنگ خوش اولور می حضرت سید عبود نی هم بس حمزه کمال اخلاص افتدای  
مسلمان اولوب هم اول حرارتیلم اوجهنک در سر اینه کلوب کوردیکه اکابر قریش ایله او نورش  
بی محابا لندی یا ایله اورب غرق نامبارکین مجروح ارباب ایندی ای بخت سندن محمد جفا  
بنمک نه مناسب در جماعت قریش آئی غفبنک کورب ایندی یلر ابا سحر بر کذا الجحش  
بویله ضرب سنگانه لایق در ایندی ای بر بخت محمد قریشی صادق و امین در مندی شهادت  
و برورم آتشک صدق دعوا سینه الله الحمد اولوب کفر و ضلالتدن دور و و شد کونم  
اوسینه شمع سالتدن نور اشرف قریش اول کلماتی حمزه دن استماع اندو که منوهم اولوب  
ارتفاع دولت اسلام دن اندیشه جلوب حضرت رسولک قلبینه یل با غلدر و ابوالماتیه

جدال

جدال و قتال قیلدیلر ابو طالب می بنی هاشمی و بنو عبدالمطلب جمع ارباب اول سرورنگ محافلت  
و معاونتند کجبت اولدی و جمیع بنی هاشم ابو طالب دن غیر اتفاق ارباب بر شعله ولوب  
بنی فزیشیدن قطع اضلاط ارباب مناکمه و معامله ارا رنیدن کونور لوی صبح صادق  
کیمی طلوع جلوب نور شمع محمد عربی بر نوبض اولدی عالمگیر بر پندن آبردی و در  
شبی الفقه اوج ایل جو منوا ایله روزگار لری کجوب ابو طالب وفات قیلدی و اوج آی  
کچیکه که خدیجه وفات ایندی آن دنضکره جمعیت اسلام بر مقدار خل و بلغین و اعوان  
و انصار متفرق اولغین کفار طغیان طریقیل اول حضرت اظهار آزار ایندی یلر و طریق  
معانرت دوت یلر مجمل اولن بیل مقداری مکده جفا چکدر نصنکره هجرت فرما ن بنو کیندن  
مدینه انتقال ایندی آن دن منی عهد اصنام صد دخی الفتند اولوب محاربه و مقاتله  
واقع اولدی و غزای بدر اول زمانه ظهوره کلوب هم زاده رسول عبده بن حارث عبدالمطلب  
شرف شهادت بولدی رحمه الله علیه کیفیت شهادتی اولدر که چون مصاف بدره سپاه  
اسلام و لشکر کفار مقاتله قیلدیلر سپاه کفار و قوز یوز الله مبارک و لشکر اسلام اوج یوز  
مجاهد اولوب غای لشکر اسلامه بنیش مرکب و آتی زره و سکر شمشیر و غیره و قیلد  
ایکی جانب دن صفقر مرتب اولوب اول صف کفار دن اوج مکسسه میدان جعدی بری عتبه  
بن ربیع و بری شیب بن ربیع و بری ولید بن عتبه و لشکر اسلام دن اوج مبارز انصاری  
آغلره مقابل اولدیلر کفار مبارز لری انصار مجاهد لریندن سوال ایندی یلر که سیر نظامدن سیر



دید که انصار و نوز ناز قیلد بیکه ای محمد بنم انصار یله عدا و تمیز و قدر بزه اقرار و نوز مبارز  
 کوندر رسول الله عبده بن حارثی و حمزه بن عبد المطلب و حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابیطالبی  
 آنرا تک سید انصار رسال ایتدی مقابل اولدوقده عبده بن حارث عتبهیه مقابل اولوب  
 و حمزه شیبیه بر ابر و رب و علی ابن ابی طالب لیده معارک و دشووب ابتدای حربده حمزه  
 تیغ آبدار یله شیبیه هلاک ایدوب و حضرت علی طعنه شمشیر ضاعفه بار یله و لیدی قتل قیلوب  
 و شمشیر نیه غالب لیدر اما عبده بن حارث و عتبه بن ربیعہ بری برین مجروح ابر عاقبت  
 عتبه عبیده بر زخم شکر اورب آتدکن براقدی و حمزه ایلد حضرت علی دخی انفاقیلد عتبه قتل  
 ایدوب عبده کونورب حضرت رسول خدمتده نیور دیلر عبده بیوشل لیکن اوزینه کلوب کوز آتوب  
 خواجه عالم مالین کورب ایتدی بار رسول الله اکنت شهنشید حضرت رسول ایتدی نیم دفتر  
 شهنشید سنگ عبده اول حالت میا بات ایدوب ار الحریدن مراجعت ایتدکه منزل روحانیک  
 دار القاره اشتغال ایتدی و منزل مقصوده ایتدی ای خوش اولیکم حیاتی اولدوقده حری  
 صرف در شریعت ایدر مدت حمری آخر اولدوقده بوجهان دن شهیدانیک کیده فی  
 شهادت حمزه اما حمزه شک شهادتی بود جمله در که مصاف بدردن منکره کفار لشکر جمیع ایدوب  
 اوج بینک مسلح و مرتب کافرندینیه توجیه قیلد یله واحد و یک ایلد معرف منزلینیه بتدکده  
 حضرت رسول دخی یتدی بوز مهاجر و انصار یله آنله مقابل دورب بر نو عیلد صفیا غلیدر  
 که کوه احد قفاده و کوه عین جانب رسیده و مدینه مقابلده اولوب و کوه عینک بر شکافی

طایفه و قبیله  
 مجلس حمزه  
 عمر پسند

اولوب

اولوب کین کاه اولمغه قابل اولمغین حضرت رسول الله عبد الله بن حبیبی الی کما نذر ایل  
 آنک حنظله مامور ایتدی و مقرر قیلد بیکه لشکر اسلام غالب و اگر مغلوب اولدیر آنرا اول لشکر  
 انحراف نمید کرد و اول رخنه دن بر غیر جانب کتیمه لیرا یکی جانب دن آتش جبال اشتغال بولدوقده  
 و بازار محاربه کرم اولدوقده جماعت فریشتن طلحه بن ابی طلحه صدیق کیرب علی بن ابی طالب علیه السلام  
 الله هلاک اولدی و فرزند ی مباحثیر توجیه حرب اولوب حمزه الله زهر شربت فنا بولدی  
 القند ابواب ظفر لشکر اسلام مفتوح اولوب لشکر کفار انحلال و اضلال بولمغین علملری  
 نکلوب را اولوب متفرق اولدی و لشکر اسلام غنائم و متعده فرصتی غنیمت بیلوب نمیه  
 و عارته توجیه قیلدوقده رخنه کوه مستحفظلری اول حالی کورب اختیار منزلت لریدنک منصرف اولوب  
 عبد الله منع ایتدکه قایل اولمیبوب غارته متوجه اولدیر کفار اول مری غالی کورب لشکر  
 غارته مشغول اولمش اول مره متوجه اولوب عبد الله و بعضی اصحاب یله شهید ایدوب لشکر  
 عقیدن چیتوب حمل قیلد یله لاجرم اثر مخالفت حضرت رسول موجب تفرقه لشکر اولوب  
 کفار تغلب ایدوب لشکر اسلام اوج قسم اولدی بر قسم بدیننه جانبینه فرار ایتدی و بر قسم علی  
 و سعد و طلحه کیمی حضرت رسول خدمتده قالدی و بر قسمی دخی درجه شهادت بولدی و روضه  
 الاحبابده مسطور در که لشکر اسلام مزینت اولوب حضرت رسولی تنها قوبیلر و اول حضرت  
 امیر المؤمنین دن غیر ی خدمتده کیمه کور صوب یتدی یا علی سنگ نخون ساری جماعت ملحق  
 اولدن مرتضی علی علیه السلام بیور دیکه بار رسول الله ان لی یلت استوفیه بر بنده ام



که روز از لدن مطیع اولوب طوقی وفان عهد کا جگمیش قضا سنی نقیضاتم ایلدیشم نمرطاش  
 حاشاکه سندن ایلید و ران جدایی ناکاهه می معاند لر اول حضرت متوجه اولدی لر حضرت  
 رسول الله یاعلی بوجهی پریشان ایلد حضرت مرتضی علی علیه السلام متوجه اولوب  
 اول جهمی پریشان و متفرق ایدب اکثرین مالک خیرانه تاپشوردی اول حالتده جبرئیل نازل  
 اولوب ایتدی یا رسول الله کمال خالصتد که علیه السلام طوره کلدی حضرت رسول الله  
 بَلِّ اِنَّهُ وَاَنَّا مِنْهُ جَبْرئیل علیه السلام ایتدی اَنَّا مِنْکُمْ اَو ایتد که منظومه لافنا الا  
 علی لا سیف الا ذوالفقار مانف غیبدن او لکون صادر اولدی ارباب خایق و اصحاب  
 معارفه محقق که سبب اعتدای رتبه حضرت مرتضی علی علیه السلام اتباع حضرت مصطفاه  
 واعظم معجزات مصطفی ولایت مرتضی در تکمیل مرتضی سبب قبلیه سوال اقبال  
 اتباع شمه انبیایم حقیقت رسول دلیل ایتد لر طلب طوع اطاعت علی مرتضی تبر  
 روایتد که کفار دن دردت معاند عهد ایتد لیر که حضرت رسول فرست بتوره لر و برپوزندن  
 اسلام آتارین کوتره لر بری ابن شهاب و بری ابن تمه و بری ابن حمید و بری ابن ابی وقاص  
 القسسه اشرا غلبه ایدب ابرار مغلوب اولد و قد فرست بولوب ابن تمه حضرت رسولنگ  
 جهمین مباکین که مطلع آفتاب صدق و صفا ایدی سنگ صبا ایدب جرح ایدب اول جراحندن  
 جاری اولان خونا به حضرت پاک ایدب یردی بر قطره بوتان دن روی زمینده ترک کلدی آسمان  
 نزول قیلد و ابن شهاب بازوی شریف لیر که بنجه تاب دست تغلب کفرا ایدی ناوک بید ایدل

زخماک

زخماک ایدب ابن ابی وقاص لب روح افزا سین که مسیح احیای مراسم دین و باده حیات  
 شرح مبین ایدی خسته قلوب آتنگ ازیندن و ندان رباعیلری شکست بولدی لعل باب  
 و زسیر ایدب جرح و پرست شکست صافکم آرتز جرح قدری در و لعل اولیست و ابن حمید و حرامزاده  
 اول حضرتی جراح حمله مشغول کورب شمشیر ایدار حواله قیلوب حضرت اول مزبدن احتیاط  
 ایدب بر مخاکه مخض ایند کهده زخما عالم آرا لری که منظور انظار اصحاب ایدی نظردن غایب  
 اولمغین ابن حمید ملعون تصور ایتدی که خورشید آسمان شرف شرح افق سعادت دن نهان اولد  
 و شمع شبستان رسالت انطفا بولدی مباحات ایدب فریاده کلدی که صاحب غوی رست  
 ارباب تمام ایدم ابلیس اول ملعونک مرافعتی ایلد ندا قیلدی که اَلَا اِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ قُتِلَ  
 روایتد که آواز ابلیس مدینه نبوب دوست و دشمن ارا سنده شایع اولدی فرقه  
 احباب محزون و زمره اعدامسور اولدی اما آنک زمانه نضکره حضرت رسول اول مخاکدن  
 ینه صحابه ملحق اولدی و بو خزانده حضرت امیر حمزه شهادت بولدی و کیفیت شهادت بود که  
 جبرین معظم که اکبر اعیان مکه ایدی و حشمتی نام بر عهد مملوکی اولوب خائنده مبارز ایدی  
 برکون دیری یا غلام مصاف بدرده منم حتم مقول اولوب در و عهدنگ ابکی حموسی وارد بری  
 حمزه و بری عباس مکرده در و حمزه مدینه ده و اگر بو ابکی کبیده دن برین قتل ایدرسن و حتم اتفاق  
 آورسنگ سنی المهدن آزاد ایدم و حشمتی ملعون اول ابکی سید عالم مقول ایدرنگ قتلین قبول ایلد  
 و همواره مرصده فرست ایدی و هند که مشکو به ابو سفیان ایدی آتنگ آتاسی دخی بدرده فاند



مقتول اولوب خاطر نیده بر کرد و دست نمکن ایری اولدی و حشمتک خرمین معلوم ایرب  
نیز که فساد اولوب انواع مواعید به اول معلوفی تحریک ایرب و حبیب جارت بن عامر و حشمتک  
ای و حشمتک منم آتام و فرزند شلم مصاف برده حشمتک العینده قتل اولدی اگر سن  
میری یا حمزه با علی غل قتل ایره جک اولسن منی مالک آزاد ایرم طمع سرقتن روزگار  
طمع قیلین عزت ایلینی خوار نهال طمع میوه سیدر فساد بهار طمع سبزه سیدر عناد  
طمع بدیه دانشی کور ایرد رخ شاهد فیض سنور ایرد و حشمتک من محمد قلبینه قادر و کلم  
زیرا که صحابه آنک محافطتند و یکمندی بر و حمزه قلبینه منی اقدام ایره بیلیم زیر اول بولوا  
صاحب صلابتد اما علی نور سید در منزل احوال مصاف واقف و کل ممکند که آنک قلبینه فرصت  
بولم و آنکا غالب لم العقیقه و حشمتک حرامزاد منتظر فرصت ایری اول زمانه دگ که غزوه احد  
واقع اولوب آتش محاربه اشتغال بولوب مقداد حضرت علی قصد بن قلبوب کوردیکه شهبان  
لافتا غرابه صید اولد و شیر بنه هل آتی بر شغال فرصت بولم آندن تجاوز ایرب و حمزه  
قصد ایردی حمزه هر جانب حمل قلبوب صفوف اعدائی جاک بر کن مرکبی برنا هموار برده اعتشار  
بولوب بقدر دوشدی و پیاده قلوب بعضی اعضا سبند زره دور اولوب و حشمتک حرامزاده  
فرصت بولوب آنکا بر ضرب نیرینوردی بر طرفیندن بر طرفینه گذار ایردی فی الحال کلمه  
شهادت بولوب نقد جان خازن جنانه تسلیم ایردی اول شهنشاه عظیم الشانیه نکاح  
اجل پنج دشمن اولدی مفتاح دروازه السلام جهه اقبالینه آجلدی ابواب نجات

دوسردن استردی و شمتک میر اولدی کام و بعضی بر بختلر سینه سین حربه ایرل جاک ایرب  
جکر بن باره باره جوقوب هندیه جکر خواریه آبار دیلد و هندیه ملعونه دخی آتش جکر بن جوقوب  
و حشمتک آفرینلر و قیوب احسانلر ایردی روایتد که کک اسلام متغرف اولان زمانه  
حضرت فاطمه علیها السلام حضور نده اولان خاتین یار مترصد اخبار رسول ایکن بر سپاهی  
حضرت رسولنک فویندن خبر و یری حضرت فاطمه اول خبردن بهوشل اولوب پنه اوزینه  
کلدی بی اختیار دروازه مدینه دن جوقوب عایشه و صفیه و صفیه و بعضی خدرات حرم سرای  
عصمت دخی اتفاق ایرب احدی اینه منوجا اولوب حدت فریاد و فغانلر لاله کیمی کربانلر  
جاک ایرب چشمه لری کیمی دیه لر غمناک قیلدی لر فاطمه بر نومه بنیاد ایردی یکصد اسردن احدی  
متزلزل اولدی بر اقدی کوه صمدانله و افغانی آنک آقصدی چشمه باسینین  
چشم خروغشانی آنک اثر مصیبت اعضای لطیفندن قوت فتاری اولوب غایتده  
بی طاقت اولوب سایه وار یردن بره اول آفتاب اوج عصمت بر کهن دیوار و تکیه قلبی اطرافند  
اولان عورتلر دن بر صالحه یفرع قلبی که اول رزمگاه وار حضرت رسولدن بر خبر کتوره اول  
صالحه روان اولوب رزمگاهه یتنده گذاری شهیدلر اوزرینه دوشوب فرزندان بن مقتول  
کورب التفات انبیب سر عقل آندن کیم جوقوب او غلبن دخی کوردی بر زنجیل آغشته خاک کون  
اولوب و شمتک صابندن بر رفیق باقی اولوب تفریح ایردی که ای مادر مهربان آخر نفسدر فرزند  
مستمندنکی سعادت و یار یار مشرف قیل اول صالحه ایردی ای فرزند که همه آتش فراقنک حکم سوز



و ناوک مجراندند و زانما نیدهیم فاطمه منتظر مراجعت رسنکاشتول اوله بلزم معذور  
آنک دخی بو عذر بیکه کچوب معرکه قتاله قدم باصد و قده اول مجالده یتدیکه حضرت رسول  
مغالکدن جلوب سایه عله قرار دوتیشدی پاپوس شریفینه مشرف اولوب تضرع قیلوب انی  
ای جبرایخ خانه شمع و کل کلزار دین طهاره الافاف بزر الخلق فخر العالمین نور انیک  
منور صبره خورشید و ماه خاک پانیک مشرف صفی روی زمین تفصیل ایلد حضرت فاطمه تنگ  
احوالین عرض سلابین تیوری حضرت سول ایندی ای مسنوره مراجعت قیلوب فاطمه  
حیاتمدن بشارت تیور و آتی منم حضورم کتور اول مسنوره حضرت فاطمه یتدیکه کیناندن  
بشارت تیوری و حضرت فاطمه مضطرب الحال افغان و خیزان اول رزمگاه یتدیه رسول  
استقبال ایوب آنک ناستی خاطر و یری خاتون قیامت ایندی ای پدر بزرگوار بو عورت  
شکرانه قول اتیشیم حضرت سول ایندی ای مسنوره مراد نکند عیون ایندی تو قم بود که  
عوض قیامت منکا و اولاد شمع اوله رسنک حضرت سول توفیق منولایرب شهید و آنک  
اوز رینه کیند که حضرت سول ایندی که آیا حمزه نه واقع اولدیکه آنک بر اثر کور نمر حضرت  
علی علیه السلام حضرت سالت حضرتینه حمزه شهیدانندن خبر و یری نه خبر بود که  
ضراب نوکر مترکاندن صبر آتور جان ضریین و دل سرگرداندن حضرت رسول اصحابیل  
حمزه شکر اوز رینه کلوب اعضای شریفین باره باره کورب ناله کلوب نوحه لر قیلدیلر و غایت  
مثالم و متاثر اولدی زیر اتم بزرگوار و برادر رضای اولوب حسین دعوتده و بنوده هوادار

ایدی

ایدی و بو حالته مغالک صغیه حمزه تنگ بشیر سی ایدی حاضر اولد قده حضرت رسول آتی  
بفرستیه باصوب ایندی والدیه کی بر بندید ایلد کلکدنک منع ایدر کور که فرزند اشکی بو جایلر  
کور میه اول محذورم زاده اناسینه استقبال ایدر ایندی ای والدیه محترمه حضرت رسولنک  
رضای سنیکنک مراجعتده در صغیه ایندی ای فرزند اسفحاع اغیشم که حمزه شهیدات بولوب  
و یقین که بو مصیبت رضای خدا و رسول ایچوندر توفیق بود که منکا دخی تعزیتدنک و مشاهد  
بر توابیت سول حضرت رسول اول مظلوم تنگ کمال همتین احسن اخلاصیلر مد خطه قیلوب آم  
رخصت ملاقات و یری اتفاقیلر عزاسینده اشتغال ایدر ملول محزون اولدیلر هم اول  
ساعنده جبرئیل کلوب بشارت کتور دیکه حمزه تنک اسمی صفی آسمانه آسدا الله و  
استل الرسول یا زلری روایتدر که حضرت سول صلی الله علیه حمزه تنک جنازه سی اوز رینه  
کلوب نماز ایند که یتیش نفر شهید که جنازه لری حاضر ایدی اوز لر رینه نماز ایند و کچ آنک  
جنازه سین کوز میوب یتیش کوز اوز رینه نماز قلدی نور آله کده خوار زمین روایتدر  
که حمزه ایکی شهید را اهل بیتدن و امام حسین مظلوم علیه السلام خانم شهید در و حضرت  
رسول بوییش که کر عله یتیش نفر شهید اوله و آنک کور اوز لر رینه نماز قیلدیلر برین  
حضر اولمیه منم حمزه ایچون یتیش کوز نماز ایند و کمنک بری حمزه ایچونر و نتمه سی اول شهید  
ایچون روایتدر که بر شهید دار الحریده ایا عذک دوشند کی زمانه حور العین استقبال کلوبنک  
آنکله مصافحه قیلور حضرت سول بویدر که حمزه خون آلوده حایله ایلد دفن ایدر و دار الحریه



مراجعت ادب مدینه کلنده هر جانبند شهادت ای اهل الجون کرم استماع ادب حمزه سرائین  
 استماع اعتیوب سبوره یک حمزه تنک برنده اهل بیت یوقدر عزاسین دو نغمه مشهور در که ایکی  
 ظایفیه ایکی نوبت حضرت مسنوی اولور صباح اولوقده هر فرزند والد سینگ کنار سینگ دور  
 شغقتیل مهربانلو کرور نیملری بیک لری بیک لکی آتشی باقرو هر شام اولنده هر کیم اوز  
 منزلینه متوجو اولور غریب اولنلر لک خاطرین سراسیمه لک محنتی با زورور نقد که حضرت  
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم ملک الموت سوال ایندی که ای خازن نقد ارواح سنگ بوخ  
 حکم کر که داغ مفارقتله با زورور رس و بوخ جان و مالکر که اجل سیلا سیله ویران ایدرسنگ  
 ابا هیچ کسندیه چنک کلور می ملک الموت ایندی زحم نقشین صحیفه خاطرین حضرت  
 ایزد متعال رفیع انمیشد راما بو حایل سینه غریبه و تمکینک حالینه رحم کلور زیرا استداد  
 امانت زماننده بری یاد پدر و مادر ایدر حجاب حشره یقه عنیده دن توکرو بری باره دیار  
 فراقنده آه حشره چکر سیل اشک بتم و آه غریب موج اوروب شعله چکش شام و سحر  
 قطره سی صفحہ زینتی دونوب شعلہ سی آسمانه ایدر اثر روایتد که جمیع مہاجر  
 و انصار عورایند حکم اولدی که حمزه تنک سراینه جمیع اولوب کند و شهید لریندنک عزاسین  
 آنده دوتله و حضرت سول مہاجر و انصار تنک اول فعللرینہ غایتده خشنود اولوب عاقبت  
 مغفرت اسندی ای عزیز لر ملاحظہ قیلنک که حضرت سول حمزه تنک بیک لکین کور  
 رحم ایندی کی برده کر بلا ده حضرت امام حسین علیه السلام اولادی شهید اولوب ماعلمین دو نغمه کسنه

اولدوغنی

اولدوغنی سبیدن اگر کدر اولسه آنک رضاسی ایچون جمیع مخلوقات زمین و آسمان عزاسین  
 مشغول اولسه لر غریب و عجیب انلر امام محی السنه متعالیم تنزیلده نقل ایدر بر سر واقعہ  
 کر بلا دن تقدیم حرمو شفق یوقیدی واقعہ رضاکر ظاہر اولدی صانعیم کلکون شفقدر  
 سپهر میونا و امن دورانی و تیش شون آل مصطفی شواہد نبوتده مسطور در که  
 عبد الملک مروان مجلسند بر کون واقعہ کر بلا ذکر اولونوردی زہری حاضر ایدی نقل  
 اتدی که اولکون حوالی مسجد اقصی دن بیچ سنگ بیزه بریندن کونور مدیگر که آنک التندہ  
 بر قطره فان کور مدیگر و عبود رضادہ مذکور در که امام علی ابن موسی الرضا دن نقلد  
 کہ سبور میش جدم امام حسین علیه السلام شهید اولوقده آسمان خونبار اولوب خاکه  
 بوزنیک فرشته رحمت آنک انتقامین آلفه افلاک دن مرکز خاکه ایندی لر اما حضرت  
 بولمدی لر و حالاروضہ مبارکہ سنده موی زولیده و روی خراشیده ایلر عزاسینہ شولر  
 کر بلا دشمنده شاه کر بلا تنک حالینه اتفاق عام اولوب مجموع عالم آغلدی  
 پاپہ حشر معلادہ نوکوب جبرئیل اشک روضہ رضوانہ روح قرا آدم آغلدی  
 فی شہادت جعفر اوچی اهل بیتدن جعفر طیار در روایتد  
 کہ جعفر جمیع صحابہ ایلہ جنس جانبدار مہجرت ایندی و کده نجاش علیہ الرحمۃ آنک ارشادوی ایل  
 سلطان اولدی و قلندہ ضیبر فتح اولانده حضرت سول ملازمینہ شرف اولوب حضرت سول  
 آنک خصوصندہ بیو میش کہ اشعوب خلایق و خلایق فی الواقع بونہایت تعظیفر

انجی مجلس جعفر  
 طیار در



رواندر که بهجرتک سکرخی الیندو حضرت جعفری مرحل عنانی حربه ارسال ایندی  
و مونه منزلندو لشکر کفاره ملحق اولوب لشکر اسلام اوج بنیک مجاهد و لشکر مرحل  
کفاره یوز بنیک معاند اولوب غایت کثرته ایدی اما سپاه ظفر بنیه اسلام کثرت سپاه  
اعداد انزیشه قلیوب بنیاد و مقاتله قیلدیر انشای مقاتله زید بن حارث که علیه اسباب  
ایدی شهید اولوب اوزی رایت نفرت آیتی اله الوب و هجوم کفار مکهین سقوط قلیوب  
پیاده قلوبی سقه فجار فرصت بولدقه ضرب شمشیر آبداریل بازوی یحیی بن مبارک بنیدن  
جدا قیلدیر اول شاهباز اوج جلالت رایتی بازوی یسارینه الوب براقدی بازوی یسارینه  
وخی قطع ایندی لیرایتی دیشی ایدو توب دو شکم توبیدی القعه برنامرد برضربیلد اورب  
اول مطلبوی آیقون براقدی اخبار صحیحی نذر که حضرت یزد و حجب الاستقاری رفع اید  
حضرت رسولی مونه شهیدامو که سینه طلع اینشدی و اول حضرت مبدوم جمیع احوال اطلاق  
بولوب اصحاب خبر و رب و زید بن حارث و جعفر بن ابوطالب بنیک پاره پاره اولدو قتل  
اعلام ارب و بیوردیک جعفری کوردم بهشته کرب یا قوتون ایکلی شهبیر پیدا قلیوب  
طهران ایدر و بودخی حضرت رسولون نقلدیر که بیوریش من جعفری کوردم مثل ملک طیار  
بهشتله پرواز ایدر و جبهندن آنکا جعفر طیار دیر و بعضی قصه مسطور در جعفر بن جعفری  
رضی اولوب و شندو که هببت و صلابتندن جمیع کینه قلیوب اقدام ایدر بلیوب آخر الامر  
اهداجوم ایدر نی بدن کونورزه باش قالدورب مناجات ایندی که الهی منم قلم ایدر  
عمراده شک

عمراده منک ناموسینه خلد و بره خوقا آنکا ایکلی شهبال النفات لبیب پرواز ایندردی  
نکاف را یچندن او چوب فردوس برینه نزل ایدر قتل ره عشق اولان سالکی حنک  
النفاقی سرافراز ایدر مذلت تراننده کورمزروا علو مقامیله ممتاز ایدر پروبال پیدا قلیوب  
لاجرم کلستان فردوس پرواز ایدر هرگاه که عبد الله بن عمر جعفر بنک اولادنی کورردی  
بوعبارتیه تعظیم ایدردی که اَلَسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَنَی ذِی الْجَنَّةِ حیات روایندرامان  
علیه سلام ذکله حضرت رسول جعفر بنک اولادینه مطلق اولانده آنک منزلهینه کلریت  
عیش که آنک و جیس ایدی حاضر ایدر جعفر بنک اولادینی و اطفا لینی بر بر بفرستد با صبر  
نوازش ایدر سرافراز ایندکه اسم ایندی یا رسول الله بکون جعفر بنک اولادینی یتیم طریقه  
نوازش ایدر سنک مکر جعفر شهادت بولوبد اول حضرت کرمان اولوب آنره صبر و استقامت  
و یردی عبد الله بن جعفر بن مرویدر که حضرت رسول اولوب بره نغزیت و برود که اول نایند  
کرمان ایدی که قطرات اشک محاسن شریفیدن تو کولوردی و بیوردیک الهی جعفری احسن  
واجب اول ابرشدر و حال سنک آنک خلیفه سی اولوب اخلافین و اطفا لین حصن حایندکه  
سقا اول کونر نضکره سینه کلوب اولادین حیزادین چرب خاطرین آلدی والدله لری یتیم اچون  
نشف ایدر بیوردی اتخافین علیهم و انا ولیهم فی الدنیا و الاخره و ایدر  
که جعفر بنک سکر او غنی اولوب ایکلی کی عون و محمد اصغر و امام حسین ایدر کربلا ده شهید اولدیر  
رحمة الله علیهما فی وفات ابراهیم علیه السلام و حضرت رسول الله منک ابتلا

رسول  
رسول



دخی فوت ابراهیم در وایتد که ابراهیم که بر منی بلیده ولادت یافتی ماریه قطیدن متولد  
 اولوب قابله سی سلیمی نام جاریه ایدی حضرت رسول که نقلد که ابراهیم متولد اولنده جبرئیل  
 نزول اید بر منیه طریقه ایدی المَعْدَر عَلَیْكَ يَا اَبِي اِبْرَاهِيْمَ الْقَصِيْلُ ابراهیم بر ایل  
 آلتی آی قضای حیاته قلوب حواری رحمت واصل اولدی حضرت رسول استنک فونندن  
 ملول و محزون اولوب کریم وزاری آغاز ایدین عبد الرحمن عوف ایدی که یار رسول الله سین  
 منع ایتدیک جزعده حضرت رسول ایدی که گردن منع ایتدم خراش روی و کشف روی  
 و اعضا دن منع ایتدم آج شیم مائزده باران رحمت و نشان یافت العکین  
 ید مع و القلب یحزَن و کلا اقول الامهات یحیی ید و یثابوا غدا به النبوة  
 مسطور در که بر کون حضرت رسول صلی الله علیه و آله امام حسینی پرورین اوزرینیه و ابراهیم پرورین  
 اوزرینیه آلوب نواز شد ایدین جبرئیل حاضر اولوب ایتدی یار رسول الله حضرت حق  
 بویاکی لولوی شهواری بر رشتیه منتظم قیلو جمع ایتد بریننک دفعینه رضایر یک  
 کرک ای شهریار سندن عکین و خزجاه اولمز بر آسمان ایک نور شیده جلوه کاه حضرت  
 رسول ایدی اگر ابراهیم فوت اولسه اکثر الم شکا منوجه اولور و اگر حسین فوت اولسه شکا  
 و مرتضی بیرونه رایه منالم اولمق لازم کلور من مصیبت خاصه محنت عامی اختیار ایدیم اول  
 واقعه دن اوج کون کچینده ابراهیم وفات ایتدی اول واقعه اولد قدن ذکر هرگاه که رسول  
 امام حسینی الدینه آلوب التفات ایددی و یددی که مر حبا ای فرزند عزیزم فداسی

انزوم

خد و ردی  
 ۱۸۱

ایتد و کم حکم کو شیم زهی بد بختلر که بویله عزیزه امانت ایدب جبار واکوره لکنز الغزاییده  
 مسطور در که بر کون امام حسین علیه السلام حضرت رسول خدمتینه کلوب خرف اولمشد  
 منزلدینه مراجعت ایتدیک مراد ایددی اما باران ایدی کیتیک متعذر کور و نوردی ملائت ظاهر  
 ایدی حضرت رسول حسینی ملول کورب ایتدی نه واقعه در شاهزاده ایتدی یار رسول الله  
 باران شکا مجال و بریز که کیدم حضرت سالت عافیلوب باران توقف ایدب امام حسین  
 علیه السلام منزلدینه منوجه اولدی ای عزیز قیاس قبل که قطره باران خفا سینه شمل اولین  
 اعضای لطیفه سنگ ستم که جفا لیتیش اولد خا رنا و کدن کلی اعضا سنی ایتد  
 چاک چاک با بال اغیش غم اول سوروانی ای دریغ اختلاف وضع طغیان هوا  
 مختلف منطفی قیلتش چراغ خاندانی ای دریغ خفا که هرزه خاک و هر جزو افلاک  
 تار و قیامت هر زمان ناله و سوز چکوب مصیبت کر بلا به وفا قیلر و اول محنت زده  
 عزرا سینه کافی اولمز  
 حضرت رسولنک ملک فنادن اقلیم مجلس حضرت  
 بقایه اشغال ایتد و کین بیان ایدر همیشه دیده بهیرت بر لبه مطالعه اوراق لیالی و ایام ابرن رسول الله خنده  
 ارباب حقایق و اصحاب معارفه معلوم اولمیشدر و همواره عین فراستد مشاهد و مرور سیف  
 و احوام قیلن اولو الابصار ذوالافهام ارا سنده وضوح بولمیشدر که اعیان نابته ممکن مستلزم  
 احاطه حد مدر اصلنه راجع اولور و هر موجودنک جو دینه عدم مقدم کینج بقا صانه  
 بو پیرانه ایتیمه کور قبل بو بختانه مهر کو نور کیند و آردن رسم وفا و تمیز غذا دن ملک

اون برنجی  
 رسول الله خنده



وجودی عدم آباد قیل کورمه وجود نک عدین یاد قیل آنچه جهان زالینه چشم هوس عقد  
 بیل با غلبه بوند کس دو تک جهان ملکینی دوزنک تمام سودنه چون ملکینه یوقدر نظام  
 دهر ندر آینه عکس وار صورت آینه بی اعتبار ای عزیز مطلق راجحین ریاض امکانه  
 ششم بقاد انظر اوت یتیمیشدر و سیزده صیات مستعار مرکز حساب نیازن کس طوبت  
 ایتیمیشدر کتابه دیوان بنای عالم رقم کل مخلوق سیف موت در و صوره طینت بنی آدم  
 خیر یانه کل مؤثر فی سیف موت در طبع قلیک و فاعلک جهان دن و فاعل دن بوقا  
 ملک قانن بودیران ایچره صانعک کنج یو خدر جواهر دن لبالب کنج یو قدر ولی  
 عادت بواو ملیشدر که دوران قیل هر کنجی بر تو پراغه بنهان کرادراک ایل سن هر  
 ذره خاک چکوبر بر بر دیه بینک جوهر یک نه بارگاه شمشدر که طاق و رواقی طارم  
 اعلایه تیکنده سیل فنادن نزول بولوب یران اولدی و نه نقش کارگاه رفعتدر  
 که زینت و زیبی درجه کمال حاصل ایتد و که باز یچر لعبت باز دهر دن صورت تغیر لری  
 لاله زار حوای امکان دن مشام ادر که راجحه کل من علیها فان کلور و زمزمه جمعیت اعیان  
 سمع عرفان اصغای صدای کل شیئی هالک قیلور دهر دن آرزوی کام اینه  
 بوند کام استیوب مقام اتمه فلک نیز کردند خرام هیچ ناکامه ویرمیشدر کام الحق  
 بوخار زاره کل مراد امید ایل دلل صیات کرامی نوکن خازن اعدن غیره کورمیشدر  
 و بو بوستانه شکوفه مقصد تمنا سید که نهال نوبه نکلن زهر بلادن اوز که میوه کونورمیشدر

انصال

انصال صحبت خطر انصاف لدن خالی اولمز و التیام الفت ضرر انصاف لدن امان بولمز  
 دنیا به کل کیدر ضروری مستلزم غیبه ضروری دوزنک فراری اولمز  
 اقبالینک اعتباری اولمز دوزنک دوزنم جهانی بکسر مانند جم و فساد قهر نه سود  
 چه عاقبت کیدر سن اسباب جهانی نرک ایدر سنگ یقین بلک کرک که وضعی و زینتی  
 رفوی و ضعیف عالم و جاهل و دیوانه و عاقل و مست و هشیار و خشنه و بیدار ملک عدودن  
 بهت مساوی ایل جیغوب اطوار مختلفه و اوضاع متنوعه ایل سلوک ایزب شکام انقضا  
 مدت عمر دنک نهادی و دوزنک شربت کام کل نفس ذائقه الموت ایچیک مغرور و اعتنا  
 و اعتقاد انک کرک که خلعت ظهور کوب فیض فطری قبول ابد نکره ادر که تسلط بیدار  
 ک حکم الموت مقدر دوزن کل ای ملک دنیا به مغرور اولنک می ذوقن مست  
 سرور اولنک گرفتار دام پلاس سقن اسیر دم از دلم سنگ سقن کر بیانی پیچ  
 روز کار دوتبد رخصت قیل سر انجام کار سنی دام فبر گرفتار ایدر با سنگ مهر  
 سین رشتنه مار ایدر کلن بوکرز کاهه کتمک کرک نزول ایلین رحلت انک کرک  
 فراغت فغای دکل بوقام بولمز جهان کارگاهنده کام فی الواقع اگر بقای بشوکن  
 اولسه ایدی حضرت خیر البشر نک که نقش نکلن و لکن رسول الله و خاتم النبیین  
 در بو تشریف منزه و لغه انساب ایدی و اگر دوام بنی آدم احتمال بولیدی قابل اناسید  
 و لکن آدم بوسعدات استحقاق نه افراییدی دلیل ازاله نقش تعذبات جسمانیه بویتد



که حضرت خواجه عالیان آنک مکتب و انفس مکتوب خطاب به مخاطب اولمشدر مشاهده  
تغیر صور صحایف امکانه بگویند که افضل عالم و ما جعلنا البشر من قبلک الخلد  
خطایستطاین اصفا قیلتدر دور زمانه تنگ عدم اعتبارینه شاهد شیع واقعه  
کر بلا تیر عمال کارخانه احوال عالمه موت نبی علامه فوت و قنایتری تکلف اعظم مصایب  
کر بلا فوت حضرت مصطفی در زیر موجب طاله ایادی ظلم و جنادر مجمل کیفیت موت حضرت  
رسالت اولد که اول شمع شبستان رسالت و خورشید آسمان فوت و نبوت مجرب تنگ  
اونجی بلیند ادای حج الوداع ایوب عز و کوفی ساحت عرفانه بآیت نزول اولد که الیوم  
اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی حضرت سول صلی الله علیه و آله بآیتنگ  
مضمون تنگ استشمام رایحه انتقال ایوب و بوجبار تنگ مفهومندن احساس ارحال  
قبیلوب محقق بیلدیکه تنگانی شهادتدن فضای فرخ فزای غیبه توجه آنک کرک و دار فسادن  
ملک فایه تمک کرک زیر عرض شرف سالتدن بیان احکام ایمان ایدی عام اولدی و  
مقصود سعادت ظهوریندن اظهار نعمت اسلام ایدی درجه کمال بولدی بس کابر و اف  
صحایه جمیع ایوب بیوردیکه ای مهاجر و انصار منک بکون ضرورتیات امور و بیکر محقق  
ایدنک فرصت اکتساب فوت اولدین که وعده مفارقت فریب ایدی و طریق رفعت  
انتها بولدی و دخی بیوردیکه ای قوم عرصه قیامتده بوم بنفع القادریین منقذهم قرار  
کاهیدر و قاضی روز جزا بوم لا ینفع مال و لا بنون کوا بهیدر اگر اولکوندره

سیردن

سیردن سوال اولونسه که محمد سیرنکلی نجه سلوک ایدی بواجبکونه اولور صحابه اتفاقیل ایدیلر  
یا رسول الله سندن ادای رسالت و القای نصیحت استقام اید و مکره شهادت بیروز  
بس حضرت سول اکملت سبابة فمرشکافی جانبک سمانه قالدورب ایدی اللهم اشهد  
یعنی الهی سن کواه اول روا تیدر که حجة الوداعدن مراجعت قیلد و قد انشایطریقه فخر خم  
و یک ایلد معروف منزله جماعیل ادای نماز اید که نصکره صحابه بنو حبه اولوب بیوردیکه  
السنن بالمؤمنین اول من انفسهم یعنی مؤمنله دکلمیم نفسلرینک اول  
حضار مجلس اتفاقیل تصدیق و یوب ایدیلر نعم یا رسول الله پس حضرت سول مرتقی علی  
علیه السلام السندن دو توب ایدی من کنت مؤلا فخذ علی مؤلا یعنی بیکرک  
من مؤلا سیم علی آنک مؤلا سیدر و دخی بیوردیکه اللهم وال من والاه یعنی  
الهی آنکله و ستلق ابنت که علی ایلد و ستلق اید و عاد من عاده یعنی آنکله و  
قبل که علی ایلد عدوت قیلد و اخذ من خذله و آتی خوار و تنزلی خوار دوت  
و انص من نصره یعنی آنکله و یرنه نرفت و یر و اذیر الحق معه حیث  
ما کان و معادن ابنت آنکله حق هر قنده اولر و ایدر که فاروق اعظم مرتقی علی  
علیه السلام در و عمر علیه اللعنه حضرت امیر المؤمنین عینک الدین دو توب تغذیه طریقه  
ایدی بخانجالت یا ابن ابی طالب اصبت مؤلا فی و مؤلا کل مؤمن  
و مؤمنه کل ای رضای رسول استین ظهوره کتور نشان دولت توفیق



وال من والاه عداوت اسد الله اوله فایلیکم چکیمه سنکا شمشیر عاده من عاده برکت  
 حکمت آمیز انما سنده ایندی با قوم منی عالم عقابه دعوت ایندی اول جانبیه توجه فیلوب  
 حفظ صلاح ایچون خلقت فیکم الثقلین کتاب الله و عتق فی یعنی مظهرین خلافت  
 ایکی امر عظیم بری قرآن و بری اهل بیت زینهار طریق متابعتلریندن سلوک مخالفت  
 فیلمنکر رسم مطاوعت لریندنک نجا و از اولمنک که بونلرینک بر برینه رابطه تمام بوبوب خوش  
 کوثر کفاره نده سنکا ملحق اولوب آنا غلوه شکایت ظاهر ایتسلر کر در نیازهای انت بیونفا که  
 بومضمون معنی اولیش ایکن اقرب زمانده تحریف مضمون فرج فزاسن جابر کوب اهل بیت  
 بخار و اکوب دشت کمر بلاده اولاده رسول ایزدینور دیلر ای شریعت شرفندن  
 غافل خلل شریحه دادم مایل مصطفی دن نه جفا ایدی سنکا اول کرم پیشه نچور ایدی  
 سنکا که مکافانینه بیداد ایندنک اوزنک آزارینه معناه ایندنک رتبه شریفینه  
 و یردنک تغیر آل اولادینه جکدنک شمشیر اول سننی صاحب ایان ایندی لطفلر کوسن  
 احسان ایدی سنن آننک ظلملر عرضین نچدنک داغ بیداد ایلر جانین یاقدنک  
 نور الانعه منقولدر که هنگام طفولینده برکون امام حسین مظلوم اطفال تحمل ایلر علیه  
 مشغول ایکن حضرت رسول حاضر اولوب آنی و توفقه قصد قیلدی امام حسین حضرت خواجه  
 قرار اینیب هر طرف توجه فیلوب حضرت رسول متعاقب روان اولوب ایدی ای حسین  
 بونه نفرت در شا هزاره ایدی یا رسول الله بونفرت دکل بلکه محرک سلسله عیددر

دلبرینک

دلبرینک شایقین حسن طلبدر نفرتی منعدنر مهر طغیان محبت شدنی انشای نار شوق  
 ایلر زلال اتصال منع مقدار نچدر مطلوب طلب غبتی معشوق که عاشق کمریز ایلر  
 بازار طلب آتش محبت نیز ایلر القدر حضرت خواجه کانیات اول اصغر خلقت نرد ایلر  
 آسمانه متوجه اولدی و دعا قیلدی که اَللّهُمَّ احْبَبْهُ فَاَحْبَبْهُ هم اول ساعته عالم  
 غیبدن خطاب کلدی که یا محمد بوجبه عتبه ممتاز ایند و کنک حکم کوشه و التفات سرافراز ایند  
 قره العینی دشت کمر بلاده شهید دلرب درگاه عللینا هم پیر بزرگوار و برادر عالمقدار ایلر  
 حاضر اوله جقدر بس بری بر شربت ایلر و بری بر شربت شهید اولوب ظلم قلیسه کرک  
 برینک فرقی تیغ ظلمدن شوق دمی معجز مثال بدر مطلق برینک نهر دن  
 حالی کرکون مزاجی تلخ کل تکبای عزیزی بر خون برینک لاله و من جسمنده بوز جاک  
 حکم قانیله جسم جاکي غناک روا یتدر که حجت الوداعه ایام منا آیت کرمیه ارفا جلا و فقره  
 و الفتح نزول ابرر حضرت رسول صبر نیله ایدی ای مقرب درگاه الوهیت محرم بارگاه  
 ربوبیت غالباً هنگام توجه عالم آخرتدر جبرئیل ایدی یا رسول الله و الا لخرقة خیر لک  
 موت الا و فی حضرت خواجه بواجیت استماعندن بومضمون اطلاعتدن تهتیه حساب انتقاله  
 و ترتیب آلات ارحاله مشغول اولدی و همیشه کلمه طیبته سبحانک اللّهُمَّ اغفر لی انک  
 انت الوهاب نکر ایدی صحابه ایندی بر یا رسول الله بو کلمه مکرار اتمدن غرض ندر حضرت  
 رسول ایدی منی عالم تقایبه دعوت ایندی انشای کلامه کر بان اولدی صحابه ایندی بر یا رسول



موندن گریه انگ حضرت زکریا نه مناسب در خصوص که محترم و مغفور اول و غنک مقرر در  
 حضرت رسول ابتدا منم اضطرار اتمت ایچوندر که بویجه بخار جکوب دایره ایمانه جکد کم  
 مسلمانرا یا مندنمکره مکاید ایلیمه گرفتار اولوب نه آفتله معارن اوله لرویه مختاره  
 دو شوبله هانت بوله لر القصة اول آفتاب آسمان لطف و کرم متوجه درگاه اولوب آری  
 وفاتندن مقدم صحابه کبار کما یشتی منزلتینه جمع ایتدی آنلری بر برینه سفارش ایدب بودعا  
 سرافراز ایتدی که **وَقَعَلَكُمْ اللَّهُ هَلْ يَكْفُرُ اللَّهُ حَقَّقَكُمْ اللَّهُ نَصْرَكُمْ اللَّهُ وَفَعَلَكُمْ اللَّهُ**  
 شرايط دعادون منکره وصیت قیلدی که ای قوم منم توهم عالم بقایه مقرر اولدی و آفتاب  
 حیاتم رخصت غروب اولدی حرمت اهل بنی سیزه نایستوردم و سیزی اول بادشاه  
 بنز واکه کم ملک بقا سنه خلل انتقال طاری اولد و مرآت حیات توبیدی کدورت  
 فنا بولم لایق اولدر که همیشه طریق سلوک اطاعت ایدب و مطاوعته مخالفت را  
 کور میسیر و فواید احکامه اختلاف فرایله خلل بنور میسیر بر نور عبایه مسلوک ایدب سیز  
 که روز قیامت سیزنک افعالنکر منی شرمسار ایتیمه و امن منبایه نتیجه اعمال ذمیه نکره  
 کرد خجالت یتیمه صفار و کبار بو اخبار خوشی حضرت رسولنک استماع ایدب اتفاق  
 گریان اولوب ایتدی بلربار رسول الله بو واقعه بایله نوقت مایه اولسه که بویور دیکه  
 غنقریب واقع اولور دیدیلر بار رسول الله عباد الله بو صورت واقع اولسه  
 غسل شریفنک فاشنی جز متکار نکارجوح ایدر سنک بویور دیکه افراب اهل بیتیم غسل اوله

دیدیله

دیدیله حایه ایل جسم مبارکنک فن ایدله لم بویور دیکه اکنده کی حبایل واکر مری حایه  
 و بینی حایه لیه منی اولسه جابر در دیدیله مرفد شریفنک نه مقامه اولوق مناسب بویور دیکه  
 حاله منوطن اولد و غم منزله دیدیله سنکا کیملر نماز قلیسونلر تجهیز و تکفین تمام اولد  
 منکره قبرم هتیا قیلوب جنازه می قبرم کن رنده قویب بشره و جنک و بلیش اولنک که نمازه  
 اقدام ایدن اول جبریلدر آدن میکائیل آدن اسرافیل آدن عزرائیل جمع ملائکه ایل  
 آنر منکره سیز کلنک بولوک بولوک نماز ایدنک اما ابتدای نماز اهل بیتدنک اولسون  
 صحابه بی اختیار ناله زاری ایدب ایتدی بلربار رسول الله منی قبره کم ایتدرسون  
 بویور دیکه افراب اهل بیتیم گروه ملائکه معاونتی ایلکه سیزی آنلر کورب سیز آنلری کور سیز  
 وصیت تمام اولوقده حضار مجلس ایل مواده قیلوب غایبده سلام ارسال ایدب  
 بویور دیکه مندنمکره دار دنیا به کلوب شریعتیه اقتدا قیلانلر منم سلام یتور سیز و غایب  
 منم رسالت معترف اولنلر منم سلام اولسون آنر منکره منر صد تبلیغ پیغام حال  
 و حنظرنان اتصال اولوب حیایا هجرتنک اون برحی بلند و صفرا آیتنک بکرمی  
 سکر می کونندن مقبره بقیع زیارتینه متوجه اولوب کلان بقیع بقیع ایچون استغفار  
 ایدب لغدار دعا قیلدی که اوزی دخی آرزو ایتدی که کاش مندخی بو بقیع منور لرنلر  
 اولوب بی دعا به داخل اولیدم بویور ایتدر ابو حمزه دن که دیش من حاضر ایدم حضرت  
 رسول ایتدی که ای ابو حمزه منکا دوام حیات مستعاری و نقای پروردکاری و دخول



دار الفزازی عرض است بر اعلای پروردگار اختیار اندم و ترک مایوسوی طریقیین دو ندم نقد  
 که حضرت بر کعبه تا مور اولدی که کورستان بقیه کید با عوالت استغفار اید آنوقت که شهیدای احد  
 فتورین زیارت اید بآنرا چون شفیع اولد بورد داند اسنده اول حضرت بر صدام طاری عارض  
 اولدی که فرق مبارک برین عصا به اید حکم با غلیوبت میمون سر اید کلوب اختیار کید قلیون پیوسته دیکه  
 این آن اعدا یعنی داند کل من منزل فنده در فاطمه اول حضرت مفسر کوب اهتات مؤمنانه  
 ایدی ای خوانین خلوتخانه طهارت و سعادت خانه عصمت حضرت رسول متکسر در هر کون بر  
 منزل کتک کتک شاعر کور و نور بر منزلده مقیم اولمعه راضی اولنک محذرات حجرات سالت اول  
 صلاح راضی اولمعه را یندی که حضرت رسول عایشه منزلنده اولوب بر بری خدمتین آنزه فکرس  
 میمون سر ایدن چنوب برای حضرت مرتضی علی کتند و برای عباس کتند عایشه حجره سینه  
 کلوب بزه دوشنده های محرق پیدا قیلدی آفتاب شرمعدن بولیدندی اوج ارتفاع  
 لاجرم محروم اولور بولد و قهر رفت آفتاب کربت موقت له آفتاب نوله حسنه عروق بر ککله  
 آفتاب قهر حرارتن کلاب حبشه مسعودن نقلد که من اول وقت حاضر ایدم مبارک  
 بطنه ال با هم و نبض مبارکین دو ندم حرارتن غایتده زیاده کوردم استدم یا رسول الله  
 جود رده دواندن عجب سحر قدر سوردیکه هر کینک امراض از مقدار نجر و دخی استدی  
 اول معبودم بچون کنم نفسم نک قبضه قدرنده در کیم کیمینه بر مرض طاری اولم که کنایه  
 آنک ایلونو کلزنته که باد صردن اوراق اشجار و تقادم هوادن قطرات امطار نوکلونو نقلد

ابو سعید

ابو سعید خوارزمی که همیشه من صین مرصده اول حضرت ملازم ایدم او زینیه بر قدیفه چکلی بنیدی  
 و مدت حرارتی قدیفه دن محسوس اولوب سوردیکه انبیا ننگ را بتی اعلی اولد و کیمی مرضی دخی  
 است و اقوی در زیر انبیا مختلر بینک زیاده اولد و من اسند عاقیلور لر و محنت موجب قیبت  
 اولد و من بیلور لر رنجی راحت لبرنگ در دمی دوادر عاشقه رنجی میجد اول سبیدر  
 کیمی پایان اولور غافل اولم دوست در دینک که اولد و قهر فزون موجب شریف لطف  
 شفقت و احسان اولور باینک الم و دردی دوادنک کیم لور خاک سر کوی نوبادنگ  
 یکله لور عشانه حبیب ایلدی کی ظلم و ستم غرا یندی کی لطف ایلد سخا دن بیک اولور  
 و سوردیکه بومرض اول زهرنگل شریک کرام البرام اولدینک ضیا فنده منکا و بر دیکر  
 و هر مدنده المی محبت اولوب بر دوا ید دفع اولور دی اما بونوبت منکام حلت لغین شتند  
 بولدی غالباً بدن شریفنده اول زهرنگل نری ملازم اولمعدن عرض شرف شهادت ایدی  
 روح الارواحده مسطور در کچون بحر فیض نبوت در بای کمال ولایت ایلد معارف اولو قلوب تقا  
 یخروج منهما اللؤلؤ و الماسان مقتضا سنخ امام حسن و امام حسین علیهما السلام  
 ظهوره کلدیل اول شاهراده لرونک بر بری بر کیفیت و ارشاد لیل لاجرم حضرت امام حسن اکبر المؤمنین  
 جد بزرگوار سینه افتد قلیوب الم زهر یله دنیا دن کچدی و حضرت امام حسین صغیر المؤمنین و الا عالم قدس  
 تشبیه قلیوب ضربت تیغه آخرت نقل ایدی زهر دن تلخ اولدی لعل شکر بار حسن  
 زهر کلبین هیچکام عالمه شریک کور دی اولدی شمشیرن بر خون تن چاک حسن سحر صحت بولدی



ششمین کوریدی و بودنی مناسب که حضرت امام حسن مدینه جد بزرگوارینک مجاورین  
 اختیار ایوب و حضرت امام حسین علیه السلام منوط عراق اولوب الد عالمقدارینک ملازمی  
 اولدی وادی غربده تنها لخدن اگر اه اتمیوب مرتفی شهری همچو آب ایدی  
 احمد شهری قیلدیر نعمت ولایت بچینک کورین اکبر اولن اکبری حفظ ایدی اصغر انصاری  
 الفقه حضرت رسول اون درت کون بیمار اولوب قفایه متوقف قالدی روضه  
 الاحبابه مسطور که اشتداد مرضه حضرت فاطمه زهرا ی حاضر ایوب طریق بود  
 وقایع تفقد رعایتندن منکره اخایله برنگم ایدی که حضرت قبول عذر اکران اولدی  
 آنده نیکو برنگم دخی ایدی اندوه این نشاطه تبدیل ایوب بسم قیلدی عایشه ایدی  
 یا فاطمه آیا اول اندوهه وسیله نایدی و بوشاطم سبب رفاطمه ایدی ای مخدرة  
 زمان حضرت رسول ابدای تکلمه بیوردیکه ای فاطمه هر شیل جریل برنوبت تبلیغ  
 احکام ایچون کلوردی بو شیل ایکی نوبت نزول ایدی غالباً اجلم قریب اولمشدرو  
 هشکام حیاتم درجه شهادت بولمشدرو بجزدن سالم و متوهم اولوقده بیوردیکه ای  
 فرزند عزیزیم بیکه که سنگا بشارت بیوردم ایکی سعادت بری اولیک افضل نسا بهشت سن  
 اولورسن و بری اولیک اهل بیتدن جمله سندن مقدم سن مشکلا فایده ایدرسنک بو مزده  
 استماعینک تر یاقی زهر فراقنده نکا ساز کار ایدی و سرور لاهقدن الم سابقه تسکین  
 ایدی و بیوردیکه ای فاطمه چون جمیع نسا اهل عالمدن سنگ در یانک اعظم مقامینک

افضل

افضل راجع بک تنگ بلیانک انم واکملد صبرایت و تحمل قبل عرض بو که اول حضرتنک اشتیاق  
 که اشد بلیاندر فاطمه صبریده و تحمل پیشه قبله فی الواقع اگر مزده علودرجات اخروی و  
 بشارت سموم و تنبه معنوی موجب تسکین خاطر فاطمه اولیه حضرت رسول کیمی سرور غیبه  
 بقانک آتش فراقتم و الم اشتیاقتم بقدر تحمل خارج احاطه احتمال امکانیدی زیرا که  
 آتش جان سوز الم جان ستاندر <sup>عنه</sup> خنجر مجران و تیغ قطع شمشیر فراق چاک چاک  
 ایلدی زهر اشک لافکارین و بر صیددی و عدّه وصلین و برنده مصطفی مزده ذوق  
 وصال و دولت دیدارینی روایتدر که اول سرورنک محفی کلدکجه زیاده اولوب حرارت  
 جسم لطیفی وارد و قهقهه تزارید بولوب بیوردیکه ایدی کوزه ایلیدی قبولن صو کو تر بیکه که  
 خفت بولوب مسجد تشییع بیوره حسب الشاره ایدی قبولن صو کو تر بولوب اول چشمه حیانتک  
 اوزرینه تکلدیلر فی الجمله بر مقدار خفت بولوب حجره دن دشره جوقوب جماعتی نماز قلوب بر حکمت  
 آمیز خطبه انشا ایوب درگاه واجب الوجود دن مجددا شهادی احد ایچون استغفار قیلد و قد نفکره  
 بیوردیکه انصار منم خود احمد آنلرینک کرو این کرامی دونک و خطا لرینک تجا و زایدنک  
 و برروایتده دخی بودر که اول حضرتنک مرضی تزارید بولوقده انصارنک قرار قالمیوب مسجد  
 نبوی اطرافنده تردد ایدر لردی عباس ل حال مطلع اولوب حضرت مرتفی به عرض حال  
 ایدر حضرت مرتفی علیه السلام دخی آنکا موافق شرح حال ایدر که حضرت رسول  
 یرننک دور بایندی یا علی انصار نه دیر لر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ایدی



انصار در برگ که حاشا حضرت مصطفی و یاران نقل اید چنانکه او در سه و بیست و پنج و صوم بود  
 بزم احوال آنجا بود و در آنجا که حضرت رسول ایام در شب برالین حضرت مرتضی علی  
 گفتند و برالین عباس گفتند بر اقوی مسجد کلوب منبر استند چنانکه قرار و توی محد و ثنایه  
 مشتمل بر خطبه بلیغ انشا قیل و قد انصاری مهاجره و مهاجره انصاره مبالغه عام الیه  
 سفارش قیل و روایت در فضل بن عباس که آیام مرضه بر کون حضرت رسول  
 منم الم و توب حجه دن جفوب و مبارک باشند عصابه بغلیوب منبر او ز ریزه قرار  
 و دوزی و بلا له بیور دیکه نرا قیل خلق جمع اولسون آنکه وصیت قیلیم که بو آخر و صیدر  
 بلال حسب الفرموده نرا قیلوب جمیع خلق حاضر اولوب ال حضرت ادای خطبه دنفکره  
 بیور دیکه ای فرقه اسلام و زمره انام منم اجلم قریبدر زینها مذون بنگر ایل جده او  
 کونکر ایل جده اولنک ننه که من سیزی فراموش انمزم سیز دخی منی فراموش فلنک ای قوم  
 بیچ پیغمبر شربت بغا ایچمیش مندی اول شریقی نوشل بر دم و بر و اینده دخی اولدر  
 بیور دیکه ای قوم سیزه ابلاغ احکام ایندم و اصلا حنکره اقدام ایندم و بلا آنکره بلا  
 اولدم و حالا صحبتکزدن انقطاع الیک محالیدر و مفارقت زایلیدر کیمنکر منده حقی  
 و اراسون و کیمنکر که بر سوزی و ارسوال استون که بارگاه قریب جمیع و دعوان منزه کیدر  
 دامن تجردی دست نظلم و تعلق دو نیمه بودا دنفکره منبر دن اینوب جماعتی نماز ظهری  
 مکر اراولون قیل او اقبلوب منبر چچوب کلمات سابقه که انصاری منکره حاضر مجلسد بر غرض

درب ایندی با رسول الله سنکد منکد منم اوج در هم حقم و در حضرت رسول آنکد نبی  
 او اسینه حکم امیر المؤمنین مرتضی علی علیه السلام ادا قیلدی آنکد ندفکره صحاب  
 حکم شام بر کیمینده ایام در رب ایندی با رسول الله بنوک سفرینده نایبه نازبان حواله قیلد  
 ناولن رد اولوب منکا ابرشدی اول ضربدن غایده رنجیده و منالم اولدم حالا قضا ص استم  
 حضرت رسول ایندی جزا که انکد خید با عکاشه رحمت سنکا که بوقضا صی آخره ننفید نکد نیا  
 طلب الیک سوز دیکه با عکاشه اول نازبان معروف تکبیر ایندی برادیمه و نولیش نازبان  
 حضرت رسول ایندی اول نازبان فاطمه منزلنده در کتور رسول سلمان فاطمه سیر اینده متوجه اولوب  
 حجه فاطمه سینه بند کده ایندی السلام علیک یا اهل البیت سلمان آواز من ایندی  
 فاطمه ایندی با سلمان حاجت ندر سلمان ایندی فلان نازبان حضرت سالت طلب  
 فاطمه ایندی ای سلمان حال مرصده نازبان غرض ندر سلمان صورت حال عرض ایند کده فاطمه  
 ایندی ای سلمان حضرت سالت بیمار در آنده قدرت احتمال ضرب نازبان یوفرفی الی  
 حضرت امام حسن ایندی حاضر ایندی ای جگر گوشه ربه بخون بر حق متوجه اولین و حسن سالت  
 او اسینه حکم قیلش و ارنک آنکد عوفه ضربت نازبان قبول اینک سلمان اول شهازاده لری نازبان  
 ایل آلوب مسجد کلدی اهل مجلس نش ایندی بلر بناینده که زلزله لری افلاک جفوب بری برفزون  
 عکاشه الحاح معزاد لری که بزد بر نازبان عوفه بینک نازبان او و حضرت سوله متعرض اولوب  
 جسم لطیف بیمار نبی آرزو قیل حضرت رسول ایندی که قضا ص منکا متوجه اولور سینه نازبان



اور منی مناسب دکل حکایت ازیدی بار رسول الله او لکون من عربان ابریم صحت فضا صریح چون در منی  
 عربان اول حضرت رسالت در آن شریفین کشف لطیفند برافندی سکمان حصار قدس و صفای  
 مجلس از من و روشن افغان افلاک صغوب جهان و غوغا برافندی عکاشه که حضرت رسولند  
 مبارک که کشفیه مهر نبوت نظر قیادی فی الحال اول مهر مبارک که یوز سورتی زیاده الان سالدی  
 و دیدی بار رسول الله منم بومباله دن ایکی غرضم و ارایدی بری او لکه سستک انصافک خلعت اظهارم  
 بری او لکه من مسجل جلدی کن بمشقه الذات مقتضا سنجی بدن مبارک که یوز سورتی که انش  
 و دزدن امان بولم بوقضیه نفسک که حضرت رسول منورن اینوب نوابگاه کلوب برنی ترابر  
 و تقاضا عفو اولوب سمیع عالم قدس دن صلاهی خوان نعیم اصحاب قیادی و طاب روح شریفی حبیب  
 دنیا دن ترمیم کاه بغایه متوجه اولدی عزیز بیکر خود ایندی آرزوی وطن مقر اولدی  
 که روح الیه دواع بدن ایرشیدی وقت که شهباز آشیانه قدس قیلا ارادت لیزرک  
 جسد خانه من روایت کرد اول صالده جبرئیل نزول ابریم دیدی یا حبیب الله پروردگار عالم  
 سنگا ارسال سلام اکبر بنی موت و حیات ارا سنده فخر ایلدی اگر بقای صایه طالب  
 البس ایام صیانتک غیا اولسود اگر مودنه رفیق بسن سهو قتل مبتلا اولسود دینی و معنوی  
 منم ملکه رای فخر رسل سن منکار برنده صافی دل صاحب قار رای را بنکد سنگ  
 مندن سنگا بوق امتناع الیرم احسان سنگا هر ملکی اینسن اختیار حضرت رسول دیدی  
 ای جبرئیل خدان اختیار حضرت حق تعالی خدا سینه بر پیش من اعتقاد ایلد ایزه تقوی فی

وسلیمه

و سلیمه کریشم فانشاء اما قنی و انشاء اخیانی خاتم یکر یکلو مندن منم بهیوی  
 من آنکا تا پیشو منیم چون زبان سودی روایت کرد حضرت آخر مرصده اوج کون جنوب  
 جاعله غار قیادی در دخی کون عشاء الاخر و قنده بلال سرت سعادت مستجاب و غنیه  
 عالم بنابه کلوب ندا قیادی که الصلوۃ یا رسول الله حضرت استماع ابریم بهیوی دیگر  
 حق تعالی سنگا اجر خیر و بره بلال بر نبوت دخی دیدی الصلوۃ یا رسول الله جواب دیگر  
 ای بلال حضرت ایزد تعالی سنگا مزده رحمت تیور بلال بر نبوت دخی دیدی الصلوۃ یا  
 رسول الله حضرت پیشو ایدی جواب بریدی بلال نو مید اولوب کرمان کرمان جماعته  
 متوجه اولوب سولیدی و اعوذتاه و انقطاع رجاء و انکسار ظفراه درینا  
 که اهل رابطه انعقاد جماعتی ترک ایلدی و اسباب بنیه نبوت خفیه سلسله دن فایز  
 اولدی و در اکبنای شرح و بیان اولدی جمعیت اسلام پریشان اولدی مشی  
 فلک مراد من لطف الیدب کو یا که بولطفدن پشیمان اولدی اول انواده جماعته  
 حضرت سوادک فرمان تیور دیگر که امیر المؤمنین امامت قبول جماعت منعقد اوله حضرت  
 حسب القرآن متوجه محراب اولدی صورت محراب زبان جلیل حضرت رسولن طاق ابرو  
 خیر و برید دلیل ناله چکدی صحابه لری اختیار جمل فغان کلوب کرمان اولو ایزدای نور  
 حضرت رسول خیر دار اولوب اولدمه حضرت فاطمه دن سوال ایلدی که بونه غلغل در فاطمه دیدی  
 یا رسول الله صحابه شدت فراقکدن فغانه کلدیل و ماهر و انش را ندوده هجران مفارقتکدن



کرمان اولاد حضرت رسالت برالین حضرت مرتضی علی علیه السلام کتفینه و برالین عباس  
 کتفینه برافوب بردخی مجره دن چغوب جاعند ادا ای غار ایلدی بعضی کتفیده مسطور  
 کلام سله دیش من ایام مرضه اول حضرت ملازم ایوم برکون لب شکر بارین منحرکی کورب  
 متوجه استماع اولدم ایستندم که مناجات ایدر بو معنویله که الهی منم اعتمه آتش و خن  
 نجات برقیامت حسابین آنزه آسان قبل کورن اول باد شمنک استه منحنی الغین  
 بی ادب متینک ظلم و ستمکار لغین دیدم یار رسول الله حالنک سر دیری ای ام سلمه  
 حکام و داعی دوم انزعاج بواننده حضرت امیر المؤمنین مرتضی علی علیه السلام حاضر  
 اولوب دیری یار رسول الله واقعه کوردم که برززه کیمیش لیکن اوزر مدن جعفر از حضرت  
 بیوردیکه اول زره من ایوم که جمیع مکاره دن سنک بنایمک ایوم و قدر که من کچوب  
 سن نهما فالوب بلاره گرفتار اولور سنک ای علی زینهار دلتنک اولوب منزع فلیسین  
 و مصابر ندن غیر طریقه ذاهب اولمیه سنک فاطمه دخی کرمان اولوب ایتدی یار رسول الله  
 واقعه کوردم که المده برورق مصحف وار ایکن ناکاه المدن غایب ایدی حضرت بیوردیکه ای  
 فاطمه اول ورق من ایوم نظر نکدن غایب اوسم کرک بواننده امام حسن ایام حسن علیهما السلام  
 حاضر اولوب بیولرای جذ برزگوار واقعه کوردم که عیادان بر تخت روان اولوب سنک  
 آکنده نرمانش آجوق بیر برور حضرت رسول ایتدی ای حکم گوشه لر اول تخت  
 منم نعتشدر که سیر کسوی مشکبار آجوب آکنده برور سیز بواقعه لر تعبیر ندن اهل بیتک

ناله و افغانی بر غایتی بیدی که صد الرین فکک ده ملک ایشندی نچکوزدن کتسون  
 خوانیه جاناندر کیدن نچ جسم نزار آیفدن دوشسون جاندر کیدن نچ عالم اولسون  
 اهل نظر چشمینه ناز چون نظردن چشمه خورشید خشاندر کیدن روایندر که ایام مرضه  
 برکون دخی جبرئیل نزول ایدوب ایتدی یار رسول الله اوزنکی نچ کور رس حضرت رسالت دیری ای  
 برادر اوزی مفهوم و مفهوم کوردم برکون دخی یوسول ایتدی نینه اول جوابی ایشندی او چچی کون  
 اسمعیل نام بر ملک دخی اتفاق کلوب جبرئیل ایتدی یار رسول الله ملک الموت با سعادتو  
 دورب انچه و کیکه رخصت استر و هرگز نبی آدم دن رخصت طلب نمیش حضرت بیوردیکه ای  
 جبرئیل رخصت و بر ملک الموت حجه قبول سنک کردی سلام و بر باب طریقه ایددی یار رسول الله  
 حق تعالی منی ستنک رعایت خا طر شریفنک نامور انمشدر اگر رخصت اوزر قدر و حسی  
 خازن بهشته سلیم ایوم و اگر رخصت افر کلد و کم کبی ینده معبوده کیدم حضرت رسول  
 جبرئیلدن یکانظر قیلدی جبرئیل دیدی ای سید کائنات حضرت حق تعالی جلالند  
 وار و اراج انبیا آرزو مند و صالینک حضرت سول ایدی ای ملک سنک شریف صلابتنک  
 مقراض رشته مباحند و نغیب هینک شمع شبستان مواصلت در خدنتک تقیر اتیه که  
 سند منی مشاق لغیم و آرزو مند عالم بغایم ابن عباس دن نقلدر که حضرت سولنک وفاتی  
 کونی حضرت ایزد تعالی بیوردیکه ملک الموت بر یوزینه انبوب رخصت حاصل ائیدن حضرت سولنک  
 فیض روح شریفنک قلیله که سخاخانه متعرض اولمیه ملک الموت چنک چنک ملک الموت کینوب



و انواع زینت بنده مزین اولوب اول حضرتنک در دولت سراینه کلدیل ملک الموت بر او  
 صورته متغزل اولوب حضرت دخول ایتدی فاطمه حاضر ایدی جواب یردی که ای اعرابی حضرت  
 رسول اوز حالینده مشغولدر حالاجال ملاقات کل ملک الموت صدابند ایدوب بردخی حضرت  
 ایتدی فاطمه اول جوابی و یردی اوچجی زینت اشد صوتیل صدایونوردیکه حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و آرا اولوب فاطمه دن کیفیت حالی سوال ایتدی فاطمه ایتدی یا رسول الله جبریم  
 اسرار ایدر حضرت ملاقات استر عذر یلیمنوع اولمز و معذرت آنکا فایده فیلر حضرت  
 و یردی ای فاطمه سلور مسین اول اعرابی کیمدر فاطمه دیدی الله اعلم و رسوله حضرت و یردی اول  
 قاطع لذات و منق جماعات یعنی ملک الموت در قبض روح ایتکه کلمه در هیچ باب آنکا  
 مسدود اولمز و بیکی فتنه چاره بولمز حضرت خض حایت حرمت فائز ان نبوت و یوسفه  
 آنکا نه حایت و حضرت اجازت فاطمه بولواقعده ان مضطرب الحال اولوب جهنم اولد و فقه  
 حضرت رسول سینه بی کینه سی اوز رینه دست قویوب پیچده اولوب فاطمه موشه کدی حضرت  
 رسالتی بخود کورب تصور ایلدیکه عالم بقایه نوحه قلیشدر فریاد ایلدیکه و ایتناه ما حالک  
 حضرت دیده اشکبارین آجوب فاطمه گریان کورب یردی ای جبر کوشه فریاد ایدر آنکله که جمله  
 عرش ستنک لوزار کند فغانه کلدیل و اوز مبارک الیل فاطمه تنک چهره سندن سترشکین رفیع  
 ایدوب مناجات ایتدیکه یا رب بودرد مندی تم فراق و هجر یلیمناز ایدوب پس طریق تستی ایلد  
 و یردی ای فاطمه منم روح قبض ایلد و کلمه انا لله و انا الیه راجعون تکرار ایدوب

تخل

تخل پیشه قبل که هر انسانه حضرت ایزد مهر مصیبتده عوض و یریک مقرر و مهر تخل نیک تخل مقرر  
 فاطمه ایتدی ای سرور سکا عوض اولوری بومال معادل امهات مؤمنانی جمیع ایدوب جمله سینه تقوی  
 و طاعت و صبر و قناعت و صیبت فیلوب فاطمه یردی امام حسن و امام حسین حاضر ایدب شاه زاده  
 حاضر اولوب افغان قلدیلر دم و داعی رای چشم تر سرشک ان قیل زمان هجره در ای دل نوکوت  
 سرشک افغان قیل امام حسن چه آبر فزاری رخسار پرا نوارینه و امام حسین دیده اشکباری  
 کف پای عرش مقدارینه بیورب فغان ایدر یردی اول حضرت عین الغایت و اشفاقه آنکه  
 نظاره فیلوب مفارقتلر ندان آه حسرت چکودی و سرشک فنت نوکودی مقتل نور الایمه مسطور  
 که حسن و فائده امام حسن و امام حسین منوجه اولوب یردی که ای دروغا بنیم لک غباری چهره احوا  
 لنگزده بیکس لک لک نری صورت اطوار لنگزده پیدا اولدی و بعیتنک زولدی آیات مت جو فایر  
 سیز لره نه بخار قیل لرونه بهانه لایله معروض اولد بولمک انما سنده بی اختیار گریان اولدی  
 ام سکره دیدی یا رسول الله سبب کربدر حضرت رسالت دیدی انما بکیت من رحمة لا محی یعنی منم گریان  
 اولد و غم امت اچوندر زیر احسان تمام استعمال الیل انشرف اسلام بولینس لکین و قابل سعادت  
 قرب الله اولینس لکین مندر منکره ابلیس خوا سندن گرفتار اولد و ایشکاب کمال طعنیان  
 قبله لره هم آنکر عقوبت الهی توجه قیلیم منم سعیم ضایع اولد روایتد که اول انشاده حضرت  
 علی ابن ابی طالب علیه السلام طلب فیلوب حضرت امیر کلدیکه اول حضرت مبارکین ستران  
 فالد در سینه لازم اولان و صیبتلری او ایلوب امانت لری تسلیم ایتدی حضرت علی بن







نقله که اول حادثه من آسمان صدای و اُمّیّه استماع ایندم روایتی که حضرت بنی الله  
 صکره مرکز فاطمه زهرا کیستند بنسبت کورمدی اول زمانه دکن که حضرت سوله و اصل اولی  
 و مطلق منسبط اولدی اول وقت دکن که عالم بقایه توجیه قیلدی آغلای زهرا که سندن مصطفی  
 فوت اولان مصطفی نونی زمین و آسمانی آغلای افضل خلق جهان جعدی جهانان لاجرم  
 بود مصیبت جمله خلق جهانی آغاد  
 وقاین بیان انور مجمل از زمانه خدای جهان شکارنگ عدم و فاسینه نشاهد بود و قلت چنانچه  
 بود لیل کنی بیت ایدر که بقول زهرا که می خندد با کیزه حریم غیبی فضا نشود قدم  
 با صدق زمانه منوجه عالم بقا اولنه دک بر دم کل خدای ربندنگ فطرات اشک حسرت کم اولد  
 و بر زمان کیسوی مشکباریندن عقد دلال آبلدی گاه محنت طعن خواتین قریش حکمی  
 و گاه الم معارف بد بر بزرگوار اچون اشک لاله کون تو کدی و گاه معارف مرتضی علی  
 علیه السلام مصیبت کوردی و گاه اخبار شهادت اولاد او نکالم بنوردی و که  
 دوران فلک فاطمه زهرا اشک غنچه لاله کی قیلدی قراباغی قان بر زمان کیمدی  
 ایام جانتندن کیم دل پر خوننی یا نذرمدی بدافع نهان محرم حریم غمنا سوز و کداز خدای  
 نشا بدر ازدن بو طرز بله برده صالمیش و مریم خانه مشکین طرازدن مسیح تکلم بو طرز قیلد متولد  
 اولمش که حضرت رسولنک خدیجه کبریا دن آلتی اولادی اولوب ایکسی کوربری فاسم که  
 حضرت سوله صلی علیه آله آنک اسمی الیه می ایدی و بری حبه الله که طیب ظاهر دیک الیه

اون ایکی  
 مجلس حضرت  
 فاطمه علیه  
 السلام

معروفه نبات مظهرات بری زینب بری رقیه و بری ام کلثوم و بری فاطمه زهرا ایدی و جمیع  
 اولادی زمان اسلامه متولد اولوب حملدن اصغر فاطمه ایدی و مجموعی ایام جانتندن عالم بقا  
 انتقال ایدر بخرم زهرا فراتی زهرا دن غیره نصیب کمدی روایتی که حضرت رسول بر خیزایه  
 متوجه اولوب حضرت ام المومنین علیه السلام همراه اولوب امام حسن و امام حسین علیه السلام  
 طفل اولمغین مرافقت اندر اتفاقا زمان غیبتلرینده بر کون شاهزاده حسین مدینه خرمه  
 سیر ایدر کنی صالح بن رفته بودی فرصت بودوب امام حسینی آلوب آلب ب منزل لنده بنهان  
 ایلدی بر کون پیدا اولوب انشی مخارقی زهرا تنک حکمرین یا قوب تمیش نوبت حجه فبوسه  
 کلوب بر کیمینه بولدی که مطالعته ارسال ایده عاقبت الامام حسن دی ای جگر گوشه  
 قره العین شاهزاده حسین غایب ایشدر طلب ایلد امام حسن اضطرار مدینه باغنه کلوب  
 آواز بلند ایلد ایلدی که یا حسین بن علی یا قرة العین النبی آیت انت تجسیر  
 بر گوشه دن بر آهوجودی امام حسن علیه السلام ایندی یا طیبی ادا آیت اخی حسینا اهو  
 فرمان خدایه مشکلم اولوب بری ای نوز دیده مصطفی وای سر رسیدنیه هرا اخذ صالح بن  
 رقیه الیهودی و اخذاه فی بکینه یعنی شاهزاده حسینی صالح بن رفته الیهودی  
 دو نوبت منزلنده بنهان ایشدر بر کیم آنک و برانه سنده و بوجده آتک خزان سنده  
 در حضرت شاهزاده حسن صالح یهودینک منزلدینه کلوب بیدی ای صالح فرزند اشیم حسن  
 سنک منزلنده در شکان سلیم بیت تعلل ایتد بوفد الد کیمینه عرض ایدر بر کورده کند



آه جگر سوز آن تو بستم نیاز بدار من خوشی و دوتوب برد عابد جمیع یهودی جنبین بر یوز نیدن  
 کو نور و یا والد بزرگوار بدین صورت صلی شرح ایورم تنیغ آبدار و وفقار صاحب که در ایل  
 بر یوزین یهودی بقر قاشدن لاله زار ایور و با جده عالمی دارینه بود افق دین خبر بر یورم هدف  
 قاب فوسینه ناوک عاروان ایوب طایفه پیوده آفت نزول بلا کو نور و حرمین جمیع  
 برف فنیاتور حذر قبل ناله مطلوبدن ای سنگدل ظالم که تیر آهنگن یکجانی کر  
 دوزن کذا را ایل سنان بر قدر آه نظم امترازا نیکیم اگر چه سنگدل سنگ زخمی آتنگ  
 داشته کار ایور صالح یهودی اول فصاحتن متاخر اولوب دیری ای عزیز والدن کیمدر امام  
 ایتدی صفوت خاندان رسالت و قدره و دومان نبوت صدق عفت و صحت غزه جهره  
 عالم و حکمت نقطه و ابره مناقب و منافع لویه ناصیه محامد و آثار ماسادات و مجمع سعادات  
 شمع عرصه حرصات بتول عذرا یعنی فاطمه زهرا صالح ایتدی والدنک معلوم اولدی والدنک  
 کیمدر شاهزاده امام حسن ایتدی والدنک شهبازان شاه مردان مجدد جهان مکارم مخترع  
 قوانین مرام مصلی القبلین قره العینین سید الثعالین رفیق الاولیا اندلس دنیا  
 یعنی امیر المؤمنین علی المرتضی صالح دیری والدنک مخی معلوم اولدی جدنک کیمدر امام حسن  
 ایتدی جدم که هر هزاره خلیل نموده خجوه اسمعیل نو فندیل تعظیم و تجلیل حبیب حضرت ملک الجلیل  
 امام مقدر الطاعة که مکرده نماز فرا بفر قیلوب سجد افق ده سنت ادا قیلدی و احوال فزون  
 سابقه امور آیین احکام عالین اوضح بیلدی منزل فرقان و اوضح ایمان رسول تغلین محرم

حرم قاب فوسین جد سبطین سرور انبیا یعنی حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شهادت  
 ادای مناقب قلید و فیضیغ کلام معجز نظامی صالح یهودینک سرآت صیرزندنک تنگ غبار کفر و  
 ضلالت نذر بجیل رفیع ایوب و نکات مواعظ آیز قلبینه تأثیر تمام قیلوب فقرات سنگین کوزدن  
 تو کوب ایتدی ای شاهزاده تسلسل عبارات دلبزیزنک کند کردن جان اولدی و ترشح زلال  
 کلمات نظرنک حقیقه اعتقاده نزوح طراوت برافش باض روانی خرم قیلدی کوه دریا  
 حکمت کلام دلکشنگ طایر دل صیدینه هر نکته سی بردانه در رشته طوقانه جان پرور  
 سوزنک رلدوزر سوز بودر کیم سنگ دیدنک خلقنک سوزی افسانه در ای نور دیده  
 برادر نک شکا اولدم تسلیم اولور که منی دایره ایمانه یکوب کله اسلام عرض ابره سن امام  
 علیه السلام آنکا ایمان عرض ایوب صالح یهودی اخلاصه مسلمان اولوب حضرت امام  
 حسینی اودن بقرب فرق مبارک بر طبق درم نثار ایوب امام حسینه تسلیم ایتدی و  
 شهزاده حسن حضرت امام حسینی حضرت فاطمه حضور شریفه کنور بشرف و قدر و مندرک محنت  
 مفارقت نهایت ایتدی صالح یهودی بر کوزنک صوره بتجلیش یهودی اقربا سندن  
 مسلمان ایوب در حجه طهارت زبانه کلوب که عالم پناه یوز سورب تفرع ایتدی  
 که ای معصوم خطا قیلدم کنایه عفوایت حضرت خاتون قیامت دیری ای صالح من کنایه  
 کیمدر اما پدر بزرگوار لرندن دخی طلب قیل که اول سرور اولیا و شرفتر اصفا در الفقه  
 صالح حضرت سول سفردن مراجعت ایتدی که حضرت مرتضی علی نکر خدمتینه مشرف اولوب



صورت حالین عرض ایلدی حضرت امیر دینی ای صالح من نماز و قیلام اما بعد عالمی قدر از زن دخی استند  
 عفو اینک که سید انبیا و افضل خلق خدا در صالح گریان گریان حضرت رسول خدا من کلوب  
 عرض حال ایلدی حضرت پیور بکر سنگ شرط اسلام معذرتنک معقولدر بویکی کو شواره  
 عرش مجید حضرت ایزد تعالی تنک محترمیدر آنلر تک ایزد اسندن البتہ حضرت حق تعالی متا ذی  
 اولیشدر استغفار اینک که صالح بیچاره صحرالره دو جنوب فریاد و فغان ایدردی بونوعی  
 یارب اسیرام بلا و عیبتم مستغفر قلاطم و بحر ضلالتی بر کنده یقوی بنای و حوی  
 رحم ایت که ذلیل طلبکار رحمت اول یدی کون سرشته و سر سیمکرتب ناسف و تحیر ایلد پیور  
 قیلوب اول سکر ایچی کیزه جبرئیل حضرت رسول سلامتیور بیدی ای سید حق تعالی  
 پیور بکر اول بیچاره تنک به سبیل قیلام و کنا هلیه قلم عفو جدم بنیارت و پرورنده بنور  
 ای عزیز تامل قیل و نظر ایت که بر کمنه حضرت امام حسینی بر زمان مجبوس ایدر خاطر مبارک  
 آزرده قلق ایلد نمودار نفر عد و فتنه مغفورا دلدی آیانه اولد اولر تک احوالی که دعوی اسلام  
 اول معصومی تیغ صاعق باریل باره باره قیلوب ایدر کلری حملدن استغفار قیلیم و اصلا  
 دامن ناسف و تحیر و تلبیس ای تو کن طلیم اولاد رسولنک قانینی اولمش کویا خبر  
 خونای محشر و نک سنکا مست جام جهل و غفلت سنک از زن بنجر خوف برق حقون خجالت  
 یوق پیور دن سنکا روایتدر که حضرت فاطمه علیها السلام سکر بیل مکده ملازم مصطفی  
 اولوب کرامات اشهارا تنک نهایی بوقدر اول جمله نذر که بر کون حضرت رسول صلی الله

مسجد الحرام یوار سنه نکیه قلمشدی خواتین عربدن بر کرده مرتین و ترتیب اولوب حضرت سالتنک  
 خدمت کلوبیدر باعد اگر چه پند سندنک بیکانه یوز اما پوشده انخانه یوز بکون بر جمعیت اولوب  
 خواتین جمعدر التماس ایلدیر که فاطمه زهرا به حضرت پره سنگ نری شرف قبله شایر ایل خدای ایل منقطع  
 اولان رشته الغفر نجدید اتصال بوله حضرت خواجہ کانیات سوال جابر کوریب التماس برین قبول  
 ایدر پیور بکر سکر کیدن من فاطمه متعاقب سال ایدرم سیر فاطمه حضور سنه کلوب ایدر ای نور دیده  
 وای فرزند بر کزیده زه دیوان قضادن حکم اولمشدر که جفا کور کیم و فاعوض ایدر و زبیکانه لونی مشا بد فطرت  
 آشناق قبله و ز خاردن خوز زبانی کور کیم کل خندان اولور جبر ایلدن چیل چشم بداد سنه سلطان  
 عنده هرا یلین رحمت بر کیم یوشنک سلطنت تختی تنک اول بابی سیر نزان اولور ای فاطمه  
 خواتین عرب سندن سنگ حضور تک التماس نیدر که جمعیت برین فیض فرو مشکا مشرف قبله سنک من  
 دخی قبول ایدرم ابعدی شرط و فای عهد حسن فای شریفنکدر فاطمه دیری سس شهنشاه سر جبر  
 سنگ من سنگت سنده فرمانکام رنجه مکندن ایتن انحراف از منک نیش کیم من دلیا پرورده  
 احسانک ای ایدر بزرگوار و فای عهد کما اقدام ایدرم اما متجمل که کسوت اول محفل کیریم حالا  
 عقبه و شیبه عبد العزیز و بوجملنک نبات از واجی البسه الوان ایل مسند رفعت و او نور مشرک من  
 جامه مرفوع و چادر پشمینه ایل حاضر اولد و قدح حالت الخطب برینکاد منقرض اولد و هند جکر  
 خواره برینکادن تشنیه قیل ای مخدوم آنلر تک نظری قاهر در نظاره عالم معنی قلم از عالم قرون  
 غیر عالم اولد و من بیلر مردم صورت پرستنک یعنی کوناه اولور محو صورت ذوق معنی



نخس آگاه اولور بونی دیوباشک حیرت دیده اشکباردن رخسارینه تو کولی حضرت لست  
 دیدی ای جگر گوشه طلول اولمه که بزه نسبت لباس فخر البسته نفوذ و نایج مرصع اکلیل حلقه و ضا  
 عروس و نهمازنگ پرنایه جالینه اعتبار چون مرصع سطرخران ایل ناراج اولور و شاهد  
 شمعک انفس و زنگارینه نه اعتماد چون رشته حیاهین مفاض فنا قطع قیلور  
 مفصونک اگر دین ایسته نیادن کیج الله یا پوشش حله اشیا دن کیج داپشور نم اشک  
 شعله آیه غنان یعنی که نژاد دن و نژاد یادن کیج بوجاوت اثنا سنده جبرئیل نزول  
 ایدوب ایندی بار رسول الله حکم اولدی که فاطمه اول جعیته ارسال ایدوب سنک که بین فرد و  
 بعضی اسرار نهان ظاهر اولد کیج که حضرت سید یکای فاطمه جبرئیل ارسال فرمان بتودی  
 که اول جمعک محفلنه کیده سنک فاطمه دیدی بار رسول الله منده محافلته بقدرا مامله اولد  
 که دنیا مانم سرای آخرتد بومانم سراده سور و سروره حاضر اولدی نه مناسبت چون  
 حکم ایزد تعالی که فرمان شریفک واقع اولدی دخی نه جاده مستغنیه فرق مبارک کنه آلوب  
 و جاده عصمت برده بدن لطیف منسوب حضرت جبرئیل نزول قلوب بیدی بار رسول الله  
 حضرت فاطمه سیدیکه جبرئیل طر مبارکین سرور و بهجت اینست که من بهشتدن البسته  
 و اسباب لازمه حاضر ایدیم فی الحال جبرئیل کید بهشت اعلان اولن حوری نازنین  
 آلوب برینشک لنده بر بوقی لباس برینشک لنده جبرئیل با اساس و برینده بر و جبرئیل  
 و برینده بر و جبرئیل یکس تر و برینده بر فالی ابرشیم طراز و برینده بر جبرئیل سازه و برینده

بر آینه

بر آینه جهان نمای و برینده بر طبل مشک و عنبر روح افزای کلای هر طرف حور علی اول حضرت  
 زیب و زینت ایل طلیس بر بجه بریل حاجب و بر عصا لنده او کنبه مقدم اولوب اول حضرت  
 حجه دن جعوب آفتاب بان کبی و بیشتر قدم باصدی طلوع ایندی بر جندن اول  
 آفتاب بر افدی جمالندن آفاقه تاب قدم خاکه باصده و قد اول نور پاک فنا ایل نور  
 اولدی اجزای خاک خوانین عرب بر غرور آجوب مرصع و منتظر ایلدیر که فاطمه جابر  
 پاره پاره ایل و جاده کهنه ایل کلوب بزم سر بر شوکتیز و افشور غمزه کور سبک شش حیرت بنای  
 وجودین باقد و سبیل شش معموره وجودین یقه جگر ناکاه کوردیلر که هیبت صلابه بر  
 حاتون عظیمی بر بانوی ملکی ماه چهارده شب کبی بر اولیش اولد و انه انجم طلعت جاریه لر  
 و بر خادم نورانی بیکر پیشرو اولوب خلقی را بکند دن دور ایدب ناکه کلوب انجمنه سبایه  
 سعادت بر افدی که شمشیر نور جمالندن کوز لر خیره اولوب و دبدبه خشمندک دیده عقل  
 حیرت اولور فرق مبارکی اکلیل مرصع ایلر کردون سای و بدن لطیفی دیبای ملون ایل جلوه ناکه  
 سلاسل لایق دن غره جبینی پر زیور و همایل مطلق سوره زمانانی بار و اطراف و جواندن  
 مہوش جاریه لر کله خسار حاد و لر کیمی شوق جاده غمزه ایلر کونو تریش که خاکدان دنیا دن  
 غبار آلود اولدیکیمی دامن مقنعه غناین عزت خیل و غنیمت کس حار زار دهر دن ازار بولینه  
 کیمی خاک بکند این کور بکلاب افشان و حود سوز و کیمی مهر و ریندن خاک کوب و شمع افروز  
 القصه با اساس شمعک ایل اول عجمه قدم باصده و قد خوانین فنا و بر فانی اول شکوه و شوکت و زینت



منجربا لوب کیم اولدو بنی بلیوب نو قو نیز صدر عدلی کجانی کیم اربابیت غرور لری منوع  
 اولوب صورت جعبیلری ممسوخ اولوب بر برینه دیویر آیا بونه شنه زده در که بز قبا لیز  
 کور میش اولز بونه اسباب نجلد که امن نمکینه دست تعرف بنور میش اوز کیمدر آیا  
 بکه نور بله نیر اولدی جهان به رخ رینه در دیده دوران نکران اوزی سرودی و لبر  
 روشی جان پرور اوزر شمع دور سرور روح روان رعبی منجلی ریف اولوب نظر  
 نامل قیلد و قد کور دبلر و تحقیق ایتدی که فاطمه بنت رسول الله در ترتیب مقدامتری مجلس طلب  
 نتیجه و رب بعضی که جیلندیده اشد اذ کفر سوخ بولیشدی اول کرمانی کور سحره عمل ایدب  
 ناب نظاره کور میوب مجلسدن جوقی و بعضی که قابل اصلاح ایدی زبان معذرت  
 آجوب ایتدی لری ای مخدوم زاده صفا کوردنک و بزی تو بر اقدردن کورتودنک تا کول و کول  
 خاطر مبارک کنکر نه اسیر حکم ایت حافر اولسون حضرت فاطمه علیه سلام درج جو اهردن کور  
 مواظفه نارا ایدب ایدی ای عزه فریش بز جهانی با بال ایتیش جهان بهار لری  
 قل فاف قناعت بکلین عنقا لروز فقر لری و فخر مز دنیا به رغبت قلموز جیفه مل اترز  
 طوطی شکو خالروز بزم مایده ففوه غذایر تسبیح و تهلیلدر و حاجتمز اول خدا دن تعظیم  
 و تحبیلدر کلمه اجوج یومما و اشبع یومما بدر بزرگوار مز مبارک ایتدر و نعمت ولایت  
 و کرامت اول سلوک کیم بر کانتیدر اگر بزم خدای خاطر مز مقصود انکر و ظلمت کفردن فضای  
 ایمانه چفک و خلوت اعتقاد انکرده شمع ایان با قنک اگر خضر جیل فاطمه شکو لفظ کهر با

منار

منار اولوب اول کران لری مشاهده قلیوب سلمان اولدی و شرف ایمان بولدی القصة  
 حضرت رسولک و فاندن صکره ایکی آی یارم یا اوج آی و بر وایتده آلتی آی کیمدر که حضرت  
 مرتقی علی علیه السلام بر کون اوینه کلک کور دیکه فاطمه بر مقدار خیمه ایدب و اولاد و اجدانک  
 کیسور یک عیغه بر مقدار کل مخفی قلیوب خنکین بونه بر مقدار صوحا طرا ایتیش حضرت مرثی اول  
 حالت حیرت تعجب ایدب بیدی ای مخدوم جهان و زمان وای مخدوم دوران وای خاتون بنت  
 وای پاکیزه ریشتر خنکین ایدی کله سته باغ رسالت وای صاحب صحت و جلالت ای حکم کوشنه  
 مصطفی وای بقول غذا وای انوار سپهر خیر وای آرام دل غنچه مرثی هرگز دنیا شغله سنک بونفرا  
 التفات کور میش ام آیا بونه حکمدر که بر کونده اوج عمل انجامنه اقدام ایتیش سن حضرت هر نظر  
 اشک چشم شکبار بدن روان ایدب بیدی ای اجدار ملاتی وای سرفراز ناما وای خطیب مشیر سلونی رای  
 دارش مرتبه بارونی وای کل باغ وای من وای و آتش داغ من عاده ای طراز صد صدق و صفا  
 وای رازدار حضرت مصطفی ای شیرین شیه تحقیق ای کشتی طریقت ای شکوفه گلزار اهل عالم وای  
 اسد الله الغالب ای مهربان زمین و زمان وای معدن جوهر حسن کهن افراق بکنی و حقیقت  
 وای عقد کشتی و ضمیر عالم آرای را بکنی محفی و مسنور او ملکیه رشته اتصال حضور من مرقاض فضا اید  
 منقطع اولوب شدت مفاربت مجازی مرور و مرید منقعی اولوب قنک لوبکه دست تعلیم دامن  
 دولت ملازمت کند دور و دیده ایدم مشاهده بر تو جمال کمال معجوب اولد وقت اولدیکه شای  
 اجدار و صبر وصال تغیر بر اولد بکیفیت حال رفت حروس صل اولوب برده نشین عرض الیه





شاه و خیم و هجر جمال یا علی دین که حضرت رسول الهی افتخار کوردم باشم او ستمند و در رب هر طرف  
ملاحظه قیلم فرماده کلو لبیدم یا رسول الله فرا فتدک هلاک اولدم آیا فتد ستم حضرت  
رسول بدی ای فاطمه شما بشارت می که کلی بشم مدر که رابطه قیصبات مستعاری قطع قیلوب  
مستحق فسادن قضای بقایه قدم باجه سن ای فاطمه سن کلچمن منزله کترم اگر دولت و حالم استرس  
شما ای یسب سوسی قبل که یارین کیچنکاسمان اوله سنگ من بیدار اولوب میدیل حال من متوم  
عالم بقایم یا علی اگر چه ستمکالم آتش منار قنک جگر سوز در محنت مباحه تنک خیم اندوز  
اما اول حضرتنک دخی مزده و صالی دل افروز در آتنگ تدارکنده ام وانگک بنور کم اولدر که  
یارین سنگ منم مصیبه مشغول اولدوقده اولدم اندیشه غذا جکبیل و زخملین بودیم اولدر که  
مندنضنکه یوزلین صوبین خیره نوکبیل و کبیسولین بودیم اولدر که معلوم کل مندنضنکه غمخوار لری  
کیم اوله و کبیسولین کیم نشانه قیلای عزیز حضرت فاطمه زهرا آلنک کبیسولین غبار فونمندان  
مکدر اولودی و جابه لری کرد آلود اولمندان مذلت قیلودی آه اگر کورسید دشت کربلا و خسار لری  
آخسته خاک و خون و بدلی خون جکدن لاله کون کربلا دشته خانون قیامت آه اگر غرق  
خون کورسیدی شاه کربلا تنک حالینی هیچ شک یق کیم قیلدی کربلا نو پرافتی غرق خون کوز  
نو کوب سلاشک آلمنی القصد حضرت امیر فاطمه دن اول خبر جانکدازی استماع آیند و که  
اشک ندامت دیده رمد دیده دن رمان اید بیدی آه بونه محنت مجده در که یوز پردی و نه بلای  
خیریکه در کینه فلک ظهور کنودی ای فاطمه منوره والد زکوارنک داغ فراتی مرهم پذیر اولمیدین

و پدر عالمقدارنکالم اشتیاقی نسکین بولدین سندی جانیه برداغ نازه باقی و دل و برانه صاف  
مصیبت براقی رواجیدر آه کیم مردم فلک درد اوزره بر درد آرتورر کوستر ستمک در بر  
دوینده رمان اعدین باغری بریان ایدر هر لحظه برق آهل بر بلای حسن نوبریل بریان اندین  
فاطمه بدی یا علی اول مصیبه صبر انرنگ بو محنت دخی تحمل قیل و بر زمان مندن دخی خاف اولمه  
در جانیه نعل فلک که آخر نفس در بوکلانی اداقلدوقده دیده اشکبار شتراده لر زخملین تر قیلدی  
و آتش اهل تنوری انک ایچون کرم قیلدی و بدیدی ای جگر گوشه لرم آیا مندن صورته حالوا کنز  
نولور امام حسن امام حسین بوخردن متالم اولوب کریمه آخاز ایندیل فاطمه بدی ای نور دیده  
برزمان کورستان بقیه وار ب منم ایچون دعا قیلوب نفع ایدر نک آملار متوم اولدوقده  
بستر عصمت تکیه قیلوب حضرت مرتضی علیه بدی ای همسر خسته لغا وقت و داعدر حلال اینست حضرت  
ایراه حسرت چکوب بدی واحسنه که باقدی منی آتش و داغ مار که منقطع اوله آیین انقطاع  
بو حاله مفارن آسمای بنت عیسی قیلوب بدی ای اسما بر طعام متیاقیل که جگر گوشه لرم  
معاودت قیلدوقده تناول ایدره لوفویه که منم یا نه کلار و منی بو حالیل کور ب پریشان اولدر  
الفقه شهنزاده لک کورستان بیخچ دن مراجعت قیلدوقده اسما استقبال ایدر آنره طعام تکلیف  
آیند و که شهنزاده لرا ایندیل هرگز والد مزون آیر و طعام تناول اند و کز بودر اسما اندی  
ای عزیز والد اکلر نک جنود کج که ورتی وارسینر طعام تناول ایدر نک بدیلر ای سابرزه والد مزه  
جد طعام ساز کار اولمز القصد نرک طعام ایدر ب مجریه کلدر که کوردیلر که فاطمه تکیه قیلوب حضرت علی



بالینی اوز زنده کرمان اوز نور حضرت علی شهنشاده لره ایندی ای جگر گوشه بر زمان روضه حضرت  
 رسول الله اوز زینه وار ب دعا قبلتک شهنشاده لرا طاعت ایوب بول اولدی لرا اوندک فاطمه  
 ایندی با علی بر دم سندن غافل اولمکه که آخر عمر در صیاعتدن همان بر دم فالو بر اولم  
 غافلیم بستر اولدوق دولت وصلنک دم آخر حیات مستعارم کسوتین ناراج ایدرکون  
 گفتدن آلتی کیدر مکل استر خلعت فاخر حضرت علی ایندی ای فاطمه بجزی اشتی که طاقتم بر قدر  
 فاطمه ایندی بو خبر واقعه ندیدو حادثه بی تاخیر در سندی نهال عمری باد اجل نن رابط  
 سین رو صون استر قبل قطع شمشیر سیاستیل جلاد اجل فاطمه حضرت علی کنارینیه بنوش  
 اولب بر زماندن منکره اوز زینه کلوب حضرت علی کرمان کورس ایندی یا علی منکام عزیزت کل  
 زمان وصیت در حضرت علی ای ندی ای فاطمه صیتنک غر فاطمه ایندی دورت وصیتیم وار  
 بری اولدر که سندن شکا بر نکر ابع اولدیه عفو ایدر منکر حضرت علی ایندی حاشا که سندن  
 بر نکر ایدر ایدر اولدیه همیشه سن منم غمخورم و پیوسته شک دم ایدرکون بدی ایلمی وصیتیم  
 اولدر که منم اولادمی محترم دونب لردن بر کست خلق صادرا و لسته سجا وز قیل سنک اوچجی وصیتیم  
 اولدر که منی کیم وقتند دقن ایدر سن که زمان حیاتی دیده ناخجیدن کز لو اولدیم کیم حسن  
 وفا دده دخی نعتی نا محرم کوزی صا ششمیه روحی وصیتیم اولدر که منم زیار عندن قدم حاکمین  
 و همیشه بنی دعا ایلاید ایدر سنک چون بنی سندن نکلن جابر محو ایلید خاک  
 بایندنک بلا کشر باشمی و ر ایلید انما س سندن اولدر که غبار مقدسک روحی منم

ملا فاطمه

ملا فاطمه و ر ایلید بر وصایا اندا سنده حضرت علی فریاده کلوب زبان حالیه ایندی  
 دلدار بر ایدی طرح غمخانه بجز ساقی زمانه دوری پیمان بجز درد که سرای وصل  
 ایکن تکیه کیم وقت اولدی مقام اولد ویرانه بجز و حضرت امیر علیه السلام ایندی ای فاطمه  
 سنک وصیتلر نکر در جبه قبوه سیدی امانم دخی سنکا اوج وصیتیم وار بری اولدر که سندن  
 سنکا تقبیل دمت واقع اولدیه حضرت سوله شکایت فکیم سن واکمی وصیت اولدر که حضرت  
 رسول منم سلام بنوره سنک اوچجی وصیتیم اولدر که اول حضرت سندن اظهار شکر ایدر سن  
 فاطمه حضرت علی شک وصیت لیرین قبول ایدر یکا که فلقده ایکن ناکاه جز و نشن غمخورم  
 کلدی حضرت امیر متوجه اولدوقده کوردی حضرت امام حسن علیه السلام و امامه و  
 مصیبتاه دیو فریاد ایدر کلدی لرا صراط ایلد حیره قبوسینه کلوب امیر ایندی ای جگر گوشه لر  
 بوند حالندرای تیر لرای در مدینه علم رسول خدا وای شیرینش خزا والد مز ایلد و داع  
 ایکن کلیشور حضرت ایندی ای نوز دیده لر نه بلد و انکر والد انکر حالنده درد بد لرای بر  
 بزرگوار سنک فرمان شریفنک مقتضای سیر و ضه رسول الله زیارتنه متوجه اولدوقده مقبردن  
 بر صدا ایرشیدی که فاطمه بنمیری کلدی ناکاه مرقم مبارکدن بر نکلدی لرای نوز دیده لر  
 توقف انیموب بر اجعت قیلونک والد انکر شرف لوب داع ایدر نیز بر نکر متوجه عالم  
 آخرت و حال ابراهیم خلیل و اسمعیل ذبیح موسی کلیم الله و عیسی و الله و سایر انبیاء مرسل و  
 ارواح قدسی آنک روح پاکینه استقباله کلش لر بو خبردن متنبه لوب صراط ایلد مرحمت



دیوبند فاطمه تنگ ایامند و در شب و صبح بنیاد ایدب تفرج آید بیک ای محزون و محزون دیده التفات آنکس  
 بوی غریب افتاده لوه بر نظر قبل و گفتاره کلوب بر تکلم قبل آواز لری حضرت فاطمه تنگ قولاً قینه ایدب  
 کوز آجوب آن لری کنایه چکوب قطرات اشک حسرت کوزدن تو کوب بیدی ای بملر آیا  
 مندنک صبر که احوال منور اول انشاده جمیع اولادین جمیع ایدب مکره و جهل و ارباب کور این  
 امانت و امانتین ذکره امانت طریقه تسلیم ایدب محبوبین حضرت مرتضی علیه ثانی پشوری  
 و جلی حضرت واجب الوجود مودع ایدب امام حسن و امام حسین بروی روضه رسول الله اوزینه  
 که بر ام سلمه دن صوابستوب غل ایدب فخر لباسین کیوب سطر سرباره فرانش بر اقوب  
 ایمنه تنگ قبور بازوی یمنین رخسارینه بالین ایدب سمای بیت عید ایدب بر کون حسن صبر  
 جبریل کلوب حضرت سول الجون بر مقدار کافور بشدن کتورب دل حضرت بر زمین اوزینه  
 صوط کفن قبور و بر مقدار منم الجون و بر مقدار حضرت علی الجون منکات تسلیم میشدن غلان  
 برده در کتور من حقه می آلوب حضرت امیر حق حسین منکات تسلیم بدم اسماء صاحب الغر موده اول  
 کافوری کتورب فاطمه اوز حقه سین آلوب سمایه بیری بر زمان ویشتر حق که منم معصوم رازم مرض  
 ایدب جنت مانند اسماء ویشتر جوده استماع آیدب که خط طریقه علیه السلام دیری بارب سول مرتضی  
 حق الجون و علی المرتضی قدر الجون و اولاد معصوم کرامتلی الجون امتد کینه کاره رحمت قبلین  
 و عاصیه را عینه قائم معصوم کلوب رحمت قبل سنک بوجالنده اسماء که به غالب آلوب فاطمه آنک  
 کریدندن خبر از آلوب ایدب ای اسماء دیدم که منی بر زمان اوز حقه قوی و منتظر اول هر وقت

شدن آواز کلوب یا عده کل و اگر آواز کلمه سه پلینش اول که بر و رکامه و اصل اولی شمس اسماء بر زمان ویشتر  
 توفیق اندکد نصیحه نرا قدری که باقره العین رسول الله جواب شنبوب اصطلاح بجزیه کرب و خسار  
 مبارکندن جابه خواب آلوب کور بیک عالم بقایه انتقال تمیض اسماء اضطراب حال آلوب فغانه کله که  
 حسن حسین حاضر آلوب بیدلری اسماء والده مزنک حالی بزر اسماء بر تمیض شدن مقتدر حسین  
 بر اقوب کریمانین جاکل ایدب شمراده لوه بواقعه دن خبر از آلوب اضطراب حضرت مرتضی علی  
 و مقتدره مودع آلوب حضرت مرتضی علی شرافت عازده لیکن حسن میرا بدین استماع انگین صورت حال دن  
 خبر از آلوب بهوش اولدی حقار جلال علی طرای شمراده لوه بواقعه دن خبر از آلوب اضطراب حضرت مرتضی علی  
 آیدن صالیدی شمراده لوه ایدب بیکر که غلیم که سرور یاض عصمتی مصر ایدب باجیال آیدب  
 و نوبهار عفت طهارت خزان فسادن متغیر بیدی تمامی اصحاب اصحاب صورت حال اطلاع  
 بولد قد حضرت مرتضی ایدب افغانی ایدب آغاز نوحه قلیدلر غایت و روزگار بهر حال دوران  
 بی حد بود که فراقه مبتدل اول وصال سینه عالمده هر حال زوال فی الواقع اگر نظریات قبلین  
 زهرای زهر و فانی حضرت مظلوم کر بلا نیست استدر مصایب و اصوب بیدر زهر که منور زمان  
 طبعی کشت صورت نشو و نما بولدین و حال وجود شرفی آسمان خلقت و بدر تمام اولمدین و لوه  
 متفقینک ساینه حق و مادر بهر بانگ نکل رفتی فری مبارکندن کیدب آنکس نه بین فلک  
 بیروت غریه محتاج ایدب بطلوع مبتلا و معتله آشنا قلدی بر زمان عشاقی بر و دیل دوران  
 زار ایدر بوجمن هر خطه محنت کلین اظهار ایدر در تعلیم و بر کجایان طریقت طفلنه بولار

۹  
 ۱۰  
 ۱۱







فتح نامه سین آنکارا بر کوفیه روان ایلدی این طلم کوفیه بند که شده آیین باغلیوب انشراق واکا بره  
فتح نامه عرض ایلدی دوشنده سرور دن شهر کوفه بر پنج کون آیین بغلقوب خیش و عشره متغول  
ایکن بر کون این طلم دارالاماره دن اوز سراینه کیدرکن بر فکردن حدای دوفای ایشید اجتناب  
طریقیل منع انمک تدارکنده ایکن اول فکردن بر پنج مزین مزین عورت جوق اول جمیع ایکن  
بر محبوبه مشاهده فکدی که اول عهده اوندن کوزل یوجیدی بقی کیم غمزه سی غارت کرام  
وایماندر خرامی فتنه دوران نکاهی آفت جاندر غمار کسستی اصلر ناکه ایچیز فان گرفتار  
رحم اینر دمام ایچدی کی فاندور العقه شعل آتش خساری این طلمنک حرم صبره قرارین و  
بنیاد روزگارین یاندردی خنجر ننگانه ایلدی هوس جانین سون بت سجدن حذر  
قلزمی ایامین سون الفقه بنای ایمانی حکم اولسیدی سبل حادثه عشق موی دن منزلزل  
اولردی اول بوختنک بنای عقیده سی سست بهمانی نادرست المغین بر نظردن انهدام بو  
دبر یوجیدن منزلزل اولوب نیاز عاشقانه عرض ایلدی ایلدی ای خرامی عقل بنیادیندن  
استحکام آلن حله نازیل ایل عشقن آرام آلن فنده دربار بکاتنک اسم اوصافن  
کیمدر آیار شربت لعل لعلنکام آلن اول کماره سحر لب سحر نیک ایلکام اولوب دیری قیل بی نمد  
واسم قطاه در بر مدتر که رقبه بقوفنک سلسله غلقو نزدیک مرتفع درو خاتم فید نکاح انا مل  
تجر دمن منسج در کلام شندن مقبرادر جوهرم فود و ترکندار قطاه ننگ لذت  
کفتاری علاقه عشق رخسار و ذوق رفتار اولوب این طلم بغلقوب شک شوقی زیاده اولوب

دیدی ای نازنین من خدیوار کوهر وصالنک و مشتاق دولت انصالنک ام نو که قیول ایلر افراز  
وسعادت صابله ممتاز ایدوس ایلمنک رغبت له و جاننک طلبکارم سنکا نقد جانم نذر  
وصلنکدر خدیوارم سنکا قطاه دیری بو بر امر عظیمه را ولبا مله مشورت اینیمه سیر اوارا و اقرامدن حضرت  
آلنجیه صورت بولر قطاه منزلتینه منو جوادلوب این طلم منظر جواب لوب شوده دور قد اول ملغو  
لباس غیر مکرر ایل اوزین آرایش و جاکیر کونا کونیلر مزین اولوب بر ایدن زیاده اولوب اول  
بت لطافتی دورانتک اولدی فتنه سی دنیا ننگ آفتی جلوه و نازیل عرفه اوزر منه کلوب این طلم غرض  
دیدار ایدوب جواب بر یکرای طالب وصال وای مشتاق جالم اولان سرکران حیران کوهر وصال قیغی  
کراغما در عهده سندن جفن متصرف اولور مشاهیر وصال بلند بر اوزر صیدینه قدرت بولان غنیمت  
هر کیم اسر و صل جانان ترک جان اننگرک برقه حشر کجوب آه فغان اننگرک این طلم  
بر بخت دام عشق گرفتار و مطاع و صل خدیوار ایلدی تفرع ایلدیری ای بخدومه مرنگ رخ قطاه دیری  
منم مدم اوج منسته در بری اوج دیکر دم بخدای و بری جباریه جیلدیری قیل علی بن ابی طالب این طلم  
دیری ای قطاه نقد و جباریه قبولمدر اما قیل علی بن ابی طالب امر عظیمه در قطاه دیری نقد و جباریه دن  
کیچیرم وال کورتم اما قیل علی مطلبی ادمدر زیر که فرزند ایشید اول نغز اقرار و انسابم آننگ المند  
هلاک اولوب در بو انتقامی آلنجیه قرارم اولمز و بر همه کفایت قیلین وصالمدن بهر بولمز بر بالغه  
اشناسنده این طلمنک یادینه حضرت امیرنک کفتاری کلوب دیری غالبه که بو امر عظیم مقدور اولمشد  
رو حکم صحیفه نقد برده تحریر بولشد اول بوختنک عرف غنائی بحر کلوب دیری ای قطاه برامری



قبول ایدرم برضیله منکر رافعی اولسن قطایه بدی قبول اتقدم و بعضی کسیرده فی سنکامعین مظاہر اولمغه  
 تعین ایدرم اما کلامه صادق ارسن شمشیرکی سنکاسلمیت ناسرطون تجا و زائمه سن ابن علیم تخمیر  
 آنکاسلم ایرب اول بریخت ل پرکینه بل منزله و ان اولدی روایتدر که اولکون حضرت امیر  
 سعادت و اقباله فرای نروان مر اجعت فیلوب جمیع اهل کوفه استقباله جوقب تعظیم و تکریم  
 اول شهر یاری شهو کوفه دیو حضرت امیر سجده جامعہ تکریم کرده حرم سرائیه کتمین دلایل انیوب سجده  
 قدم باصدی ایکی کعت نماز قبلدی و جمعی اولاد و اشراف و اعیان جمیع ایرب پانیهنری قدومدن  
 قلوب برخطمه آغاز قدری حمد و ثنایه مشتمل و خواص و عوامی و عظمه بشده امیدوار و عفوای و درون  
 خبردار ایتدکه لشکر و جانبشینه نظر صالوب ایام حسنه بدی یا بئی گم قضی امن شجر ناهل و طرف  
 یساره مایل اولوب ایام حسینه بدی یا بئی گم بقی امن شجر ناهل ایدر یل اولون بشیمی کونرد اول  
 شهر رمضان ایدی برست مبارکین حاسن شریفنه اور بدی بر آیره بویرم قائم ایلد خضاب اولور منم  
 قائم بوجلسه در این علیم و تکریم بیت عظیم اولوب خلونده حضرت امیر خدشینه کلوب بدی یا امیر المؤمنین  
 سندن التماس بود که امر ایدر سنک منم اللهم قطع ایرب یاسنه تنوره لر حضرت امیر بدی قاشا  
 که کنایه ایدر لوقصاصه حکم ایدرم اما رسول الله سنکاجو تریک قبله مرادین بر مردان اولوب مرادی  
 ایچون سنکابر ضربت اوره اما مرادینیه تنبیه ای ابن علیم سنکاجو تریک که آنزن صدق کلامی تحقیق  
 ایدر سن ایام طفولیتده سنکاتری اولان بر بیودی خوبی ایدی برکون غضب طیفیل سنکاتری ایدی  
 ای نافه صالح دین ایرن شفیق اشق ابن علیم بدی علی صدقته یا امیر المؤمنین بونشاندن بنایت شائر

اولوب شفعول اولدی القمه حضرت امیر المؤمنین شرایط مواظطه لشکر و مسجد منزله کلوب برکجه  
 امام حسن مقاسنده اقطار ایرب برکجه امام حسن منزله اما اوج لوقون زیاده تناول انزدی دیدیلر یا  
 امیر المؤمنین فکت طعانه سببه رائدی ملاقات حق قریبدر خرم رعایت طهارتدر روایتدر که  
 رمضان آینک اولن طقوز کیم سی کیو عقیل ایدی اول حضرت صبا دکن طاعت و عبادت مشغول  
 اولوب هر ساعت صحن سرائین جوقب سمانه نظر صالوب انظار و عو جلوب یردی که صدق رسول  
 خدا که هرگز رسول الله شک فعی خلاف اولد و لوح فضا ده خبر اولان خط تقدیر تغییر بولمز هر کیم  
 تقدیر تغییر بولمز ای کونل لوح تقدیر نک خطی هرگز بولمز ای کونل تا اول زمانکه مرغ سحر بویست خانه  
 ملاال افزادن سوز کدازیلر زمره آغاز ایتدی و مؤذکر سردی ارباب عبادت سمعته یتدی اول ایتدکه  
 عالم و پیشوای نوع بنی آدم و ضو نازه قلوبشینه جفته عزیم اند و کده اول سرائ فرجه فراده برکجه مرغ  
 آبی و ارایری اول حضرت نک بکذا رینه کلوب اس عقیقین و تب یان حالیل فریاده کلید لیلک طهارت  
 آنلنک منع اقدام اند و کده حضرت امیر ایدی ای جگر کوشه منع اندنک بولمز منم ماتم و تنلدر امام  
 ایتدی ای محمد بونه فال نامبارک لر حضرت امیر بدی ای فرزند کونکلم بکون شهاده شهادت  
 و بر برسن جمیع اولادین حاضر ایرب بر جواد عه قلوب بومغزی رشتنه بیان جگدی جان بیدم  
 محنت و درد و بلا دهر دن ایلم غم سفر محنت صری دهر دن سبل لایزال صحت ایتدم بنعلیم  
 غنیمت کونکلم دو تولدی تنکای دهر دن نجه بر آواره انلنک کردش دوران بنی نجه بکونکلم فکار اولون  
 جغای دهر دن القمه متوجه سجده اولوب آنلنک نازاد اقبلوب نه مشغول اولدی و رغبت تمام عبادت معبود



اوزه درگاه معبوده توجیه قلدی هم اول کجای این طبع بدیقت فطانه ملعونه سراسیمه کید ب فطانه ملعونه این طبع بدیقت فطانه  
زهرایله سیراب اید ب مروان نمیمی شیت بن بجا انجی پیدا قیلوب آنک معاوندنه معرق قلدی اول  
حر ازاده از نمای شیت شغول شرب خیر اولوب کلب تندی صیحه مست خواب لیکن فطانه منتظر اظهار  
فساد لیکن آواز بانگ غار اشید ب اول غافل لری بیدار اید ب دیدی ای بختلر دورنگ علی مسجد  
تنداد این طبع بی ایمان اول افضل زمانه کلبینه کجهت اولوب سر عقل کلوب کیندوسین خواب  
ایدلر اراسنه بر قوب یاندی حضرت امیر کیت مسجد ادا اسندن منکره خفته لری بیدار ایتک توجیه  
قیلوب این طبع که اولکه یا تمندی مبارک قریب اولوب اید ب بدی دور وقت ناز در آندن نجا اولوب  
بنه خواب اولکینه کلوب نمازه شغول اولدی این طبع اول ایکی بر بختی دخی بیدار اید ب دیدی دورنگ  
فرصت غنیمت در تاریخ طبری و بعضی تواریخده جمله مسطور که امر هنوز بانگ نمازه شغول ایدی  
که اول حر ازاده از رنگ ایکی سی قیوبینک ایکی طرفه دور این طبع مسجد کرب معرق اید ب لری که مقدم  
اول ایکی نامرد ضرب اوره لرا که هیچ بری کار کر اولمسه این طبع تمام ایده القصة حضرت امیر مسجد قدم  
باصد قوه مروان نمیمی تیغ بیدریغ برافندی زده اولدی طاق درگاه مسجد اوخرادی آننک  
عقبه شیت بن بجا شیشیر حواله قلدی کار کر اولمیه فاجدیدلر حضرت امیر دل و جانله شهادت راب  
اولمغین التفات ایتیمو بنمازه اشتغال اید و که این طبع بدیقت فرصت اولوب سجده  
اولدن باشین کونورد که مبارک باشنه شمشیر هر آلود یتوردی اتفاقا اولیوه دلدی که  
روز صحره خندق عمر بن عبدالمعنه تیغله زخم او میشیدی و اول بدیقتک تیغی مغز استخوان کجای

اشرف قلدی

اشرف قلدی حضرت امیر ایددی قزقش بخت الکعبه یعنی کعبه ربی حقیقون دام خمدن نجات بولم  
و دایره المدن از ادا اولدم این طبع بدیقت بو حرکت صدور نون صکره فرار اید ب اوزه دوشدی  
که قتل امیر المؤمنین اهل کوفه صفار و کبار متوجه مسجد اولوب امام حسن امام حسین اطلاق بولوب حاتم  
چاکر و دیده غنا کلیل حاضر اولد و قد کورد لری قزقش زیارت سنک بیدار اید شکست بولیش و نهال  
نخلستان ولایت مصر جفایله پالمیال اولمیش سر نیاز قدم مبارکینه قوبوب غنای قیلد لری حضرت  
امیر و عدم فرق مبارکینون خوانه لب خسار شریفه عا سن لطیفه سور بیا بات ایدردی  
سعادت شهوات نعیم اولوب بنشانه ایل طوفیا کاه کربا و ملاقات حضرت مصطفی و مشاهدت زهرا  
و محافه حمزه سید شهید و خالجه جعفر طیار ایتیم کرک بوسلایب خوانا بلر ورق مرادم روانه اولوب  
منزل مقصوده بیتیم کرک شکریم باغ مرادم کلی ایلدی بوکون خونی واصل اقلیم بقا  
قلدی بوکون شهنشاده لراه و دیلاه و امینبناه دیوبت خاص و عام کوفه شرایط عزایه اقدام اید  
دیرلردی ای سپهر یوسف ابهوده دوران ایلدنک فخر دین ایتدنک بنای شرعی دیرا  
ایلدنک منکون قیلدنک عبادت منبر و محرابی معبد اسلامی طریقه ایلد کسان ایلدنک  
شکر اسلامی قوبدنک سر و راز ایدر تولدی انی ظالم که قصه شاه مردان ایلدنک القصة حضرت  
امیر زهین بغلیو سوال ایتدیلر که سنکا بو جفا کیمدنک افع اولدی سوز دیکه صبر ایلدنک عیان اوله  
جودر بو حال مقدار شیت بن بجا فرار اید ب کیدر کن بر کیمسنه آنی کور سوال ایتدیلر که مکر سن  
قاتل امیر المؤمنین انکار ایتک استردی زباننده قرار جاری اولدی خلق کوفه آنی نکر که ایدیلر



اما این علم منافق مسجدن جغوب حجه سینه کبریا سبب اسلحه سین برافنده ایکن کوفه اهلندن  
بر کیمسند آتی کورب کخانه و دوشب استدی مکر سن قابل شاه مردان اول ملعون لادیکدن  
نعم دیدی اول کیمسند کربانین و دوشب سجده کتوری و بر روایتده دخی بود که مسجدن جغوب  
صحرا یه متوجه ایکن همدان قبیل سندن بر کیمسند آتی کوری المذنه شمشیر خون آلود جرات ایدر اول  
ملعون و دوشب هجوم عاقله مسجد کتوری حضرت امیر اول ملعونه غاب طریقه دیدی ای برادر  
مکر سنده لیاقت امارت یوف ایدی که وجود می رفیع ایندنک بدی معاذ الله حضرت امیر ایندی  
بیش باعث ایدی که اولادی بنیم قوبوب خاندانه رخصه براقدنک این علم دیدی با ابر حساندن  
خیر سندن نکا بتمشد را مانیدیم و کان اتم الله قدرا مقدر و حضرت امیر یو  
آلی جبرائیل و حسن حیانه اولدو تهاول ایندکم طعام و شرابون آنکا دین و جوادیر منک اگر من  
بوقضیه دن نجات بولدم معلول و صلاح مندر و اگر نجات بولسم اول منکا بر ضرب ایدی سیزدخی اولنکا  
بر ضرب ایدی منک حسب فرمان این علم جبرائیل حضرت امیری شاهزاده حسن بر فراش اوزرینه  
قوبوب کورب مسجدن جغوب دیر اول ساعت از صبح صادق پیدا اولمشدی حضرت امیر دیدی ای  
چکر کونیه منی متوجه مشرق و دوشب ایدی ای صبح صادق اول بروردی کار ضعیفی که آنک شو قیل کرینک  
چاکدر روز محشره شهادت و به سنکه حضرت رسولدن تعلیم نماز اودم کونرن بوکونه دکن  
منی غافل بولموب همیشه سنکا استقبال انبیشم آند نفکوره روی نوبه آسمانه و دوشب ایدی ای  
بر اموال کلین سن روز محشر شهادت و به سن حضا مجلس خروشن و غفلت اغار ایدیلر

جهانی ابرافت غرق سیدل اضطراب ایدی دل اهل و فانی آتش حیرت کباب ایدی مدد کیم دور  
ظالم روزگار نک رفتن بوزدی غفلان کیم عالمی کردون دون پرو حجاب ایدی اشرف  
واهل بیت اضطراب تامله فریاد و غفلان ایندکه حضرت امیر آنکه تسلی و بر ببردی ای شاهزاده لر من حضرت  
مصطفی خدایتده زهر هجته مشرف اولورم منم چون ناسف چکنک و جرح فیلنک زیر ابوبکیه واقع و کورم حضرت  
رسول آستین مبارکله چهریدن غبار مبارک ایدی روی بود لیلدر که چهره جانندن غبار بدن پاک الله  
خوش اولر مالک جغوب بوسلم بوزن ایدن غبارن اولدو مرفوع حظه جانندن روایتدر که  
حضرت امیر اوزرینه جبرائیل کتور دیر جراح اول زخم منکره نظر فیلد و قد فریاده کلیدیکه بوزخمنک نشسته  
زهر آب بریش جراحی قابل علاج و کل و بر روایتده دخی اولدر که جبرائیل ابرو ام کلشوم این علم  
جسد کورب ایدی ای بد بخت بونه اندیشه باطل ایدی که ایندنک حضرت امیر و جبرائیل سنک خند  
از قلمز اما سنک حالنک نور این علم دیدی ای خاتون منک اول شعی منک آتونه آتوبینک آتو دخی  
و بر بربله سیر ایدر ششم جبرائیل امان ممکن کل بود اقد و مضان آینک کیمی بر نوده ایدی  
حضرت امیر و صیقل نه بازوبک لادین و داع ایدی ام کلشوم ایدی اغلق علی ابدک الباب  
ام کلشوم حجه قبوسین مسدود ایدر بشاهزاده امام حسن امیر حسن شکره کریمان اوزرین ناکاه  
بر صدا ایندیکه بر هلف دیدی اقم یلغی فی النار خیر اقم یا فی امینا یوم القیمه  
بواننده بر ایدی که بل اقم یا فی امینا یوم القیمه بر روایتده دخی اولدر که  
حجوه دن لا اله الا الله کلمه سین استماع ایدر بشاهزاده لر ای اختیار کیمی بر کیمی دیکه عالم بقا







مخدوم زاده لرا نكخانه واقع اولدی و بدیل بر بخت آنی شهید ایدی و حالاً بزا تنگ مبارک مرفوزن کلوز  
 درویش اولی خیرین مضطرک لب فغانه کلدی و انری ای شهزاده لرحب زکوار انکوزیدر عالم فغانه  
 حرمی خیرین کمنی اول سرورنک مرفوز مبارکی اوزرینه هرا بیت فیلنک شهزاده لرحم قلیوب  
 برالین امام حسن برالین امام حسین دونوب حضرت امیرنک مرفوز شریفه بنور دکه اول درویش  
 قهر اوستنه و در شب انری الهی بومرفوز شریف صاحبی خیرین منی غمخوار سیر قومه اول غمخواره و اول  
 ایت دعاسی موافق حکم فضا اولوب فی الحال نفوذ جان شاز مرفوز شاهرمان ایتدی فطره  
 دریایه انصال ایتدی ذره خورشید انتقال ایتدی شهزاده لرا اول درویشنک اوزرینه غار  
 ایدریم اول موضعه دفن انزلی فی الواقع وفات حضرت شاهرمان شهید کربلا شهید  
 اعظم مصائب اکبر نواب ایدی زیرا جمیع مکاره لرحمن حصینی و حصاری و اولوب منج و ما  
 رتبی ایدی لاجرم خروبه آفتاب شوکتی موجب استیلا ی ظلمت ظلم و فساد اولوب لاله ظلم را فتنی بخت  
 اقتضای عدوان و عناد اولدی شاهنک حمایتنده الکن هرگز اتمدی کلزار خانه نسیم

اون دور نجی  
 مجلس حضرت  
 امام حسن  
 علیه السلامند  
 بلا کدر فیلنک اول شهنک نم خرابه کچدی آل عبا به نخل بلا و برمدی شمر  
 حضرت امام حسنک بزم بلاده ساز بقا نوش ایتد و کین بیان ایدر حضرت سلطان  
 سریر کربا و صالک الملک شوقی الملک تحت قشای خواص درگاه فعت دستک هر شاد نسیم  
 و توکل جواب طعن و تعرض تعلیم تبشیر که قل لئن یصیبنا الا ما کتب الله لئن انا هو قولنا و  
 علی الله فلیتوکل هو کلون و نواب برگاه عالمینا به اهدای هر نخل ایدر عبا بیل

شکین

شکین و نکل بر پیش که فاضله و ماصبتک الاله  
 مراد ایدل بر پیش لکر نه هر جانب به هر نخل دوت نزد پنج سدن جندیل نورنک ربانک  
 کفر اخلاص دامان تسلیم و توکل دوت حاکم نعل رضای ایزد جویبار تسلیم و توکلن سیراب اولمجه آدن  
 اجتنای انکار دوام نعمت و تعطف اظهار بقای سعادت ممکن اولمز و چراغ اقبال قلبه کاه آله آتش مهر  
 و تحمیلن اصابت المنجیه اهل حال ظلمت سیرین منور فلز کیمی کیم سور ساقی روزگار آنکاساغر  
 شتم قابل ویر کجنگیم بیلور احزانین روا آنکاساغر زهر و ملاهل ویرور بومرفوز مسطور شرفانه  
 شواهد و کله معتقد ارباب عفا یدر که حضرت امام حسن اکبری امام در اندک اشاعشون و کنیت شریفی  
 ابو محمد و لقبی الطیف نقی و توفیق ولادتی بهر نکل ارجحی بلند رمضان آیننک و اسطوره مدینه منوره  
 واقع اولدی اما راوی اخبار حکم سوز و حاوی آثار خم اندوز و طریقه اول شهزاده عالم نیا نیک قایم  
 احوالندنک خبر و پیش بوسر و دیلوز منزه اخبار شهادتین مسامح اهل روزگار ویتور میش که چون حضرت شاه  
 اولیا حسنه خلافتی آنکاساغر تسلیم ایدر حکام شریعتی غازی آنکاساغر بخت ایتدی و نوبت ریاست امرت بر بکل  
 اول پادشاه رفت سکا بهر ایتدی اول حضرت شریک غریب نکل صکره خاص و عامی جمیع ایدر پایه  
 منبری مقدم شریف و قلیوب اول قایم مقام حضرت مصطفی و نایب شایب حضرت مرتضی لسان بلیغ  
 و زبان فصیحی بر خطبه آغاز ایتدی و موعظه سدن صکره نذاقلدی ای سکان سرانچه حکم شریعت  
 وای مضار خطبه تقوی و طهارت منم ابن البشیر منم ابن النذیر منم وارث سلطان تحت سبکات  
 منم جانشین حاکم ملک لایق جبار کیم سیری دین حق و دعوت ایتدی و والد بر کوار مردن سیرت

شکین



هدايت يندی مالا مندی سیزی آنکرتک طریقه اهدی قلم و محقق ببلونکیم مکافات آنکه انبیا  
 و مشکاف لغت آنکه امتناع در سنم وارث علم رسول منم کو مکنج بطن بطول منم نشین  
 شاولیا منکا افتاد آنکا افتاد بوماله معادن عبدالله عباسی غده در بابتی ای قوم بو  
 مخدوم زاده فرزند حضرت رسول الله سیزدن اقرار طوع امامت و اظهار قبول بیعت استرند درین جمیع  
 حضار مجلس فریاد ایندی که سمعنا و اطعنا قاعده بیعت تمام اولد فرنگه ابن طنجی حاضر  
 ایدب انری ای بدبخت حضرت علیدن سنگانه بمانلق تمبشیدی ابن طنجی ایندی ای ش هزاره  
 اولد حق واقع اولدی اگر اجازتنگ اولسه حاکم شام که سنگا صاحب عواد را آنک فتلین قبول ایندی  
 حضرت امام حسن نظویل کلامه قویوب برضریل اول بلیدی بلکه ابتدوی و بورد یک جسم نایا کین  
 و ده باندردیلر اول جانبدن خاطری شلی اولد فرنگه نظام ملک ملک ملت و شش احکام  
 دین و دولت اشتغالنده اولوب آنک زمانه اونوزمینک مجاهد ایره بیعت کردی و حقیقت عساکر  
 نصرت ماثر مسند خلافتده رونق تمام و یری بولوی خورشید جهان تاب خلافت ارتقاع  
 شعله عالم فروزی سالدی هر جانب شعاع بوجردن حاکم شام منزل اولوب آیتش منبک مبارک  
 متوجه ضبط عراق اولدی امام حسن قمی فرق بینک مجاهدیلر کوفه نیک جویوب استقبال طریقه عبدالرحمن برین  
 نجیم خیام نزول اردوی همایون قیلدی اول منزله قیس بن سعدی ایکی بینک ناقدار بیلر و سپاه  
 ظفر پناه ایدیلر لکوزب کزد و متعاقب و ان اولدی مرحله مرحله کیدرکن سباط مدینه تیدر  
 استراحت طریقه بیلر برنج کون توقف ایدر بوجون ش هزاره اکثر اوقات ذکر ایدر یک من اختیار

مرتکبه

مرتکب خصوصت اولرم و کیمسه ایدر سلطنت دنیا بچون منازعه قلم و طای غلب غارت بچون جمع اولان  
 لشکر شزاده تنک فتندن کمان ایندی که آنزه محاربه میلی بوقدر باندیشه عقیده لرین فاسد ایدر  
 موافق ایکن منافق اولدی که آنکونی لا یوفی و طاله ابادی تغلب ایدر جمیع اسباب جهنم  
 یغیا قلدیلر و حضرت شازاده بعضی خواصل منوجه مداین اولوب کیدرکن خرچ بن و حیدر اسدی که جوقون  
 مرقد فوت آزار اولوب کینده ایدی فرمت بولوب شزاده برزخ اورب بعضی ملازمه و نوب آن  
 پاره پاره قلدیلر اما حضرت امام حسن علیه السلام اول زخدن غایبده منبرج اولوب مدینه فخر ایدر  
 نزول اجلا لام شرف قیلوب جبر اصلو حاله سینه اشتغال ایندی لر الغنه شزاده معاونده و مطا و عقد  
 اعتماد ایندی و کی اهل کوفه دن و فاکو صوب الصلح خلیفه مقتضا سفره حاکم شامل بعضی شروط و زینیه  
 که تفصیلی موجب ملالدر مصالحه قیلوب بیعتیه منوجه اولدی روایتدر که امام حسن علیه السلام مصالحه ایندی  
 منکر مدینه مراجعت قلدیده ارباب عداوت تحریک سلسله سرفتنه دن نهم ایدر اهل حضرتنک و فعینه  
 و فعینه اقدام ایدر بعضی فساد اهلنه تحریک ایندی که اول حضرتنک بصره واقع اولان احبابسندن  
 اونوزمینک نفر منمن مودی بهانه ایله قتل ایدر فواع قباحت ظهور کتوردیلر حضرت امام اول حال اطلاق  
 بولقد عبدالله بن عباس منوجه دمشق اولوب کگذاری موصله و شوب بعد موصلی شریف شریفندن بزرگ  
 اولوب استقبال جویوب نهایت اعزاز و احترامه متکرر ایدر شزاده برنج کون آنزه استراحت قیلوب  
 آنک مسافر اولوب یار دشت سید که والی شام شرافه اکا برایلر استقبال کلوب کمال اعزاز بیدر  
 کتور بر اسم خدمتده مبالغه لر قلدی حضرت امام حسن خاطرنده اولان قضیه لری شرح ایدر بناسب



بواسطه آنکه در مشغولیت مصلحت مرا جعت فلهذا بوقت سعید منزله نزل انی بجهت نام بر  
 آشناست که منزله قدم باصدی و داعیه قلبی که برنج کون مصلحت طرح اقامت برافراست  
 بود که کرده اعدا که همیشه منزه فرصت ایوی اول نیز بانکه عقیده بس و عده مایل حضرت امام  
 قبلو پیشینه نشسته زهر لار سال ایندی که معطوفات مشربانته میسر اولد قبح مزاج ایوب و بر  
 اول بخت اوج نوبت حضرت امام زهر ویدی اما مدت بقای حیات مانع تا نذر اولدی اما موجب  
 تغیر مزاج اولوب طبع شیرین مکرر ایودی و اول نیز بانکه احوالینه حضرت امام مطلع ایوی اما  
 اظهار ایوب انفعال و بر نودی آه کم و شیاوه بریار و موافق قللمدی غمگسار و مونس خوار مشغول  
 قللمدی و هر نوبت که شکر مزاج پیدا قیلدی و جابر کافله نیت صحت مبدل اولوب و بر زبان عاجز  
 اولوب صورت عالی اهل سلسله فساد محکم که برینه مرض ایندی که اوج نوبت اما منزه هر ویدم اثر قیلدی  
 بونوبت بر شیشه زهر لار سال ایندی که اگر خضر را بجهت شکر فساد امان بولمزدی اتفاقا اول  
 قاصد فساد کلور کن استراحت همچون بر منزله و نوبت مست خواب یک بعضی سباج و بهایم  
 آنی هلاک ایوب بوجاهه خوار حضرت امامتک بر ملازمی کلور کن اول مقنونی که بر شیشه نامه آلوب  
 حضرت امام ضمیمه کنوردی و حضرت امام مطالعه قیلد و فقه موجب خجالت نیز زبان اولمست و بر  
 پنهان ایندی اما سعد موصی حضرت امامتک نک مبارکین متغیر که بر حقیقت مکتوبی سوال ایندی که  
 حضرت امام مشغول احادیث و تفاریر آلوب اول نژو که افشا سینه بخت انمزدی عاقبت الامر سعد موصی  
 حضرت امامتک مصلای شریفی آلتند نامه بر قهر جلیل آلوب مطالعه قیلد و فقه غایبه مفسر آلوب حضرت امام

اجازت بجز مجلسدن و شرفای حاضر ایوبیدی ای بخت مصلحت و مرتفعی زمرادنگ سنگانه نقدی واقع اولد  
 اول بخت ایندی حاشا آنکه محض مکار و سرسعد انوی ای بید و ملت بس نه واقع اولدی که اولادینه  
 قصد ایوب رس اول نامه و زهری اظهار اند و کده اول بخت انکار قیلدی بنور دیکه ملا و ملر و تب  
 انواع امانده اول پلیدی هلاک ایندی اما حضرت امام شک و منزه بر مصلحت جقوب و بنیه شریف  
 بنور دیکه اتفاقا روان حکم آند ایوی اول بخت ظاهره حضرت امام محبت ایودی اما باطنی طریق  
 عداوت مسلک ایوب همیشه نفعت کند میرنده ایوی بر کون ایسونه نام بر دلاله جاریه و ار ایوی  
 آنکار ایوی ای ایسونه جوده بنت اشعث حضرت امامتک حرم محترمیدر سلورم که امام حسن آنک او سینه  
 عورت الخ سبیدن خاطری جمع و کل فی الواقع حیدر که اول حسن و مجلیل اوفاتی ضایع کجوبیت بنیه  
 اختیار و اقتدار و بلیه من استماع اقباشم که بر برین معاویه کراند ایوب دیکه آنک نوبی شکر استبداد ای  
 ایسونه اگر جوده شک مزاجین امام حسن من خوف ایوب به مکه نیت ابره بکار او سنگ جمیع مرادنگ  
 حصولینه کنیلم ایسونه ملعونه روسیاه اول امری قبول ایوب آنن جقوب ایام حسن سراینه نوبه اندی  
 اتفاق حضرت امام اولکون اخوان و انس ابله سیر حقیقتی جوده ابوده تنها ایوی و جوده مدینه  
 اسباب معرفت ایوی ایسونه ملعونه آغاز تکلم ایوب به جانبین مقدمه بر ترتیب ایوب به تغییر بدل اظهار  
 مدعا قلدی که ای عزیزه بانوی مکرم وای خانون معظم المنفث لکه دامن کمال جانک غبار نفقه نک  
 معروض جمیع اسباب کالنگ مبتدا در حال استنگ ال وقتند که همیشه سلسله حقیقتک منظم اولوب مجلسنگ  
 پیش خستین عالی و لایه مطلق نسیم غرقه کشن جمعیتنگ طراشه گذار اقباشم طاسه مدافعتنگ



برزاهد جبال سنده و فراوان که اکثر اوقات بنیاده صرافه که گوشه بحرانی نقش ابروی مقوسدن حسن  
 بیله و در جبات نیزه سلسله زلف معبردن یکدیگر توچه قیل خصی صابر یکی کوزه بر محبوبه میل  
 ابر ب طریقه مقد و طلاقه عادت نمیشد و جوف عورت زده الم مغارقتی پیمشد رجده که اول  
 کلماتی استدی و او گفتار ناصوابه و قلا و ده ندی ضافق زاده ایدی آبا و اجدادی مرتضی علی بیغل  
 دنیا دن کشدی لازم جلیتده اولان از نفاق متحرک الوب آبا و اجداد نک انفا باین آلفه  
 مستقل مقیم و متکمل انظار ایدی بر سوزلردن متناز اولوب انفا بانه فرصت بولوب ایتدی ای  
 ایستو طریق نذار کنر ایستو ایتدی ای خاتون تحقیق بیلورم که زیرین معاویه بو خدمت مقابل  
 سنده سنی متصرف حکم خلافت ابر ب مقدم خوانین حرم سر اقبور حال نذار که اولدر که امام حسن  
 و فضل اقام اید سنک جعده بیوقا حضرت امام و قدسینه مگرین بعلیب ایستو اول منزلدن چوب  
 کلوب مروانه صورت عالی عرض ایتد که مروان بر مقدار زهر مار ل ابر ب جعده اول زهری  
 انکبینه مزوج ابر ب حضرت امام و بر حضرت امام اول عمل سموم نناه لندن بیغفور اولوب  
 استغفار ابر ب روضه رسول الله و ارب عرض نیاز انکمل شفا بولدی اما جعده بد کمان  
 اولوب او تنک منزله نرزد انز اولدی بر کون دخی نفوذ احوال طریقیل جعده تنک منزله نیکه انز که  
 جعده اتدی یا امام مدینه خرافه لندن ز طبع کفر و شکر رغبت و تمیزی سیر حضرت امام طبعه راغب  
 ایدی بوردیکه کنور صافتر که جعده امر ایندیکه سندی مرافقت قبل جعده سموم اولان طبلر  
 نشان انمشدی سموم المین رطبیدن تناول قبلوب حضرت امام ملا حقه طبلر سموم رطبیدن

یدی مزاج متغیر اولوب ایتدی ای سما بو طبعدن مزاج متغیر اولدی حکمت نه رجده انواع غریبه  
 رفیع کمال ابر ب حضرت امام آنزن چوب سینه روضه رسول الله که دار الشفاء اهل درد در توچه قیلوب  
 شفا بولدی بر کون اخوان و انس بین جمع اید ایتدی ای عزیز لردن بو شهر کلمه زماندن بو کون  
 بروم راحتدن دم اوردم و بر ساخت استراحت کوردم صلاح اولدر که موصلا و ارب تبدیل آب  
 و هوا قیلم و تمع بولم و بودام کور و رندن اوله آزاد اولم بس این عبارت بعضی خواص موصو بول  
 اولوب اول بقعه مبارکه تیوب طرح اقامت برافنده آوازه نذول مرکب جلالونی شاه تیوب  
 محوسه دشقه بر اچی دار ایدی که دشمن فاندان حیدر کرار ایدی و صول مقدمه دن جنر دار  
 اولوب ل بر کینه ایلر موصو توجه قیلوب نوک عصا سین زهر الیه سیر اید حضرت امامکلا زمان  
 اختیار ایتدی بر کون عصا سین زهر باغوب نرزد ایدر کن انفا قاصصی حضرت امامکلا سارک  
 ایانته پیشدی اول حالتی قبلوب فوت قیلوب اول نوک عصای زهر آلوده ایلر امامکلا ای مبارک  
 مجروح قیلدی او خائنه کی حضرت امام آه ایدر ایانندن و شندی عبدالله حباس بعضی مخلص  
 استدی که اول بی بفرقی دوست ملک ایدر حضرت امام مانع اولوب او تنک یوا این قیامت  
 برافندی القعه موصله دخی انز راوش بولوب زار دادم جکیوب یدی در راه حرم  
 اوردم راحتدن قورونولدم اندوه غم غنندن هر بقعه کیم می اقامت قبلدم اول بقعه مکدر  
 اولدی برافندن القعه اول زخمک معالجه سیند جراح کور دبلر جراح کورده ایتدی بو زخمک  
 سنابین بریدلر سیر انمشلر اون بش کون معالجه سیند ندر بر ایدر اول شهر لوه تنک پای شرفی اول غنندن



بجاست بولدی و اول اعیانها مابین الوب موصول و مقبوض شد کیدر کن عباس علی اوزرینه  
حواله اولوب عصا ساین الوب هم اول عصا یله اول ملعون و لوک و لوک قیلدی حقه کوزدن  
روایتدر که شهنشاده موصله دخی قراره و مقبوض سینه مدینه و توجیه قیلدی اما جوده تنگ سر اینده  
نزد دایم مقبوض آننگ کدورتین زیاده فلغیان پیوسته منتظر فرصت ایردی ناشب همه هفت آننگ  
کبری طغوزنده بر مقدار الماس الوب حضرت امام اولان منزله متوجه اولدی و خاطر سینه  
مقرر استیکه اگر کورسلر اظهار شوق و اختیار قیلد اگر کورسلر استعدا ساین حاصل قیلوب  
بر مراد اوله منظور اوزرینه کلاه کوردیکه شهنشاده متحول خواب اطراف و جوار سینه اولان مرغافل  
آهسته آهسته باین مبارکی اوزرینه کلوب کوردی و با وجودی کوزنه تنگ آنغزی بر حریر پارچه  
باغلور اول الماسی هر کوزنه اوزرینه اولان حریر اوسته نوز کوب حرکت اندو که الماس  
اول حریردن کچوب صوبه قارشیدی و اول بد بخت و سیاه سر خله قایرب اوزرینه کندی  
اوزرینه شهنشاده بیدار اولوب سینه اتدی ای همیشگی عزیز خال و افتده کوردم جدم تنگ اظهار  
اشتیاق اتدی بر مقدار صو ویر که آتش فزانه نک کیسه یهیم زینب اول کوزنه تنگ مهرین الوب  
امام الوردی حضرت امام اول کوزنه دن بر حریر نوشن اندو که الماس سوده اجزای حکمران  
کلی دمار لری ایردی حضرت امام اتدی آه بونه شربت ساز کار ایردی که حکمران آتش برافزیدی  
و بونه جبرعه ناخوشگوار ایردی که جان و حکرم باقوی هم اول ساعت حضرت امام حسینی حاضر  
ایرید ایردی ای برادر من ~~زهر خرم روزی کار اتدی تنگ کور بوسنی که روزی کار~~

اتدی

اتدی تنگ هر ظلم که نمونده ایردی دورا تنگ اظهار گفته ای آشکار اتدی تنگ غنی و مستور<sup>اولیه</sup>  
که حال احدی واقع کوردم المان دو توپ باضی تنگ عرض اتدی و سپرد یکدی فرزندان  
سنگ که دام بلاد نجات بولدن و محنت نماندن خلاص اولدنگ یارین منم حضور موه سنگ بیدار  
اولد قده بکوزنه دن بر شربت صوابچدم با غرم و خردی کوباکه زمان رخصت رحلال ایست حلفت  
امام حسین کرمان اولوب ایستدیکه امتحان ایچون اول کوزنه دن ایچو امام حسن الوب اتدی بونیم  
نصیبهمد سنگا تیرس اولم کوزنه یه اوره قده اول کوزنه سوبال صولوق کلوب یرتخ شاخ  
آیردی جوشه کلدن العقه شهنشاده تنگ حکمران یقینش باده اولوب آغزندن کلوب نو کولدی  
سرسبز قلدی کلبن باغ رسالتی سیرتیه مرزاق قلیوب روزگار اول سبز کلبن  
اوزره دل باده باده دن قیلدی بهار خادشه هر ککل اشکبار اولدم که آفتاب زرین جام فلک  
میدافاده ارتفاع مقام بولدی اول حضرت تنگ مبارکی زرد فام اولوب اطرافنده اولان احیادن  
سوال اندیکه زنگنه کوزنه در دیدلر سبز در امام حسین قنده باقوب اتدی صدق یار رسول الله حضرت  
مجلس مضمونی استغفار اتدیکه اندی جبر سزگار مدن استغفار پیور و دیگر دوشه خندانده<sup>البر</sup>  
اهل عالمک بر بر مغا طریق عرض اندیکه ایکی فقر کوردم بری لعلدن مهری زمر دن که شجاع لری  
آفتاب بانه طعن ایردی ضو اندن سوال اندیکه بوقصر لری کیملر منسوب بدیدیکه بری امام حسنک  
وبری امام حسینک جبر تیل اتدی یار رسول الله ضو ان شرم ایدر من عرض ایدیم فقر زمره کون  
امام حسینه متعلقه آننگ ایچون کد وقت دفت هر کچوب تنگ شهنشاده فاملر کا به کلور و فقر کلر تنگ







که نقد رسول الله بوقیاحتی رو کوردنگ بوزنه سنگ هیچ بگویند شرم حیا یوق و منم  
 او غم همتنه لایق سنگ ای نهال گلشن عیدان بلاد در حاصدنگ مظفر ظلم و ستم  
 جوهر ناقابلنگ خاندان عصمت و عفت نلاقدر سنگا ممکن ابلیس در دایم خیال باطلنگ  
 و اول بر بخت پشیمان اولوب خور و خوابدن محروم اولوب بر دیکه ایابونه فعل باطل ایدی  
 که مذکور صادر اولدی و رقم خسر الدنیا و الاخره نامه اعماله حکم ایدی و نقش فلک  
 هو الخسران الملبس صحیفه اولمده ظاهر اولدی اولدی سیاه نامه اعمالم ای درینغ  
 تغییر بولدی صورت اولم ای درینغ من طامع سر خطیر و کذا قدس ایم سیندر دم اوز  
 المله برو بالم ای درینغ اوج کوزن حنکر حکم اولدی که الذین ابای فکری بغلب جزیره نیله  
 برافدیله وایتدر که جزیره قرینه نید که بر طوفان پید اولوب اول بر بختی آلوب  
 جزیره برافدی و من بعد آذن انز کورندی جهان ایچنده مجرور اندقام زمان  
 همیشه بخشنه بخشنه کلور عیانه بیان حضرت امام حسینک

اون بختی  
 حضرت امام  
 حسینک در

عزیزه دن مکینه کیند و کین بیان ایدر چمن آرای حدائق حزن و ملال و راوی احوال شهدای  
 دشت کربلا بو نو عیله شهدای دشت کربلا احوالین بیایه کتور میش که چون معاویه پشیمان  
 مسند حکومت قرار دودری استبدیکه او غلی یزیدی اوزینک ساختو فی زمانده یزید  
 عاشقین قویه باد شاه قوی آنکاره اول ظالمی نایب مناب ایدر یزید قویب دنیا دن  
 نقل ایدر جهنم کیده پس یزیدی جمیع ولایتله و جمیع اکابر شام و عراقه نامه لکوندر بر

یزید بیعت آلوی همان ممالک حجاز قالدی و بو مصطفی ایچین کند و اول دیاره کیندی و آنلر  
 دخی هر و جهلم اولور سه جوین راضی ایلدی اما درت کیننه بو صورتلر اکره ایدر بیعت  
 اعدیلر و یزید بخلاف فتنه قطعا رضایر مدیله بری امام حسین علیه السلام و بری عبدالرحمن ابن  
 ابوبکر و بری عبدالله بن عمرو بری عبدالله بن زبیر و بونلره مال ایل و قریب ایل و قور خوا ایل و معاویه  
 علیه العنه چاره ایده بیلدی و بیعت آله بیلدی آخر الامر اول درت کیننه مکه معظمه لک جنوب  
 مدینه مکدیله والی شام دخی وار ب انواع جده جده ایدر چاره قلدی و بو واقعه سنگ هیچ  
 ندیر ایل صلا حسن ایده بیلدی القعه بوردیله معاویه علیه العنه دنیا دن کیدب مقام منزلی یزید  
 قلوب و یزید مسند حکومت قرار دودری ظلم تخلیک تنبکی باغ ملکه دور و درکار  
 جوهر رسین قلدی دوران سنگر آشکار رایت قبایلی قلدی یزیدیک بریند حکم ایدی  
 آل مصطفی و قدینه تیغ آبدار اول سنگار بد کردار نکل اعیان دولتی و ارکان حشمی برکون  
 جمع اولوب بوتور دی بساط فساد یور و دیور و بوقینه حرمی ایدیکه اگر استقامت سلطنت  
 و استقامت حکومت مراد ناک ایسه آتاک زمانده بیعتکندن تخلف ایلاوی  
 بیعت کتور و اگر کتور ایسه غیاث کتور لایق نه و جملده و ارایه موات  
 ملک کتور که نظام ملک اختلاف عقاید قبول ایتنه و مخالفت بوست  
 طالع امتع بتمنا اول ملایم بو نصیحت اولردن قبول ایدوب موینه حاکمده



بنام خداوندی بومضون که استحقاق بر یوزنیک خلیفه اولی و استقلال  
 مسند خلافتک توفیق امانت اسلام بولین معاوی بن ابی سفیان و ازین  
 انتقال ایدوب حالا اجرای حکم بشکایت شد و حکم دیوان قضا مستصدی  
 حل و عقد نظام عالم بخیا تمش هر نه لازم دور که جمیع خواص و عوام عالم  
 و جمیع اطراف واصل فرمایند و بی امام مقتضی الطاعة و طیفه واجب الاطاعة  
 بیلوب مطیع اولوب و بقا انقیاد مدن رقیه اطاعت حکمیه و کذا را طاعت  
 میوه نفاذ دیوان نهال مخالفت تکمیل فرمایدی سن که والی مدینه اولین  
 ولید بن عقبه سن که کرد و کرد اول دیار اولین اعظم و سرفراز خصوصاً  
 نزد کولم زمانیکه بجهتک مشرد اولان لودن بیقیم آلاس و اگر قبول  
 ایتیمز لولایس قتل ایدوب باشون شامه کونده سن و انتفاعه امید  
 اولرس جون ولید بن عقبه بومضون اطلاع بولای تحیر اولوب ایتدی  
 یارب نه شکل قضیه واقع اولای که مضمون عمل اجتمه دنیا و خراس  
 کوریک مقور در واکو معا وعت قلم عذاب اخوت اکبر و مرا اتفاق اول  
 مروان حکم مدینه ساکن ایدی حاضر ایدوب بوضو و نه مطلع ایتدیکه  
 اول مفسد ایتدی که اتفق فتنه سران ایکن اقطاع بولم موهب الیه حدت

استقلال

استقلال بولدوقه صحنی سران نک دفعه تدبیر شکل اولور و سبیل  
 ابتداء تحریر کند و کذا ایدی دوله تدبیر حمله تراید بولوب تدارک الدن غنا  
 اختیار ایدی آلور **نظم** عاقل اولدور کیم فضایی من فرصت و اراکین  
 حسن انجایین امیر دام تاخیر اتمید **نظم** حال انساب اولدور که اولدورت  
 کیمسینه اظهار ایدوب بیعت عرض اید سن اگر قبول ایتیمز لولایس که  
 حکمین یوروده سن ولید بن عقبه و لودن احضار نما ایدوب اخبار ایتدور  
 امام حسین ایلد عبدالله بن زراراده بولوزب عبدالله ایتدی یاحسین ولید  
 بن زراراده صلواتی وار اولد امام حسین ایتدی ایلد اکلام که والی بنام فوت  
 اولو بدون نه بر که بر بوجیه واقعه کورم منبری نکلن سار اولم  
 و اساس سوکتی بولم کمالا بوخیر ولید تبوی سیاح بولم بدین بیزدی  
 بیعتک اتفق ایتد و منبری ندی و یله دایم بیعت صالح ایتد عبدالله بن  
 ایتدی یا بیه و کماله بیلد اولورده صلاح ندور حسین ایتدی بیزدن نه  
 مناسب که بر فاستقک بیعتنه کرمک و بر فاجو ک خلافتند رضا و برک  
 حقا که بو بر کنا و یله جقد و بر و بومعنی صحت بولم جقد و **نظم**



حاشه نه کیم لاغیر مان بر سلطان اولد **اهل عصمت تابع الوده سلطان**  
 فانه جاین دوریو کیم ویران الوب غیا کرج **اهل ایمان اولین مومنان سلطان**  
 بو سوره ایکن ولیدون رسولی تکرار الید احضار لیدن تکرار اتدی حسین  
 بن علی صورت غضب کونوب ابتدی بونه تعجیل دور هیچ کیمنه حکمه  
 بن خود کلورم ولید نسلی اولسون قاصد معاودت قلوب واقع عرض  
 ایتد وکده مروان ابتدی ای ولید حسین بن علی کلمه چکدور ولید  
 ای مروان حسین بن علی کقاب و قدر کل چون کلورم دیدی ایست  
 کلور **نظم** کل بوستان وفاد حیدر در دیرج صدق و صفای  
 جگر کوسه حضرت فاطمه سرور دل مصطفی بو حیدر دیولر ولید بن  
 بر مومن پاک اعتقاد ایدی که اهل قینک طهری رعایت لورنیک مات قدم  
 و محبت لورن صاحب سدا ایدی **نظم** محبت خاندانک فاطمه ایکن  
 کین اولن هوای نفوسن بنیاد ایمانی خلل بولن **القصه حسین**  
 علی کند و منزله کلوب ملائکه نیدن بر نچه سلح کسین بیوردی که  
 دار الامارید کلونک طسره حاضر اولون الوبکا قصد ایستد لور ممکن

اولدو

اولدو قی معافیت قلوب اولد سلطان سریر امامت و اولد سریر شیه  
 حضرت رسول الله **که ردای مبارک لورن بوینده صالوب و عصای**  
 المینه کلوب لید و نک منزله توجیه کلوب سرانیر کور وکده ولید لید  
 مروان شاهزاده تعظیم ایتد وکده نصونکن صور لور احوالی عرض ایتد  
 اول حضرت بیوردی که بونر قضیه مختصر و امر محقره کل او تنک کبی  
 خلیفه اولوب نیم کبی بر معرف کسیند کینر بخت اتمک مناسب کونر  
 یازن بر جمع عام ایدوب بو حکایتی اظهار ایدون اولد محمد بن  
 صباح اظهار اولونر ولید ابتدی لاجین صلاح بوده و مروان ابتدی  
 ای ولید حسین **که** حین حکم ایت بو منزله کن غوجند رضا و  
 که بردانی الکر وکده سوار اولور و او تنک مقاومت قدرت اولوب  
 بو مصلحت تعویق بولور بو تکمل استماعندن حضرت حسین غضب  
 مستولی کلوب ابتدی یاب الزرق کیم و نکا قاهر کینر حسین ایدن  
 که تنک انبیت سفاقت قلند تنک قان ایلر بر یوزن کلکون ایدم لید  
 یوزن لوتوب ایدی ای ولید یمن اهل بیت رسالتونر بن خاندان بوقونر  
 پیوست مقامنر محل تردد ملائکه مقرب و محبیه ناوک و غامر حد



ابا عبد الله بن محمد بن یزید که خازن و فاسق و در بیعت ایامک بره نالایق  
 و حضرت امامان کرامین غایت صلاح بدست استماع ایدوب ملک و ملوک  
 جریله دخول ایامک تدارکند ایکن حضرت امام جعفر کزنده  
 سرانید روان اولدی مروان ایدی ای ولید حنیفه حبیبیه حکم  
 ایست ممکنه خطا قلاد و ملک ولید ایدی ای مروان حاکم کن حنیفه  
 قصدایم حقا که کو سر قلاد مغیر دیک بنجا بوسه طایله و بر سر لرضا  
 و بریم و او نخاجا دو کو بریم ذیر که دو نیمه مصطفی و بر قننی دن  
 بحالت حکمت و سوار الور والیه بوکون اهل بیت جفا قلن فیاستن  
 سر سار الور **نظم** خون آل مصطفی تو کن سلیمانم دین قصدا اهل بیت  
 قلن اهل ایمانم دین **نظم** ما دست ایتمز کند ویر آل محمد بقیضه روز محشر  
 طالب توفیق ایمانم دین بو مال مقام بر مکتوب مجتهد یزید ولید دن  
 ولید ایریدی بو مضمونله که ای اعظم اعیان حیاتم و اکرم ارکان  
 رفعتم اولان مدینه حاکمی ولید بن عبید بن جهم و عوم مکرتم  
 اختصارندن صونکن بیلد معلوم اید سن بودند اقدام بیعت  
 اسراف حجاز خصوصند مکتوب نامم عوم ارسال اولمشدی صلوات

اظهار اولد و غنیمت بی معلوم اولدی ایملی کرکد و بیعتی لازم اولد  
 ایدیه دن بیعت اندیشه قبول اید و اگر هنوز مقام تأخیر توفیق  
 تأخیر و توقف اعیوب کمال دقت اقدام ایدوب بحال بومری سلیمانم اید  
 و فی الواقع کور سن اولد و دست کسندم ایدوب بیعت کرکمت مقرر  
 اولدند عصیانلوی اطاعتن نبوت بولد و قلده عبدالله بن عمر  
 و عبدالله بن زبیر و عبد الرحمن ابوبکر جندان ملقت او طبر سن  
 قانده اولد بریم غضبم اولد و ملحق اولور و بر بری نیرای ایلد سلوک  
 ایست بندن جنای عمل بولور اما حسین بن علی ذیقین لازم بیلور قتل  
 ایدوب باشند کسوب بو جانبار مال اید سن ندنکه اول افتاب  
 سعادت و نجاسته پیر و لایق درختان اولد قیحه اخترا اقبال حشر  
 دور و دولت دنیا انک ملانمدر مراجعت بولد و قیحه بنکاسیت یار  
 فراقه و فراقه دور ولید بن عبید که اول مکتوبک مضمونه اطلاع  
 بولدی و مضمونه مطلع اولدی ایدی که حقا اگر یزید ولید بنکاجیم  
 سلطایت و بر سر حسین بن علی قتلند رضا و بریم و زخارف ایچون  
 آل محمدنک تا حدی بر قانند کریم **نظم** حاکم ملک دنی ایچون ترک ایدم







اول بنم کیم امتک حفظی امرایت و نک بتکا : اول بنم کیم کج اسرار  
 بنی فلد و نک امین : امتظالم بکا اظهار بیداد ایندلو : بکیمیم  
 سن سن بکا آنجی عین : تمامی بکا صبح تضرع لوقلوب عبادتلو  
 ایندی بر نوع ایلد که صدای تسبیح و تهللیلی آسمان میدی القصه اول کون  
 داخلی کجید دن نراحت ایدوب آکچی کجیده کمال حیرت نرکون هلاک  
 مستغرق خواب ایدوب و تفکر ایلد چیم حقیقت بینی بر زبان اینجی  
 کیدوب واقعتسند کوردی که حضرت رسول جمیع ارواح مقدسین  
 حاضر اولوب اول سیدی مظلومی بفرینه باسوبیدی که ای  
 جگر کوسه مظلوم وای امام فاده معصوم بنم شفاعت ایلد  
 اولادلو و مسلمانم دیوب دعوی باطل ایدلر سنی دست کربلاده  
 شهید ایدلر و اول عصره بکده سنک اولاد نک مانند  
 جویبار لر یورو دولر **نظم** کلای اولدم کیم فانتلر زکین  
 اولر خاک : ایدلر لوظلمیلرین مظلومی ظالمی هلاک : کلای اولدم  
 کیم سنی سید لوقتل ایدلر : اولدرین ملحق بکا نزار و حنین

درد ناک : اما ما انزل بنم شفاعت نصیب اولد و رعایتدن اول طایفه  
 طاغیه طهر بولدی حسین مرتضی و زهرا و حسن مجتبی منتظر دیدارنک  
 و حور و غلمان نگران ماه خسارنک و قدر که شربت وصالنک  
 سرهم دلخ فراق و بر تو جالتک سمع سبتان استیاق ایدلر  
 ایندی حالاکه ملاقات میدلر اولدرین و طالب مظلومین بولوبلر  
 نولر دنیا یاراجعت قلمم و بر داخلی اولدم بلایید کرقار اولسم  
**نظم** ملول اولدوم جهان یوفادن : طوتلدی کونکم اولرخت  
 سرادن : نولر قطع ایتمک اولدک امرتباطم : کتورین اول  
 کذر کدن بساطم : دعا قیلر که لطف حضرت حق : بکا کوسید  
 دنیای مطلق : حضرت رسول الله ایندی ای حسین درجه شهادت  
 مستلزم رجوع دنیا دور حال استکاد نباید مراجعت امتک اولدی  
 انبای تلمه امام حسین علیه کور که حضرت رسول الله کسرتنک  
 کولکلونی زعفرانی اولموقده دور و کلبیوی غنیر لریند کدی  
 طوملقده دور مضطرب اولوب سوال ایندی که ای کذا رت  
 وای سر جویبار رسالت بوند علامت دور اول حضرت ایندی



نو در یک زهره وای بر کزنده العبا بو غبار میدان بلا یعنی از دست خفاک کر بلا  
 بو غبار کدورت دور که موات جفتنک دن کر بلا ده صورت سوری  
 خان ایدر و بو کر دخت دور که مصیبتک اعلای یحون اولاد ایدر دن  
 اسمانه کیدر حضرت حیات اضطرابیلر بیدار اولوب گاه و عاده دیر الیر  
 خوم و گاه تفکر مفارقت برغم منزل رفیع مدینه قاتند کونکل کونور  
 سفر که غریبتک اختیار قلدی و مصمم ایتدی انا آنده داخلی قرار  
 طو تمیوب کر بلا متوجها ولدو غیا کدویر مقرر قلدی بو طریق  
 وداع ایلر امام حسن سوری اوزینه کیدوب سلام وروب  
 ایتدی **نظم** الوداع ای رو کذا را ما است الوداع ای تمع بزم استقامت  
 الوداع الوداع ای زهر تا نثری الیر زلزلتک سز فام الوداع ای تم  
 باغ قیامت الوداع آن دن داخلی نقل مکان ایدوب سر و قامت  
 شمع نوار زهر قلدی و اول روضه مبارکه کلین در یدن کوند کوند کلر  
 آجلای هر طایفه بر فضا ایلر مسام و مردم بر سر دایلم اوار  
 و هم از اولوب دیری السلام ای صدف کوهر حیوات وی معدن جو  
 فایم التفات کرد و داعه کشم و بواجب است دور روایتد کد روضه  
 مبارکه دن برا و از کلای که علیک السلام ای فرزند اجدد وای غلظه

عادتند بر مدد و زکات تشکر زلال وصال و مستاق آفتاب عالم  
 جهلایت که عنقیب برده مجانی تیغ اعدا ملکه جاک و موات ذاتک  
 غبار کدورت صیقل سان بدخواه ایلر یاک ایدر حسن حضرت امام  
 آندن داخلی نقل مکان ایدوب مکرر مرقد و حلاقه اوزرینه کلوب  
 تجلید زیارت ایدوب وداع ایتدو کد نصیحت منظره درونوب غصه  
 اسباب سفر قیلوب سبب حبه کعبان آنک در برخی کوندند  
 سعادت ایدر ایلر ساعده سعادت اختیار ایدوب امر ایتدی که حجاب  
 با کلاه رفعت سر برده غرق اقبال و ساد روان عظمت و اجلال لرب  
 خاک شرب دن کونوروب بدوقه سعادت ایلر خطه حجاز و بلاد اوله  
 و رایت نصرت و لوی خزان و مدینه یداندن مکه جانیده شکر قلدر  
 یو کلدی ریخته چکلای قطار لر **نظم** افلا که جعدی روغن  
 غبار لر آثار نقل تم سمند سپاه دن نقش قجر قیلای میان  
 تمامی اعیان و اشرف مدینه بر منزل سابع طریقه همراه اولوب مراجعت  
 حضرت امام کدو خواص نماینده متوجها و لای انا منزل منزل قطع  
 ایتد کجه منازل و مراحل اکثر اوقات گاه حضرت موسی بنک فرعون



قاجوب خوشخواریا با نلده حیران قالند وین روات قیلوریدی وگاه حضرت  
 اقامتک نمودن فراریدوب بولناک بادید لوده سرگردان اولدوین  
 حکایت ایدری و بیوریدی که علامت قریب الهی جمیع بلاد محنت  
 و بلا دور و نشان قبول درگاه معبود تحمل مصائب ریخ و غنادور  
**نظم** جور اغیار صبر ایلدین بولنا اهل بیت تقرب یار سیر  
 خار و کل اطلاق سنک دور لعل یعدینند حصار انباء طریقه  
 برکون عبدالله که ملیم محبت خاندان ایدی مکدرن کلوب مدینه  
 جانبد روان ایدی دل حضرت سنک ملاقات سیریند سرف اولوب  
 و دولت ملاقاتک سعادت عظمی کسب قیلوب اظهار ثناء  
**نظم** مرجبای ایدری سنک شوق کاینات جوهر ذات رفیع  
 جامع حسن صفت مرجبای و رث علم رسول هاشمی مقتدای  
 اهل ایمان هادی راه نجات حضرت امامک مضمون ملاقات  
 و قرائن حال نلده سمه مافی الضمیرین معلوم ایدوب طریق ادب بول  
 عرض ایدی که ای برگزیده آفاق وای تبدا علی الاطلاق اگر چه جمیع  
 ضمیرین کنون و سوس کنون و بیرون حضرت کنون نسبت اظهار مضیعت

ادب اولدنی محقق دور معین اما اقتضای حسن صداقت و  
 مخالفت تکلیف جرات تکلم قیلوریدی رسول الله مکه معظمه ید  
 بیور دو قده بیلورم که کد امیان کوفه مکاتیب اسال ایدوب  
 حضرت مکن تکلیف حضور اولدی نینار اول کلماتی کذب اعتماد  
 اتمید سوز که اول بیوفا لوده کدین کوردم وفا ایمانی یوقدور  
 و اول بقعه رفیع توطن اتمکد رغبت قلستک اهل مکه سیرین  
 غیری سین اختیار ایتدیلر و سیراوند اولدو غیر حکیم  
 اوند یورقین لو حضرت امام اونک کلماته تصدیق ایدوب  
 و داع قیلوب روان اولدی مرور ایلد مراحل و منازل قطع  
 اولوب عمارت مکه و علامات بطحا عیان اولد و قدوم  
 اسراف واعظم مکه خیر ارا اولوب طریق استقبال ایلد یا بوسیدن  
 کسب سعادت قیلوب اول حضرتی کمال تعظیم ایلد و نهایت  
 تکریم ایلد کور و کد کنگر بنای کعبه بوسود ایلد مترنم  
 و لسان زرم بواوا ایلد شکم اولدی مرجبای ای سند



ارای سر و عز و جاه : **مرحبا ای شاه قادی ملک روحانی سپاه**  
**مرحبا ای عرصه ایمان احکاماتک روان :** **مرحبا ای خنده اقبال**  
**استاد ملک پناه :** قبله گاه کعبه دیدار رفینکده **سنک**  
کوچه خاک کعبه در راهل جهان قبله گاه حضرت امام سعادت **اقبال**  
نزول ایدوب تمکن اولدوقده **اسراف** حجاز کور کور خدمت  
سرفیلریند بار کبانز **اقبال** اوقات صلوات **خمسده** اول  
اقتدای نماز ایدر لرایدی واندون بیعت الوب کیدر لردی **روایت**  
که بید قیلندن والی مکه اولن سعد بن عاص اکابر **حجاز** حضرت  
امام مراجعتک کور بولک توهم قیوب مکه دن مدینه فرایدی  
وکیفیت احوالی اول **حجاز** عرض قیلدی القصه بوجیه جمع بلاده وبقاعه منتشر  
الوب خصوصاً کوفه شایع اولدی و استهوار بولدی که حضرت حسین  
زیدون بیعتکدن امتناع ایدوب مدینه دن مکه لشرف بیوروب  
اعوان وانصار جمع اتمکده دور کوفه اولدی **حوار** الی سلیمان خراسی  
عجربینه جمع اولوب بصلاتی کور لک طریق معاونت و نظایرت

سلوک ایدوب

سلوک ایدوب حضرت امام عرض قیلر لرواوندک رکاب **عما** **سند**  
درجات نجات دنیا و آخرت بولر لک اکابر و اشرف کوفه دن **تشی**  
نفر کمیندر **سند** **سید** و رفاعه بن سداد و حبیب بن مظاهر **سند**  
اشعث و شریح قاضی حضور **سند** قسم یار ایدوب اتفاق ایتدک که خاندان  
نبوت و ولایت طریقی مودتک مال **حجاز** دیرم اتمیدر و حسین بن علی  
غیرت **سند** کوفه بر تمیدر حضرت امام برکتوب **املا** ایتدک بومضی  
ایلدک **سند** رابض توفیق هدایت و قائد تائید سعادت عنان تون  
افتقار منی طریق ضلالتدن خوف قیوب **سند** راه نجانه منعطف  
قیلست و جهره امامن معتاح اقبال ابواب مودتدن **سند** ولایت نفوح  
ایدوب ضمیر من محبت اهل بیت صالح **سند** **حوار** اوخطاطلب و پیوسته اوکا  
راغباندر که صحیفه مودتدن از آن نقش خلافت **سند** و جریه حکم  
امامتدن رفع رجس مخالفت قلمده کمال اقدام و نهایت ایقام **سند** **دور**  
اما اماموزو مقتدا موزیو قدر مالا بیلداستماع اولوندی که اسد  
اعدای دین و اضل اصناد خاندان سید المرسلین بزیدین معاویه علم  
استقامتک استوهای جلوس **سند** خلافت قیوب اوج ولایت  
و ساهیان آشیان رسالتی **سند** تکلیف ایش و اول حضرت امتناع  
ایدوب آثار مخالفت برده خفا یکین درجه ظهور تیش ایدوب اول سرو



جواب کرامت و شکوفه نوبهار سعادت آن متوقع و متقاب اولدور که  
طریق عنایت و التفات مسلوک اولونوب بوجانبه لواهی نیت نحر یک  
بولوب بومخلصی قدم سعادت لزوم ایله سرف قیلر و بونیکه لری  
احباء صادق و رفقای موافق یلر **نظم** وقت دور کیم نیرم زار  
خسکسال فرقی **و** رنجه لطف ایله سیراب اید ابر نوبهار **و** وقدر  
کیم بر تو خورشید عالم تابان **و** نعم احباب بر نور اولد چشم انتظار  
**نظم** اگر بوسعادت مسیر اولسه و بودعا احابت بولسه کوفیه قدم  
با صدقه بزیل قیلدن ماکم نغان شیرینی که بر پی ضعیف دور شهر  
شهرن اخراج اتمه مقرر دور محمل مقاومت اعدای چون بر ناساب  
مقصود ایسه بکون کوفیه میسر نام تمام اولد و قد عبدالله شمع  
به دانی و عبدالله بکر یسلیم ایدوب اسال ایدلر جوابی کلمه یقین  
یومضون ایله نامه دانی شیرین عبدالله بن عبدالله ایله روانه قیلر  
اونگرون عقیده خان بن هانی و سحر عبدالله خشی و آلرون عقیده  
سیت ریحی و عرو بن قیس و عمر بن حجاج و سعد و عبدالله روانه  
القصدیتوا تر یومضون ایله یونایکری کتایت کومذروب اظهار  
صداقت ایدلر که حضرت امام اهل کوفه ذک متوالرین  
کندوب حجت بولوب و نیت اجرای حق منیر میرلرینده رسوخ

تمام

تمام بولوب ترویج اسودین ایچون دیا کوفیه عزیمت مهم قیلدی که جواب دانه مبتلای  
اولد و فین عتقی یلای اما مقرر قیلدی که کندو دن مقدم سلم عقیلی اولد یارم  
روانه قیلر و کندو دانی تعاقب متوجه اولر پس کار و اسراف کوفیه بر نامه تحریر  
ابتدی یومضون ایله که جدیدی حد اول بدیع انبیا و مخترع ماسوای که نوع  
انسانی توفیق عقل و اختیار ایله سایر مخلوقاتدن ممتاز ایتش و سپاس یتقیاس  
اول مصور اسکال کارخانه دنیا و مدتی احوال دار انظار عقبا یه که جمیع نوع انسان  
فرقه انبیا یه توفیق توفیق و یروب سرف امتیاز برلر سرف از ایتش و درود **و** بعد  
وصلوات نامحدود اولر و کاینات که فرقه انبیا دن جوهر استعدای سرف **و** علی  
و تحیات بی غایت و تسلیمات بی نهایت اول فرقه احباب فرقه اصحاب که قبول  
صدر رسالت بولوب اوتکا اطاعتلری جمیع عللن اعلی و اولد دور انا بعد  
بونامه نای و مکتوب کراوی که تسخیر کمال نصیحت دور و متکفل وصول  
سعادت دور نیدن که حسین بن علی موقضایم سزه که اعظم اسراف کوفیه  
ای فرقه احبابی صافی اعتقاد وای ذوق اود که خالص الوداد مکاتیب مخالفت  
مکونن که طریق اتحاد و عاقله اعتقاد دن تبلیغ اولمشدی و اصل اولوب  
که محض اظهار خلوص طویت و کمال بیان صفای نیت ایدی اطلاق اولد و قد  
حسن استدعا کنن احابت لازم کلوب اول جانبه عزیمت تقسیم بولوب حال  
مسلم بن عقیلی که عقل اشراف بنی هاشم وارث جمیع اکابر و اعاظم در کندی  
قیلر دن اول جانبه ارسال ایدم که کدر که نشر این مغنم بولوب طریق مراقت و  
دقیقه دریغ ایتیمه سیر بر نوعیله اغراض و احترام ایدر اسیر کرا ناسکری ظاهر اولر و جانب



سزینکون تسلی خاطر بولر یقین کینم تحریک لوی دفعتم اول جانبد آنک زلم خیار  
 حصول مواعظ مشروط دور و شستاهت از دیت هایونم اول دایم آنک  
 سلسله اعلام حسن رضاست مربوطه **نظم** ای کوز نکرانی تشریفه  
 اولون ناامید **نظم** کیم بهار عالم را در کل برابین **نظم** ای کوز آنی بنکا ایدولر  
 اولسک نولر **نظم** صبح دور اول صادق و خورشید عالم تاب من مکتوب شریف  
 سرف اتمام بولدوق حضرت امام مسلم عقیل **نظم** ایدوب بیوردی کدی ای نیم  
 مهالك سده اعظم اعوانم و مضایق کرتد اقرب خواص محل موافقت  
 و زبان موافقت دور یوجانب دن اتم تحلا فیه روزی حجت بر اقرب اظهار حق  
 اتمکه ترغیب ایدولر نه عذر ایلد احوال اتمک اولور و بجاییدن اعداء  
 دین اتفاق ایدوب بهلا مکن قصد اتمسار مقاومت اتمک اولر فرار  
 ایدوب قائم کتمک اولور **نظم** طوفان فتنه قوی کل غرقه اولدرین  
 رخت صلاحه چکل برکنارید اولد قیج حسن عقل ایلد تدبیر احوال  
 دل بشه بی اوریلم **نظم** حالا برنجه موئن کیمس لدر مکاتب ارسال  
 ایدوب بزی دعوت اتمسار تغافل اتمک اولور و تعلل اتمکله نایر  
 عدوانظما بولن صلاح اولدور که سن بدن معلوم اولد یان توجیه  
 توجیه ایدوب تخص اید سن فی الواقع افعالی اقول موافق کورسک  
 اعلام اید سن بن دانی توقی ایدم مسلم عقیل حضرت امامسک حکم  
 سزیننه انقیاد ایدوب مسلم عقیل حضرت عقیلک امامسک حکم سزیننه

انقیاد ایدوب هم اولکون متوجه اولدی بنور برضه قطع ایتدین مسلمسک جانب  
 برصیادکلوب برصدی اولوب فی الحال ذبح ایتدی مسلم اول قضیه سکن و برغشی  
 کوز یوب معاودت قیلدی حضرت امام ایتدی نیم کوفیه کتمک صلاح ککل نیر  
 بوطال صافا سدم و حضرت امام ایتدی ای مسلم طریق رضای حق خاطر دور قبول  
 ایدن سالک اولور و کوه مقصود کراب بلده دور غول اولور اونی کور قوت  
 و جهنک غالب ایسه برغیری کیمسده صحن ایدایم مسلم کوریک حضرت امامسک رضا  
 کتمک دور زیاده بالغا یتوب عرض عذر ایتدی کیم امام نیم مهم فوت و موئن  
 دکل امانتند که من بعد دیدار سزینکی کور یوب محروم قالم و دولت ملازمین  
 فی بضایع **نظم** ای جهانک مطلع خورشید اقبال نیم **نظم** کوز یوز و نذر سزین  
 متوصل فالوم نیم **نظم** دولت نوق وصالند بی خوشحال ایدن **نظم** بلعزم سندن  
 دو سسم نولور طالع نیم **نظم** حضرت امام دانی بوجالدر مقارن گریان اولوب دیوی  
 ای کونکل آه ایلد کیم آه ابلهک شکایتدور **نظم** ای کوزیم فان اقلد کیم فان اقلد ایلد  
 آبرورینک بوکون عالم برینان ایلوب اول که کور نوری کونکل مطلبی جان آرا سیدور  
 القصه عقیل دید گریان و دل بران ایلد و دل ایدوب مکدر دن حقوب مدینه  
 توجیه قیلوب حضرت امام قضیه سفر بریند مسغون اولدی **نظم** خوش فترتد  
 کیم ایتد قلع الدن عیان **نظم** اسهل وجه ایلد اسبابنا غایتک دیور **نظم** صالوب  
 اول فتنه بناسین نک اساس اول **نظم** دور کار ایلد اوکنا صورت اتمام ویرد



**سکجی باب حضرت مسلم عقیل و شهادت بیان ایدر دواستدور**

که اهل عالمند هیچ اندیشه ای که در دل صبر آید و هیچ فقهی که در عالم رجب بلا تهمین  
اول جلد دند مسلم عقیل و اولاد نیک کیفیت شهادت لری و وقایع اند  
لری انجون ارای مجالس محنت و غم و چهر خراش علی بن اتم بوسه و دایه و جگر  
بنیاد آیتش و بوجه ایله سید لری مانین دوتش که مسلم عقیل حضرت امای  
ولی ایدوب مکر دن مدینه کلد و کک کرت مخالفان اخترا ایدوب  
کجه ایله شهر کوب حضرت رسولنک مقدر مبارکین زیارت ایدوب و باغ  
ایتدی و اول زائرین کلد و منزه کتدی القصه قرار دوتوب یک  
نور <sup>نور</sup> نور او غلی و ارایدی بری محمد نام سکن با سندن لطافت حسن ایله بر خور  
عالم تاب و بری ابراهیم نام بتدی یا سندن طراوت رخسار ایله بر لا کسراب  
آنلری بیلد آلوب و باقی طفال و عیال ایله و دل و لب هم اول کجه کور و خفته  
دوان اولدی آه برق اسا ایله برابر انبار ایدی دهکداری استک اندن  
موظذار ایدی رهبری کوزیائی و کور و خلق صوت فغان نوتش و عجم  
داغ دل افکار ایدی چمنی پر خون استکی کلکون کونکلی مخزون قدی خم  
غصه هر کون پریشان هر کجه بیام ایدی بوطر ایله قطع طریقی ایدوب  
منازل و مراحل انواع مکارم و اصناف سدا اید کور و کاه طاعت دود  
آملر علا منزه ایدوب عاجز و سر کز ایله کاه سیلاب استک دهکداری

نتیجه مغله بر میدن صونکر کوفیه بتدی دار مختار و بیکله بر معروف منزله  
نزول ایتدی اسراف و اعیان کوفه قد و مندن خیر دار الوب کور و کلوب  
اظهار سوت ایدر لری و طریقی مطاوعت کورتوب بیعت الوب کیدر لری  
القصه جوی زبانه اون سکر نیر مبارک نایح این بیعت کیر و دست اید  
داین نوله سند حکم ایتدر مسلم عقیل و طایفک مرآت عمل لرنه صورت  
اخلاص خلص ساهله قیلوب خاطر جمع ایله حضرت امامه انکون اعانت

و انقیاد لرن اعلام ایدوب حضور برغین استعا قیلدی نعمان بشیر که  
کوفه بزید جانبدن ماکم ایدی سلطان کلوب حسین ایچون خلقدن بیعت  
آدوفین معلوم ایتد و کن اهل کوفه بر کون جامع کوفیه جمع اولوب کید  
بالتات منیر جتوب نفا قیلدی که ای اهل کوفه معلوم اولدی که منیر مستم  
کوروب آغاز فساد ایتشین بر حرکت مساسب کل یزید ماکم قنار و ملک جبار  
بواحوال اطلاع بولد و کن منیر سیاست لازم کلور و غضب متوجه اولور  
کورد که مجر و تهدید ایله اول فتنه نسکین بولن و نصیحت ایله اصلاح بر  
بزیل کوفه اولان مخلصاری مثل عبدالله بن سلم باهری و غمار بن ولید و عمر بن  
سعد غنی بن برون صورت واقعه اتفاق ایله عرض ایتد لری و مضمون ایله که  
کاه باز سکار اندازشمن عز و عل حسین بن علی بوقتی فتح ممالک هوا سید



پروا ناید و بابتدای غم نهند سهی بر صورت سایر سبب دیار کوفه برافشند  
 و اول جسم طوفان جلاد کن بر جویبار بالا جانب عراقه افشاند و اگر وقتله  
 بوم و تدارک و قتل بود چه دو بولون غم مرور ایلد رستند بدی <sup>کوفه</sup> <sup>الک</sup>  
 و بودی آنک تا می اسراف و غرانی او نکا تو جید ایدر اگر کوفه حیاط جنگ  
 بر و الحی صاحب سیاست ارسال ایت یزید پلید بو اخبار ملاکت آثار  
 اطلاع بولد و وقت و بوضوح احوال مطلع اولد و قد توهم ذوال غمت  
 دل بقرانک قرین آوب و خوف اندل دولت اولی سبب اضطراب صالوب  
 دقت تمامه ملکک نظامند متوجه الوب هم اول ساعه طقت نقص ایلد  
 و کیدین عتیب مدینه ایالتون غزل ایدوب یزیدین اسد فی نصب  
 قیلدی و کوفه خصوصند اعظم ارکان دولت و اقدم اعیان جسمانی  
 اولی سرجون نام وزیر ایلد و سورت قیلد و قد سرجون ابتدای <sup>اطلیفه</sup>  
 اگر مراد نک ایسب بوفساد دفع اولق و بنوائی قتل انطقی قلمی  
 نعمان بشیری که بر پر حقیر و کوفه عقل ایدوب یزید بصرم مکی  
 اولان عبید الله زبای نصب قیل که اول امر امامت نادر دور و دفع  
 هر فساد قادر دور حار دیوار ریاض ملک ملت حفظ <sup>نوک</sup>

نوک تیغ ایدار حکم خیر ز اولور یزید سرجون صلاحین قبول ایدوب عبید  
 زیاده بر نامه یزید یزید بومضمون ایلد که طایفه اخفاء صادق و افواه  
 او ذاء مستفقد بومستفاد اولوندی که حسین بن علی بهم که خلیفه نام  
 بیعتمدن اخراج ایدوب و جوانمندانم که کوندوب خلق کندوب دعوت  
 اقلد دور خصوصاً بصرم اهل ذن و کوفه خلقندن اندن نوازش نامه لید  
 کلور اندرن او نکا مکاتب و مراسل اقلد دور اندی من که عبیداته  
 زیاد سن مثال لازم الاثام و اید اولد و قد مکتوبی و مضمونی ضوم  
 بولد و قد کر کرد و که بومری نفس بصرم ده تفحص ایدوب بوفتیه با  
 اولان لری بولدوب دفع و دفع ایدلکن صوفلر و جانبیدن بر عمد  
 کیمند بصرم ده نایب ایدوب بالذات کوفه دیارند تو جید قلدن و اولدیا  
 داخلی امامت و حکومت کلدو که مقربیلوب ضبط و ربطید محمد اولان  
 و بیلش او یکیم نیم خان التعمادن نو که احسانه اولوقت استحقاق بولور  
 و غلاند رحمتلر شریف استخسانه اولدم مستحق اولورن که معارف ایشک  
 شک حرا شدن اطراف عراقه بر حصار مستحکم چلوب و تردد اعدا <sup>نوک</sup>  
 ر بهکدارن سکره تربی و نذاری تو کوب فرصت ویریه سن که حسین  
 من بعد نیم تصویب او کلدان هکذا ساید و اول بقعه اهل ذن او نکا



سواتر مسل و سایل کید و اند اولن محب مخلصی دفع و رفع ایدوب  
 عنایتی نماید و اولن بنزید ملعونک مکتوبی ناعربی عبید الله  
 ایروشلک هم اولن زانده اتفاقا حضرت حنینک سلمان نام برملوکی  
 مکتوب لری کتور و بعضی کسند لری طریق حق را یاد اتمک استغفار  
 ایدی عبید الله واقف اولوب و بعضی سلمان لری باخا و نکل مکتوب  
 قتل ابتد و کدن صونک بریند قمر ناس فیین ایدوب کونر جانیند  
 نعلن اولری و کمال اهتمامه عراق حفظه توحید قیلدی و اول حرام زاده  
 مسند حکومت قرار دو توب سلم عقیل بو حالندن خبر دار و لوقه خاطر  
 و هم مستولی اولوب دار مختار من چقوب هانی بن عروه منزله کلوب  
 ای هانی بن بولک غیری و سندن غیر اعتماد ایتیم هانی بن عروه  
 مباحا ملر کلوب اول حضرت کدو سیزند مناسب منزل تعمیر ایدوب  
 و اول صرف اضرع و اعتباری اسمانیدی هم اول دایه بیقید مخلص  
 مخلص اول ملا نمنه تردد ایدر لری خدمت سلوب کیدر لری  
 اما عبید الله زیاد اول تدبر و فساد سام و سحر سلمان تقصده و تخش  
 اولوب برکون بفضل نام برملو کنا ایدی ای بفضل سلمان بوسره  
 آلوب حسین ایچون خلقدن بیعت الدوقه استشم و تحقیق اشم اما

بیلیم

بیلیم فاندک دورا کنجس ایدوب معلوم ایده جک اولسن سنی بالمیدن آزاد  
 بلکه انواع الطافله و فی بر مراد ایدوب بفضل سیدولت اول حدیثی قبول ایدوب  
 نجس ایدر کن برکون جامع کوفه بر پاکیم صورت مؤمن کور و طرین  
 جنم ایدی که بوسلمانک متعلقا تندن و لوقه دور حضوره کلوب ابتد  
 ای مؤمن پاک سیر بن معتقد حسین و بن ملک بناد آقچه نذر ایتیم و کتور  
 که سلم و یرم اما بیلیم که فاندک دور بر لطف ایت آن بن قییم کوسره  
 کور نمک کرم ایت سلسله قیدی کونور التفات ایلدی بنی منزله مقصوده  
 تیور اول مؤمن ایدی ای عزیز بوجه طلق راسته نریا دوزک کرم  
 سیر حسین بفضل ایدی که حسن خصالک و لطف افعالک شها  
 ویری اول مؤمن دل غافل اونک قولین تصدیق ایدوب ابتد ای عارف  
 غلط ایتدک بن اول طایفه دیم و بنک سلم عوسجه دیر لر ای بسا  
 ضرر تیور و فکله نخت بلا کور و القصه سلم بن عوسجه اول  
 ملعونی کلوب سلم عقیلک خدمت کتوری و پاکوی توفیق کلوب منزله  
 مقصوده تیوری بفضل سلمانک دیار نریا باهات قیلوب این  
 ایوب نریه ملا زلمیزه تسلیم ایدوب مصحف کتور و بسم یا دا ایدوب  
 بیعت آلوب نندن چقد و قد عبید الله نریه اول احوال دن و قن



واقعا بتدی عبیداته اول واقعه مطلع اولدوقده فی الحال جمع عام ایدوب  
اول جمعه اسماء خارجیہ دن و محمد اسعد دن هانی بن عروہ تنک احوال  
استفسار ایدوب بتدی اول قنده دور که کور فخر دیدلوا ایر اول بحضور  
ابن زیاد بتدی اول بحضور کل اما ایستدم برانی وار نقدر مانعی  
وار ایسه بر زبان بوجله مکرر حکم اولور هانیه خبر کوندروب  
عبیداته یاد تک سو قین اظهار ایدوب حضورین لازم ایتد لوقا  
عزیمت ملاقات ایدوب منزلدن حقوب قصر مارید تیدو که  
اصحاب بتدی ای عزیزلر بوکون بوقصرین بنم کونکر بروم ستولی  
اولوب عجب که بوقصرین بنکا بوکون بر ضرر ایر شمد اصحاب اجاب  
اونکا تسلی ویروب ایتد لوقا طرکی تسلی ایت نولر جعفر هانی بن عروہ  
قضایه رضایروب و یارم تسلیم و نفویغه کیروب مجلسه قدم باب  
سلام ویرو که ابن زیاد تنک سلامین کنایه ایلد اولوب صورت  
غضب کوسرخ هانی بتدی ای ایرنه واقع اولدی ابن زیاد بتدی  
واقع بوندن زیاد اولر که سلم عقیلی منزلده پناه ایدوب زمان نما  
خلق میقتنه تکلیف قیلوب ملک احوال بریشان ایدوبین هانی انکار  
ایتدی عبیداته مفضل حاضر ایدوب اونکا انفعال ویری هانی  
کورد که

کوردی که انکار مجال یوق معرف اولوب عذر ایلد ایتدی ای ایر حقا که آن  
بن اختیار ایلد منزه کوردم کند و استیلائی سوکوتوزدن متوهم اولوب  
بنم منزه پناه کوروب بنکا اونک منعنه حیا مانع اولدی ایتدی  
چون بنم منزه ایلد اونک اولدوقده رضای سر نینکر یوقدور مراجعت  
ایتد که اخراج ایدم عبیداته ایتدی بیها هیات سن سلمی کوروب  
بنکا تسلیم ایتدی که تنک ممکن کل هانی بتدی بو هر کن پست اولن و صورت  
بولن کین سلمی سنکا تسلیم ایدم عبیداته غضب ستولی اولوب اونک  
حبسه امر ایتدی اسماء خارجیہ فزاده کلدی کلدی غدار انکار وی بدعهد  
جفاکار یز بودرخ مندی بر عهد ایلد و سطلیل علسکا کورد وک  
حالایونر عمادور عبیدنک غضبی فزاده اولوب اسماء خارجیہ ازالریونر  
بیوری که هانی بن عروہ تنک بدن ضعیفک عریان ایتدلو ویشون  
تاز یاند اوروب عقابنه چکدیلر و هانی سکس طوقوز و اسند بر بیر ایدی  
صحبت رسول الله سرف اولن معتمد صاحب توقیر ایدی حضور مجلس  
استشفاع ایدوب او فاند و لیر یونر دوشد که رحمت واصل  
اولدی قلدی جلد فلک خونلر بر لوق بیادنی : ایتدی ظاهر دور  
عالم عادت معتادنی : ماغبان دهر آچوب خون چکر چیده سن : قانلر  
سرب قیلدی کلس بیادنی : بو خبر سلم عقیله ایر و سددکن اولصفت



ایکی اوغلی سرچ قاضی یونیه کوندوب کند و استعداد حوب ایلد مهتیا اولوب  
 دایم بیعتله اولدی بکیم شلم ندا اید و ردی که ای طریقی مساعدتد مردانیم دین  
 سعادت مندله وای میدان مجاهدتد سبب اذیتی دعواس قیلن سر بلند لر  
 لبسم الله بکون اظهار عقیدت کونیدور و بودم اثبات خلقت دیدور  
 د و اید و دیکه فی الحال ایکری بیک مقداری سپاه خوشنود و مبارز خنجر کار  
 استعداد رزمه سلم حضورند قصه یارید توفیق اولیلر اولد قمر رفیع البشیا  
 نکین خاتم کبی ایا طه قلدیلر اجه زیاده اولد و قضا اولوب کند و قمر اخبرده  
 قلوب سایر عسکر محمد کشی سر کرده عسکر ایدوب دخصه مقافه  
 و محاربه و بری ایکی جانبدن نیران محاربه استعال اولوب و بهنگام رزم  
 کرم اولوب **نظم** افسر ایتا اولدی کردون سایی **نظم** حیدری چرخ بریند ناله  
 نای **نظم** کور فریادی اولدی عالم کیر **نظم** مزه مرک ویری صوت نصیر  
 عرصه محشر اولدی روی زمین **نظم** لبیکه طرغده چرخ کج نقار خلقک  
 آب حیاتک ابتدی نثار **نظم** اچوب باغی خاک آب حیات دیر لو اولدی  
 قابل وکات بر یونزدن قویوب هارمانند ایلدی میل آمان بلند ظلمت  
 ابتدی دنگامی غبار دوز رزم اولدی کردون سبب اول سببان  
 شمع نرم اووز اولدی نونک سنان عالم سوز اولد عسکر بر سوب  
 و مهملک بر فقه نو باغ کلزار خلیل یعنی انجم صنادید عرب سلم بقیل  
 سهند کوه تکب برق سیر ایلد جولاند کلوب برالینه افی ریح خوشنود

و برالینه

و برالینه  
 ویرالینه اژدهای تیغ خوشنود صاعقه کردار کلوب بر جلان جلوه زهرنا اچور و ری  
 بر کوهن طبله و لیلین اشیان بدنون اوچور و ری **نظم** دوزی کیر عینه  
 که دیان **نظم** سالوردی لوزن خصم بقدر **نظم** او و ری حیدر کردن دم آتک  
 رزمند بر نال ایدی رتم **نظم** عید الله زیاد که قصه ن معرکه مصافه نظر قیلور و ری  
 سلم عقیدت کیفیت مجاہدت بیلور و ری کند و لشکرین مغلوب و سلم لشکرین  
 غالب کور و حب حضورند اولان دوسه کوفیه حکم ایتدی که قلدیلر ایدلر لکین  
 شهاب و محمدرضا و سهرابی الجوشن کبی بهجت لار نای تور دیلر که ای اهل  
 کوفه بودم شامدن لشکر بحساب بوجانده توفیق ایتشدور بلکه حواله  
 شهره تمشدور و وقتدور که جمیع اهل و عیال انکرا سیر اولد و جملک مال و منال کن  
 نقصان غارت بولر کند کوفه دم ایدونک فرصت وار لکین بهر بر کور بجایند  
**نظم** دعدو بر قایلر بوجماید توجده قلیش **نظم** مرک بارانی یاغور مغنه بر شهاب  
 قومیک ای غمزه لر سیل کدره ایدن **نظم** کتدن صویر فراغت ایوی یا تدر حباب  
 ایل کوفه کدره ایدن نایات یوقدی بو حکایت دن نویم لوب کوه کوه غمزه  
 توجده قیلدیلر و پروین کبی جمیع ایکن بنات النفس کبی متفرق اولدیلر القصة آفتاب  
 غروب اولندک بکری بنات مبارز دن او تور نفر مبارز اولدی اولدیلر  
 سلم ثمانه مغول اولد و قد کیدوب سلم نایا لوب تحیر اولدی جسمی  
 الذعیردن آرزو حال اندوه غمزدن افسره سلم شهر دن حقیق قصدین



و تردد ایدرکن عیدن لخنفا و حضرت او غریوب ایتدی ای سید احتیاط که  
ابواب شهر سرهنکد تعیین اولونوب سنک قصدن دور لر مسلم ایتدی که  
مصلحت ندور سعید ایتدی نملر کل مسلم متابعت قیلوب سعید مسلم محمد  
کثیرن لند کتوروب اعلام ایتدوکن محمد کثیرن حقوب منت تمام ایلد اغراض و احترام  
ایدوب مسلم قیلب اوند پنهان ایتدی او کچه کیدوب که بجهلام که معمارنای  
افرنش قصر جود فای زرا ندود ایتدی و خنجر سلع خور سید ایلد شمس  
لر تعیین تک رسته حیانت و عد ایتدی پرده سترن نسیم صبح براد ایلد  
فتنه بیدار ایدوب بیداری بنیاد ایلدی عید الله زیاد غماز لردن و جاسور  
اول احوالی معلوم ایدوب محمد کثیرن مجلسه کلد و کلد ایتدی ای محمد مسلم سنک  
منزلند دور کتور بزنک سنک سیاست ایدوب محمد کثیرن صاحب سوکت  
کمینسایدی که کثرت قیالند اعتقاد ایدوب جواب ویری که ای از زیاد بن دانی  
هانی کلم که بنکاح کنک جاری اولر بوسوزده ایکن صدای نای بزی و خوش  
کور عربی عالمه برقدی عید الله زیاد ایتدی که بونه غوغا دور دیدیلر  
محمد کثیرن اقوامی سلح اولوب اون بنک مبارز قصر ماریر متوجه اولدیلر  
جدال و قتال غریب قلدر عید الله اول فتنه دن وهم ایدوب محمد بنک اوغل  
یا تن محافطت قیلوب کدویر رخصت ویری که حقوب قومه تسکین  
ویر محمد کثیرن قصرن حقوب قومه تسکین ویری منزلند کلد و کلد

سلمان صر غلامی و مختار بن ابوعبید و رفاعة بن غایب حاضر اولوب ایتدی لر  
اتفاق ایلد بیدار ایدونک یارن اوغلنکی بوظلم قیدندن خلاص ایدیم مسلمی الوب  
کندو قیلد نر کیدوب بر عظیم لشکر جمع ایدوب حسین بن علی ملازمه کتد  
محمد قواملر بوجو علی ایتدی کن اتفاقا جانب نامدن فارین طفیلی که عید الله  
زیاد معاوتن مقر اولوب کلور دی اول زبانه اون بین مبارز بیلر تبوب عید الله  
اول لشکر قوه ایلد مغرور الوب محمد کثیرن احضار نر ایتدی محمد دانی او تون  
مقداری لشکر قوشدن حاضر ایدوب قصر ماریر متوجه اولوب لشکرک طشرد قوه  
سنا قصر کیروب عید الله ملاقات ایتدی ابن زیاد ایتدی ای عید الله مسلم  
عقیده سورن یا کند و جاتکی محمد ایتدی ای از زیاد مسلمک جانی الله حفظند  
دور بنم جانم او تون بنک مبارز حفظند دور بن زیاد اوننک سوزدن  
غضبات اولوب بر دوات ایلد اوروب لشکر سوزن نقدیر لردن جوی  
سبار بنک مجروح ایتدی محمد دانی یحیی با تیغ ابدار چکوب عید الله حواله  
قیلد و قده اعیان کوفند اید کیروب بر نوبت حایل اولدیلر ایکنی که تیغ  
حوالد قیلد و قده ابن زیاد فرار ایدوب ملازمه نر بن بلاق ایتدی عید الله  
دانی ملازمی اول بی ناتوان او تار ایدوب حوق مقاتله و محاربه دن  
صونلر سید ایتدی رجمه علیه ای خوش اولکم نقد جان بزدند  
ایمال ایتدی رخت بختی قید ملک و مال پامال ایتدی محمد بنک اوغل اول



کور به لیر از حریق یلوب با این انتقامک اندوختن صونک سنان زهر سکاف ایله  
 شهادت بولدی و حمدت علیه اول نعل نور می صندری دوران ای دروغ  
 قیلدی و کفی فلک خاک بحر نهان ای دروغ معد رخصاری خورشید جهان افروز  
 ایکن ایله نهان سحاب کرد جهان ای دروغ قصد سلم قتل یلبایدوب  
 عبید الله زیاد حضوره کتور لو اول عالم زاده ابتدای ای سلم تمام زمانه  
 خروج ایدونک سلم ابتدای ای ظالم امام زمان حسین بن علی دور بر افونک  
 فراتینله بوشهر کشتن المنة نه بر امانک خد متنه اقدام ایتیم که طر تو رضا  
 و یوننه اولم سیدم اولدورسم غازی ای بن بر جان بلیورم کبری قتل  
 ایدرسن زین که بی رحم سن حالا سندن بر اتمانم وار بکسنه تعصبات  
 که قبیل و قبیله اولد بر قح و صیتم وار ابن زیاد اوتک آتلمس قبول ایدوب  
 عمر بن سعد امر ایددی که وصیتان استماع اید سلم ابتدای ای عمر اوج و صیتم  
 وار بوی بوکد بوشهره یدی یوندم بورجم و دیم وار اتم نعمان بن مالک  
 الوب نیی ادا قله سن ایکنی وصیتم اولدور که بی قتل اید دن صونک  
 حسلم نفع اید سن اوحنی وصیتم اولدور که بشا واقع اولن احوک  
 بازوب حضرت امام حسین ارملا ایدوب تنیه اید سن که بوجانیه  
 ستوجه اولید وصیت تمام اولدوقه ابن زیاد ابتدای که کیم دور که سلم غفر

عقیده صغریه

چقوب قتل اید بکربن همان ابتدای یا ایله یونم ایشم دور زیرا که یونم  
 امانی تو قتل اید و بدور پس مسلمک این دو توب طشر چقردی و  
 سلم مکده قمر صولات کتوروب او توردی و توجیه جناب حسین  
 قلوب اظهار ساز ایددی که السلام علیک یا بن رسول الله یونم عالم  
 اناسنک حال ندور مرادم یو ایدی که ملا خد متنه نقد جانی نادر  
 ایدم المنة نه که میسر اولدی و بو خصوصه قیلدقم دعا و  
 احابته یتدی و زبان حالیلر بویای قیلائی بقعه  
 بطحایر بر لطف ایلوب و ارای صبا قیل حیو حال نازم دن  
 خیر ارای صبا کوریم کونکله یونرنیک درخ دل او سمدی تیغ  
 نیجه کیم کورنک او نکاسح ایلد زنها ای صبا بن خود اولدم  
 مبتلا و محنت اعدا و دین اولسون او المنة اولم کرفقار  
 پس واجب الوجود محمد و ثنا و اهل کوفه نفرین و ناسنه دتوب  
 کلمه شهادت عرض ایدوب منتظر اولدوقه بکربن همان ایستدی که



او نكا سميته حاله قيل القوي د زيوب لذن تيغ دوسلای عبید  
 زیاد آذن خبر اولوب سب سوال آید وکله دیدی مقابله  
 بر میبکسند کلوب بر مغیوب دیشلیوب تا سفا یدری بن  
 بن اوندن وهم آیدوم اینزاید <sup>ایوب</sup> تبسم آید ای بکر هنوز جا بل من چون  
 خلافت بر صلا اتمک دیلرس دهست سکا فالبا اولور بر غیر کسینه  
 امر آید ای اولدای کد وکله اول تحفی کوروب زهری پاک اولدی آخر  
 الاوسام اهلکدن بر نامرد کلوب کلوب اول مظلوم شهید آید ای  
 آه کیم رایت اسلام نگوینا اولدی کون باتوب دیکه اخیا  
 جهان تار اولدی کهر فیض شهادت الیکم بن آسان نقد جان  
 و بری او نكا کیم خیر اولدی دوا ید و کد این زیاد <sup>عقیلک</sup> سلم  
 و عافی بن عس ننگ جسد لون قنای لوده عبرت ایچون اصدوب  
 باسلر سامه کسند و روب بزید واقع اولن صوت عالی عرض آید ای  
 بنید لیل لطلع بولور و کله کبالتل آیدوب باسلر دروائم <sup>اصدوب</sup> دستقد  
 اوندن صوت کیم عبید زیاد بر امدار سال آید ای کما فیه سکا و حسب الفان  
 کر کور حبیبک دفعه و دفعه سروع ایله من دوا ید و کد <sup>ایوب</sup> سلم عقیلک

قصد بن سکا سلیم اییم اسما بنت عمیده حسب الاشاره  
 و بر سوره کتور دین کند و حصه سین الوپ علی حصه سین اسما بر سلیم  
 قلدی و اسما به ایندن بر زمان طشوره جیق کر نیم معبود کمر بر بلقون  
 عرقی ایدر یک زمانه را سکا طشوره به جقه قده استماع ایندن کفاطه در <sup>ایوب</sup>  
 یارب رسول حرمی حقون و علی بر نضی قدر حقون و اولاد معصوم کرانی  
 ایچول کرانت کنه کاره رحمت ندر سین و عاصیلر جبر عیند قلم عفو کلوب  
 ترجم ایدر من بو حالته اسما به کریمه غالب اولوب فاطمک کریمه سنند  
 خبر در اولد قده آید ای اصماد عید می کبر زمان بقی حاله قوی و بر زمان  
 دن حکله تفحص ایت بنده او آرز کسون آندن یا نکل و اگر او از کائنات  
 بلش اولد بپروردگار رسد و اصل اولشم اسما بر زمان طشوره لوقف آید  
 کد نکلوه نه افله لیکه با فرة العین یا بنت رسول الله جواب اشتمی و بر دنی  
 دین با سید الله جواب اشتمی اضطراب ایدر مجری کیموب خسار مبارکدن  
 حابه طواب الوه الوپ کوردن کر عالم بقایه اشتمی ایتش



روایتی که عیسی ز یاد حضرت مسکات امین سرانجام یوب فارغ  
اولد قد غمازل اول ملعونه اغماز اند میر که مسکات بوشهره ایکی اوغلا  
وار اول به بخت منادی اتوردی که مسکات اولادی قنده اولسد لردو  
کتورین سیاسته متحق اولور شریح قاضی آنوت نهدیه ن توهم  
ایدوب تدارک احوال ایچون اول معصوملری حضورینیه کتوردکده  
اختیار سزکریان اولوب نغانده باشلدی شهراده لراول حالتی تخییر  
اولوب سبب سوال اندکده شهاده لربوکنایه دن مسکات شهادتی تحقیق  
ایدوب بیر زمان نالرو افغان اند میر بر زمانه سنکره نضر مد شریح قاضی نوک  
دامن دوتد میر قاضی ایتدی ای مظلوملر عیسی ز یاد سیرک طلبو کرده  
در دین بود یارده محبت اهل بیت یلم مشهورم اگر احیاط انتم معذورم  
که دشمنلر بوساده فرصت بولله لرو تغلب و تسلطه سیری بنده آنکه لرو  
حال ابن یوصلاحی کورشم که سیری مدینه جانیتم روان ایدم هر آینه اول شهزاده  
لره تسلی دیدی بر مقدار سیم دوز همراه ایدوب اسد نام اوغلنه ای فرزند عزیز  
اشتم که در دانه عراقه بر کاروان جمع اولوب اسد های سفر مدینه کتوب

بوکون

بوکون روان اولور لربو ایکی دودانه الکوب اول که روانه بر این کسینه  
تسلیم ایت مدینه بیر ایرشد که آخر با سینه تسلیم ایده لرا اسد اول مخدوم زاده لری  
الکوب روان اولدی اما کچه هنوز قوافق اولوب بولمر تیغجه کاروان روان اولسد  
اما اثر لری کور پیوردی اسد ایتدی ای شاهزاده لربکا مباحثک دونه قالمق حجب  
تهدید سیر پیوردک بوکاروانه یتوک اسد مراجعت قلوب شهزاده لربو غریب  
و مضطر قلوب کاروان آردنم سر اسد کیدر کن ارایه جایل اولوب اثر کاروان  
نظر لرن غایب اولد شهزاده لربو تیغجه اولوب هر طرف ترو ایدر کن ناگاه عیسی  
هاتشد میر عیسی بلدی لربو که آنلر حضرت مسلم اوغلن لردق لخال دوتوب عیسی  
زیاد حضورینیه التدی لربو عیسی ز یاد آنلری زندانه کور دوب نیریه بر ناصر یازدی  
که مسکات ایکی نور سیده اوغلین دوتدم بری بری پاشنده و بری سکر پاشنده  
و حال حبسده در لرنه کیم امر اولر سیده عمل ادانه روانه لربو زندان بان مشکور  
نام بر مشونیاک اعتقاد ایدی اول شهزاده لره برنجه کون اغرازا و احترام ایدوب  
برکون ایتدی ای شهزاده لربو واکور غم کبر ضرر سینه واقع اولد نصف اللیلده  
آنلری زندان چقا ایدوب و شهر دن طشره الکوب بول کوسه و ب بر ماغدن  
حاتم آنلره ویردی و سفر ش قلد که بیولله کیدک قادی سیه نام ملله پیوسینه



پنج تر شام آنده حاکم در بوقای نشان طریقی ایله اوکا ویروب دیوک که  
 سیزی مدینه به واصل ایدن زندان بان مراجعت ایدوب اول شیزاده لر روان اولور  
 چون مقرر در کله تقدیر ایدرک دند بر تغییر ویر مزحاکم حکمک قضا احکامه  
 روا کورمز اول شیزاده لر جانب بمینه کتمو ایکن قضا عنان عزیمیلرین جانب  
 بیاره منعطف قلوب مقصد طریقین اوئندیلر اول کچه صبح دیک برک رواری  
 چرک کوب صبح اولور قد کده لرین اولکی شیزاده کوردیلر متوهم اولوب بر باغ کورب  
 بر باغ و از زندان قرار اوئندیلر اول حالتی معارفین شهر دن بر جیشی جاریه چقبوب اکثر  
 کوروب بحال با کمال لرینه جیمین قلوب ایتدی آیا سیزه کیلردی لر شیزاده لر آه  
 درد ناک چقبوب ایتدی لر بر غز سبلر زویر تیلر ز جاریه صوردی کر لیکم اوغلندی  
 سیز شیزاده لر نوحه افغان ایدوب جاریه فراسند فتم ایدوب ایتدی ای غریز  
 ایله معلوم اولور که سیزه سلم اولادی سیز شیزاده لر ایتدی لر نعم بزا اول دلتیله روز  
 و محنت زده لر روز جاریه ایتدی ای متحد و ملوهم انکور که بنج بر صالحه بخروم  
 و اربغایت مؤمنه و محبت خانان در کلوک سیزی انوک حضورینه التوب آبی خوشحال  
 ایدم القصد شیزاده لر جاریه رهنموندن اولوب اول صالحه خانونک حضورینه  
 تیرد که اول صالحه جنبو دار اولوب اغراز و اخرام ایله اتمی بر مناسب برده

ایندی

ایتدی اما عیب زیا و انفرکت فرارندن واقف اولوب مشکور زنده بانی حاضر ایدوب  
 سوال ایتدی که سلک اولادی نندک مشکور ایتدی اتمی آزاد قلمر عیب زیا و ایتدی  
 سیزه عیب و هم ایتدی کی مشکور ایتدی ای عذر استکار ایتدی و جیب و عیب  
 زیا و در و معلوم که مباشرت کار زار در مسلم بر قادر بیار ایدم قتل ایتدی  
 مشکور ایتدی اگر یک عالم اولسه اتمیله دنیا او سیزه بیاده کوبور و یکد آبی عقابنه  
 چقبوب اولور زیا و ایدوب ایتدی مشکور قتل ایتدی اتمیله زیا و ایدوب  
 ایتدی و ایتدی اتمیله ارجیم اون ناز ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب  
 قبل اون ناز ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب  
 ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب  
 ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب ایتدی اتمیله ایدوب  
 تمام اولور قد بر قطره صواستنه عیب ایدوب ایتدی صو ویر یک بر قطره صو ویر سوب  
 اول مظلومک قتلک اموال فتنک ایکن عمر وین عارت شفاعت ایدوب قور ویر سوب  
 اندکده رحمت واصل اولدی رحمت ایدوب اما حضرت سلک بخروم زاده لر اول  
 صالحه نوک من لنده بوز یک قصه ایله او یقوی کتدی که اول عورتک عارت نام جفت  
 به نخت اولوب ناکا کلمه یقینا ک عورت ک کیفیت حال سوال ایتدی که ایتدی اتمیله



یو کون صباح ایدر کوفه مسلم او غلندر نیک بولما غننه نادی انروردی نبردی  
انعام و انفات استند عاسیده اول طلبیده ایرم آتم سقط اولدی آنلردن اثر  
یولمادم عورت ایتدی ای حمیرمه یان منک اهل بینله زعد اوک و اول اول نامر  
ایتدی موجب نعب عیبه الله نیک انعام و احسانیه در عورت ایتدی نه نامر اول  
کره قارنه نیا بچون برنجی مظلومی ظالمه اینه تسلیم ایدره القصره یوسف اینه اوقیه  
وارد بله نصفه السبله و محرم کبر ایدی ابراهیمی او یاروب ایتدی فی البرادر کوز و کت  
ایچ یاقوتی محل دکل حالا با ای کوردم واقعه که حضرت مصطفی و مرتضی حسن مجتبی علیه  
بهشت ایچیده سیر ایدر لر حضرت رسالت یزدن یکا با قریب با بانه ایتدی عام ای مسلم  
نایشه یو مظلوم ملن ظالمه را سنده بیکس و غریب براقه کت یاما نرا ایتدی و رسول  
عنقریب ضربت شریفه مشرف اولور لر ابراهیم دخی ایتدی ای محمد بنده یو واقعه  
کوردم بونی دیسوب اول ایکی کله سته ناخ لطافت و نهال نورس کلزار مله حب نبیست  
بر بر نیک یو بنده ال بر اقوب هلن هاید اختیار سیز اغلر کین حادث بر نخت اول مال  
بیدار اولوب فی الحال ایدر اغلر اوز لر نیه کروب کوردن ایکی طفل بر برین قوسوب  
انگشور لر حادث ایتدی سینه کیم دیر لر شنه زاده لر اول ملعونی دوست صانوی دیر لر  
بر مسلم فقیل اولاد یوز اول حران زاده بر یکادن مر کینک سقط اولد و غننه غنیه سیده  
و بر یکادن تزد نیک اندر هیلد یچینور ایدر هر برینه بر طبایحه اورب کل حصار

از رده

از رده قیلوب کیسوی ساکله کینک جمل المین عرقه النقی ایدی بر برینه  
با غلیوب اوز لرینه جرم قوسین سدود ایدوب طشمه حقدی که  
صبح اولد و قد قتل اید اول عورت پاکینه خاد بریجه تضرع  
و تشفع ایتدی الین او یوب ایتدی دو سوب فایده قیلدی صمد  
که جلد فلک رسته شعاع خورشید ایلد اطفال کوکب دفعنه  
اقدام ایتدی ونیم دم سر صبح کاذدن سمعل و چراغل هلا کند  
و عد ایتدی اول باکار و سیاه تیغ بیدریغ آلوب و کاه زاده لری  
او کینه صالوب کنار فراتر دوان اولوب سیاه تلوینه اقدام ایتدی  
اول ملعونک عودتی و اوقی و بر قوی عقیبه کیدوب سقا عت  
قیلد و غننه غضبی زاده اولوب قولنه حکم ایتدی که تیغ ایلد یوز لری  
هلاک ایلد قوی ایتدی ای خواجده یو معصوم لری قتل ایتدکم کم و ایز  
اول بدعتک غضبی زاده اولوب اندکی تیری قولد حواله ایتدی  
قول ایتدی ای خواجده چون فی اولد و در سن باری بن دخی قانی  
الهمس اولم دیدی حادثه قیلدی فاقبت حادثه غالب اولوب قتلون



برقوبین دوسری اوغلی اول حال کور ب اییدی یا قول قنداسم کور  
 نته بوجانی اونکا واکورنک حارث اییدی اول خواست اییدی سن بو  
 تیغی کور بولندی قتل ایست بوقسه سنی دانی هلاک ایدم اوغلی اییدی  
 هرگز بوام بن ارتکاب اتمک دو اکورنم و شک اقداسک راضا ویم  
 اول عورت دانی الحاح ایدمی که کدای حارث بو معصوم قیامی  
 بولدی بن زیاده تسلیم ایست نیلر اول ایلسون حارث اییدی بو  
 حارثک کوفه بولدی لری چوقدور ساید شهر یو کدوقه  
 همهم ایوب ملدن آلا ویم سیم ضایع اول آخا کوکندو  
 تیغ چکوب اول معصوم ستوجه اولدوقه سزاده لر اغلا شوب  
 تضرع ایستیلر که یزیمیم لکونم رحم ایست اگر مراد نک مال دنیا ایسه  
 یزیم کیسولری قرقوب نری مملوک مثابه سند صاقوب  
 لها نری تصرف قیل حارث اول تضرع لر انتفات ایتمیوب قتلینه  
 قتلینه جانم اولدوقه اول عورتیله اوغلی تنک وجوبی  
 انا لری قتل اتمک ممکن دکل الذمه کی تیغی اوغلینه تحویف

طریقله

طریقله حواله قیلوب هلاک اییدی اول عورت کوردی که اوغلی هلاک  
 اولدی بی اختیار اونکا ستوجه اولدی عورت دانی برزغم هلاک اوغلی  
 بچولا اولرونک سفدن فاض او لوب اول سزاده لر ستوجه اولوب  
 سزاده لر کوردی لر که ابواب نجاهت رحمت جمیع جهت دکل  
 اولوب ونبای تیدی وندارک خلل بولوب قضایه رضا ویم  
 غیر چار قالمی حارث ایستیلر یزیم هلاک ویم که وضو قلوب لکی  
 رکعت نماز قبله لیم حارث اییدی که واتمه هلاک ویم سزاده  
 لر ایستیلر که اول واجب الوجود حقیر که حالا اسم ذکر  
 ایستون اولقد رمان ویر که اونکا سجود ایوب نیاز من  
 عرض اید لیم حارث اییدی که امان ممکن دکل ایستیلر ای  
 ظالم بوند عداوت دور اغلا امر اسید نجاهت قطع ایوب اول  
 ملعوندن هریری قول بی قتل ایوب یزیم تقدیم شهادت توقع  
 ایدمی القصه اول حرام زاده اول محمدنک سر مبارکین بوند



# پایان محمد ناعا

بدنند جد قلوب جلدی زمین فراتر بر اقدی آندن ابراهیم  
 کسوب تن پاکین محمد ک جلدینه ملحق ایتدی حاکم اول محمد  
 زمین و آسمان تیو و مار اولوب زمین ملا یکدن غلغلر سکا  
 سخت اثر ایدر سیدی و آتش طغیان الم دل ابراب کبی سینه  
 مهر و ماهه دوستی **نظم** در واکه بز مکاه ولایتی بی سبب  
 سندر دی ایکی سیم مندی ستم یلی **و** احسنه که باغ سعادت  
 بیکاه **و** سندر دی ایکی طفیلی خفالی **و** القصه طاعت بخت  
 روسیاه اول نهاده لری بیکاه قتل ایدوب جلدین فراتر  
 صالوب با سترین عبید نهاده ایلندی عبید نهاده ایتدی ای حاکم  
 بونلر مذور و ملعون ایتدی سلم او غلان لرینک با سترین  
 ابن زیاد کل دشمناره و او لکسوی مسکبار لر نظر ایتدی  
 اختیار سوزن ابرهار کی مسکبار اولوب با وجود غلظت طبعه  
 قلوب ایتدی ای شکل بوظلری نیه قتل ایتدی حاکم ایتدی سنک

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب  
 بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مره  
 بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس  
 بن مضر بن نضر بن معد بن عدنان  
 بن أسد بن عبد شمس بن عبد مناف  
 بن قصي بن كلاب بن مره بن كنانة  
 بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر  
 بن نضر بن معد بن عدنان بن أسد بن عبد شمس  
 بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مره

التفاتتک

# پایان محمد ناعا

التفاتتک اید ایلر عبید نهاده ایتدی ای ملعون بن زمین نامر باز ستم که  
 بونلر جسد دور بخون بشکاکور مذور حاکم دیدی و هم ایتدی  
 که بجم عام الوب لادن الوب سنک التفاتتک محرم قلم عبید  
 زیاد اطراف نظر قلوب مجسد بر مقابل نام مکسره حاضر اولوب  
 ناصیه سند محبت خاندان اهل بیت ظاهر ایدی و ابن زیاد ایتدی  
 سن بیلوری اسارت قیلدی کرای مقابل بو بدخنی آید اوند  
 که بوظلری شهید ایتدی و در خراسنیتور و با سترین دافعی مکن  
 ایسه بدلیله الحاق ایت مقابل ساد اولوب اول ملعون محکم باطل  
 و با سترین الوب عیان اولری و خلق کوفه اول با سترین نظر قلوب  
 اطلع بولد و قد او ملعون سکا ایدوب اید قلوب ایدی **القصه**  
 اول منزه بیدوکن مقابل کور دی بر قول ایلر بر او غلای مقول  
 اولوب بر عورت دافعی مجروح دوستدور مقابل عورتدن  
 حقیقت حال سوال ایتدی ای عذیر بو بدخنی **نکوه**  
 سیم و بو اعلان او غلایدور و بوقول قولیدور بر اتفاقا قلد بوظلور  
 قانده مانده اولد و فی جنتدن بیو بوسیا سترین جان کور دی المنه



که اولدانی جزا سنا یری مقاتل اول ملعون قتل ایتمکده موبدن اندو  
اول شهید لون قان کورده وکده فزاده کلوب ناله قیلای و با ساری  
سوی بر لیدی روایتدور که اول با سار سوید دوشدو که اول جند  
سودن چقوب هرباش کدد و جسدنه ملحق اولوب اولایکی معصومار  
بر برین قوجغلیوب سوید باتدلر مقاتل او حاکمه حیرت ایدوب  
بیوری که اول ملعون الکرین کسوب کوزلرین جقوروب آندن بایش  
کسوب سوید بر اقدلر و سوانی قبول اتمیوب دیشم بر اقدی  
روایتدور که آخر الامور خار و خاشاک جمع لیلیوب لیلیدی اقدلر  
اول مجاهیدن تد شهید اولان قولون و اوغلان من جسد  
دفن ایدوب احبام اهل بیت سه زاده لر غراسند مشغول  
اولدی لار اولایکی کور خزانده اولایکی  
جوبار یقین دوتدی لار معدن بقاده مقام قیلده لار  
طیسه خرام نظر خلقدن اولوب ستور اولدور دوز کونوان  
حور باب اولدور و فاسند اولدی زاده لر غراسند

کلمه

کیمکه بر قطم آب چشم توکر کیم که بر آه در ناک چکر و اصل اوج  
بحساب ایلر علمین قابل ثواب ایلر عرصه بیدار میدان  
کر بلا سهل سامن کر بلا غوغاسن ای اهل غر صور سلیم  
قافسی منزله در مصایب نجمی اون ویرور قهر ناک کیم کر بلا  
کر بلا حضرت امام حینک مکدن کر بلا حضرت امام  
کلدکن بیان ایدر کسب بهادرت ایتمکده غریب دیارنه حسین علیه  
اولدی روانه قافلده عز احتشام اسراف اهل بیت سفر اختیار  
ایدوب ستیان اولدی اخت کرده و دین تمام اوسور دین  
ونقد سید المرسلین اهل مکده ایلر و داع ایدوب روانه الدو  
عروق الرضی بکیر لرنه لر دوشوب خواص و عوام حجاز بعضی رفقت  
و بعضی متابعت یحون تحریک الوب بر زلزله قویدی که نظام  
عیون نامی عقولی حیرت قیلدی و الم معاد قدن خلقة بر کریر

اون انجی مجلس



غالباً وادی که گردن ابرو عریض آید خاند کعبه و در می کوکس طای  
 چاه زخم اقدی گزند یا ش ذره ذره بنوب سمند صبا خاک پاک  
 خطیم بطحا جعدی جرخ بریند کرد سپاه اول شهنشاه اولدی  
 روایت دور که بو خیر شایع اولدوقد و نبوت بولدوقد بعضی بقفا  
 حضرت امامه قسم لر و یروب مبالغه لر قلدر که یا امام کندو کنه بو اطفای  
 و عیاله جفا و اکوروب کوفه جابینه کتمک و بومها که دن اقران  
 ایدونک که معرکه غلیظ دور حضرت امام بر زبان تا امل ایدوب سکوت  
 اختیار ایدونک مسلمان اولادی مجموع ایدوب ایدلور یا امام اهل کوفه  
 مسلمان قاینه المینجه بیع مولجت ممکن دکل هیچ کیمتر اینه باری بر یکدروز  
 با انتقام آلودن با کسب شهادت اید روز ذلت ایدلر لنگر اولن  
 حیانتک دوستلر نقد جان صرف ایلوب دنیا ده کام المکرک  
 عجز ایلر وفات عدودن سهل و در تمت دو قوب یا شهید اولوق  
 کرک با انتقام المکرک حضرت امام حسین معلوم اندام ده  
 اول تقی کوروب اصحابه ایتدی لایحی فی العیش بعد هولاء یعنی

بوللا اردن  
 صونکن

بوللا اردن صونکن حیانتک لفت کورک اولن کوفه غریبه یلدر  
 و یک جهت اولوب اول منزلدن کوچوب ماله منزله نزول ایتدو  
 عمر بن سعد دن برکتوب وارد اولدی مضمونند بو یاز لیس که  
 ای حسین اهل کوفه اولریند انکار ایدوب سلم عقیلی سید ایتدر  
 و مسلم حسین شهادتک بنکاو صیت ایتشدور که بو احوالی نکا اعلی  
 کرک دور که بو اخباری معلوم ایتدو که حد ایدوب کوفه غریبتک  
 ترکیب قیلاست بو خیر نهاده نک ار دوی عیال بوتد انتصار و  
 اشهار بولدوقد اطراف و جوانین طمع دنیا ایچون جمع اولان کور  
 بریشان اولدیلر و میدان وفاده کما بت قدم قلدر قالدر و اول  
 منزلدن دانی رطت ایدوب عقاب نام منزله کلدو که بهر پرده  
 کوردی قوملر حقیقتک سوال ایتدو که دیدلر عبد استبر  
 حنود و حضرت امام ابن محاسی که افنک قبیلر سیدل ایدی  
 مطابقه رسال ایتدی اجابت قیلوب حضرت امام بالذات  
 اونک منزله شریف یوروب اونکا تکلیف دفاقت قیلدی  
 خواتم و یا امام بریدونک لکوری چو قدور و سنت حدتند



اولا نل سرخه قلیل اولوب آنلا نل رفله تاب مقابله لری یوقدور  
غالب اولدور که مغلوب اولور لار و بخله رخنه آفت سدود  
اولن الماس ایدرم کدبی معافیله سن و بنم بر آتم و بر قیلیم که مانند لری  
یوقدور پیش کن طریقله بندن قبول اید سن حضرت امام  
ابتدی بت ایچون و قیلیم ایچون کلدوم مابوس اولوب آندن مرصه  
قیلوب رواندور که واقعه کر بل دن صونکر اول ست رای کم  
تدبی تاسفله چکدی اما فایه قیلیم دی زهی نادان که شاه  
ملک ایمان او تکلیف مرض شهادت قوم ایلوب تیغ  
بلادن او زندان ایلید سلب سعادت نقلدور که بنی زله  
حضرت امام زینب دیرنی اورینما بقی قویوب او یقوی کدبی  
اضطراب ایلد او یانوب دیک غمناکدن کوهل شک شهادت روان  
اولدی ام کلثوم ابتدی با حین سبب کرید ندور حضرت امام  
ابتدی واقعه حاحه بز زکواری کوردوم کویان اولوب بنما  
دیددی کدای حسین و عده موصلت قریب اولدی ام کلثوم داخی  
کویان اولوب حضرت سلطان کویلا جمیع اخوان و اولاد و انسابین  
جمع ایدوب بروکسی مضی قلوب او زینده چقوب بر خطبه آغاز ایدی

و سرابط محمد

و سرابط محمد و صادق صونکر بیوری کدای دایم متابعتد و حضرت  
انتسابد اولان و قادار لار جن آکم آتیه خیرا سیزن خوشنودم طریقی  
موانعتد تقصیر نمکد و فکر جالابن انتقام که فایه محنتدن  
سینه شراوت ایریشه و صرصره مصیبتد جمعیونکون غران تنفره  
کیم بلکه مقصودم و مصلحت بودور که چون شاهد توفیق شهادت  
پرده خفا ایکن مرض حال ابتدی فنهال حیات ستعارم برک دین  
اولمغه و عده بتدی کلدی اولم که فایه پردی بیخاک قیلم  
بزم وحدان بقا لذت ادراک قیلم و بیلورم که بو طایفه نیک  
لری و مقصود لری بنکا ظفر بولدور دن صونکر سینه انفا  
ایتمزل صلاح اولدور که بو کج فرصت و ارا ایکن کرم کرم  
اطراف و جوانب پریشان اولسون و غرقه طوفان بیداد اولم  
بیرنجات بولسون چقدون دست تصرفدن عنان اختیار  
فکرایدوب محنتد تدبی نجات ایتک کرک بو کلماتی استند  
آل و اتباع و انبیاءدن فریاد و فغان فلک دقان چقوب  
اتفاق ایلد ایتدل ای خانان اسرار کجینه حکمت وای کاسف روز



حاشا که خاک پاینا نقد جان نثار اولمادین دولت ملازمت  
مفارقت ممکن اولد و عیدگاه بلا ده خلعت کلرک شهادت  
کیمدین بومعه که دن حقیق صورت احتمال بولر <sup>بنی ابتداء</sup>  
خلعت و آغاز عمر دن ندز نثار و نک ایلمسون نقد جان  
مکن دکل ملازمتکدن جدا اولاق ناصحه وجود ده وار  
نشاغز حضرت امام طریقی وفاده آنلری بابت قدم کورق  
دعا قیلدی مسلم عقیل اولدین ایتدی ای عزیز بنی کوفه خلعتک  
موا عید کاذب لرینا عطا دایدوب سلمی اولدیان ارسال اید  
اول مفسد لر طریقی مخالفت دو قوب اول مظلومی سید اید  
حالا صلاح اولدور که سینه ولده نکرئی الوب بنی طی قبیلک  
واروب آندن توجه مدینه اولاسین که خاندانکون مندم  
اولمید اولاد سلم بوکلمات جانکدازدن خورشه کلوب ایدلر  
که حاشا که خدمتکدن مبادت اختیار اید یوز یا به رسول  
انه انما سمن بودور که بابا مون و قدر داشلر یوز مقلعه لشکر  
سهد اولدوغی کوی یوزه دانی بوسعادت میس اولا چون  
ملکده دور جمعیت اهل و فای دوی دل و مقصد اعلا به

دو ندرک

دو ندرک کرک حضرت امام حمزه علیه السلام املادی دعای خیر قیلوب  
جمع اصحابه رخصت ویری که واروب طاعته و عبادته استغفار اولد  
صورت تحریر کلز اولسه دیالمداد شرح بیداد بلا  
دو نگاه کر بلا کر بلا حضرت اولوب عالم هر محنت که وار <sup>اون بدین مجلس</sup>  
بند قیلسدور طریق صبر ناه کر بلا

راوی دوایت چکر سوز و ناقل حکایت غم اندوز بو ترتیب ایلر  
تحریر کتوریت که چون سید شمس حضرت سلطان شاه کر بلا  
اول کجی عبادت ایلد صبح ایتدی که صبح صادقک دم سوزده  
شاه کر بلا تنک حیاق انتفا بولمید اما اقتضای نهاد سرعت  
دوراند استعجال ویروب طلیعه صبح صادق جانب سرقدن  
هویدا اولنده دوا ایدد که اولدم آسمان دن بوند اکلدی  
که از کب یا ظلیل آسم کلوم اول صدادن مضطرب اولوب  
تعجیل تمام ایلد حضرت امامتک منزله کلوب ایتدی ای برادر  
عزیز بو صدادن واقف اولدوکی حضرت امام ایتدی بلی  
واقف اولدم حالا حضرت رسولی واقف کلورم اول <sup>حضرت</sup>



اول حضرت بشا زنده نهادت و یوب بیویدی کرای حین سوان عالم  
بالا و زمین ملا و اعلی ارواح مقدس اینا الیلا استقبال روح بفرست  
قیلوب انتظار وند دور لرحمیت کد بوجیه حضور نزد افطار  
ایده سن بو حاله مقارن بفرست کوروم اندک بر شیشه دیدیم یا رسول الله  
بفرست اندک بوشیشه ندور بوییدی کرای حیدر بفرست ماکور  
دور که ظلمتک فانتک تو کد که بوشیشه و دور و آسمان  
ایلتد ام کلثوم اولالتد کریان اولوب حضرت امام ایدی ای ظلم  
الرا بیلیتی حاضریت کد حکام و داع دور **علم** الوداع ای  
کیم کدی حکام و کدع عرس پروانیند مرغ روح آجری مال  
پر / یوسف مصر قبول چکن اولدم جفس و تن / ایلدوم  
تک دهر دن قطع نظر به نیجه امال یلیم ملک بقا غنیمتد کیم  
تمام هم ایلائی اظهار افان سحر / مضطرب ورسوق تشنه  
سناه اولیا منتظر دور لذت دیدار منجی البشر القه  
محدث سارده طهارت و ریاض ولایت حاضر اولوب  
حضرت امام آنلری بی بی باغینه با صوب و داع ایدوب

س  
:

ای مظلوم

دیویدی ای بیچاره و مظلوم ای بادین غرقده بو ظالم یچنده احوالکن  
لوله وانجام عواقبتک ندصوت بولد بر طرفدن شهر بانو کریبان فصل  
ایلدوب دندیویدی کرای مظلوم لر غمخواری و بیچاره و شکسته لر غمخواری  
بو شهراده لری یتیم ایدوب کیمک عهد سنده بر اقویب کیده سن و بولمانلری  
کیمه تسلیم ایدین **علم** بیچیکم باب بشکاماتد مخزون اولسون / صوت  
حالی حوادندن دگر کون اولسون / بر شیکا اندوز غریب بر شیکا ابحران دست  
نیجه دل بر اضطراب و دیدم بخون اولسون / نومه قیلوریدی کرای  
جراح خاندان رسالت وای شمع سبستان امامت علی مرتضی متوجه  
ضوان اولدوقده آتش فراقده موجب تسلیم اولان حسن مجتبی ایدی اولول  
حضرت انتقال ایتدوکه شک سایه عاطفتک مفادقوده ایدی آیل  
سندن صونکن محرم کیم اوله و خاطر من کیمیلد تسلیم بولد / بومصیت غفلت  
موتیلد آساندور بشکا کیم قیلور کورون کوران جانی هندک جدا و  
کاهی پور و دایلد نوصه بنیاد ایدری / جرح طالم عاقبت ملک خراب  
ایلردیغ / ارمنا مقبول و فکر ناصواب ایلوردیغ بومصیتد ایکس  
ارصیح پیدا اولوب حضرت امام آفتاب وارحم برادن متوجه



صاحب الوب تیمم ایدوب جماعت خان سغول اولدی دواتدور  
اختتامه تید و کله حضرت امام دعای نمازی تمام اتیدین معصیت  
سرسست لریدن صدای جوی و غوغا قبه افلا که چقوب  
و ناله های زهی و صدای کوس حریفی مبله ناله صلابی ایدوب  
ظالم عرصه کر بلا به علم لریور تیلر و سپاه ضلالت فوج فوج  
و پیاده متوجه میدان الوب غبار تیره دن آیند روی زمینی  
مکدر ایتدیلر عجمی خمس سفید تعبیه صف سپاه ایدوب عینه  
نامیونی عمر بن عجاجد و میسر نامیونی سمرندی الجوشه  
نامزد قلوب قلوب سپاه ایلد قلب سپاه اولدی زهی بخت  
کیم کسب سقاوت اختیار ایتدی اوزین دنیا ایچون بنام  
روی روزگار ایتدی زهی مدبر که مغلوبی اولوب عالمده  
شیطانک فساد اتملده انسانی ملکین سرسار ایتدی  
و بجا نیدن دافی میدان مجاهدت خان سپاه لری و عرصه فنا دله لری اول جوش  
خویش دن بلکه بزم پلاجه تراند لر دن ذوق و شوق لری بولوب بر بریده نغمه  
متان و غوغا بر داند لری اول سلطان ملا یات آسانک استانده کلیدلر

و حضرت

و حضرت بولوب تسبیح و تحلیل ایلد عرصه کارزار ایلد متوجه اولدیلر و حضرت  
امام دافی سپاه اعدادن سوهم و ملیوب و قلعه احقادن تغییر بولوب فرق  
سپاه کین عامه رسولیلد نرین و بدن لطیفین دراعه رسالت لر لر مر قلوب  
و حضرت رسول الله حضرت تلمرنیک ذوالجناح نام ترکیب رکاب ایاویند چکوب  
و سیمیه طغرائین حایل ایدوب جولان ایدر کن صف سپاه کله و سپاه  
ظفر بنامه ترتیب و یروب همینه میونی زهرین علید رجوع ایدوب و میسر  
میسوری جیب مظالمه متفرق قلوب رای فتح اتی حضرت عباس بن علی رضایه  
تا بشعور و کذب و القات ایمان کبی مونس قلینده قرار دو توب نهاد تر نشط  
اولدی اولکون عروس خلوت سرائی افق مانعده دنیا به خواشیده روی و برکت  
موی چقدی و بر پهر خدی قامت طریق عزت و توب دامن لباس ناکونه  
چاکلن بر اقدی و ایگار انجم تاب نظام مصایب خواتین حرم سرائی نوبت کتور توب  
پرده حجاب کردی و نسیم محرم نهاد ایچون دمام آه سر چکوب مزاج کاتیا  
کدورت تیور دی و رضوان راض چناند زینت ویدی که روح شهید کر بلا  
مهمان اولور و حور ایدک استیاق آهوب مترصدیلر که نغمه یکه زهر بطور  
چقدی کون یاسند و کدونه اوهری تانغ داغ برق اندوز دل اولور  
خیلی الملهین صبح بر تو صالیدی تا مظلوم لرین حالین کوروب غصه دن بجا ایدوب



زنده اولدي رخسار زهين روايتدور که باکی جانين صوفی محاربه مرتب  
 اولدوقه کيفيت حق باطل و کفر و ايمان اختيار بولد و قد حضرت سلطان  
 صف سپاهين چقوب اولي سعادتلر مقابل دوروب صلاحتصول  
 بويي اکتافيلدي انا ابن نبي المظهر من آل هاشم که غافل هذا الفجر  
 حين فخری يعني بن فرزند رسول خدايم و نطفه سرور انبياء انتقاد ليتد و کنه  
 بوخرم کفایت و مباحات قيلدوقه سوزي که بنکاو تنافي تراي قوم في  
 بائمه که عامر و ميلاد کيف و اکندک دلاعه و رکابکي مرکب حضرت رسا  
 پنا بکدر و بن و ايش علم رسول و نور يک تعلم هرگز کذب و کذا ف اقام  
 ايتهم مدينه مجاور دونه رسول اکين بنکا بکين و برمد و کن و مکده  
 معتكف زاويه فناعت اولدغي بواکور مد و کن بوفته تحريك سلا  
 اسبابيله سبز بومقام يتور و کنای عمر بن سعد و اي عمر بن حجاج و اي  
 سکت بن ربيعه بوند غدارلق دور و اي شان بن انس و اي سحر بن حنظل  
 بوند مکاريقدور مکر بنياکي استوار اولن حيله تائوي پايدار اولن  
 اول جماعت انتقاد اکتافيلد حضرت امام مکتوبارين حاضر يدي  
 اولن فخر تمام ايتد و کن صوکن اول مکتوباري اوده يا قدر عاقبت  
 عمر بن سعد مقابل طرک ايتدي اي حسن بو حکايتار نجيب و سوزي زنده  
 بيعين قول ايتک کونک يا ترک جوع ايتک کونک سوزي

ديوب برناوک دلدار ليله آلب ايتدي اي قوم بي ناوک دلدار ليله آلب  
 ايتدي اي اهل کوفه کواه اولوک و عبیدياد حضور نه شهادت و يوزک  
 که ايتد که حبيب حسين بندين اولدي ناوک جانب حسين رول ايتدي  
 حضرت امام محسن سرغينک اليند آلب ايتدي اي قوم غضب يودي اولدي  
 استناد تا پدي که عمر بن ابي اسد ديدلو و قهرضا اير او کون ناز اولدي که  
 مسيح ابراهمه ديدلو و خط بجاني سينه مالاقترب اولدي که قصد آل رسول  
 ايتد و کن حقا که سينک بدن کوندي که هر سوزي خيال بار اولسه و اصبر  
 و ما صبرک الا بالله دايه سندن انحراف ايتنم و هر قدر نديکون قصد  
 بر لستو کن کذا اولسه ان الله يحب الصابرين مرتبه سين ترکين دوتنم دوتنم  
 که لستو اين سعدون اقدانک کون و کن اوکا اقتدا قلوب حضرت اما  
 بر من تبده هي باران ايتدلو که بر عقابدين حتمه اقباب و تولدي و دهم بکا  
 ابدارن روي زهين ساير غزال اولدي و حضرت امام اوليجم دن صف سپاه  
 مرا جعت قلوب اصحاب و احباب ايتدي اي فادار و جان سپاردارلو مستعد  
 و حيله اسباب سفر قتلوک کدم خونين و حکام تخير دور عمر بخشک بک  
 بوخير پامنه کلدي و قاصد ناوک بو بغا سيلدار اولدي و بو واقع صبح

بيکان



عاشورای محرم و بجز آنکه آتی ایله و قوع بولدی و لشکر مخالف  
 برد و ایله افرینک نفراتما ائمه اقول ایله یگرمی نک مبارک اولوب  
 و لشکر امام بر قول ایله سکین نفر و بر قول ایله یتیم کی نفر اولوب و قوع  
 ایکی آلودی و باقی پیاده و اکثر بیایله شرح ائمه لر انا حضرت مولانا  
 و اعط علیه طریقی تفصیل و قعی داوی اخبار ملاکت امام بوطر  
 اتمام روایت ائمه و ناقص گفتار کدورت بوطر یقله گفتار زیت  
 ویرش که چون صفوف لشکر موتبا ولدی حوت برید ریاحی عیشک  
 حضوره شکوب ایتدی باین تعد حسین ایله محاربت اقام مقرر  
 مید و باین سعد پیدا ایتدی بلی مقرر دور بوجوبه قائل تو کولون  
 و با شکر کسلور خرا ایتدی رسول الله قیامت کونی نه جواب دی و سر  
 عمر حسن جواب و یروب شو کدور لشکرینه مراجعت قیلدی حییت  
 و صلا بتدن لونی تغیر اولوب و قلبی تحیر بقرار اولوب قرنها می  
 آندن سحلا ایتدی که ای ملوان عرب هرگز بر معرکه شدن بوزن زار  
 ملاحظه اولو نمیبور مع قلندر اعدا بونی تغیر دور که سنده ظاهر اولدی  
 خرا ایتدی ای برادر بکا امداد تو هم یوقدور انا بهشت ایله  
 دوزخ ارا سنده تحیر فاسم و حق باطل امتیاز نه چران اولم نمیکند

سکین مجلس  
 اون حرمین ریاحی

اختیار

اختیار سوز بر نعم او دردی که امنت نه ممکن غیبیدن مسکله نفر  
 بهدایت ظاهر الوب بی طریقی ضلالتدن صراط مستقیم بر اقدی **نظم**  
 نه لعل که سن صاحب فان اولدوم قابل مرتبه صحبت ایمان اولدوم  
 عمل باطل ائمه آل محضه اعراض اولدوم اولوجه ایمان اولدم **بسم**  
 باد بایر جولان و یروب کدور لشکریندن چقوب لشکر حسین یلحق اولوب  
 ترکبتدن اینوب رکاب هایونند یوز سوز ب ایتدی ای جلی خطنک  
 سمع سبستان سرور کرد خاک در گذار و نک توتیای چشم حور  
 فایبر المؤمن عصیان اقام ایلدوم **بسم** بیلدوم کم بیلد طغیان اید ارباب  
 بیلدوم کم دو نمیبور سمع رسالت حرمین **بسم** ارتکا بکلم بیداد اید ارباب  
 قوم پیشه بوطری ایله چوق نیاز لرا بدوب تضرع ایتدی که یا امام  
 معذرتم قبول اولور بی حضرت امام ایتدی ای حق درگاه لطف و  
 اهل اعتدال همیشه مفتوح دور و کنا بند مقرب اولان همیشه شاد و  
 مدوح دور و هو الی یقبل التوبه عن عباده چون شعب بن  
 قرظانین کور می که اخوی دنیا یار اختیار ایتدی و عذر کنا می  
 قبول ایتدی اولدانی سعادت ملازمتد مرفا ولدی و صورت

اخلاق



عرض قیلوی القصة حمیر زید ریای مکافات افعال همچون حضرت امام <sup>اجانت</sup> دین  
 ایستد و که حضرت امام ایتدی ای حق سن بیرون استقام راجحه راحت یتمدن  
 دحمة دوستک مناسب کل صبر است ای و بی غیردن اولسون قرائدی  
 یا امام ننه که ابتدای خاصیت بندن اولدی ایتمیم که آقا ز اطهار حجت  
 دانی بندن اولد القصة تضرع ایلمر خصصت آلوب میدان کیری و بونظم  
 ایلمد اسم رسیم ظهور کتوردی <sup>بم</sup> اول حرم زید ریای کدالده  
 محبت آل عیام سکرته کمال صدق صفادن قابل خدمت و بی خدام  
 تیغ خولم ایلمد زمان کجاعت دشمن دون نامکام بلایم این  
 سعید بی خود عرب زیدی میدان کوروب توجیدن انداسنه  
 لزلوم دوستوب مخصوص صلیبند <sup>صفوانک</sup> نام بر مبارزه ایتدی یوری  
 حق نصیحت ایلمد مال و اسباب ایلمد و تکافیر و بر اگر قبول  
 اتمسه سیاست تور صفوان صفها بیدک چقوب عند یاد زها  
 جولان و بیروب حق مقابل اولدوقده ایتدی ای حق صاحب عقل و رای  
 اولمق کرک عجب که نعمت دنیادن انحراف ایدوب ذلت اختیار  
 ایتدو که حق ایتدی ای نازان عزت خلقت آل رسول دور زمی  
 سفید سید روز کار که نعمت خانی چون ترک دولت باقی ایلمد  
 اگر ایمان و اریسه نفی تنفات دوضه رضوان ندور و اگر ایمان <sup>بجمله</sup>

یوقیسه

یوقیسه دعوی ایمان ندور هر کیمیک فعلی نقیض قولدن مذموم آلور  
 قابل کشف روز حکمت اولمز هر کیمی پرده شکیک دور بوظلمت  
 حیات پرده دفع اولدوقده حالی هر کیمیک معلوم اولور  
 صفوان کوردیکه حق قابل نصیحت دکل غضبانک اولوب سیننه  
 بی کینه سیننه نیل جان سنان حواله قیاری حق وفادار بر نیل  
 نیل سن دقایب بر ضرب ایلمد مرکب دن نیل کون سار ایدوب  
 بر لعب ایلمد یقادی که نغمه آفرین ایکی لشکر دن اسماند جقدی  
 روا میدور که صفوانک اوج قزاقی اولوب طلب انتقام <sup>طریق</sup>  
 متعاقب بر رسیدن کلوب قرالده سرت فنا ایچیلور و حق  
 اول خوار بی ای هلاکت ایتدو کدن صونکر حضرت امام  
 حضور غیبه کلوب ایتدی امام زیان بندن خنود اولدو که  
 امام ایتدی نعمت حق کما وضعت اسمک انک خراول مبارک  
 بیند میدان مراجعت قیلوب کرم مبارکت ایکن بی حرام زاده  
 مرکب سقط ایدوب پیاده قالدی اول مخلص وفادار عدم



علم مریکیده لشکر اعدادن اظهار عجز اتمیوب عنان عزیت و نوری سوب  
 محاربتا تید و کدن صونک ساه زاده کور و کله بر مرکب تازی  
 نژاد ارسال ایتدی خراول مرکب حقوب جولان ایدوب هر طرفه  
 متوجهد اولوب کرم کرم اعدایو برکنده قیلوب بواناده ها  
 بیدر اولدی کدای عزمده که حور غلمان منتظره و در خراول اعدادن  
 مسرور اولوب جانب حضرت امامد توجیه قیلوب ایتدی یا امام <sup>خداوند</sup> جندک  
 متوجه اولدم پیغامندک ندور حضرت امام اول خیردن گویان  
 اولوب ایتدی ای عزیز دانی کلام یوز القصد اولییرمینه جماعت  
 و نهنگ دیرای جلالت سدسپاه اعدایه رخنه بر اقوب و جمعیت غنا  
 تفرقه لر توروب فیض می کست بولوب تیغ ابدار ایلد توجیه قلبسپاه  
 دل عشاقی خاک ایدوب کدوسین علامد یقوری علی نگون سار  
 ایتمکد ایک شمر بدخت لشکرینه نعم اودری کدای نازد لور پی <sup>سازدن</sup> یار  
 ناجرا اولق ندور لشکر بر جانندن غلو قیلوب اولانارای اراید  
 الوب ناکاه قسیرت کماند بر زخم مهلت اودوب عودانی او تکابنم  
 اودوب ایکی دانی برکندن جدا اولوب جو نعم اوجری که یانبر حواله  
 ادرکی حضرت امام بی اختیار سیدانگیروب غری اولظالم الوند

الوب

الوب لشکرینه یقوری و برکندن اینوب بائینی دیری افرینید <sup>الوب</sup>  
 آستین مبارکیده رخسارندن خاک و خون پاک ایدوب دعا قیلوب  
 خراوتکد ایچده جان بخشیدن حیات استعاره قیلوب رخسار  
 مبارکینه دیکه استیاق آچوب تبسم قیلوب ایتدی یا امام بندن  
 راضی اولدومی حضرت امام ایتدی راضی اولدم <sup>راضی</sup> الله سندن  
 اولسون خروفا دار بو بشارت ایلد نقد جان نثار ایتدی رحمت  
 علیه عشق بیدارندک جان ویرمکد دکل غارای کونکل جان  
 ویروب مقصوده یت کریمه منک واری کونکل عشق بانرا <sup>عشق بانرا</sup>  
 صالمسکور سعادت کوه رین نقد جان ویرمین اولمن  
 خویدارای کونکل نقدور که بوبیت حضرت امامک خراج  
 دیدوکی مریدندور نعم العبد خیر الیاح <sup>صیغره</sup>  
 الیاح چون خونک قهر دانی خنک شهادتندن اطلاع بولدی <sup>ان خطو قد مجی</sup>  
 اولدانی خصمت الوب سیدانگیروب کمال جماعتدن صونک شهادت <sup>مجلس</sup>

ان خطو قد مجی  
 مجلس



بولوب قمر خانیسه ملحق اولدی رحمة علیه دوایتور که  
حتک علی نام بر او غلی و لاری که بسی بحاج و جکر داری بولجالی  
ملاحظه قیلدوقه عن نام بر قویلد ات لرینه سویر مک  
بجاسینه لشکر دن چقوب حضرت امانک خدمتند مشرف اولدی  
واظهار اسم و رسم ابتدای و اجازت حرب الدیار ابتدای حال علی  
میدان کرب جدال و قتال ایدوب سعادت شهادت حاصل  
ایتدی رحمة علیه ای خوش اول نقطه پاکیر کم اول اولید  
ناقص نادران سفید قیلد اظهار ترکیب ایدوب معنی اولد  
سترایی انده نضوکر عرو و فادار خاجاری و فاسند سرائق  
ایدوب رتبه حریت کب ایتکه میدان کردی اولدانی مواسم  
سجاعت ادا قیلوب شهید اولدی رحمة علیه ای خوش اول  
کیم قیلوب فیض شهادت کسب خلق دن توفیق اقبالید محتار  
اولدی لر قلد لوجعیت دنیا بد عقبی اختیار فیض ایدوب  
حاصل بولوب رفعت سرفراز اولدی اولد

مجلس  
علی نام ابن حر  
علی نام ابن حر

مجلس  
مجلس

تکلم

تکلم بوطر ایلد عرصه میدان سپاه عبارت چکشی وصف ای  
معركة غنی بوز نکلیه تیغ زبان چکوب مردم دیده قایم توکشی  
که حرب بزی ریاچی اتباعیلد بزم بلاده جام حاد تد  
شراب شهادت ایچدو کدن صونکر سلطان سرری غر و علا حضرت  
حسین بن علی موقوف علیهما السلام صف سپاه ظفر ناپه زن  
لشکر اعدایر مقابل دوروب بی دانی قاعدک حجت قیلوب ندا قیلد  
که ای اهل اسلام و ایمانم دینلو ای معترف شهادت اولوب معتقد  
ایمانم دیو دعوی قیلنلرین نبیره احمد مختارم و بن نقد صاحب  
نصیر ایتنکر کمکسرت سپاهوزدن احترازم اولر و یاسدت  
عداوتنکوزدن نبات تمکیم تزلزل بولر حقا که تمیم ابدار  
مدد کارگاه حکمدن رخصت اولست ظلمت سواد سپاهونکر  
سفسعه اقباب عالم تا بم و شان صاعقه بارهم تحک سلسله  
شهادتدن اجازت بولر بنای فساد و عناد نکونر نیشد  
انقلاب و اختلال دور و هیچ ارمیلد صلاح صورت بولن



آماي قوم چون بخاريد متعز دود باري انصاف ايدوب <sup>بي بي</sup> سياست  
حرب اولون كورد نامور دن تمز اوله نو بر طي قبول ايدوب لشكر  
يديدن سام نام بر ملعون ميدان كيروب نغمه صله مبارز  
اوروب حضرت امام لشكرينه مقابل دوردي و بوجاندين زهير  
حسان سلطان كورلان دختريت آلوب اربهار كي حسان و  
خوشان صاعقه شمشاد و باران خوار خوار ايله عرصه خاكواني  
ما خصم قانيله لاله زار ايتكه ميدان چقدي و جلوسه سيم سيم صاعقه  
ما تدايله صفا عدايد اوراق بخار كي لونه لر بر قدي بر ايتكم  
صونكم اظهار اسم و رسم ايتدي كدای فخره بخار ناچار بنم  
صاحب تنغ و كوز و كند زهير بن حسان يل ايجند بنم ماكن  
خانان رسول كين بنگه نو خيمه بول اكر كوه قانيله قلم صاف  
مصافه عاف اولور كوه قاف سام بر بخت اول نيك بختي  
كوروب افاز نصيحت قيلدي كدای سوار عرصه مبارز  
واي ميگان مجاهدت بوند تدبير دور كدرك مال و اهل و عيال

مجلسي  
حسان

قيلوب

بولشكر مغلوبه داخل اولشون و كمال ذلتي نهايت غرت اختصار قلمش  
ايتدي ايتامورد دولت باقي ملازم خانان نبوتدود و غرت و لقي  
متابعيت دودمان ولايت نه اعتبار سورد سروي نيايد  
كدوار كوكب حمله احوال قول حوس او كدر ايليد كوردوب  
طالعده طلوع ستاره سرفهره خاندان بول سام ايتدي  
كه قطره كلام ايد زهير ملت و يي ميوب اوني برضه ايله دوزخه  
كوندروب پهلوان ايتدو كد اهل سام و عراق اول امداز نيك  
و همندن برسان اولوب هيچ پهلواند بواقعدار اولدي كد ميدان  
شجاعته زخه عهده جولان و و او نكا مقابل دور ابن سعد  
اول عالي كوروب لشكرينه سياست كوزيله باقوب ايتدي اي نامور  
بوند حشيد و در نصير كه بختي كد دوساي عرب ايتدي اولي بون  
جواب دور لوري ميدان كيروب زهير مقابل دودوب آغاز  
نصيحت ايدرد و اماناي تكملة اول اندايشه ايتدي كه حيله ايله  
بر حيف آله زهير اول معنين آگاه اولوب ملكين و يي ميوب برضه ايله

نبي



اونی دانی هلاک ابتدای آذن صونکر صالح بکعبه کلوب  
 او نیک تمیز آید ازین شربت فنا ایچدی القصه بو طریق ایلد  
 اول موین شتی حوق سابدلری قتل و قطع ایدوب ایچ مبارزه  
 اقدام مقابلد کور میوب مقدمه لشکر اولان پیاده لر  
 متوجه اولوب اولاری دانی متفرق ایدوب بنده میدان  
 مراجعت قیلوب مبارز طلب ایتد و که ابن سعد ملعون  
 حجر الاحجار که مقدمه سپاه ایدی عتاب ابتدای کدای سپاه  
 شام سندن غیر مبارز بوجولواند مقابل دون یلمز حجر الاحجار  
 ابتدای ای میر بوجولوان برانش سوزاندور خار و خاشاک افکند  
 مقابلد خارج امکان دور مکر حمله ایلد اوچ یوز مبارز مکین اید  
 لب بن او شکله مقابلد ایدم کمینگاه طرفند زغیت قلیم اولان  
 قصه کلوب شکایتد و که اول لشکر چقوب هر یکا دن تیر  
 باران ایدوب نصرت بولال و صیلد ایلد او نکا غالب اولال  
 محاجت زغیت صانمک که آنجی خون فشان لقدور سپاهی

ایچند

ایچند جلد هم بر پهلوانق دور ابن حد بو مصلحت راضی اولوب اوچ  
 یوز مبارز مکیند متوجه قیلوب حجر الاحجار زهرین حصار مقابل دوروب ملکیت  
 طریقه ایتدی ای بر کونده وای تر سواد علم الفب بن عیار ایچون کلمتم نصحت  
 ایچون کلمتم حیف دور که سن کبی نامدار قابل غزافندار ایکن قایل غر و کما  
 اولدن حنین علی حال اولوب دور و سعادت دنیا یریند منسوب دور  
 مقتضای همت بلند اولدور که حسیض ذلت دن اوچ دفعه رغبت  
 و ترک اهانت قیلوب طالب لو منزلت اولان زهیر ابتدای ای مدی  
 عن ایدی ملازمت آل عباد دور آنکون غیر خدمت عین معصیت و محض  
 خطا دور هر نه دولت وار لیسند نیاده اولموز فی ظل دولت الی نبی  
 لا یرال و لم یزل القصه زهرین حصار حمله قیلدقن حجر الاحجار  
 نه همت ایدوب زهیر تعاقب و اند اولوب مکین کاهنه اریشد و که اوچ  
 یوز نامور چقوب اول شساری بتر باران ایتدی انا اول فرسده آسمان  
 رحمت بحق سیاطین دن ملاحظه قیلوب ذوق دولت نهادت ایلد  
 سوتی افزون اولوب و کثرت خار و فاشا کدن نایه نجاعتی اشتعل بولوب



توج برای تهنیتی اول غایت تیدی که حضرت حسین نشنیدن یا نکلون  
 اعدادن جویبار لر بودیدی اخلاک و انانی معرکه از دام مجوم ایدوب  
 سیت بن ربیع فرصت بولوب اول تهرای بوزم هلاک اوروب اولدغی  
 سیت بن ربیع حله قیلدی اول بیخت بریت ایدوب عاقبت جریان غنایه  
 جراحه دن بخود اولوب (تضعف حاصل ایدوب حضرت امام اوشاک  
 احوالندن خبردار اولوب اون نذر ملازم ارسال ایدوب اول اردهای  
 مورچه لر از دما سدن کتاک چکوب حضرت امام حنوبینه کتور دلی  
 اعضای برینده چشمه خون روان ایدی تیغ دشمن  
 نامه دور مضربی بیغام اجل متصل کلک دور تدبیر مجرای اتمیکه  
 حضرت امام موکدن اینوب باشتی یزی اوزنیر کلوب راجحه مجتهد  
 حیات مجدد بولوب کل رضایینه نکرکبی دیدن حیران آجوب زان  
 حایلله بوتکل کویا اولدی بحداده ن عشقکده جان ایتدقم  
 ویروب جان خالک درگاهنده کسب اعتبار ایتدقم حضرت امام ایدی  
 ای طایر روضه ریاضت راز دل طهارت ایدوب بی تکلم است ذیها امام  
 بنم ایچون برجام سرت میا اولیدور حیرت که ایچد وکن صول  
 تکلم اینم حضرت امام اصحابه و احباب ایدی بو سرت جتدد که

زهره غریب

فیه عرض ایتدلو ویمونک که تیغ عدودن سید بتر فیض  
 زلال روضه رضواندوب تیغ عدو زلال خیر و خواجهی سهل صانعک  
 حرارت دل اجایی دفع ایدر اولو بو تکلم اسانسد اول طایر بلیدر وارنک  
 مرغ روحی شمیم بقایه پروان قیلدی رحمانه علیه افرین اول سعادت  
 اهلن کیم جانانده جان نثار ایدی قیلدی میل عالم فانی دولت باقی  
 اختیار ایتدی دوا ایتدور که زهره حسن سعادت بولودن  
 صونک دوسای لکرو قیلدی عسکری تخلص ایتدور که کوردیکو زهره حسن  
 قتالینک مجروحدن غیر قتل اولانلو بوز نفرندن زیاده دور بوقعه  
 زهره لوی چاک اولوب ایتدیلر بیات بوکرون ایلدی بی بی مقالده اتمک  
 ممکن اولن وصفه قلندر ابطال حکم برغایتک بهرمان اولدیلر که هیچ  
 کمینده رقیبت میدان قیلدی اب سعد لکروینک اضطراب کوردوب  
 توهم ایدوب نظر سیاستله باقدوقده صف لکروده ایکی ملوک حاضر  
 ایدی بری سالم دیملیکه معروف ایدی و بری یسار دیملیکه موصوف  
 اتفاقیلده آهنگ میدان ایتدور حضرت امام لکرون حبیب مظاهر  
 غیرت بیجاغت غالب اولوب رخصت میدان طلب ایتدور که حضرت

مظاهر  
محلی حبیب بن



حضرت امام و رحمت و بر مویوب عبدالله بن علی رکاب میایونند یوزین  
سورب اجانیت میدان ایستد و کلا حضرت امام پیوری که ای  
عبدالله صاعقه سحر ایدار اید و ابرو و رخ و شان و عزان پیاده توحید  
میدان اولوب دیردی بوعر صکبلاده بنم اول پیاده کیم غرملک  
فیل بند کلا حد و دن کیدر نبات رخ سادین رکابنه صورس  
پیاده ام لعیم عجیبی خصم دغل ای قلیله سات بسیار  
بدیخت اول مادام نینو حلاله قیلوب عبدالله اوننک نیم سون رد  
رد ایدوب بر تیغ ادوب مرکبین ایاعدن بر قیدی پیاده اولدور  
فرصت بولوب نداشت قلندک ایکن سالم حمله قیلدی اول بار زوفا  
قطعا اندیشه قلیلوب اول سیاری بملاک ایدوب اوننک عقیقه  
سالمی دانی بر ضرر هلیه دوزخه کوندوب عبید زاده و نک قولدی  
اول حال کوروب اتفاق ایدر بحجم ایدیلر تصور دن زیاده جدال ققتال  
ابتد و کلا نصونکن اول مظلوم شهید ایدلر رحمت الله علیه ان نصونکن  
و هب کلبی که ماه رخساری جمع تبستان حس و جمال و سرفاقتی  
نهال بوستان حس اعتدال سنون غالیه عزیز کل رخسارینه سایه  
صامتسندی و ندرین عذارینه بنفسه خطی مقارن اولمستدی اتفاقا

مجلس و هب کلبی

هم اول زمانه توفیق تزویج واقع اولوب اولماه طلعت زهر جبین  
ایلد اتصال ایشدی و غایتکه اوکا نگران ایدی قری نام والد سنی اولوب  
اونکا الحاج ایدی ای فرزند سعادتمند و قد و کیم قله مقصودی  
هر کیم حاصل و قد و کیم اولد مقصودن هر کیم حاصل بوکون خازن  
کچینه کیم دست کربلاده خوان فیض نهادت ایچون صلاهی عام  
سعی ایدوب آذن نصیب آق کورک و روزگار ایدلر انتظار لر چکدن کور  
حصوله و عدتمی قتل ایتویوب طهر سندا و لای کورک صلاح اولدور  
که ساه کربلاده بوکون نقد جان نثار ایدوب بنم رضای بلکه حق رضا  
حاصل قیلدن و بیر زمان محنت چکوب مرتبه سعادت باقید و اصل  
اولدن و هب کلبی ایدی ای یاسه مهران نصحتک قبول ایتدیم اما خا  
جانب عروسه مایله دور مهلت ویرکه اوننکله و دایع ایلیم زیر ایندن  
چهرند اولیوب قریب و بیکی قالور اول حال ایدی ای فرزند جماعت  
نسا نقص عقل ایدر معرفت طایفه دور اولمید که غیر شکار مانع و سوق  
غالب بنی بو سعادت دن محروم اید و هب ایدی ای والد محبت حضرت  
حسین بر علی اول غایتکه محکم دکل که کوننکله شیوع عروس رضا و یا



ذال متکرم دنیا میل غلطی بولر القصه و هب عروسا یلر ملاقات ایوب  
 و راج قیلوب میداند کیرب بورجی غان استی ایام حسین نعم  
 لر طبعه کاتراج المنیر و غلبه اعدان توهم ایتوب بنیاد قتال ایوب  
 اول بلعولون جمع کثیره یلر ایوب والدی حصونه کلون ایتدی  
 کما فی نهال میوه حیاتم بنده راضی اولدوغی اول غنیف ایتدی ای جگر کوسه  
 راضی اولدوم اما تمام نعمت درجه سعادت دور و هب قبول ایوب  
 میداند بر اجعت قیلوب بحکم ابن طفیل که اسرار اطلال ایری اونی مثل  
 عاقبت مجسم لشکر که شهید اولوب بی سعادت اؤنک سعادت نلو  
 بابین کسوب امام لشکریتک یا نند بر اقدیل اول حاله اوغلی با سنین  
 عروس یوز نه صورت با فغان با سلا یلر و عاقبت صبر ایوب رضا  
 قضایر ویریلر دهر دون بر کون بر یوزن کلی بر ادا یلر بلبل  
 حسرت لر چکوب فراد ایدر آنده صوفی کن حبیب بن مظاہر متوجه  
 میدانه اولوب بیر یکن سال صاحب کمال حمید حال ایدی و کت  
 اوقات عمری مصطفی و بر تعقی ملافتند صرف قلمی و کلام آبی  
 ختم اتمک معنای اولمندی حضرت امام ایتدی ای پی بر یوزن  
 سه حضرت رسول با دکار سن و سده سده ضعیفان قوت بخاربه

حبیب بن مظاہر

نو قدور مرتکب سفت حربا و ملر حبیب ایتدی ای قدره ذیل  
 نوبتی طول عمر بنجا بوسعادت ایچون میلر اولمندی مالاکه فرصت دو  
 اکتاب طلوبه تاخیرتک دو اکل چون اهل جهان کسیرلرین  
 یاد ایلر تحسین لر ایلر دو حلوین ساد ایدر لر القصه اجازت آلب  
 میدان کیرب بو مضمونیلر بر بر حیاتملدی بنم حبیب ظاهر  
 محبت الرسول مکینه معتقد خاندان نوح قبول حسین نقد و  
 البیتم شاقیلم زهی سعادت اگر اولر خدمت مقبول اولیر  
 ذوق سعادت قبله تایلر قوت تمام بولوب مورچه خیف ایکن  
 اردهای دمان و پشته ضعیف ایکن سینه یان آلب عرصه عاده  
 کربا دکیمی رجولانه کوه کوه خاشاک بر یوزن کتوری و سیلاب  
 هر توجهده صفوف اعدایر رخنه لر بر اقوب ظلال بر تقدیری القصه  
 چهر نورانی و محاسن کافه فایله رخ انشایر چکوب صبح صادق  
 کلام ایلر فتنه بر اقلن ایکن فی تمهید بر بیغت ضربیلر ایا قدر  
 نعم اوردی کربا امام مدد حضرت امام اونی نعم سندن متاثر اولوب  
 بالذات عجلاله عوطه اوردو بر افرینده سایه رحمت بر اقد و قد راحه



انفاتیذ حیات مجد کسبایدوب زبان حالید بوسقی انساقلدی  
شکرته کچه لسه اولدی ریخام بنم درمدین مقصیل بو  
بوستان دن چقدوم حاصل ایتدوم دولت یاوید طول عمر دن  
ویریدوم جانم غریبان دن چقدوم حضرت امام اول مظلوم  
لنبارت چنان ویروب و مظلوم دوضه چنان نبارت چنان ویر  
لنرینه زک لاله ویر ویر خون نابدن آتوری باغ چننه پیرایه  
سرور کافور نام تان ککوب دانه دانه لعل قیلدی دم معافه  
زیب عذار حور روانیدور کدول سرو زلک سر سبک بیه سر کس  
قطع ایدوب باندک ساخلوب واقعه کربلا دن صونک مکینه  
قیلوب بر کینک بویندن آصوب هر کیروب مباحات ایدر کن  
حبیب مظاهرک اوغلی اوغرایوب بو کینک با سیدور دیو سوال  
ایتدوکن اول بخیر قفاغی قیلوب ایدی حبیب بن مظاهر با سیدور  
اول غلف قابل اولمخالی برضه یل قتل ایدوب حبیب مظاهر نک  
سربار کین بر بقعه دفن ایدی و حالا رؤس الحبيب دیلکیل  
معروف بر نژادور تن پاک شهید سیری تی برده خوب  
نوله کراور سه دم دفن کضدن اورو سقاوینر کونور دور

شهید

سربید نوله بر دن یں کر کشته بدن اورو اندو مصلوب کن خنم که ایلار و غفار ایلر  
باغی کر معق ایلار غفار ایلدی پاده میدان کیروب سب سکفام  
کبی اعدا تنک دور کارین سیاه ایلدی و دود آه عشاق کبی غایبی  
چوقا ایلر یوقوری عاقبت لاله ویر اعدا ایلر مردم دیده دیده ویر  
نهان اولدی حمزه علیه آذن انور معقل تنوعه عرب ایلوب  
سعادت شهادت قرین اولدی حمزه علیه آذن صونک ساروب  
معق عباس یں سیت زره و سیردن استغیا قیلوب بدن غریبان  
میدان کیروب دیلر بونه بی پروا القدور جواب ویر ویکر  
بلاییکان لورینه کچسم جانن چه یں دریاید عرق اولم نه اکم  
واریار لک عاقبت تیر بارن عدو ایلر شهید اولدی و حمزه علیه  
القصد عرصه ربع آسمانی آفتاب قطع ایدن دک حضرت امامک متعلقا  
و منسوب اندک الی اوج فرزانه سرب شهادت ایلوب حضرت امام  
زین العابدین دن غیری ان طوقوز نغمه انتفاض شهادت عالمیشدی  
اماد رجه آفتاب ارتفاع بولدو قده حرارت روزا سستاد بولوب  
بر غایت یتیمشدی که حرکات صرصر هم سنا به خطیر خاک سهام بر قار ایلدی

مجلسی جزئی

مجلسی شارب



کور ناری در خطیرم فاک اخگر نقل اختر افلاک موج اوروب  
 لحظه بحر ارباب تسبیح ارتور سری حیرت آب فتنه آتش کجای  
 میدان سعله سمیرایی سر پیکان آتس اورسیدی عالمه خورشید  
 عالم اولسرای سایدن نوید القصه حضرت امام چون لشکر  
 اعدا تنک کمال غلظت و عدم مروتین ملخصه قیلای و اکثر لایین  
 مقتول کوروب کذ و تنک تنه اجابنک دافه مرا خجالیین نولد و غن  
 محقق بلای و ایل یقینک حدت جوان و فویت اجابدن و تسلط  
 اعدادن و تحسیر نام حکم لکرمه مطلع اولای واه در دالود کوب  
 اسنک حیرت توکوب زبان مالید بوز نمکویا اولای نذر  
 ای چرخ اسرای عزیز اسراف خوارتمک خلافا ایلان سراقان  
 اهل صدق خاک سارا تمک القصه اطراف و جوانبک اولان اخوان  
 و انساب تسلی طریقیای قیلای همیشین لر قیلادر عزم دیار قرب  
 اول وفا ایلان اهل ایلتوب تمک لک حضرت امام اولادی  
 کایت قدم کوروب دعا قیلای تسلی اولفقد اهل بیت ز من شک  
 عبدالله بن مسلم عقیل احارت میدان استعا قیلوب ایتدی ای  
 نور چشم رسالت اجازت سر بیفکله متوجه روضه رضوان اولوب

عبدالله بن  
 مجلسی  
 مسلم عقیل

لانی

سلاطین سله تورمک نما کینه ام همت دینغ ایتدی الحاح قایلدر حضرت  
 حاصل ایدوب میدان کوب جولالم ایتدی که معلاد بانکدن غیار صلاحیت  
 فلک ثابت ایتدی و اولاجاندن هم خجس روسای لشکر نمیه طریقیای  
 ایتدی ای بیله را احتیاط تمام بدو ناک که جماعت خواص بی هاست دور  
 اگر مرکب لیزه جوع و عطشند اما ضعف و آب حرارت جوع اطفال  
 دن اولسیدی هر یزدن نیم کبی یوز اسکر عاجز اولودی قایم معا  
 اولان سمیر سعله اصاب و طاریت قیلان ناولک دلدوز حرکات سهم جگر ایتدی  
 پس اعیان لشکر دن قدابن قریبه متوجه اولوب ایتدی ای قدامه من سجع  
 اهل روزگارین بوطولان بی هاسته مقابل دوروب شرینی دفع ایت قدامه  
 بی دولت عبدالله مقابل دوروب عبدالله ایتدی که فرار ایدوب حنک  
 نوبت تردد ایتدی که عبدالله تشنه لفظن سست اولوب بر کوسه قرار  
 دوروب نیزه سن الذن براقدقه اول عالم زاده فرصت بولوب و نکا  
 بیر نیزه حواله قیلای عبدالله اوتنک نیزه سن الذن الوب برضیله قتل  
 ایدوب مرکبیز خوب کذ و موبین قولنه صالوب متوجه عرب اولدی  
 لشکر خوارج اول حرکتدن متوجه اولوب مقابله سنده تا خیر اعلیین ده



تنها قالوب قلب لشکر وروب بن سعد وک تحت لوانده صالح برهیری  
 قتل ایدوب بند مراجعت قیلدوقده بیر متقی مکیه سقط قیلوب پیاده  
 قالوب وکرت جراحدن نهایت ضعف بولوب بفضل بر مراحم ضربه  
 اول خلاصه شهید اولوب رحمة علیه دروغ ودرخ که خوشدل  
 آسمان کمال جفای جوخ دن اوج رفد کورده وبال جهان  
 نظار حسیله خرم اولمکی اکن بیقراری جام اجل نول ایدوب جهان  
 ملال آندن صونکر جعفر بن عقیل میدانکیر و بومضون  
 بردنجا فاذ ایتدی بنم که نقد عقیل مکی غلام حسین  
 حقیقا قمتنکا ای مخالفکم بی سرور عالم فانی دکل مرادینکا  
 بنم مقارن اولاد سیدانقلین مدعا بنجده خالغری قتل اتدودن  
 صونکر عاقبه عبادنه عرو ضربه سعاد سهادت بولدی محمد  
 واولا عقیل محمد سرارده سهادت اولدوقدن صونکر نبوت  
 سهادت اولاد جعفر طیار دوکوب محمد بن عبادنه جعفر  
 پلوس برینه سرف اولوب ایتدی ای سیمخ قاف قربالکی  
 وای ساهبان آسیانده ناستای جانیت التفات که میدانکیر و ب  
 کافرین نهاد بدیرت ولحد اعتقاد زست صوبه خابجی کردن  
 مؤمن لودن انتقامک اوب جواب حاصل ایدم القصه امارت

مجلس جعفر بن  
 عقیل

مجلس جعفر طیار

اوب

اوب میدانکیر و بومضون سید بر رخا فاذ ایتدی  
 نه الحمد فان غم رحمت کنیدی ایچکدر جام سهادت شکانوبت  
 دین طریقانده شهید اولمقاییدی کام دلم ویری کام دلی  
 دهر شکاریم ایتدی نقار بیکان ابداد ایلدند دانا بیل غوری  
 صفحہ روی دوزکار دن کونورتوب وباران ذل تیره تیغ ایلد  
 سکان سواحل غفلت رخت فراقین سیکل قید ویری عاقبه شهید  
 اوندن صونکر حضرت قاسم کبر حیاتند بر آفتاب عالم تاب ایدی  
 لطافتک بر لاله نور شد سرباب ایدی عبادنه بر حشک اول مالت  
 قیلدوقده فضایی عالم نرکین مهلا سینده تار اولوب اول مقاری نهایت  
 بر اضطرار اولغون سلطان کولانک رکاب بایوننده یوز سور ایتدی  
 ای هم بزرگوار وای خداوند الهی مقدار رخصت دیر که یونامی لودن انتقام  
 آلمقد میدانکیرم و زبان شان و شان زبانیله اهل صلا کندن قانیر  
 صاحب جوابی ویم اول شهرار کام کارنک غمقین ملا خظه قیلدوقده  
 بر طرفدن خواتین هم لری نبوت فرایده کلوب داس اقتدار نه دست  
 نظم اوروب فرایده کدیلر کدای کلدست نوبهار فضیلت سندن زبانه

مجلس حضرت  
 قاسم علیه السلام



حسن مجتبیٰ کجور فراموشا تحمل اولونمز ویر طردن حضرت امام طریقت  
 سدد و ایندی کدای سمس ابوان سیادت برادر او کدم ذکر  
 سنکله احیا اولور سنکا بدل بولونمز دوی در فرق حسن بنکا  
 سنن سنک تو جمنکا خاطر رضا ویرن کورر ستمنک کیمکه  
 بومضافیکر موقم سنکا مطلق ستم واکورن روایت دور  
 که سناه زاده قاسم هیچ وجه ایله رخصت سیدک بولمیب فایده  
 سالم اولدوقد خاطر یغنه یتدی که حضرت امام حسن عالم فانی  
 دن کبدن بر تعویذ یا زوب یا زوی مبارکند باغلیوب وصیت  
 اتمسیدی کدای قاسم کمال ملاکت بولدوقد بوقعودی آچوب قیوب  
 مضمونن علی ای سن کمال اندوخی مشتمل مطالعه تعویذ اولوب  
 اول تعویذی بر طوطی آچوب او قدقد کورری یازلس کدای  
 قاسم سنکا وصیتیم بودور که حضرت حسین دست کولاده  
 بلاید کوقتا اولدوقد زهار زهارا و نکا نقد ویر که تقصیر  
 اتمید سن و هیچ جانایله قفل دو قید سن بودور ای طغنه  
 پاکین وصیت سنکا کیم نقد جان صرف قیلوب کسب سعادت  
 قیلر سن لذت عمر منی قیلر غافل حقدن کندونکی قابل

اقبال مهادت بیلا سن سه زاده اول تعویذی حضرت حسین  
 کوسروب اجازت ایستد و کده حضرت امام ایتدی ای نورید  
 و سرور سین اول حضرتنک بنکا دخی بروقتی اولمیسیدی امانا  
 وفاسیند دوران مساعد اولمیدی وانجامنن نک معاونت قلمادی  
 پس قاسمنک الین دو قوب جم سراسر عصمت کیدوب عون و علی و  
 عیاق علی حاضر ایدوب خاتون جم سراسر ایتدی کد قاسمنک نامونی  
 اولان نه زاده عروساند زینت ویروب کورر ل حضرت حسین اول  
 صالحنک الین قاسم الین ویرب ایتدی ای راحت دل حضرت حسن  
 مقتضا سحر بوامانی سنکا تسلیم ایتدوم عروسان مرادی سناه زاده  
 تسلیم ایدوب حضرت امام اول جم سران جقوب متوجه سید  
 اولدی قاسم بن حسن اول غنچه علوی رخسارنه خیران اولوب  
 تنگرایک لسنک مخالفدن صدای ملل سباز سیم سباز کیندیر  
 بی اختیار تران ملوت قیلوب عنایت سیدان تدارکند ایکن طهر  
 خاندان عصمت دست تضرع دامن اوزوب ایتدی کدای سیم  
 طهارت و غنچه کلن سیادت بوامانی کیم تسلیم ایدوب کیدر سن



قاسم آب دین روان ایدوب ابتدای ای برادر کلزار عصمت  
وای بجوم پسر عفت علی لکون من امام حسین مقابله و نندوا  
که بن سرور مایل اولم و استیلا اعدا لکوا سلاحه حاصل و در نندوا  
که بن ساکن خلوت قسری عفت اولوب تغافل قلم بنم و عده تزویریم  
قیامت دوسدی معذور دوتون زمانه برکل ابتدای  
سرو پیوند وای سرو اولدی کل برادر خوند ایلد صالادی  
فرقت اخراقی کل کوشیدی اول سرو نک فراتی فلک بی رسته  
کلدی یکی دور کسوب اول رشتی تیغ تغافل برادر بر برینه  
در لوی قور قضا بوام دور کو با که ماسور عرو سنا مراد  
بر آه حمله آتش اوروب فغان ابتدای که ای مخدوم زاده قیامت  
کونی سنان مقامه طالب اولیم و نه علامت ایلدنی بولیم سینه زاده  
ابتدی ای کل اسکندر وای کوه را سفت عرصه قیامت ده خدمت اجل  
جامه چاک وید غم ناک ایلد بولوق اولور پس عرو سله و داع ایدوب  
توجه میدان اولدی اهل بیتدن عزای غلغله افلا که حقوب حضرت  
امام کور که قاسم توجه درجه نهاد دور کویا تنک چاک ایدوب  
لباس کفن ترکیب ویروب کند و تیغ نک بیلنه باغلیوب میداند

کونند

کونندری قاسم میدان کیروب جولان ایدوب بو مقصود ایلد برنج  
آغان ابتدای بنم کل چمن صدق قاسم بن حسن که نقد بان  
قیلورم نوز خاک پای حسین مقیم کوی فقام مسافر ده حق  
قبول اوجن طالب ضای حسین و لشکر اعدای جلد قیلوب و مقابلنه کلن  
حرام زاده لوی بهلا ایدوب و صلابت صوتیلد نغمه اوروب سینه غلظه  
اوردی و قلب چایده عمر خسته مقابل دوروب و ای سوزی که ای جفاکار  
بوخه بوتلری سید او بتدون وقت اولدی که استغفار ایدوب بو  
بشمان اولسون این بعد ابتدای که ای بزرگ زاده وقت اولمادی که سیر دانی  
بو طغیان ترک اید سوز و نیندولک بعیتک قبول اید سوز ساه زاده  
قاسم ابتدای ای شقی طغیان بودور که در دفرای جمع مخلوقات مباح ایکن  
اولاد رسولدر دین ایدین انا عظم صحرای قیامت خاطر کما یقونی  
و وعید کلام منزه دل کما اشرا بتمیزی ابن سعد اول کلماتی استماع  
ایتدو کل ملزم اولوب لکونینه یوز دوتوب ابتدای ای مبارز لوت سوار  
یکانه و جماع فزانه قاسم نرسند که سبوق نجاحت او کما از بیلد شمشیر  
و آیین رزم او کما ابا واجدان انتقال ایتدور روز رزم خنجر ابدان



محبوبان و اولادك مكراتدن زياده ميل ايدر و بنگام حبيب نيز اژدها نمودن  
 صهار فاشندن فنون توجه قياوس بود و اول نقد جبرگوار كه  
 چكوب نينغ تيز ايدند قتال ريكندن خيبرني داسه وار لمعه برق  
 آفتاب نال طاهر طير بر تو رلزي ميل صيدا ايلسه آويش پروبال او نكا  
 ايلر يواي وصل و توب مرغ روح مخالف استقبال حقا كه اهل آسمان  
 و زمين ببيرون عاريد سينه قدرت بولزلر و ابطال مرق و مغرب كان يكا  
 دفعه قادر ايمان صلاح اولدور كه جميع لسكر اتفاق ايلد او نكا توجه  
 قياوس تكين جدال و يويوب كركت تيغ تيز و تير و فتن ايلد هر طرف دن  
 اعضاس مجروح ايدوب و صدمات و از كور و نفي ايلد هر جا بندين  
 روحين سراسر قله سر شايد كه بويدي ايلد او نكا غالب اولد و لاسه قاسم  
 مظلوم بو و اقعده دن بچكركن اول كور و جفاكار پياده و سوار غاشا  
 نيز و ناو ك ايلد سيلاب مائدا و ل سربلندا اقتدار متوجه اويوب  
 ارايد آلوب بنياد جدال و تير باران ايتديلر كانه زاده قاسم اول غلوانديسه  
 قيلموب بر حمله ايلد و اجمعي پريان ايلدي بن سعد ازرق كاسيه  
 كه پيسالار سام ايددي تو طعنه اويوب ايتدي اي پهلوان سام منظور

عولطف

عولطف نيز ايلد من سكامه همچون نه مانع و نه كد حقوق بومبارنك  
 فتنه دشم ايتدين ازرق سامي كج طر بفيلا ايتدي اي ابر حدي بني عرب ديارنده  
 نيك مبارز و ابر و تر نه مناسب د و كد بر طفل ايلد مقابلد و دروب  
 ناموس و مكرت و ايم ابن سعد ايتدي اي نادان بونبير حضرت <sup>مصطفى</sup>  
 و مرتضى و درو بو نقد حسن نجيبه در حقا كه اكر اشته عطش دن طبع نام  
 مزجي اولوب انحراف مزاج بولسيدي بوي سپاه ايلد مصاف اتمك او نكا  
 عار ايلدي ازرق ايتدي چون سبالغه قلعه در دورت اولم و اهريري  
 نادر و وركار دور بوي نوم ايدم آني دو توب كنده و ن پسر اول  
 بدخت اكبر اولدند كيت و يويوب سيدان روان است و كده اول علم <sup>نامه</sup>  
 زينت تاملد قاسم مقابل دروب حمله ايتد و كده قاسم او نكا طعن  
 رد ايدوب اول ملعوني برضه ايلد مريكدن يعوب كا كلدن دو توب بزم  
 اندك كوز دروب اعضاسين سيند و ب مبارز است و كده ابكي او غلي  
 ميدان كير ب اول سامهار آسيان شجاعت برضه ايلد او لكه ملخي ايتدي  
 او چو نجي و دور نجي او غلي ميدان كير ب اول سامهار ميدان مهابت



املا ری دانی دوزخ کوندروب ازرق غضبناک اولوب صلابت  
 تحاسیل پیدا نیک و کله سزا دیر زبان درازایدوب ناسزا لری  
 سزا دما یتری ای ازرق اضطراب یلد میدان کوردو کلهک اوغلان  
 فراتلک ایس بودرون درمائی اولمه دور حضرت امام ازرق  
 سائی ملعونی میدانه کوردوب اضطراب پیدا قیلدی زیرا اول حرام  
 زاده نجاعتک شهر دوران ایدی و ساه زاده هم نور سید و هم تخته  
 و هم تعیناک و هم نکران ایدی دست نیان درگاه بی نیانه آجوب  
 دعایه مستغول اولدی القصه ازرق بدبخت ساه زاده صاحب جاد  
 حله لری قیلدی و ساه زاده آنک حله لری رد ایدوب معامله جدال  
 ادا لرون چوق زمان اشتداد بولوب عاقبت نسیم حضرت ساه زاده  
 جانبدن تحریک اولوب اول ظالمناک دفعه فرصت بولوب برتغلر  
 مرکبیدن بر اقوب باشین کسوب مرکبین جثیه قیلوب حضرت  
 امام طابینه مراجعت قیلدی و زبان حالی بو توغده گویا اولدی  
 ای ملا لایح اقبالک هلاک لایح دین نقص فعل مرکبک شراب  
 از باب یقین اقتدی رخ دور فراتکا اولتی طبع اصلا ایمان دوشی

بیملا املاک

بیملا املاک املاک یا امام المصنفین یا امام المصنفین یا امام المصنفین  
 براقعه دور و نایق قضا بماند قصد ایدوب حکم قصده ده دور و نایق  
 ساق دور اندک تسکین حیات ایدوب بر قطره سواستیم تسکین حیات  
 کاه کفرین اقل سلیح اسلک روانه حواله قیلور و کاه زخردن روان  
 اولان چشم چهره قانده اساستایلر و کاه ذلال تیغ اعدایه رجوع ایدور  
 شاهد ذوق و فارخسارند ای چرخ دون فی توقف برده قوت  
 حکمک ندور بر ایچم سویر مدون تخته حکم لری قصده خیر یلد  
 شمس خطا حکمک ندور حضرت امام مظلوم برده سرت شهادت  
 تسکین و یروب ایدی ای قاسم بر دانی دولت دیدار غمیت دور هم  
 واروب اهل بیت ایلدر رسم مواد عثمان قیل ساه زاده توجه حضور اهل  
 بیت اولوب عرض عصمت برده سراد حقوب پایوسینه سرت اولوب  
 نوحه لری قیلوب ساه زاده او کاتسلی و یروب نینه مراجعت قیلدی  
 اما موقد ضمیرنه ناصحیت بغایت مستغل و ضمیر منبری تامل کیفیت  
 عواقب امور ستمل اولوب دوی ندان دور سکا قیلدی جدا  
 هزار یارندن چکوب زحمت ندانم بی یلد آشنا قیلدی القصه



سازنده کامل هزار اندوه سیدان کرد و که نظر مبارکی عبید زانک  
دایت بخوست آیتند دو سوب محکم هفت اونک دفعه مصر و ایوب  
قلب پاهر متوجه اولدوقه پیاده لرسا نهاده تنک منعند اقدام ایوب  
اول حضرت پیاده لرسا مستغول آیین سیت بن نجی کشف مبارکند برینوم  
حواله قیلوب اول سوار معرکه شجاعتی مرکبندن براقدی او حضرتک  
سیکوی بزی نجی اولوب مرکبندن جدا اولدوقه نغمه اوردی کدیاقه  
ادر کفی حضرت امام حسین اول صدادن متاثر اولوب مرکب عاهدت  
سیدان صالوب صف لری صند وهری کوردی کداورده ریاضت  
ولایت الوه خاک و خون اولوب سیت برنجی اوزرینه مسلط اولدی  
سرمبارکین بدندن جدا قتلق الیت برضه لیل اولیلدی شهنشاده تنک  
اوزهندن دورا ایوب اول شیدی کتوروب خیمه کاهه یوردی هون  
جیاتند بر دوقاقی ایلی اهل بیت اوزرینه جمع اولوب نوحه  
و فغان آیتدو که آنلرک صداسیندن بی نوبت ترکس شهلا حین  
آچوب کلای تبسم ایوب کلکون جانده عزم آیتدی رحمت الله  
علیه رحمت اولدو لکن کیم اختیارات ایله رغبت بو  
فنادن کوتود یلمی بیل باغلیلو باغلیوب طریق محبتک مردوار

هر عوی آیتدو سه بریند یوز یلی خاتمه حضرت امام حسین علیه السلام  
واهل بیت شهادت بیان ایدور  
معکه لای میدان کلام و انجمن پیری عفل اخبار اعلام تنه احوال کربلا  
بو طریقه خبر برسون شهادتک احوال نجابین بو طریقه بایر کتوروش که  
حضرت امام زاده قاسم سعادتیلر داخل اصحاب الحنقه هم القانرون اولوب  
متوجه عالم بقا اولدوقد نمونکه نوبت تجرع شهادت عباس علی مرتضایه  
یتدی باکله قهر و ترقیب اولورنم سور نوبت ایله یحیی لرحام  
طرب فرزندلر یحیی دوات شهادت رسته سیند و بری تاب دورا  
بر بر دولی رسته دزدانلر القصد عباس بر علی عمار سپاه و علا  
لشکر ظفر بنه ایدی علم علامه جانونی دل زنده حکم ایوب بو طریقه  
عرض نیاز آیتدی کدای لشکر سفینه صبر تحمل وقت اولدی کدمن دافعی عالم  
بقاید توجیداییم حضرت امام حسین کوان اولوب بیری ای عباس  
س علامه لشکر اسلام ایدون و علا شکا دافعی لافم اولدی اولیا  
علم حکمن اما نصیحتم شکار بودور که سیدان کتوب بو ظالم یحیی

مجلس عباس علی علیه السلام



ایدر ب نصیحت قیلدن عباس علی قبول ایدوب توجه میدان اولد  
ولومضنون ایلد بر دخی آغاز ایتدی بنم عباس سردار مخالف  
خضم افکن طبع مصطفی نقدایر المومنین حیدر اگر در برابر  
دو شیخ آتشیارنگ عیسی سعادتدن اولور در پاده بریر قطره  
بر کوه و کو تو افند بر تو صالح السمع رایت خرم ضیا سندن اولور  
تیر افند هر ذره بر اختر اظهار ارم در سم ایتد کندن صولکوم اواز  
بلند ایلد نقیاری کدای قوم بی خوریت اگر نصیحت قبول ایتد نکون  
حسین بن طیلدن پیام وار و اگر خلاف طریق مروت دونسکن  
منصوری کار نام اول معاندلور دیدلر بیغیا ننگ دور عباس ایتدی  
ای عیالی حضرت سلطان کر بلا و جگر کوسدن بر یوردی کد تلمای  
یو اخوا ایلر قتل ایتد نکر وقت اولمادی کد بواحوالدن ایشان  
اولوب بو یزادن واضطراب تعطشون عورت و اطفاله بر ایچم  
ویروب و اندازی آلوب جانب دیار دوم یا هند حقوب جزیم  
عرب و ملک حجازی نیز تسلیم قلم بو کلامدن لکبر برید غفلت  
دو سوب بعضی متاسف اولوب امرای لکبر قصد ایتمک تعارضدن لکبر

شمر ذی

شمر ذی لکبر و سمیت نریج و حجر الکجار قتل ایتدن تویم ایدوب لکبر  
ویر یوب حضرت عباسه مقابلد و در بایتدیلر ای عباسی کو تلمای روی  
سیلان اولسه و آنک حفضینه بر قوم قبضا اقتدار و ویریه لر وین  
بیعت ایتد بر قطم سوحینه و اتباعه ویر ملک مکن دکل عباس  
اول طایفدن نوید اولوب مراجعت قیلوب عرض ال ایتد و کده  
نکاه اطفال اهل بیتدن فراید فراید العطش العطش سمع مبارکینا یور  
بی ایکی شک و مطهر آلوب به اختیار سیل مانند شوقه و رود قتل  
اولوب و اول ورت ننگ نامرد که محافظه فرات ایچون مقر اولی  
ایدر عباسی کوروب سوار و پیاده اولوب تیر باران ایتدیلر اول  
بیتد ولایت و مهاجرت اندیشد قیلوب اول کوربه حلقه قیلوب اول کوربه  
حلقه قیلوب رود فرات کدای قاتلکین ویر یوب سوار و پیاده  
تیر باران ایتدیلر اول ننگ دریای شجاعت فراتدن حقوب بیند  
اول دریای طغیان عصای موسی کبی چاکلر صالوب فراتد مراجعت قیلدی  
ایتدی کد مرکبه یلر ایدوب کند و دانی بر مقدم سواجی یتد اهل



لب تشنه و جگر سوخته لاری یادند کلوب دو کوهی که اندرون مقدم آب  
اوله القصد بر اجم سولجوب النذکی سک و مطهرم بر آب ایدوب قندنج  
اول بخت لرا طافن آلوب تیر باران ایدوب انای محاربه ده نوقل  
ازرق حرام زاده غافل تیغ بدیرغ اوردوب اول مظلومک ساعدین  
بدن مبارکندن جدا قلدی عباس علی اول سکی النذک بر اقیوب یازی  
لیسان صالوب روان اولدی بر حرام زاده دانی فرست بولوب خبر  
بازی بسیار دانی قطع ایتدی دواتدور که اولانی جعفر طیار و و  
حیدر کار اول سکی بر اقیوب مبارک دیشلرله کفنه بر اقیوب  
و کابیلده اعدای اطرافند منع ایدوری صبرن قطع کف ساعد  
بنی منع الیز نخلی قلمن نخرن نقصان برک ساخسان مردیان  
بلاجم قطع اعضادن مبارک شهرمند دور پرواز اوج اقتدا  
ناگاه بر حرام زاده دانی زخم ناوک دلو و زایل سکی دلوب آن اول  
سوی مظلوم لرا سکی کبی و شهید لوقانی کبی خاک کر بلا دیو کلدی  
حضرت عباس اول واقندن بریشان اولوب آه جگر سوزینه بر  
آتشندن جکوب ایتدی یارت بوند حالندور که بی قطره سوا نهل

نصیب اولمز

نصیب اولمز هاتندن نعل کلدی کما ی مظلوم حصول درجات  
اغری اسان اولمز و جفا چکدن هیچ سالک منزل مقصوده  
در بولمز فراغ آتشی دوشن قیلور چراغ وصال حرارت عطش  
ایلر زیاده ذوق زلال القصد عباس علی اول یکی زخم مهلاک

مکتندن دو سوپ غم اوردی که یا اخی که یا خاک حضرت امام  
اول اواری استماع ایدوب فغان ایتدی آنک ظلمی یعنی سندی بیلوم  
سندی و آه جگر سوز کلدی که زین کر بلا تنزل اولدی کلدی اول

سرو ضویر که دل آرام ایدی راحت سین و کام دل آرام ایدی و حمدانه علیه  
رحمه الله علیه

چون جمع انساب واقیر شهید هادوت نوبت ایدوب نوبت تجرع و حمدانه علیه  
رحمه الله علیه

شریت بقا حضرت حسین و اولاده نیتدی وحدت آتشی تم جگر  
کایانه نایش ایتدی تجاوزن قیلدی حددن ای فلک بیدار

انصاف ایت بیو قظم اسرار ایلوب تخفیف اسراف ایت ه قیلور مجلس علی اکبر

که حضرت حسینک اوج او علی اولوب بری علی اکبر و بری علی ابط علیه السلام

و بری علی اصغر اید که عبدالله دیر لری و حضرت امام اتک احسان



مکتی ایدی اول سر و پلک بقا و محمد سر پرده وفا اولادینک فوت و موی  
کوردنک مصلحتی ایچون اذویند سلاج مشرب قیلدی متوقه سیدان  
اولما غرضم ایتدی علی کبر خورشید رخساره حضرت امانک کف  
عمر پاید سینه سورهی و تفرع ایتدی که سیدان رخصتی ایستند  
هر خبه خایه هم ساری بقوت فرهاد و فغان ایلد مع استبدل فایده  
قیلادی حضرت امام تضرع و الحاحون ستا اولوب کندو مبارک  
الیه اسباب زینب مشرب قیلادی حضرت آدم مکرم که شاه و شاه  
دن باد کار ایدی بیلند باغلیوب و حضرت عباسک مرکبه بند و زو  
بخت عالی سین بدو قیلولوب سیدان دون ایتدی وه که  
اولدخ سفر عزمینک ایلدی شهر و صحرائی یخ کوته کلم  
تنگ ایلادی روا بدور که اولن مانک شاه ناده اون سکن  
باشک ایدی سنبل کیسوی سکباری کلن رخساریند ساری  
ایدی و اطراف لاله زاری بنفشه ترون نرین اولمقد ایدی بو  
مشهور دور که حسن و صوفیه در و اللهه اذن اسید مادر ایا  
متولد اولمشدی و اذن المله دایم وجوده عدمدن کلمه سیدی  
هرگاه که اهل بیت استماع کلمات رسول غالب اولور دی اوننک لعل منک

بازند

بازند کفتان کتور لودی و هرگاه که دیدار سید کاینات سناق اولور دی  
اوننک لعل منک بازندک آننک لعل صبر شدن دینه نور سر و پود لودی القصد  
اولکلن سیاحت اولزان که رخصت الوب و غرامان علم مرصه سیدان ایتدی ذوق  
پایوس سمند سبک سیرندن زینب سیهات زینب و امانت ایتدی عقاب  
برق شای صبادن صبادن قرار شهر المیدی حلمان سرعت رفتار رسیده  
رختی صالوب نقش پنج ریزه نعل نوبت ایلادی ظاهر کوکب شیار لطافت  
حرکتند آینه افروز لایروب طبق طبق در غم شهر قیلادی تار بطرف جلان  
لور ایدوب اندن صونکن بیان اسم و رسم ایدوب نعم اوردی که بنم سکون غزال  
تقوا و بنم نقد حسین بر علی مرتضی بنم اولسناه شاهزاده هر که  
صفایمده عقل جبران دور حصص اوصاف قدر و منزلت خارج احوال  
امکان دور نور بخش جریح ایجاب ماه کونین شاه مردان دور جذایکم  
محل بریل اصل ذاتم علی همان دور عین که اول فرغ سعته عالی  
مطالع قیلادی و اول لطفه حسن مقاله واقف اولدی غیبه بیلادی کشف  
قیاحت اخلاص ایدن اوانچه بلوب آه حبه جگدی اعیان لکن ایتدی انجم  
پور و راکب اولاد حسین بر علی و در شکل و نمایان سبیه حضرت نفید و در بختان



متحیر اولوب کینه رخصت و بریدی که میداندیم و او را برالم میترسید زیرا که  
 بهادی که مکت ایندو که تفرض لشکر احتیاج اولوب اولو جوان هلاکند  
 نطقی و تیز ناول اقباب معزان و سنان زهر سگاف سموم جگر سوز کفایت  
 ایدر ستمزاده کوریکه که در نیک ایتدک ایلد ستم حرارت تیز اولوب موجب  
 ضعف قوی و باعث سق اعصاب اولوب بیجا با کد و سق قلب پاره  
 اوروب بنیاد جدال ایتدی و حکم زلال سیمه ایدرینی ممکن اولدو تحفه  
 مجاری عروق ابدان اعدا پروریدی انا اظهار کمال شجاعت ایدوب  
 سق قیلد خلت ایدر تاب اقباب دن ذره حلقه حرارت بولوب  
 بدن نان پرورنده اغدار اوردی و احتمال آله حق کشف سر یغیند  
 الم میتریدی بار تار پر بندن انجمن جم لطیف بیجا چگون  
 دزم میداندک بنده ایند نان پرورده نغم شفت و احسان اولد  
 نیجا لیسون قابل بدیدار اهل علم کین القصه کلفت آلات نرم علاقه  
 اندو نطق اولوب کینه زاده طلاله حرم کنان چقوب والد  
 برز کوریکه ملا نغمه مراجعت ایدوب فراده کلای کیمیا ایشاه  
 دنجی العطش و انقلد الحدید بقی فی ملک ایتدی سوز لایق

و آغورلند و در بار آهن حقا اگر بر قلم سوا ایلد تسکین حرارت و بریدوم  
 لشکر مخالف غرق طوفان فنا قیلدوم حضرت امام کرد میدان چشما کرد  
 بان ایدوب حضرت رسولنک نکین مبارکین تسکین حرارت بخوب  
 لعل ایدرینه ملازم ایتدک بومقدار تسکین بولوب ینه میداند مرجعت  
 نوبت ابن سعد طار قانریش ایتدی که ای طارق سن میداند کیروب  
 بوشاه زاده دفعه قدرت بولسانک ولایت موصلی سکا اغلام ایدوم  
 طارق ملعون موصل هوا ایلد میداند کیروب حضرت علی بن حسین علیه السلام  
 قیلد و قد ستمزاده اولد بختنک نیزه سین ردا ایدوب سین پرکیند  
 سین بر نیزه اوردی که نوک نیزه ستمزاده حرم زار جسم پلیددن  
 باس چقوب هلاک اولدی اندنضکر عمر طارق کلوت ستمزاده الدین  
 فنا ایلدی اندنضکر مصرع ایزد ایلد کلدی مقابل اولد و قد ستمزاده  
 شجاعت مصطفوی و جلالت برضوی اظهار ایدوب تیغ ابدان ایلد  
 نیزه سن قایلوب فرق مبارکین برضیت اوردی که ایکی پاره اولدی  
 سر کبتیک ایکی طرفدن میداند دوسدی لشکر مخالف اولضرب سق  
 کوروب برک خوان کبی لرزان اولوب محاربه بندن سموم اولد و قد  
 عمر بخش محکم بن طفیل ایکی بنک مبارک ایلد اول اقباب احسان ولایت





امیرالکوب نهاده اندیشه قلیوب نشاء ولایت سستی اولوب اول ایکی ک  
نامری بتفرق ایدوب برداشی امام خدمتند سوتجاولوب ابتدای ابتاه  
الکعبه العظمی حضرت امام دیکه نمکدن سیل خوابه روان ایدوب دیری  
ای چکر کوی صلیت کسک ایچون شربت کورمه تیا اولوب دور ساهله  
اول بنایتله میدان مراجعت قیلدوقده لشکر هجوم ایدوب یمن وینا  
الوب نهال جیم لطیفی کلین غنچه کبی پریشان الوب سهرالاعضای سینه  
مختلفه ظلم چاک صالوب عاقبت الکوب قمر طعنه سیله ویروایتده  
مقبرین سحر عبیدی نخله مرکب دوشوب نغمه اوردی که ابتاه  
ادرکنی غرق کوراب فراق اولدوم ترحم قیلنجا شرح ایدوب  
حالم بنکا بالله تصور دلاری قیلدی جلد امل قصد بیکم تنگیچون  
عرض قیل دلدارمه حال افکاری واریکن جسمه جان مقصوم  
اولدور کیم قلم سمع دوشکدن منور دیکه خوناری حضرت  
امانک اول مظلومک انتظارینده ایکن نغمه سهرنیمدوب بی اختیار  
میدان کوروب اول سروزان خاک مذلتدن کورتوب خیمه کاهنه  
میوردی و خسارین خسارینه سوروب ابتدای ای فرزند دلبندوی  
ادام دل دروند بی تکلم ایت نهاده کور کوب والدین کوانک ورا غمک

خسارینه

خسارین والدیه بقارین اوزرنده کوروب ایتدی یا ابتاه  
کوروم که ابواب آسمان مفتوح اولوب شربت طسبیلدن طابری شرب  
شربت اولوب دور بوتکم اناسند روح بر فتوح رضوانه انتقال  
رحمت الله علیه ماه جالالت اول کل بلغ رسالتک سر حجاب  
مرک نهان ایتدی ای دینغ درد که ایچدی نیم بلاده می فنا  
جان جهانن المدی اول نور سید کام کلزار کور کور کور مدین  
بهار ماه جالی ایتدی غروب اولدور تمام حضرت امام باجو  
حوق تمام خواتین اهل بیت اول مصیبت کسکه ویروب دیردی ای  
اهل بیت رسالت بلای آسمان نزل اولدوقده اناری جمیع کانیات  
شاملودر و کافر و مسلمان احاطه عموم محنته داخلدر اصحاب  
مصیبت هر کیم قیلور خرج سالیته مواهب عفو و عطا د کل  
معلوم اولور مصایب ارباب کفر دین کیم صبر دور و سید رحمت  
بلاد کل ای خواتین ساروکه سرو عفاف صبر ابدنک و تحمل  
پیش قیلن که بوضو تحملک نجه سی انقذه روضه نعیم و دنیاه

روح و سهرای علی اکبر  
ما و جفای علی اکبر



قیامت دیک احترام و تعظیم دور نهاده نهاده بدن صونکره کریم  
 حال ایدوب سوی بر بیان ایتیمه غرا تا گردن سیری منع ایتیم  
 ذبلک آب دید مظلوم حدیقه علی مراب ایدد و سبل سبک غریب  
 و مهر خنری سوات علدن غبار کدورت کدورور پس ایا غر  
 اولادنی آکار امانت طریقه تسلیم ایدوب و مجموعین واجب  
 تسلیم ایدوب و غای قیلوب میداند متوجه اولدوقده مطهرات  
 اهل بیت بیر نوع ایلد نوصیلدر و بیر نوع ایلد نالاک اولدیر که سخا و صلح  
 ملکوت غلغله نوصه لرندن سر سیم اولوب کسب و تعلیم او توتدیر  
 ساهدا فراد غم دور کدورت فراد و آه سبل آب چشم مقداری  
 دل از زنج دور اهل خراسانه نمیشدود غذای اهل بیت چون  
 غرای سیر کیمتک مقتولی مقدار خجده دور اول حاله مقارن علی  
 اصغر که طفل سر خوان ایدی و حرارت دوزخ کار غنچه پستان والد  
 حذت بیکان و یروب اول طفلنک چشمه معیشین مسدود  
 قیلیدی و اول طفل مظلوم و معصوم اضطراب و غم عطا  
 ورطه بلکه قریب اولیدی حضرت امامه احوالین عرض ایتدوکه  
 حضرت امام طفلی الینه آلوب لنگر مخالفه مقابل دور و پ ایتدی  
 ای ظالم لر دوایم کیم بن شاه کارم بو طفل فی کناهد همچون

برقطم

پنجوی برقطم سوی و مسوز اول سنک پاه لردن آب وان حقیق اولیوب  
 ایتدی ای حسین این زیادتک حکم روان سونعتک سوکد تغییر یولین  
 و بیعت ایتیمه سنکا اولاد نکا سوا بچک میترا لوز حضرت امام نوید  
 اولوب مراجعت اتمک صد ذره ایکن حرمه کابلی ملعون بیر نالاک  
 دلوزن کساد و یروب اتفاقا اول معصومک طلق مبارکینه و کوب کدور  
 ایدوب حضرتک ساعد مبارکینه سا بخلدی حضرت امام اول اونی کدور  
 اول طفلنک حلقومنک جسمه خون روان اولدی پان ایدرک والد  
 سوزوب ایتدی ای بیچاره فرزندک سرب سهادتیلد مراب اولدی  
 حضرت امام زن العابدین فیری که جای ایدی صحرای وجودده آقام  
 بهمان قالمی سا براده کدورین تنها کور و کور بیاه جگر سوز کوب  
 نومضمون ایلدی و جران ایتدی دروا کدور درجه دیار قالمی  
 بیاب عسکار وفادار قالمی دام بلادن اهل وفا بو دین نجات  
 بیریندن اونکه زار کز قار قالمی دواتیدود که حضرت امام  
 زن العابدین والد بن کوا این تنها کور و رقت تمامیلد خواجگاه  
 و ثیر حقوب جسم ضعیف و کف لر زانیه کدور و سباب رزم تنها

ای در لجه عرفان  
 بالاجد قم  
 لول خه شاب معاد  
 ایمان بالاجد قم  
 کرب بلاده تابا  
 حشره باغری  
 تاب فراقنک ایلد  
 کربان بالاجد قم



عزیزت میدان آملک ایکن حضرت حسین ابتدای نور درین حال کما حضرت  
شهادت یوقد در زیر سلسله سیادت شکا مربوط و بقای نسل مصطفی  
سک وجود نکا مسروط دور حضرت امام زین العابدین ابتدای  
مخدوم کما سکا بن شریعت شهادت در بیضی الام و دولت دیدار  
شریفان کما محرم کلام حضرت حسین ابتدای جگر کوه بزم بلاده  
جام شهادت نوبت ایکنکه هنوز نوبت یمشتم دور و ساقی اهل منی  
هنوز زیارت یمشتم دور عنقریب سن دانی بو شریعت دن ایچوب  
هم واصل اولور سن و مراد نبی خان مصبتدن نصیب آلمور سن ایچو ش  
انام زین العابدین حضوره جد و ابدن مودوع اولان امانت لری  
اول حضرت نایشوری کلام آتیه مجید و مصحف فاطمه و جعفر ایضی حضرت  
جامع و علم قیافه و باقی علوم کلامه دن غیر ممکن دکل او کما تسکیم ایچوب  
اولی واجب الوجوده نایشور و ب سیایلی زلاخضا باعدن باعد  
نور ابتدای انقال چراغ چرغدن تسکیم امانت ایتدکدن نصیحتن صبا  
ضیافت خاندن حضرت عزیزت منقر قیلوب دوستلر و اهر سنه  
کما کوه خرم اولور سنه دور دیو بر دانی هم سر اهر کوه بغاب  
میدادن محاسن و کیسوی شریفک بات ایچوب بخدی لبای طریقه

طریقیلدی صریح بیکیان مایه خلعت کیوب و غامه رسوالتک نوالخاتم  
سمند برور قنارین رکاب بیاورنده چکوب مبارک اللیه بی رخ اوده  
ماتد آلب زینت تاملید اهل بیت و داع ایچوب و کله و کفی بانه سیدکا  
کلمه یی اذ قیلوب عرصه میدان بونر دودی و میدان بید و کنه بیغ بان  
نشانین دل فاکد استوار ایچوب و بیغ سینه تکید قیلوب بیوچو افانته ایچوب  
بعضی ایاتی بو دور خیراته من الخاق ایچوب کتم اقی وانا ایچوب  
فضه قد خلقت من ذهب وانا الفضه ابن الذهب فاطمه الزهرا  
اتی دلی و ایت المرسل امام الثقلین من لدن جبرئیل کیدی فی الوری  
اول نسخ و انا ابن العلمین ذهب فی ذهب و فی ذهب و لیلین فی لیلین  
اولیم کیم جد پاکم دور جریغ انیا اقباب اوج همت سرباغ اصطفای ال  
بنیم کیم معدن دور وجود دور علی ساه ابرار حقیقت سمع جمع اولیا  
اولیم کیم سمع نور خلق دور فاطمه کوه کمان کشف سمع سبتان حیا بن نهال  
کلمن سمع راضی عصمت ایضاد اهل دور بوخند نکا جود صفا تو کلفکن  
بی بی آتوب سک سم او را قی فوید کوه نهانی عزیزت بی برک و نوا  
حایا فطم تمناسک تلمش شونر غلو فانی نه صیده دور بنم قطع حیاتم



بوقاله دنگو کون اول کرون مخالف غاطبه قیلوب نذاقنلاری که ای قوم  
 ستم کار وای طایفه غدار احترام ایدونک اول قهار قهر دن که فرقه ال فرقه  
 غرق سیلاب نیل و سپاه اصحاب فیلی قیلوب هجوم طرا ایلان ایدی و توهم  
 قیللک اول جبار غضب دن که عصیان قوم لوطنک شهر دن سر نکون  
 ایدوب غلات ال نوزنک ملکنه سیلاب سیاست یور و تدی واستغفر  
 دیکم و توبوا الیدر متبعکم متاعا حسنا ای ظلم کرحاکم دیوان قضا عدلیه  
 و حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر عین اعتقاد و کن و انقیاد و کن  
 و ارا لیه یار ایدونک عواقب امور عی و بولم دن استغفار قیلوب  
 و شکاه امان و یوزنک و بو اطفال و عیالی با مال غربت اولم دن یا حبش  
 یاروم طرفینه الوب کیده ایم و جوی حرب وارض و ملک حجازی سزم تسلیم  
 ایوم و اگر محابدن تجاوز نمکن اولن سبباری بی میدان کلونک لشکر  
 کوفه و سام اول کالت محبت آنیزی استماع ایتد کدو که داسلردن چیمه  
 روان اولور کیم اختیار دیکه و قاضی بیکم لردن اسک نراست روان  
 اولوب بی مقدار ایمان اولمده توجیه اولدیل بو طالع بخیریه و ربه  
 و سیت بی ربعی و سمر ذی الحسین و بعضی یوسای عسکر که دل

لریزه

سخت لرنده عداوت خاندان نبوت و ولایت متکلی ایدی کور دیل  
 که حضرت حسینک کلماتی تایی ایدوب بغیر عقاید عسکر مکن دور  
 نه الحال حضرت امامه تعال دوروب ایدیلای حسین بیضم محابه منی  
 برید حکمیه اولوب سنک زلال نجاستک انک چشمه یقینده دور <sup>باقبول القیاس</sup>  
 کو کور و سیاسته تنک کر کور بو طالع معادن تیر انرا لره امر اولوب  
 که حسیند همت و یوسونک یزه باران ایدیلای بر فایده که عواقب عبادت  
 الوب کسرت بیکان هجوم عام سهام شعاع آقایدن اول ماه اوج و غنچه برین  
 اولدی اول کل کتار عصمتک غنکه غلبه ناوک خارتان جفا قیلای انا و  
 حمایت نای حفظ صفی اولوب اولاد ساهه ضرر تدی و حضرت امام طلب  
 مبارک ایدو که عظیم تقصید که امرای نامدن ایدی و سبارد معروف ایدی  
 مقابل دوروب ایدی یا حسین واحد سن بر لکوه مقابل دور رس که زمان  
 اکثرین اباد و احداث نهران و صفین محاربند امان قل ایدوب هنوز  
 خاطر ندیک اول کینه تنک لیکن حال دانی کزیک اخوان و اولادین مملکت ایدو  
 تجدید عداوت واقع اولمده دور و زمان زمان زیاده اولمده دور بو یکیک  
 لشکر ایدو تعالیه تنک فطالدر صلاح اولدور که طریق بیعت سلوک



ابدوب طلب نجاستان من حضرت امام ابتدای سالی بن سید و مکر  
 ابتدای جواب مقدم سیراغت فساد اولوب اولاد و ناساخی قتل ایتد و کز کمالا  
 کثرت اعدادن بکارنم و وروب بیعتی الموالین ای بدعت اگر چه عالم صورت  
 سیر فک لکن و کز جو قد و اما عالم معینده بنم سابعده نهایت بود و در  
 بن اول سلطان بلند با کلام که بر ادق مایه و علم سطحی عمر شده اطنای توفیق  
 و او نازد ایتد المراسم بولوب ساید عوم ماطفت جمیع کانیات بر افشند  
 و عالمی معسر لکن که علونید و غلبه و عقول و نفوس بکسرت و دیو و پری  
 و وحوش و طيور تحت لوی امانتده مامود اولوب مطیع لری میزان مرحوم  
 مجمع نفعت عبت ابدوب ستم لری اقتضای مخالفتم اتق حجه اشدور  
 انشاء الله الرحمن بوصورت ماقبت بنم معلوم اولور و بیده غفلت دفع  
 اولوب هر کم صورت احوالین معلوم قلمور قد خسر الذین کذبا  
 ببقاء الله حتی اذا جاءهم الساعة بغتة قالوا یا حسرتنا علی ما فرغنا  
 ای حرام زاده بنم جذ رفیع مقدار اولدور که لکن مخالف محم ایتد و کز  
 ملائک صورت انسانکروب خدین اختیار ایتدیل و بنم والد بزرگوار  
 اولدور که رایت قدسین محمد حبیب الله و هر کز که درین سالی ابدوب  
 ضرب دستند رسالت اولوب باب خیر سکست تروی بر نشاط  
 ایلر بر نغمه اوردی که جمیع لکن و پییدن تشریف بلکه ارض کر بلاه

ذکر اولدور و سیدی و هم اول مالتد تیغ صاعقه کردارین حکومت  
 فخطبه برضه علیه السلام ایدوب مبارک دایتد و کز جمیع لکن اول  
 صلابت نغمه و ضرب سستند ترسانک اولوب تحری و متفکر قلمش  
 ذید لبطی بیخت که علم سجادان نهایت صاحب و بر ایدی و حری  
 کمال مبارک تیلر سوره شاه زاده مقابل و وروب بی محایا تیغ حواله  
 قیلای حضرت امام آف دانی برضه علیه السلام قیلای لکن لعدن  
 نهایت مضطرب اولوب سولچک قصدین آهنگ بود فرات  
 ایتدی سمرلین اونی کورب فراده کلای که ای لکن کوفه و سام نهاد  
 الف نهار حسین علی و بیون که بر قطره سواجده کبریاک بولکن  
 کبی او نکا جواب و بیرون و جمیع ایتد و کز سعلیل ضایع اولور اول حرام  
 زاده تحریک لکن علیه قیلوب حضرت امام ایلد فرات از سند  
 حایل و مانع اولدیل و حضرت امام مرکب در فتاوی الیه و تیغ آتشی  
 حکوب مغالیه و محاربیه مشغول اولدی ایلدیم فولادانلر  
 باشند اولور آتشیان آقدور و هر تیغ باغزیند عدو نیک خون



خون اهدادن روان ایلدی هران سیلان سیلان افرو عیان ایلدی  
 بائلردن حباب جور تیغند مضمون موج طوفان فنا سانه  
 بختد مضمون شرح احوال عذاب جلوه رخسند روس سرعت  
 نوز بصر سرعت سیرند ظاهر حله سلطان خواب رخسند  
 باد جنبش تغي برق اکون رخسند کردون فدا تیغند سقران  
 آفتاب اول سوار عصره میدان شهادت اول شاهان صیاد  
 سعادت رخسند همت کرم جولان ایدوب و تیغ نجاعت غرق خواب  
 اهل سقاوت قیلوب اول ظاهر لافونک اوج صفین جاک ایدوب کذ و سحر  
 لهنک و لذاب فلز ترکیب الیز سواکوب اچمک ایستد و که بر کینه ندامت  
 که اچمک نرسو اچمک محالید و کور کور بخواه هم سیر متوجه اولدی  
 کالغرت عنان اختیارک الذین آوب بر قطر سواچمک بر قطر اچمک  
 سمند صید رفتارین جانب خیمه کا بهر رفتند سیر ایدوب تید و که کور  
 که اول آواز منع آب بچیلد ایشاما موافق اراده تقید واقع اولمیش  
 اول همت شهادت مقرب ایدی دولتدور که فرات کنار خیمه کا  
 کلنه قرخ مبارز جهنم یولمیشدی و نقل صحیحده که حضرت امام  
 تید و که مکر خواتین هم سیر عصمت حاضر ایدوب وصیت تاز قیلای  
 کرای اتمام دجا ریاض قنوت وای اتمام ریاض طهارت مصیبت اچمک

و کیند و کفری  
 الون امان نهاده جانه پاک ایدوب موی و کسوی بر تیان ایتنک  
 ممکن اولد و غیره نامحرمان نهان دورنک حضرت امام زین العابدین علیه  
 باصوب یوزین یوزین سوزوب و دلغ ایتدی کل ای بعلد کرجیلد  
 و دلغ ایتنک دور جانم تو کوفاند اکوب و قوت بلایین چشم کوناغ  
 بنم مشکل کل عالم که قهر حق قیلوب اصل غم دنیا الذین قوتولو ملاکریا  
 سنجون آقلام کیم این جک دور حاکم مضطر هم اعدا ظلم و جور هم  
 اندی عجزانم ای نوزین طوق صابرین انحراف ایتدی کور که سیو  
 انبیا و عادت اولیا دور تیغی که یو ایتلاییم نصیب اولمیشدی یوزین  
 ظاهر اولان سلطان هر بلا نازل اولد و که آن موجب غضب الهی تصور ایدوب  
 مانوس اولوق مقرب ایدی زهی عادت که بلایین هم ملازمه مدوح  
 اصل حقیقتد دور و موجب قتل ایتلاییم بلایین صبر ایدام چون  
 قیلدیم که نوز و شطرتی وصول <sup>ظلمت ایدوب</sup> جمع ظلمت ملا احتیاج ایدوب  
 کیم اوز بخدمت اهل بیت رسول ای جکر کونه مدینه معطایه کیند و که  
 نه که بن سلا سکی سکان محبت الیقوم سداغی غم سلا سکی اندی اولد  
 احبا و اودا یوزین بوعالدک شهر بانو اول نهانک دامن و توب ای و عالم بقدر



عالمقدار وای سید بزرگوار بن نسل یزدجرد ستمایم حوادث امام  
 شاه حصص حمایتند بنام ایستادم حالا و هم اندر در گذشت  
 بوظایر خواجه اهل بیت و اولاد رسول و مغیره حرم اید و بنما  
 اهانت یوم لری که تسلیم ایدرسن حضرت حسین ایدری ای شهر  
 بوجبه شدن دغله حکم کردن داغی اهل بیت دن سن بوجها عشت  
 سکا نامهم تقوی تنه بری جیل دور دیوار دولخا نغفت اونک  
 سکا تنه لته سر سطانن حرم قرب اهل بیت بگرنه ذورق  
 نوصه اول اول ذورق ایچ احرام ایلمو طوفانن اولاد شاه  
 قدی سپاه اول سلطان عربن سگاه ذوق تقرب درگاه انا انبر رسول الله  
 دیوب بی نغمه اوری کدول جمع اجزای ترکیب کانیات تخیل اولوب ملک  
 قرار حرکت متوقف وارض ساکن متوالی اولدی بن سعد شهزاده اول  
 صلا قبله کوروب لشکری بری بخاریه قلعن منع ابتدای فراد ایدوب ابتدای  
 که ای بیخا حاجت مصطفی و صلابت تقوی و هیبت حسن مجتبی بکون بوجها  
 منحصر اولوب در حقا که کرم کانیات اوکا مقابل اولدر بر حله سینه وفا  
 قللرو و ملازم عطش و حاجت مفارقت احباب اوکا کار کردوب در جمع  
 اتفاق ایلمو قبله شهزاده اولاد اولدر و او بر پیشه حاجت تنه بری آسائید  
 دیه ادراک بدخواستی خیم قیلوب و هر جانب توجیه قلد و تعب کون دغل باد

بادبای بادیه بیاسند دوزکار اعدایم کوردی و بیروایت  
 داغی ایدور که اول لشکری با مال حسنیت قیلوب سهند باد رفتارین  
 فراتر یوردی و داعیه قیلاری کبیری قطره سواجوب تسکین حرارتین  
 عطش مله اهل بیت و اطفال ابدینه کلون ترک متغافلاری  
 و بیروایت داغی اولدر که بی مقدار سواجوب توار کند ایکه حصیه  
 بن تقیم ملعون بر اوقاقوب اول اولوق لب دندان بار کند راست کلوب  
 مجروح اولوب دهان بار کبیر خون اولوب سواجوب متسکین ملدی  
 القصه لشکر اعدا هجوم ایدوب کلد و کج غلوی مخالف زیاد اولوب  
 شهادت مقام قیلوب رخنه لورن چشمه چهره فان کملکله شهزاده  
 ضعف و غلب اولدی روایتدور که اول حضرتک تمس آیکی  
 زخمی اولوب سینه سبک سیری داغی حرکت زخم و افراط عطش  
 ست اولوب اولدر نزول ظاهر اولدی بن سعد شهزاده تنک ضعف  
 حالین قیلاری قتلند اقدام ابتدای حضرت امام اول بدبخت قهر الم  
 باقوب ابتدای ای ظالم بوا بر پیچیدن اقدام ایدین اول بی سعادت  
 انفعال بولوب کیر دوستدور که سمر بدبخت پیاده لری بیوردی  
 که اطراف جوانین دو توب هجوم اید لری قیر باران قیلار



بند اول هزاره حمله قلوب آنروزك صغیر سید دویب بیرون  
قرارد و قویب دوازده دور که اول بدخت کردن بعضی سائر قتل قلوب  
بعضی موجب نهب خانه آن اولاد حضرت امام اول جالند واقف قلوب  
ابتدی ایال ابو سفیان دو تلم کیم سیزده ایمان انری یوقدود باری  
قاعه ناموس جابلیتی که لازمه جلیستونکر دور ترک اتمک نماسید  
که قصه نهب عورت ایدر سیراکو بعضو دو کونیم قتل ایستادها  
بندک مبتدور و ستم ملعون ابتدای حسین بوالقاسم کبول ایدود  
لوسلکری بعض اهل بیتدن منع ابتدای حضرتک باشد قتلن تیغ  
ابدانیدن احقران ایدوب قتلن کمنه اقدام ایدر بی قایت  
ایراقدن باران ابتدای امام کوریکه جولان اتمک قدرتی یوق نامار  
مکشدن اینوب پیاده اولدی که موکیمینه تیبارن دن زبان تهر  
زی که یاد کار حضرت مصطفی و بعضی اولوب محترم و کرم ایدر اول بختلو  
حضرت امامی پیاده کوروب دلیر اولوب قتلن توجده اولدیلر انای  
معورک اول افتاب اوج سعادتک جبین مبارکین بی اوق اولوب  
مروح ابتدای حضرت امام اولناوک خون فتافی کلوب جبین مبارکدن  
محاسن سرفینه قانلر روان اولوب خضاب اولدوقده مبارک ایلد خیار  
منور سوزوب سباهات ایدر کما افشاء انه بور نکله جذبز کلام  
خزندن سرف اولولرم و بوالقیله قبله توقیه اولوب مبارکاه قریب

یونم دوقویب منتظر شهادت اولدی سمع جوتد صبح ایل ویری  
اضطراب ملک وجوده بیل علم سالی انقلاب کلزار عمر قیلدی  
انصر صحران دست زمانه رستند امید ویری بیج قباب دوا  
که اول سرور یاض رعت صحر صحر مجرم اعدا وسیل همام اسقیای ایلر  
مکشدن دو کویب بخود اولدوقده بی بی ایکی ایکی بنا فقل قصه  
ایدوب تاخیر ایدر دی نوکک اولاد رسولنک قانی اسان کل  
اول سبدن کیم یوقان هر قان بکون قان دکل عاقبه الا و سمرلین  
کویرکه لسکی اول حضرتک قتلن تاخیر ایدر رفرا ده کلدی که ای حی حجت  
یونم تاخیر در و هر عین سیرک بی دولت کلوب اول حضرتک ساعد  
مبارکین مجروح ابتدای و سنان برانر لعنت الله علیه کشف مبارک  
بی اوق اولوب اول ایکی نخدن ساه خاره اختیار سیر دو کویب خاک  
کویلا یدر نزول باغدی اول واقعدن سکان سواست و تحت القادون  
سرایر علفله دوشدی دوران فلت سراسیمه اولوب ویری که آیا  
یونم و بیج دور و دایره زمانه اضطراب دوشدی و ناسف کلدی که آیا



بونظلم صرحدور العقصه خولین یزید اصبحی و انک فزندی سئل  
 اتفاقا قلم سیده اولوب اول سرافراز نک سربار کین بدن سرفقیدن  
 جدا قلمی قصدنه سوجده اولیلر اقدام ایتدو که مهابت سئولی از کو  
 بدله اولدی و اول ایکی کسینه سحر اولدی بری شان ابرائیم بری  
 شهر فی الجوهش شان برانس ایتدی کیم اول مو قیجی سبقت قلم  
 شهر فی دولت سبقت ایدوب اول حضرتک سینه فی کینه سینه  
 قلم اصوب حضرت امام کونجوب دیدی ای بیخت سکا کیم دیری  
 دیدی بن شهر فی الجوهش لعلنه حضرت امام ایتدی داس زره چهره  
 ناپاکدن کونور سنی کوریم اول بیخت داس زره رفع ایدوب  
 چهره ناپاک کونور شهر فی حضرت امام کوردی که دیکلری خضر دیکلری  
 دیکلر کبی دهان پلیدندن دیشر چقیریدی صدق رسوله  
 بونر نشان زری که واقعه سده حضرت رسول قائلند خبر بر سید  
 و مقبره ایتدی بدی ای شهر نیم قلم سکا مقدر اولوب دور و عملدن  
 نقصیه قلم انا ای شهر بونر و قندور و بکون سكوندور و بوآی نه  
 ای دور و شهر ایتدی بوآی محرم آی دور و بکون جمع کونیدور و نماز

وقت دور

وقت نماز  
 وقت دور حضرت امام ایتدی ای ظالم مونک کبی شهر حرام و روبر جمع  
 که خطباء اسلام رؤس منابرده جدم اوصافین بیان ایدرک و عباد خول  
 و عوام متوجه درگاه معبود اولوب ادای عبادت قیلور لرین نیت  
 بواو قیجی اقدام ایدرین ای شهر باری کو کیم اوزرندن دوروب بر قلم  
 محلت ویر کین داخلی لپ تشنه ایلر غازه سغول اولیم و چون نمازده  
 شهید و لقی بنجا میراث دورین داخلی اول حادثی بولیم شهر بیخت سلمین  
 اول حضرتک سینه سندن هوب کنار دوتدی و اول حضرتک اول مقدار  
 قدرت و ارایدی که اوتوروب قلمی سوجده اولدی و نماز استغاثه اید  
 و اول وقت بیوقت ایدی که سلطان سر برده طارم چایر هم سنا  
 خاد و خلک اوزوب این پان قلمندی و شیر شعاعین کوسان جا  
 سندر و زواله سوجده اولیدی و خطبای است منبرلر چقوب  
 ان الله ياتوا بالهدى والاحسان و ابتاء ذی القربى و نهی عن الفحشاء و النعی  
 سوعظ من ظالمه الفاقیلوب و مؤذ نلر منابر و منابر چقوب  
 ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا



عَلَيْكَ وَسَلِّمْ وَاتَّبَعْنَا نَوْمًا سَيِّئًا صَالِمًا سَيِّئًا فِي الْوَقْعِ الْكُرْهِ الْأَوَّلِ  
 عَالَمِ صَوْنِهِ أَهْلُ ضَلَالَتِكَ كَوَكَبِ اقْبَالِ لَرِي دَرْجَةِ رَفْعَتِكَ اَوَّلُ  
 ابْنِ سَعْدٍ وَسَائِرِ امْرَأِي لَشَكْرِي بَرِي بَرِي تَهْنِئَةٍ ظَفَرِي وَرَوِي اَبَدِ  
 وَالتَّغَاتِ اِنْفَاسِي لِرِ نَشَاطَتِ اَمِيلِي دُولِي وَنَزِيدِ وَعَبِيدِ نَزَادِ  
 مَسْنَدِ حُكْمَتِي لِرِ عَجَالِ طُغْيَانِي وَطَرَبِ تَرْبِيَةِ دُولِي نَانِ وَنَوَسِ اَمِيلِ  
 سَغُولِ عَيْنِي وَطَرَبِ اَوَّلِي لِرِ اَهْلِ اِيْمَانِكَ نَوَائِبِ اَحْوَالِي حَقًّا  
 يَتُوبُ اِمَامُ حَيِّنِ وَسَائِرِ شُهَدَا اَلْوَدَّ ذَاكَ خُونِ دَمْتِ كَرِي لِرِ اَمِ  
 مَرْكَبِي اِيْمَالِ اُولُوبِ مَطَهَاتِ عَمِّ سَرَايِ نَبُوتِ وَقْتِ قَلِيلِكَ كَسْتِ  
 بَارِ پَايِ بَرَابَرِ لَرِينِ كُورِ وَبِاسْتِلَرِي اَفْرَهِ مَجْدِ تَيْغِ لِرِ مَسْنَا هَكَ  
 اضْطَرَابِ اَمِيلِ تَزَلُّلِ بُولُشُ لَرِي اَتَا عَالَمِ مَعِينِكَ اَوَّلِ بَدِ خَلْقِكَ  
 مَشِيْقَتِ قَضَا نَامِدِ اَحْوَالِ لَرِينِ رَفْعِ خَيْرِ لَدُنَا وَالْآخِرِ ذَلِكَ هُوَ الْاَكْبَرُ  
 اَلْمُبِينُ حُكُوبِ اَسْرَادِ نَهْمَلَرِينِ فَلَكَ دَوَائِجُ خَيْرِ مَتَابِ قِيلُوبِ  
 وَتَعْذِيبِ رُوحِي لِرِ مَالِكَ سِلَاسِلِ اَغْلَالِ مَرْتَبَا يَدُوبِ  
 اَتُظْلَمُ وَنَسْتَمُ لَرِي سَرَايِ عَاقِبَتَلَرِينِ وَبَرَانِ اِيْتَمَشْدِي وَحَضْرَتِ

اما حينه

اِمَامُ حَيِّنِ وَاتَّبَعْنَا دَوَاحِ اِنْيَا وَاَوَّلِيَا اِسْتِقْبَالِ وَمَلَا نَكْدِ  
 مَقَرِّبِ نَشَارِ لِيحُونِ اَطْبَاقِ جَوَاهِرِ حَيَاتِ مَتَابِ قِيلُوبِ دِيَوَانِ  
 مَسَالِكِ حِكْمَتِ دُنْيَا وَاخْتِ وَبَرِيلُوبِ وَمَطَهَاتِ اَهْلِ مَتَابِ حَيْثِ  
 حُورِ قَصُورِ وَجَنَّتِ اِنْفَامِ اُولُوبِ شَمْعِ رِضَا لَرِينِ مَرْدَةِ اَحْرَامِ  
 دِيَوَانِي وَخَوِي اِيْتَمَشْدُورِ بَرِي كَانُورِ بُولِاطِ دَهْرِي كَرِيمِ الزَّانِدِ  
 اِيْمَانِ عِلَادُورِ مَرْدِ مَقْدَارِ هَمْدِ خَالِدِ دَهْرِي بَرِي رُفْعِ دَوَائِجِ  
 ذَرِيعِ خَيْرِ اُولُورِ مَحْصُولِ خَيْرِ اَمِيلِ سَرَاطِينِ سَرِ الْقَصَصِ حَضْرَتِ  
 اِمَامِ نَاذِرِ مَسْغُولِ اُولُوبِ مَجْدِ اِيكُنِ سَمِيدِ بَحْتِ بَابِ قَالِدِورِ  
 مَهْلِكِ وَيِي يُووبِ سَرِي سَهَادَتِ اِيچُورِي اَنَانَةِ وَاَنَا اِلَيْهِ اِيچُورِ  
 بُوَحَالَتِ مَقَارِنِ غُلْفِ صَوْلِحِ مَلَكُوتِ دُولِي دُولِي اَمَامِ عَالَمِ صَوْنِ  
 وُولُولِ مَلَا عِلَادِ دُولِي چُونِ مَسْنَدِ اِمَامِ عَالَمِ صَوْنِ  
 عَالَمِ مَعْنَايِ اِسْتِقَالِ اِيْتَلِي اَهْلِ عَالَمِ صَوْنِ اَوَّلِ دَوَائِجِ فَرَاغِ صَوْنِ  
 اِتْفَاقِ اِضْطَرَابِ اِيْدُوبِ وَنَجْمِ كَرُونِ كُرْدَانِ قَصُورِ نَشَارِ  
 اَفْلَاكِ اَتَشِ اُولُوبِ مَلَا نَكْدِ رُوَايِ اَتَشِ فَرَاغِ يَاقُودِي كَعْبِدِ



و سعيك باز صورخانه طبيعت سلسله رابطله طباعی قطع  
اجزای مرکباته اهر از برآردی و فضایی دریا بوم جیتك ماهیله  
چشمه زهر حلاهل اولدی و عرصه صحراي بر محنت و حوش  
و طیوم تنکای نور آتش قیلادی نقلد و ر اتم کوفید ن  
که مقارن قتل امام حسین بهواید بهیغاری طاری اولدی اول  
فایتک عالم تیره و تاری اولدی که علامت قیامت دیو خلق عالم  
استغفاره با سلا دیلر و اول غبار مرتفع اولد و قل نصکره حضرت  
امام حسینک مرکبی قائلین کاکلن رکن ایدوب متوجه خیمه  
اولوب مطهرات اهل بیت اول مرکبی کاکل پنجه سزاده دن  
جدا کور و ککه فغانلله ایدوب مرکبی مخاطب ایدوب نوصیلد  
دیر لری ای محمد باد پادشاه باقه قانی اولش سوار نمیشه  
اول سزاده قیلد و نک جدای قیاضیار نیلاد و نک اول سزاده  
بیر که تابشور و ق سکا قائم صالاد و نک نیمه کلن او تدی جد  
انتظار پای بوسیدن او تنک محروم اولوب سن ای کرب عت  
دل

کیم کونک اولمز مادم اسکار دست بوسدن او تنک مایوس  
ایچام نولر تر اغد و سوب اولد و نسه خار و خاکسار انلا و الله  
نوصه قیلاد و قه ذوالجناح دبد لر دن اسک روان قیلادی تیلد  
که اول مرکب وفادار حضرت دن صونکر راه بارید و سوب کتدی بعد  
کیمه انون نشان بولادی و آتک رکوبی کیمه سیر اولدی روایتد  
که حضرت امام علیکم قتلدن نصکره شهر ملعون بعضی منافقان یلر متوجه  
حرم سرای اولوب خیاد غایت ایتدی لاما مطهرات اهل بیت تعرض تور مدیلر  
اناسهر بر بخت حضرت امام زین العابدینه سوب قصدا ایتدی که قتل  
ایده حمید بن مسلم سفید دیدی که ای بخت بوسید دام مرصه کفتا  
و بیگناه دور قتلدن ایتک موقیم دور و بیروایت داخلی اولدور  
که عمر سعد منع ایتدی بهر حال چون مقتضای حکمت بقای سزاده  
ایردی اول و هر دن نجات بولدی حضرتک ما قیمنه استغفار  
بولوب بومضون ایلد و رده با سلا دی یارب نهفته دور  
که جهان ایلر اسکار یارب نه ظلم دور که عیان ایتدی و زکار



باید قضا بیاورده حکمی انفعال / باید فلک بوفلان اولوی سر  
 آب هوای گلش محنت فزای مر / چون اولای حسینه صفا بخش  
 ساز کار / ارام دوتیوب یمن یکچون همیشه آب / بهر فرات  
 اوزهر مواد و تسون قرار / چون خاکدان دهره ارام دوتیوب  
 قرار / چون خاکدان دهره ارام بولای / سلطان دین حسین  
 علی شاه کامکار / باد فانی بکشد رواد و خاکدان / آینه وجود  
 علمدن صالوب غبار / ای دل حکومتی جهاتک اعتبار / ای  
 حشمتی جهاتک اعتبار / اولسیدی روزگار نهادند  
 عهدین قیامی آل بر لیلدا ستوار / دور جیلتنک کراوسیک  
 بی کرم آل رسوا خدین ایلمدی اختیار / اول وقتدن که خضم  
 رضا سید تیغ و تیر / شاه شهید فلک ایلمدی اعضا سنی خنجر  
 آتش و مان ناسفای چون تیر تیروز / حکمتی زبان تحیر چون  
 تیغ آبدار / باید که تیغ حصیه حبس نیامدن / باید که  
 قائم اولسد اولدر تر خاکسار

باید اول تنیک / خانه شیشه لعلو کین / فعل بود  
 اهل تنیک کربلادون سانه کلاو کین بیان آیدر / حکمت  
 بالغه بنای مکنات و قدرت کامله مصور استکال بیلدا قضا قیلش  
 که جنبه وجود بر مظهر جمیع صفات اولوب گاه اطوار ستوده  
 اعمال ذمهارینه غالب دوتیوب رفعت اقتدار لری ملا نکرده  
 افعلا اولد و گاه افعال قیوم لری افعال حمید لرینه فایق اولوب تیر  
 اعتبار لرین ادا قیلدیر باب خفایق که عالم کون فساد انسان کین  
 بو معنایه تنهن دور که صورت عالم همیشه متنوع و متولد و کاه  
 خلقتک خلفای عدالت شعار و سلاطین رافت دمار استقلال  
 ارباب کفر و طغیان مشهور اولور و گاه سرویالان ملوک جفا پیشه  
 و حکام ستم اندیشه تمکن اولوب اصحاب عقل و ایمانی مغبون و مغذول  
 قیلوب جمله دندیر زیندنک ایام استقلال ای حکومتی که جمیع افعال  
 ذمیه جامع اولوب جهانی دار الفساد ایمندی و حسین مظلوم







مرد و منصور و دشمنك منسوب و مقهور باد و غم اولی مناسب است بپوشیدن  
سبب ندور و عزمی است ابتدای او غم زدن بولسگری است اولاد تمام است  
کور و دکن یاد و واقعه کردی کلاهی تأسف و تحیر بود و که همچون  
بولسگر بود اول کون امام حسین مظلوم معاشرت قیامه موافق اولدم  
و بریدن لشکرین متفرق ایدوب اختنا سعادت قیامدم روایتند  
که عمر لبث دنیا دن اشتغال ابتدای و واقعه کوریدر با سنده تاج وضع  
و اکثرت خلعت کرا تا بر غلغ و التند و کربا بدفتار و ملازمند علما  
ماه رخصت ابتدای ایام بر سعادت نه عبادت ابرو بدور عمر  
لبث ابتدای بوکراست اولویت معاشرت اولدی که هنگام عمر  
لشکر معاشرت شهدا خصوصند سعی خاطر هر تیوردم و بوشیدن  
معلوم اولدی که آردوی معاشرت شهدا متاخر غزادور بلکه غزاد  
اکوب و اصوب اندا چون ارتکاب غزادور **نظم** اگر چه خدمت  
اولاد و ملک و مال ثواب عزیزا طور توید ذوق روح غالی  
چنان مقدم اولور جلید بقیه دوربو که ترک جهان الم اعظم  
حق اولدی بترتیب اولان مقدمه دن که رتبهدا اسف

مراتب دور

مراتب دور **نظم** دور که روز جزا زم شهدای جمیع اصناف مع  
و جمله انواع مطالب کراست اولو قد و نند نضکر جانب حقن کله کله ای  
طریق محبت نقد جان نثار قیلا نذر وای نرم بلاجه زهر هلاک غایت  
شهد سقا بلور دانی مراد نکر و اریسه بیان ایدون اجابت بولون  
نقشه شهدا بوجواب ملهم اولور که یا رب سعادت شهادت نجیب کوروب  
ارتون نراده اولمغی مراد و یون دنیا بر مراجعت قیوب تکرا ایلد  
سعادت شهادت بولمقدور و اگر میسر اولسد بواقباتک ادر کینه معلوم  
اولمقدور د شهدا بنجر بدیده روز جزا فیض حق عیان ایدور  
صرف قد جان اجمیلک آگاهی کمال حق بودند غیری قومیزانده حشر  
کیم دونوب دنیا حاصل الیه اولدوق کواهد و کتاب ربیع حکایت بنجرین  
الابراده بنجرین بنجرین نقل ایدر که بر کون حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
علیه و آله بنم منزلدن مبارک الدین یویوب و مصطفی ایدوب استعمال  
اولون سوی بر موضع توکدی صباح اولدوق اول موضع  
بر درخت بار و برید اولوب بر خوش میو کتوری میو میو توکوب  
بر کتری بریده اولس تعجب ایدور که آینه آفت واقع اولدی نگاه

کیم دونوب دنیا حاصل الیه اولدوق کواهد و کتاب ربیع حکایت بنجرین

الابراده بنجرین بنجرین نقل ایدر که بر کون حضرت رسول صلی الله علیه و آله

علیه و آله بنم منزلدن مبارک الدین یویوب و مصطفی ایدوب استعمال

اولون سوی بر موضع توکدی صباح اولدوق اول موضع

بر درخت بار و برید اولوب بر خوش میو کتوری میو میو توکوب

بر کتری بریده اولس تعجب ایدور که آینه آفت واقع اولدی نگاه



خبر وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله استماع اولونوی اندکضکر  
 دانی اولیوی و یرویدی انا نهایت قلک برکون کوروک جمع سوع  
 توکولوب یرینه تیکن یمیش ناکاه حضرت ایدرالموین مرتضی علیهم  
 وفاتدن خبر یوردیلر اذان صوکر دانی امراتین استعمال یار لر  
 سفا بولولری برکون کور دوت تمامی عضوفی و اوراقفی خصلت اولی  
 همان ساق درخت قالمیش ناکاه خبر وفات حضرت امام حسین علیه السلام  
 سماع اولدی برکون کوروک اول ساق درخت دن اثر قالمیوب  
 خاک ایلر یکان اولوب ناکاه واقع کربلا خبر یوردیلر **بر قایمک غافلک**  
 که چشیمی بویاندی تر کل مطلق ناکاه آتک باور کل **هر دیکیم**  
 کل بومیشک اشکبار **مقبول طبع مردم صاحب نظر کل** **دوا**  
 که حضرت امام حسین مظلوم علیهم السلام سید اولوقدن فی الحال بی کافقام  
 هوادن اینوب پروایلر اول مظلومک قایلده کلکون ایدوب پروانه  
 کلوب هم اولسا عتک مدینه غریب قیلوب روضه حضرت رسول  
 علیه و آله اطرافدن ایدوب قطره قطره قان ایلر پرویا نندن اولوق  
 مبارک اوندینه یا قدوری و اهل بیت اول حال مساهک قیلدی

مجلس  
 کبیر شریک

حیران قالمیشدی کما یابوندر علا متدور ناکاه خبر واقع کربلا نبوت معلوم  
 اولدی که اول کبوترک پروالی احوال کربلا ایمن کسز الغرایده سطور  
 که بر یهودینک بر حمله قری اولوب بعضی بلال کور قارایدی اول حمله  
 دور بر که چشیمی ایددی و یودی خارج شهر آتک چون یروستان مرتب  
 ایدوب منزله قیام ایشدی برکون یهودی غایب اولوب اولضعیفه ناکاه  
 حسین مظلومک قایلده کلک اولان کبوتر اول بوستان کذار ایدوب بر ساخا  
 اوزر قوتوب فغان ایددی اولضعیفه ناکاه صداسند سوز اولوب  
 اولنا خاها تیتدکک باشین قالا دوروب یقار و توجیه قیلدوقل اول کبوتر **بالند**  
 آتدوقده سار اعطاشنه دانی حیرت صحت تمام بولدی صحیح المزاج و بیناسیر  
 شهرن یهودی بوستان کلوب کبر و کلک اول یار اعی صحت اوزر بینا کلوب  
 تعجب ایدوب سبب سوال ایتدکک اولضعیفه صورت حالین بیان ایتدی  
 یهودی تعجب ایدوب اولنا خاها سوز اولوب اول کبوتری کور و نشا  
 تامل ایتدی لقا الطیر ما حقیقت حالک وما فی کالت حکمت آتشدن **طیور**  
 سبب اسلام ایچون مصلحتی اول حیوان ناطق اولوب گفتان کلدی



که ای یهودی بگویند بعضی کبوتران را میانه من و روزی ادوب سیرایید کن که از تو  
 کویله حضرت امام حسین مظلومی کور و ک آوده ناک و خون شهید اولین و  
 مال و مزی انتک قاشند سور توب هر چه من از جانب تو بقیلوب طالا  
 من بوبقیفید دوستوب توحید مسغول ایکن سنک بوفزدنک حاضر  
 توجده ایتدوکن امراضه سفایر پرو بالمدن اقلن قامدور بگوین  
 و حوش و طیور ماتم اولاد رسول و توب بریشان دور لریهودی  
 بوطال مطلع اولدوقده هدایت اسلام بولوب سعادت اماند  
 بتدی و سبب سوال ایدنلری شرح و بسطیله بیان حال ادوب  
 چوقلری سلمان ایتدی **نظم** محم باکره غرت دن نه عجب کرکوت  
 ایتظهور **قرب درگاه حق بولاندن** **مخبرات کرکوت اولدو**  
 راوی اخبار جلوسه و ناقلا آثار غم اندوز مهردادن روایت  
 صحت توحش شهرت حکایت بودور که عمر فی الجحش علیه  
 والعذاب اولی فیه مباشرت ایتدوکن صونکر اهل بیتک عات  
 اموال و اسبابند اطاله ایادی تصرف قیلوب تعرض اولری

مجلس حکایت  
 اهل بیتک غارت

اولدی ایتدی که امام زین العابدین قبل اید بر و ایتد جمیع مسلم خلیل  
 و بر و ایتد عمره نهی ایلد منع اولوب اول اموال و اسقلین غارت قیلری  
 ابو حنیفه تا حینک سطور دور که عمره ابراهیم بولادوقدن صونکر  
 حضرت امانک سعادت خلیفه برید اصحیح تسلیم ادوب عبیده ایدر اریا  
 ایتدی و کندی بکون دخی کویله قالوب لسانینک مقتولین جمع ایتد  
 اوز لوبینان ادوب دفن ایتدی و شهداتک باسلیت آلوب بدولینه انفات  
 ایتوب صحابه علان بر قیدی و اولی اسلام کنگرینه تقسیم ایتدی که بر جلعت  
 مقدار نجه عبید زیاددن انعام و احسانه محقق اولدر ایگری عده یهودیه  
 و اون دور عده بی تیم و یزدی عده بی اسد و بیش عده اوده سیم و اون ایکی  
 عده بی یقیفید و بر و حکم ایتدی که بر طایفه کندی وضعیه اول  
 باسکولایله زینت و بر و کوفه شهرینه کیم لر و خواتین حرم سرای رسالت  
 ایچون مناسب هو دج لر من قیلوب و بوکدر بر طایفه ناکه لور اوزره بندت  
 آلوب کیش غلط محضه زیرا که اهل بیت رسالت اولاهانت هیچ و جلیل  
 ممکن اولن و نقل صحیح دور که واقعه کویله دن صونکر اهل بیت جمیع سماره دن



مصون و محروس اولوب حصن حایت و عصمت عفتد قالوب مستوجب  
 شوقه سام اولدیلر مخدرات سرارده رالته بیست کفالت کوم کردکا  
 حصین دور ند احوال ظل تر عفتینه اوتک کیم حرام حمت قریب  
 نبیکه پرده نشین دور روایتدور که خواتین حم ساری نبوت عایلر  
 اچینک کیدرکن کفار لری محرکه قتالده دویوب زینب یردی یار لری  
 امام حسین بن علی که سینده و رخساری سنک بوسه کا هنک ایری یایی  
 بدنک جدا و بدنی لبها سدن مقرا کورنه مقامه یتس دور القصة خولی بن  
 یزید که حضرت امامک سر صاحب سعادتین کوفیه الملتک مصلحتینه ماکور  
 ایری اوکون کوفیه کیمک متیس اولم یوب منزلی خارج شهره اولمغدن  
 کذا و مترلنه نزول ایتدی و حضرت امامک سر مبارکین بیر کوسه ده  
 پنهان ایدوب مسندنه ارام دوتدی روایتدور که اول بد بختک  
 صورتی انصار دن اولوب فایتک اهل صلاح و عبت خاندان ایری  
 و شهید غازی عادت ایتسدی نصف اللیلان قاعک مهرودی آذرینده  
 نازده مسغول اولدوقده کورنیکه کوسه حرم سنی اولوب نور دن

ایلر بئنگه قتل  
 کاسه بئنگه  
 بیان ایدر

برخت پیدا اولوب او تریدان دوت خاتون اینوب بری اول سماع  
 ظاهر اولن کوسه دن بیر صورت حضور رخسارین و خیارین سوروب  
 فغانه بیلدی که ای مظلوم مادر و ای مهم مادر انشاء الله روز  
 قیامت قائم عرشدن دست تظلم حکیم سنک انتقامک ظالم لرد  
 المنجیه و باقی عورت رانی انتقامک فوجیه مسغول اولدیلر بیر زمان نومه  
 ایتدکن صونکن و ریح ایدوب کلد و کلری مقامه مراجعت  
 قیلدیلر اول ضعیفه اضطراب ایلر اول کوسه شوقه اولوب کورنی  
 که زیارت ایتدکلری چهر مبارک مظلوم کر بلک دور و تعظیم قیلدی  
 بیکور دقتی شهرادور غایت توفیق مضرطها اولوب ماتقدن  
 ندر لری که ای شوره سن بو بد بخت کناهنه مواخذ اولمز سن و ملیس  
 اول که حالانقرینه اولانلرونک بری مریم بنت عمران و بری اسیری  
 خلیجه و بری فاطمه زهرا ایتدی اول عورت پاکیزه اعتقاد اول بیکری  
 مبارکی کور میداندن سنک و کلا بیلر یویوب و کیسوی مبارکین







یاد لوبه دو تدیلار و اول جمله دندور بوکره **نظم** مسیح الوتو  
جعبه قد برق خوسه فی الحدود / ابواه من اعلی القریں وجک خیر  
الحدود القصه اهل اعرضه اولمعاونک بدنلین جمع ایدوب  
تجهیز ایدوب و زولونینما زقیلوب دفن ایتد و عمر خیس نخس  
کرلادن روان اولوب کوفیه تیقدو کم سهدا ساکنین نلزلن تعبیه  
قیلوب و مخدرات خاندان اهل بیت عماریلون ترتیب ایلد روان ایدو  
علمو اچوب نقار لردا لوب متوجه اولوب کیدار **نظم** اماج ناول  
نظر مردم اولما فخر / باشلر دو زلای یزید زرین قبق سأل  
تقدیردن زمانه حکم ایتدی غالباً / کیم سر بلند قیلوی قیل بوری  
قیلمه پایال / عبید نادر عمر نخس کادو کیدون خبردار اولوب باکاه  
صمیم انواع زینت و زیب ایلد اولین قیلوب بیک مسلح شبا  
ایتدی که دروازه لری و محله لری ضبط ایدوب فتنه دن  
احتیاط ایلد و سنادی ایتدو دی که جمیع خلایع و عوام استیقا  
حقیدار غای اهل سر بعضی تهنیت طریقه و بعضی تنزیل استعدادی  
(استقبال ایدوب اوگون بیر غوغا و از دحام اولری که کسرت

حلقه

خلقدن انکر عمر نخس صبح دروازه دن کروب وقت عصر طرار  
یتدیله که اهل کوفه محل اطرافده غلو قیلوب ناسلر چکوب فغان ایدو  
زینت بنت علی مطلع اولوب هود جدن زبان طعن اچوب ایتدی که  
اهل کوفه سینه یغمالر و کوفیلار سال ایدوب حضرت جسد بودیان کتیر  
دو کز و سیر نقض عهد ایدوب سلمی اولدوروب یزید بوتقانه تیقدو  
نینه سینه تاشف ایدوب بوصفیلور سینه **نظم** ای اهل کوفه عادتکون  
لواشم مدلم / ای اهل شام حیلد ایش و سمنکون تمام / اهل کوفه  
ارسلد بیر یزیدک سال ایتدی ای خاتون قیامت بو کلماتده صادق  
لِقُولُکُمْ بِالْأَنفِ مَالِکِمْ فِی قُلُوبِهِمْ حَقّاً که بودا مان کوفه اهل دی  
قیامتدیک موفوع اولن زین بن ارقدن قتلور که سهدا باکاه  
محله لرنده کزدورکن بن غفرده ساکن ایدوم شبا تیقدو که حضرت  
امانک سرما کیدن بیوصدا ایستدوم که اوقو دی ام حبیب  
اضطراب الکیمف والوقیم کالوا من الایاتنا عجیباً اول کلماتک صلیجن



اعطاهم لزلزل و سوب ايتدوم صدقت بايزر رسول الله تفلدو  
 يبر عزير دن داني كه فطرايم شهدا با سارين نيزه لودن ايندركه  
 بن قريم ايدوم اول حضرت امانك سرهار كنن بوايت تلد و بن صريح  
 ايتدوم كه وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ غَاثًا عَظِيمًا يَعْمَلُونَ الظَّالِمُونَ روايتدور  
 كه عبيد زياد بر توبت داني حضرت امانك سرهار كنن حضوره سكون  
 الوب ديري اويينه قوردي غنقه بر قطره قان اقوب ساقايي بليكن  
 پيكان آب كي كزار ايتدي و اول قهر پيوسته مجروح قلوب مدت <sup>ماتد</sup> حواتد  
 قابل علاج اولوب رايحه مكره مند اهل مجلس متاع ذي اولمقدن  
 اول جلسته بر نغمه نافر مسك با غلر ليري فايد قهرزي <sup>نغمه</sup> صامد  
 نو ملك اهل بيتك قاني اسان اولور احتران ايت كييم سكا  
 هر قطره بر پيكان اولور روايتدور كدو زمان قتلند ديك  
 علاج پزير اولوب مجازيه مختاره مقتول اولدوقده ابراهيم  
 مالك اوليدونك حبه سين اولو چا حدن معلوم ايتدي القصد  
 عبيد زيادونك مجلسه اهل بيت حاضر اولدوقده زينب بطون  
 مقدم مجلسه با صوب سلام وي ميوب والتفات ايتوب

و كوكبه

بر كوكبه مقام دوتدي عبيد زياد اونك استغنا سنان غضنا  
 اولوب ايتدي كييم دور كه هنوز نطفيان احوالده ملحوظ اولونور  
 ديدلر بوزيب دور همين عبيد زياد ايتدي اي خواتون سكر  
 و پاس اول عبيده كه سري خاصه عام ايچنده رسوا قيلدي و بطلا  
 ظاهر ايتدي و صيقل اعانت ايلد مرات ممكن نكوزدن زك كدورت  
 كنداي زينب ايتدي كذبت يا عدو الله پاس بي قياسي اول واجب  
 كه بفرم خاندايني سرف نبوتد مغرب و كم قلوب انما يريد الله ليذهب  
عنكم الرجس اهل البيت اسارت ايله سعادت و بطرفكم تصفيا  
 كرامت قيلدي و بد خواهرنك ديك بصيرت لرين اهمي قلوب و هم  
 اعيان لا يبرون بها اذ ان لا ينهون بها بادير سكه جلوه ايدوب  
 دايه حيله سر كودان ايتدي عبيد زياد ايتدي ايفر ندم علي بر ايطالبند  
 اعتقاد ديك وار بفرم غالب و سرفك مغلوب اولدو قوتكن <sup>صنك</sup> حضور  
 زينب ايتدي اي ظالم بيزه واقع اولان احوالده جلد و خبر وير ميدي  
 وقوعه منتظر ايدوك المستشبه كه جد و نك حشو قوتنه صور



صورت احوال منظره واقع اولوب بچه اقبال ان الله مع الصابرين  
میداد اولدی عنقریب سیز دانی هر کیمیک سرخجامی نه اولدی غمی معلوم اولاد غدا  
وهر کیم حوائی علمین کاد کاه عدل دن بولا جا قدور و لیکر المناقش مان لهم  
عدا انما عبیدن ایتدی ای بنت ابوترب حالا بوی عیاد تدور که  
که ضمیر من سیزک طغیان کردن فاض اولدی واستیلا غی غر و نکور تسکین  
تسکین بولدی زینب ایتدی ای از مو جان غر و اسباب دنیا ایلد سرست  
اولوب براد شاه قصید ایتمس که جمیع افراد افرینش تحت لوی امانتند  
و رضای خدا و رسول سرف طاعتند ایدی نظم حسین بن علی ابوطالب  
آنند بنای زهد استحکام و دین حقا سیتلا معظم جذ و الا نظم  
بنی لوفت مکی مکرّم باب الفانی علی مالی اهل عبید ز یاد ملعون  
اول کلماتن میازی اولوب قتلست اواندی عمر بن حویرت فخر فی حاضر ایدی  
فراده کلدی و ایتدی ای ظالم بر غیرتک که اکا بری مقتول اولوب اصاغری  
یقیم و ایر او ملن اوله اگر حوق قیاب حارثت جکردن دلیله از تکلم  
قیلس عجب اولم نظم من نه اگر سن که سور محنت تدور  
منه راحتک ملک مالیلد مغرور سن در ایل جانی عالمک در  
اهل پلور سند یوقدر در ای بدیخ سن معذور سن  
عبد ز یاد ملعون زینب دن اخراج ایدوب علی بن العابد  
توجه ادوب ایتدی که بوکیم دور دیدلر علی بن حسین دیدی

علی

ملی زحمتک اولادی مقتول اولدی غمی استماع اولوندی دیدی  
اول علی اکبر ایدی علی بن حسین امام زین العابدین شمل اولوب ایتدی واته  
ان له مطالبه یوم القیمه ای عبید اولم برادر برکم ایدی و اولم اید کاهم  
و بنا هم ایدی حقا که دنیا و آخرت اونتک انتقامتک الان عنقریب  
مید اولور عبیدر یاد غضبتک اولوب سوزی که اول مظلوم قتل اید کور  
زینب دست مبارکین حضرت امانتک دانی سر فیض ایدوب بنیاد  
قیلر که ای بدخت آکونون انش طغیانک سیل خون شهداء اهل بیت  
مصطفی دن تسکین بولمادیسه و حارثت عصیانک شهد اقایین  
ایچکدن ساکن اولمادیسه بو مظلوم بریند بنی شهیدایت و بو کتا  
شعر اولم زینب اولدی غیر خاندان بنو قریه و دودمان رسالده  
محرم قالمشده حضرت امام زین العابدین عمنه محمد سند  
عنان تکم الوب بعدان فصاحتک و حق عیانتک صالوب کفتا  
کلدی که این بر جان به قتلدن توهم ویر و حسن یلن سن که بنی قتال  
سرایر فیض نهاد تدور و همیشه غرق اولوب شهید اولوب غمی عاد تدور  
ویوسته جاتمه سیر اوار ایلور ایلد سیر و خرم دور و بهوار رضا قضا  
ویوتک و مصایید صبر ایتک بنی سلور نظم قتلان خوف ویر اهل بیت



اولی در حق دایره قید حیوة **دور** بر منزل محنت دوغم ای غافل  
 و عدم قتل دور برآورده توفیق حیات **عبدی** برادر کور که بصدق  
 و مایه نطق عن الطوی واقع اولان قوسیل مناظره قلمین فایده یلغز  
 و علم مکتب علمه سدید القوی صاحب ده غالب و ملایم اولمن ناچار  
 ساکت اولوب بل فرزند او ایتری که اول مظلومین صدرن دلیلم جامع  
 کوفیه قریب بر منزل تعیین ایوب اهل نهری اختلاف لریدن منع ایدر  
 برنجیه کوفین صونکر همیشه اسباب سفر ایوب و نهری بر قیسی حضرت  
 مغیره و نهری الجوشند بیش منک مسلح نامرد قوسوب اهل بیعی  
 سرها بالکل مله جانب سلمه روان ایتری بواستدور که منازله و مال  
 قطع ایوب کیده لکن هر تنی لایق انواع کرامت ظاهر اولور دی اول  
 جمله دن دور بوکر خزانده تبدیل بحی نام بریوردی سایر خلق الی اول  
 باطله تا ثانی چون استقبال ایدوکن حضرت حسینک سر بار کینه قریب  
 اولدوقد لب تحریک کوروت مامل قلدوقد بواستیک تله و حق حصه  
 یتدی و سعیلم الذین ظلموا ائی منقلب یقلبون بحی تحیر اولوب  
 سوال ایتری که بو کینک اسیدر ایتر یار حسین علی نیک باسید  
 که جدی مصطفی و جدی والدی سی فاطمه زهرا و والد علی مرتضی

دور بحیا ایدر او کرامت و قیلوب فی الحال ایما نکلوی منزله دور و نوب  
 خواتین حرم ساری نبوت ایچون و حضرت امام زین العابدین ایچون المیزان  
 و الطهر دن بعضی مناسب هدیر لور و تبا یوب بیک در هم نذر قیلوب  
 کور و کور حوکل اولان لر تعذر ایتر بل که اعدای منک شاهر محبت موجب  
 فساد دور و قتلنه قصدا مله بحی دایم هم اتموب بعضی ملا زلم  
 اولان و مقابل دور و ریب حسب المقدور مقابلد ایوب سید اولدی رحمة علیه  
 و علا حقان زده اولوب بحیا ای سید و مکیله معروف بر نزار دور کرامت  
 نسب مصطفی دکل خفی **نم** نه بان اوکا حسد اهل اکر نظر قلمن **نتیرم**  
 دل اهل حسد که مخیر آل طعنه ایلان اولان اولقلمن **جمله** کرا مانند  
 دایم اولدور که بوصول دایره یتدوکن **مغری** الجوش برخت اعلام ایتری  
 که ایر بوصول سهر ایه باغلادوب اهل سهر ایلد استقباله حقیر لر عماد اولدور  
 که ایر بوصول ایتری اهل نهری جمع ایوب اولام اقدام اتموب جواب  
 کوندردی که بو سهره طوائف مختلفه چوقدور فساد احتمالی و اصلاح  
 اولدور که دیشره قونوب نزل ساروی خدمت کونم ارباب اولونده سهر  
 ملعون دایم غایت و مدون بوصول حق قبول ایوب سهر کی یوب  
 دلشده نزل ایوب حضرت امامک سر بار کین برقرار دایم اولدور قوسولر  
 ایتری بر قطره فان دایوب اول صخر مبارکی معدن باقوت کرامت قیلوب  
 متحرک اولدور که **مغرم** اول قان جوته کلوب مجده اولدور و خواص و عوام



سراطا فند جمع اولوب عزاير سغول اولالو عبدالمالك مرادان خلافتند  
موجود ايدوي عبدالمالك مسند كهوتند والي اولدوقند حسدند اول  
دانشي كوتور ووب ائدن اركاملدي اتايرينه سهد نقطه ديو زيارت  
ايدرلو **ر** كبرونك اي اهل تيم بيرماند كيم هر قطره سي **د** دانشه دكته ايد  
داسدن چقره قوت **ي** كوكلدي داسدن قوت ديسم دوا دور نيت كيم  
دانشه تاشي ايلور اولان كوكلنكا قلمني **ا** و جلد كرامتند داني  
داني اولدور كه نصيبين حدودنه تيدوكن منصورين ايلاسي هم  
اين باغلورب استقبالد حقوب انلاري هم كوتوروك بيرق  
عالم سوز ظاهرا اولدي نهونك اكرين يا قروي ولسكو سمر ملعونه فاشند  
اضطراب واضطراب بر اقوي **نظم** دمن فافل صانور كيم خون آل  
مصطفی **ر** باغ اقباليه كلوك جهان افروز اولور **ا** احزان ايتهر خند  
قلمن مكو واقف دكل كيم اونك هر قطره سي بير برف عالم سون  
اولور **ر** و جلد كرامتند داني يري اولدور كه نصيبين دن اضطراب  
ايلد حقوب بر قلعه تيدوكل كيكين سيلمان يوسف ديرلري و اونك  
ايكي قزغايي اولوب محاربه صفين ده حضرت موفقي علي الله تقول  
اولوب بري انكلك سرك ايلت ايري و سرك ايكي دوازه سي اولوب  
سمر ملعونك وصولدن واقف اولدوقند هم اين باغلا دوت

تفاخي

تفاخي ايچون ميري اولد باسلي كذوبير تعلق اولان دروازند كوت  
ايچون اولونك فند لرواقع اولوب سيلمان سغول اولدي ولسكو سمر ملعون هم  
داني سمر اولوب ائنه تيكين بويوب طياريند فوج ايتدالر حال طبلد برعير  
تيدوكل كرامنه حيرين غيري لسته بولونغري قهرين قوتوب ارام دوتند  
سهم باونك سركين نام بايريني فائق جيلد و ايلدي كه لطافت خنيلد  
كجانه دور كار ايري هم بانو حد تيدوكلوب آغاز كوت ايتدي سبب بوايلدي  
كه هم بايريني ديكلوب حضرت حبيب حقتند سغول اولدوقند بوز جاري  
اولوب زفاف **ا** جار بيراز ايتدي و اولي جاري قالمشدي و حضرت امام زين العابدين  
ستوگدا اولدوقند قزجار بيراز ايدوب اولن مان يري قالمشدي و سركين  
اولجار بردد ايري روايتدور كه بكون حضرت امامك نظر بيريند سركين  
مطبوخ كوتورونوب مطايبه طرقيله هم بانو ايتدي اي سدراده بكون  
سركين فائده ذيبا كوتورونور **نظم** دوستي كويما صوره سركينه حسنك  
كيم كوكل و هادوس جولدي لغاسند رور **ر** بر تو خورشيد عالم ايدور  
منقل **ر** لعلد نك لاله سركين تاب و مايد نور **ر** هم ابو بصور  
ايتدي كه حضرت امامك اوخا رغبتي وار دوراغل صيلد ايتدي اي سركينه  
بوجاريدنكا هديت قلدوم حضرت امام ايتدي به داني قبول ايدوم و اراد  
قلدوم سركين انا دارلدوقند هم بانو او كايير طاعت فاخي كيدوردي  
كه غزاله ابا و اجار دن اوخا انكلا اشغال ايمشدي حضرت امام ايتدي اي



سهی باغ و نه واقع اولدی که سیرت حسن التفتایله سارباریرلردن متمان اولد  
 سهی بانو ابتدای ای شه زاده سارباریرلرولم نژاد مدور و سیرت شک آداوند  
 و حضرت امام او نکا دعا قیلای حالدهیم بانو شک کسوت پیرایرلردن معرکوروب  
 اذنا الدیله و لفظ قیلردن تحمل اولوب و شمع ابتدای کدای حیدومه بنکاضمت  
 که بوقلعه گروب بعضی پیرایرلردم واروروب اولد که پیرایرلر مناسب حوی الووب  
 مشرف اولام سهی بانو ابتدای ای سیرت سن آزاد سن شکا کم مانع اولورین  
 اجازت اولوب قلعه شویله و دروغه درواز باغلو کوروب پیرکوسه ده شک اولوب  
 احلیس منتظر ای عزیزین هارون کوتوال قلعه دی بی بیج بار ادرینه سارباریرلر  
 کوروب آواز توریدی که باها ابل غویم حاتم وارولیکه کولطف قلعه قیوسین  
 عزی ابتدای ای خاتون سن سیرت کسوتین تعی الووب ییدی بالی پیرنیم عزی  
 درواز کسوتین قلعه الووب سلام ویرد که سیرت جواب سلام الووب  
 ابتدای ای عزیزین بلیغفک که بن سیرت عزی ابتدای که بویکه حضرت موسی  
 هارون ایل و افند کوردم ناصیه لونه اوقعتیت و جهم لونه نشانه مصیبت  
 کویکری چاک و دله لری غناک نضر ایل اندوم ای غم منی اسما ل نه واقع  
 اولدی که صورت مالونک متغیرلا خطه اولور دیدلرای عزیزین بویکون جمع  
 عزایر غولورنی انقد خاتم المرسلین سید اولمسدور و اولم غلویک سربا کین  
 بون لطیفانک جدا قیالوب حالا بوقلعه کور سارباریرلر ای عزیزین کول اول عادت

باقی مرادون ای حبیب الله ایمان کتور و ب حضرت امامانک سربا کین  
 زیارتایدوب بنیم سلامتی توری کلمات سیرت لری کمال اعتقاد ایلدیم  
 ایتدوکن نصله ایتدی ای قدامی بنی اسرائیل ترا یا چون بوسر رسته مرادون  
 دیدلرای عزیزین حالا بوقلعه قیوسینک اهل بیتدن پیرباریرلر نام کلوب منتظر  
 اولوب ایردیلون قضاکن شک تری و یکنکا مقدر دورا و نکا استقبال ایدوب  
 حقیقت حال آذن معلوم ایدوب انکله خدمت لورینه مشرف اولورین  
 اوکلانن خوشحال اولوب ابتدای عزیزین هرینه دیدولک مین صواب و معصیت  
 دورا ما بنم عقودم شهره بانوانده دور و او شک اجازتیه موقوف دور سیرت  
 هم اول ساعت مریعت قیلوب شهر بانوید احوال عرض ایتدوکن جمیع اهل بیت  
 واقفا ولوب میاهاتلوقیلوب شکرا ایتدیلر اما صحیح که موسی وارخو سید  
 عالماب عصای سماعلیله دریای نیلگون کدرا ایتدی و ستمعه یخو  
 کیمی صحیصا دق طور کوساری سارباریرلر عزی بن هارون قلعه دن انوب  
 مستحفظلرم بینک دهم رسوت و یروب خدمت اهل بیتا جازت الووب  
 بعینک آلتون حضرت امام زین العابدینیه نوز طریقیله مینا قیلوب خواتین  
 حرم ساری رسالتنک هریرینه پیر مناسب تحفه لور متبایدوب خدمتین  
 مشرف اولدی و ایمان کتوریدی و حضرت حسینک سربا کین زیارت



ایدوب موسی و هرون سلامین یسوع و کده حضرت امامانک سعادت  
بیر آواز کلدی که سلام الله علی خلیا و علیهم عزیز ایتدی یا امام بنکا  
طریق کوسروب ارشادایت صد کلدی که ای عزیز چون سلمان اولون  
هدایت بولون و چون اهل بقیع حرمت قیلدون انبیاء سلامین یسوع  
سلسله انقصابن داخل اولد و نیک عزیز دعا قیلوب و رجعت ایتدی  
شهر بانو شیرین ایتدی اگر غنای شیرین عزیز قبولایت  
و شیرین عزیز قبول ایدوب و شکله روان اولدی **قولند** سعادت  
نشانی بودور کیم یهود اولور اهل دین اهل عصیا ایکن **استقامت**  
دلیلی بودور کیم شقی قیلور ترک دین اهل ایمان ایکن **حضرت**  
امام زین العابدین ابوالخو قدن روایت دور که شهدا با سلا حریب  
الله مبارک بر کیمی محافظت ایدر لری بن که ابوالخو بم بر کیمی ایلار  
او یقوی و اروب بن بیدار قالدوم کوردوم بر کیم کون کیمیند لباس  
کافور فامیلد کویان کویان حضرت حنینک بائی اولان صندوق  
مقارن اولوب اولد سربار کی صندوق حنوب یوزین یوزین  
سوروب فغاند با سلا دی تصور ایتدوم که سایر خلق قدندور  
توقدا یلد متوجه اولدوم که اول بائی اندن کوب نین صندوق بواقم

نکاه بر صلا

نکاه بر صد کلدی که ای بی ادب بو آدم صغی دور و جگر کوشه مصطفی  
ما تین دورین غرقه دریای تحیر اولسک بیر صد اداخی کلدی که  
بیم عقبه کیمیند داخی پیدا اولدی دیدیلر نوح نبی و در متعاقب ابریم  
و اسمعیل و اسحق و سایر انبیاء حاضر اولوب بی بی بائی زیارت ایدوب  
جمله سندن صوکن صدعات ناله و فغان ایلد کسولری بریشا  
و دیدن لری کیم آن حضرت رسول و جماعت کبار و عید و کزان و امام  
و خرم و جعفر طیار ایلد کلوب حاضر اولد و قدن ملاحظه قیلدوم که  
آسمان دین بر کیمی نورانی نازل اولوب حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
اول کوی او زیند قرار دتوب سایر انبیاء اطرافند تمکن اولوب  
غزایر مسغول اولدیلر اول حاله تقارن کون بفرستد ایتدی  
الله تیغ بران و بی اندر عود آتش کوان صندوق مشغولین  
جمله قیلدوقد بن غایت و همون فریاده کلوب ایتدییم یا رسول الله بن  
اکد ایلد بوللار رفاقت قیلیم حاساکد بن دشمن خاندان رسول  
اولام حضرت رسول نبی نبیلر خلاص ایتدی اما رخسارم بطیانچه  
اوردی که اوتنک ایزدن طرف رخسارم سیاه اولدی صیاح اولدوقد  
اول رفیق لردن اگر کوردوم بر نجه خاکسترین غیر شریفی الحوسنه



یتوب بنده که بالحق حققت سؤال اتیذو که مسامحه قیلاغم  
احوال تمام شرح اتیذوم لکن مخالف اولی معلوم ایوب عواقب امور لرینه  
اطلاع بولیدم انا بخان **نظم** هر عمل بی جزای طلب قایل دور ای  
خوش اولکم گواید مایل دور **نظم** کیم کل اولور کندن یک کل تیکن  
دور تیکن دن اولور یک دو اتیذور که یزید پلید اهل بعیدن  
بر کیمینه حاضر ایک لرام کلوم وزینب و حضرت امام زین العابدین  
حاضر اولوب پرده التذکره یغینک نظر مبارکی حضرت امانک  
رخسار رفیع دوسدی بی اختیار فراده کلوب اتیذی **نظم** ایظک  
سرمایت نر بدعتدور که بنیاد ایلدون **نظم** خاندان احد خنجان  
بیداد ایلدونک **نظم** اهل بیت مصطفی یک ستم کور دونک روا  
لایزید بی جفا تنک کو بکلی شاد ایلدونک **نظم** بونر فکر باطل اندیشه  
بیرون دور **نظم** کیم یقوب یک کعبه بی تجمنا آباد ایلدونک ای  
یزید بی جفا هر کیم بی آرایش **نظم** سن دانی بو ظلم ایلد عالم ده ای  
ایلدونک **نظم** یزید پلید دیدی بو کیم دور دیدیلر همسر حسین علیهم السلام  
ام کلوم دانی بی جفا بدن خوشه کلوب اتیذی ای یزید رخصت  
و یک حسین ایلد بر دانی ملاقات ایوب و دلغ ایه ام اجازت  
حاصل

حاصل ایوب اوسری مبارکی البند آوب دایحه کبیری سکا نرین  
بهوش اولوب اوز بنده کلدو که اتیذی ای بی بی ایلدم واجب الوجود  
در کندن که عذاب حق بدن مقدم عذاب دنیا بد گرفتار اولان مراکتا  
یتیمس بی بی اتیذی خاتون کورد و کور که دعوی کا ذبون کن نه شجره یزید  
ام کلوم اتیذی ای یزید ان المناقون لکاذبون منافق کاذب دور  
یعدب المناقین و المناقات و حق تعالی منافقین معذب ایدر المنه  
نه که بی خانان نبوت و ولایتوز بریدار تالار دن مخرف اولوب امام <sup>العابدین</sup> یزید  
حضرت لرینه توفیه اولدیلر و دیدی که بو کیم دور دیدیلر علی الحسین  
یزید اتیذی علی الحسین مقتول اولدی دیدیلر اول علی کبر ایدی بو بیچاره  
یزید اتیذی ای زین العابدین حسین استدعا قیلور که منبر پرده جلوم قیلد  
و خطبه لر بیای ایدر المنه نه که جلوم کاه دوس روح اولدی  
و بنهم دولتم آنی مشهور و مخدول قیلدی حضرت زین العابدین اتیذی  
ای یزید بنای منبر بنم اجدادم منور یاسنک و رسم خطبه بیروم جا نهر دور  
یاسنک طرفتکدن ای یزید دولت دولت آخرت دور اولی زین میسر دور  
و سعادت سعادت باقی دور و اول بی مقدم دور و الذین  
هاجروا و جاہدوا فی سبیل الله ثم قتلوا و مالی فیهم الله رزقا



حَسَا اِي غافل سکا رانی ایتد و کک عمل غمخیزیت و دور  
سُوْنَا مَقْرَدَا فَاَنْزَلَتْ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا اِيکه هرگز قیلموب اندیشه دوز  
خشن هیات محذول دور پیوسته افغانک سنگ اولزما  
کیم مصطفی خصم اولر حاکم کرد کار سن رانی بیشک بیایون کیم طور  
طناک سن بزیاد و ناک کما تندن عضبات اولوب قتلنه حکم  
ایتدی ام کلوم و زینب فریاد کلوب استبداد ای ظالم بوططالک غفلان  
نبوده صاحب ولایت قالمادی بونر ظلم صحیح دور انا دیک یا جلله  
یا خیر منزل حینک مقول و نسلک ضایع برید بو کما تندن نهول  
غالب اولدی حضرت امام زین العابدینک قتلدن تجاوز ایدوب ایتدی  
ای زین العابدین بنم او علوم سنگله قریه دورا و نکلر مضارعه ایتد که قاتله  
میسن امام زین العابدین ایتدی مضارعه سهل دورا ما هر برهوز ملک  
الیند آلت جرح و ریب حکم ایت عاجله قیلر ایم غالب اولان مغلوبی قتل  
ایستون بو نکلر ایکی صدای نقان نوبت چقوب بارگاهنه دالزلر برانقد  
بریدون او علی ایتدی ای زین العابدین بو نیم اتانم نوبت دور هانی سینه ک  
نوبت کوز زین العابدین ایتدی بر مقدار جلالت نقان دن صونک موزن  
نغمه اساکر کیری سامع حضار طفلله برانقد و زین العابدین ایتدی

ای نطفه

ای نطفه بلید یزید بو نیم نوبت دور که تغیر و تبدل بولوز  
نوبت کک نوبت حکم ملوک ایلر قبول انقال سر عدد و اولر کم  
کیم بو قدر و انکا مطلق نهال قطع بولوز رسته بویذ آل مصطفی  
کردن عقبا یصله مسدور کند انصال حضرت امام زین العابدینک  
حسن فصاحتدن برید رسته دو سوپ ایتدی ای فرزند حسین  
نه حاجتک و المیسه بندک استعاقیل امام زین العابدین ایتدی قائل  
حینه بکا تسلیم ایت جزاسنه بتوریم یزید دفع مظنه لجنون کوفه دار  
لورین جمع ایدوب ایتدی کیم دور حینک قاتلی دید لوخولیک یزید  
دور خولیم یزیدی حاضر ایتدیل سوال ایتد و کده یدری حاساکه بن قتل ایتدی  
اولام لعنت اونک قاتیلنه و قتلنه رضا و یزیدلره القصه جو و نکلر  
و سبالغه دن صونک دیدیلو شهرزی الجوسن سوال اولو و قدده ایتدی  
ای امیر حضرت حینک قاتلی بن دیک یزید ایتدی بو کیم دور سمر ایتدی  
اولر کیمسه دور که غیبه اسباب ایدوب لنگر کو بوزوب بولوم مباسر اولدی  
یزید بوسوزدن منفعل اولوب ایتدی لعنت یزید و افعاله کونه حضرت  
امام زین العابدین ایتدی بوندن غیر حاجت متعاقیل حضرت امام ایتدی  
اجازت ویر که ایل بقیله تسویه مدینه اولوب حد بزد کوارم نوبتی از و یزید



مجاور اولام بزید ایتدی بواسطه داخی مقبوله در اما بوسطه  
که آخر خطبه آخر خطبه مناقب آل ابوسفیان اوله پس منادی صالو جمع  
اهل تائی مسجد جامعک حاضر ایدوب ایتدی طالع بر اهل تمام خطیب  
منبره مقوب بر خطبه بیان ایدوب وحد و نادن صونکر تاش  
آل ابوسفیان و مذمت آل ابوتراب ایدوب حقیقت یزید و بطلان  
حسین خصوصه سبالغه لرقیلای حضرت امام زین العابدین  
محل اویوب ایتدی ای خطیب خطایلدنک که رضای ظمی غضب  
خالقه اختیار ایتدو ک **نظم** ای خطیب هست رای مجتهد روی خراب  
داس نایاک ایلد آلوده قیادونک منبره **مدح** اهل طلم ایدوب قیادونک  
نهای خشمناک **طعن** آل ایتدوون منبت ایلدوون پیغمبر **اعتبار** خطیب  
دنیا فانی سهلا دور **نولدی** ای ظالم **نحو** یاد المومن **عسری**  
خطیبک تعرض د صونکر امام زین العابدین ایتدی ای یزید  
اجازت ویر بن منبره مقوب حسب الواقع بی خطبه بیان ایدوب  
کیم بزید بلور می کیم اظهار حقیقتدن انفعال چکناک لازم کلور  
قناقل رضا ویر ولی اما حضار مجلس اتماس ایتدیو که اهل حجاز  
فضا حقیقه استماع اتمک براد ووز دور حوق سبالغه دن صونکر

اجازت

اجازت ویروب حضرت امام منبره مقوب مسند رسولی وجود  
سیر فیله منور بر خطبه بلوغ ادا قیلای که مکند دقت ادراک نظر کلور  
ایوانی واصافه تمک دایره امکانه کیرن و درای تفکر مضمون عبارتند  
عقل سراسیمه ساحله احتمال ویر بن بدایع عبارتند اصناف لطایف بلکه  
محتوی و لطایف مضمونک اسرار ظرایف ملکوتیه منطوی **سلا**  
تسلل قلمانی مکند قید قلوب **نظم** فضای عرصه کفاری صدف  
عقول بلا غشک عیان سرحکت قلون عبارتند معین روز  
شمع رسول **سرایط** حد و نادن صونکر بی موعظه بیان ایتدی  
که لذات استماعندن نفوس و عقول حضار مجلس کمال فصاحت  
و نهایت بلا غشک ملا عطفه قلوب جمیع اهل مجلس مفتون و معتقد  
قیلای احسن اصوات ایلد نوا قیلای که ای قوم بنم وارث مسافر  
فضای جهان الذي سري بعينه كينك من الموحدين احرام الى الموحدين  
بنم مجاور جرم حرم سراسی فكان قاب قوسين أو أدنى بنم دندانه مفتاح  
أنا مدينة العلم وعلي بها بنم مضمون عبارت **لا إله الا الله** عليه احو  
الآلودة ذي القربى بنم نطفه خير الاطحاب بنم نقار اخس  
الانسان بنم سكوة طارستان عصمت بنم کلین غنچه طهارت  
بنم مکر کوشه فاطمه زهرا بنم سبوح دل علی و تقوی بنم نور دین **مختصر**



بنم سرور سینه شهید کربلا مندر خلافت معنوی والدین رکوارید  
بنکا سو هو بدور و سر سلطان سوری جانب والد عالمقدارم در  
بنکا منسوب دور اول بلبل کلزار فصاحت و ملو طلی سکر سابلان غیت  
و کلمات حکمت اناری بزیل بلید موی کلوب خلقتک تقوی عقید  
لوریدن احتران ایدوب مؤذن سائیت قیلای که قامت کتوروب  
حضرت امامک کلمات قطع ایوه مؤذن ایافه دوروب ایتدی  
اشه اکبر حضرت امام ایتدی لاشک فییه ولائی اکثر مؤذن ایتدی  
اشهدان لاله الا ایه حضرت امام ایتدی لیه دجالحی و دی مؤذن  
ایتدی اشهدان محمد رسول الله حضرت امام عمامه شریفی و رف  
سار کندن کتوروب مؤذن او کتوروب و کسوی معنیه  
پوشان ایدوب ایتدی ای مؤذن بو ذکر ایتدی کون محمد  
بر ساعت صیرت مؤذن خورش اولدقد شاه زاده خورش  
میدان عبارت بر اقوب حقیقت عصمت و جوارت امامت بر لرا حرا  
واجتناب ایتدی بیدی بزیل بوزول کرم ذکر ی زیور منابر  
ایاستک جد و نکمیدور یا بنم و بو صاحب شان عظیم که وصفی  
ورد اکابر و اصاغر دور یا سکا اقر دور یا سکا اقر دور یا سکا  
بو کمال تجاهد و کور و کور که بیلورم آیا بونر خیال باطل دور که

دسای

دنیای بی اعتبار ایچون سرای عاقبتک ویران ایدوب نقد رسول الله  
تشنه و جان بدور هم بلا و سترغ جفا قلوب محقرات اهل بی  
ناحرم لور لور دین شهرم کوز دوروب مبتلای محنت قربت قیلای  
اکر طقتند انرا سلام و ارایسه بواستخفافی دور نقبای اسلامه واکر  
بوقسه دوروب سجد و محرابی کوده قیلوب عبادت باطله قیام و اقدام  
اتمک یزیدی اول کلامدن کمال انفعال بولوب باغده دوروب مؤذن  
امرا ایتدی که قامت کتوروب نماز مستغول اولد لاله نماز دن مؤذن  
دفعه مظنه ایچون جمیع امرا ی تمام و کوفه حاضر ایدوب انلان لغیر  
و ناسرادیوب اظهار تاشف قیلای که لعنت عبید زاده که بومر  
فیحه اقدام ایدوب بنی عراق و سام ده بزم امام ایتدی **نظم**  
دکلی سفلا آسان قتل آل مصطفی قیلوق و فاهلین ایرسند  
بیداد و بلا قیلوق نبوت یاغینیک کلین لور دن غنچه لرا و زینت  
حفا غنیلدی بر یا سکرین تندن جدا قیلوق کتارا غرایبک تقلدور  
که بزیل اهل بیت کندی سزید بر منزل تعیی ایتدی حضرت  
امام حسینک دورت یاشده بی معصوم سیر اولوب حضرت  
التفاتند معتاد ایدی حضرت درجه همدادت بولد و فقه کون



متفقند ولوب سوریه که این ابی انواع فربا بیلر تسکین و روز  
بر زبان که بزندونک سارینه ابی اول معصوم بر کجه والد  
بزرگوارین واقع سینه کوروب اجطر ایلر بیدار اولوب  
فراد ابی که این ابی اول نوصه دن یزید بیدار اولوب سبب حال  
ایتد و که اول معصوم نیک حالین عرض ایتدیلر نریا ابی کیم  
حسینک بانی اوکا کوشورونلر که تسکین بولر حضرت امانک  
سرها کین بر طبق اول معصوم حضوره کور و که دیدی  
بونور و بیدیلر هذا ابوک اول معصوم نظر قیاد و قد لی اختیار  
دخسارین رخسارین سوریه آه جکر سورچکوب جان ناپتون  
مخدرات اهل بیت اولی کوروب بخداید مام قیلوب نوصه لری  
قیلوب که بزندونک سارینه دلزله دوشدی **م** ار نور ساری  
فلک اولاد سیم غری **م** تازد ایلرین دمام اهل بیتک ماتین **م** تیشه  
بیداد ایلر هر دم توکوب پر دانی **م** و که ویران ایلدی عینک  
بنای حکمین **م** بزیاد احواله مطلع اولاد و قد اهل بیتک عظام  
یقوزی اما ام کلثوم بزندله اجازت ایتدی که ساری **م** مان  
خارج بیر نعل مقرب ایلر که اهل بیت آن ساکن اولوب فراغله  
عنایر سغول اولر لاری بیدیلر مخدرات عصمت ایچون خارج ساری

اماره بی منزل تعین ایتدوب ایتدی که خواتین اکابر و سراف  
کام جمع اولوب اولدند ایلر عزایر سغول اولر القصه جمع مام  
رتب اولوب نوصه لری خیاد اولوب بوشیه لری او قودی **ن**  
اکیم قیلدی جناح و فادار **م** دلغ لری او قودی دمام دل افکار **م**  
بونجه معصوم لری لری کرفتار ایتدی **م** هیچ جمالیوب نر لری  
**م** نقل ابو مخنفه مسطور دور که بیدیلر حضرت زین العا  
بعضه خدمت کار لری قوسوب شهدا نیک با سلا لری کوریلده بد  
ملحق ایدوب و سارم مراجعت قیلند دیک اهل بیت ایچون اشیا  
سفر متیاقیلوب هر یینه مناسب خلعتلر وهد بیدلر و یروب  
حضرت امام زین العایدین کلد و که نعمان لشی او توز کمال مبارک لری  
خدمت لری ایچون تعین ایدوب رعایتلرینک مبالغه لوقیلوب مدینه  
ارسال ایتدی نعمان لشی غلصه خانان ایدی مدینه بولند اهل  
بیتک خدمتده کال سعی و ایتام ظهور کتوب نزل و تحال  
طریق ادب بیر موشده رعایت قیلدی که خواتین اهل بیت ساکن  
وراضی اولدیلر مدینه قهریند و که ام کلثوم زینیه ایتدی  
مالکائی الا حقیقتا یعنی طهرین غیر فستق و قد و پس اعضا لری



خلید لورین چقاووب بو طبقه قویوب نماز ارسال ایتدیلر که  
بو خواجه خدمت دنیا دورانشاء الله تعالی جوی خدشک اخوان  
ظاہر اولور نمان اول خلید لری بیندیکه کوندروب تضرع ایتدی  
که ای خواتین هم ساری نبوت اگرچه بو خدمت ظاہرین خدیتله  
و حکیمانه صورت بولری اما حقیقت ده بنم مقصودم ایتدی که  
خانان نسبت بی خدمت بندک ظاہر اولد املتت الله که بیست  
اولای **نظم** نه الحمد که سائیت درگاه اولدوم **معنی** صهر  
اخلاصون آگاه اولدم **عاقبت** منزل مقصوده بترسم نه عجب  
اهل اعجاز کر ایتدیلر اولدوم **القصد** اهل بیتک تشیقل  
خبردار اولوب اهل بدین ذکور و اناث صفار و کبار ناله و افغان ایلد  
استقبال ایدوب حضرت امام زین العابدین و خواتین اهل بیت  
لباس مانتک کریان و بدیشان کوروب سیند لورن چاک و دیدم **لورین**  
مناک ایدوب دیر لردی **نظم** ای سیاه منکر غولدی سید سالار **لورین**  
نقید و نکر سلطانکوز مایه خانی سردارونک **نقیده** اولیش لاکون  
لوؤ ایتدیلر **نقیده** دنک ماسین دو قش کل رخسار و نکر  
نقید و نکر اول شهرار معدلت اناری کیم **لطیف** اولیشدی انیس مونس  
غم خوار مکن **القصد** اهل بدینیه غلغلده اهل عزادن پیر ذلزلده و

درو دیوارندن صدای نوحه سطح آسمان ایتدی **نزهت** الارواح  
مسطور دور که پیش نوبت مدینه شده ایلد مصیبت واقع اولدی که غوغا  
سندن مقدمه قیامت تصور اولونلری خلق استغفار با سلا دیلر  
بی نوبت حوای حیده حضرت رسوالله مقتول لری احرار قالوب ایلیر ندا  
قیلار و قد که لکن محمد قتل و بی نوبت داخی حضرت رسالت صلی الله  
علیه و آله داردن رطت ایتدو که و بی نوبت داخی حضرت **نصرت**  
و فاتی ایتدو که و بی نوبت داخی حضرت حسنه کسید اولدو که و اهل  
بیت مدینه دن مکینه توجبا ایتدو که و بی نوبت داخی شامدن  
اهل بیت مدینه کلدو که روایت که اهل بیت جهر و کیس غبار ایتد  
پاک ایتدین و ریج سفردن اشراحت روضه سید کاینات متوجه  
اولوب فریاد و فغان لرایوب سلام و یروب عرض مال ایتدیلر که یا جداه  
و یاستداه بادید کر بلا سر کور و انلریوز و دیار غربت و بدیشان لریوز نجیه  
حوادث کربیا هنوز چاک و طپانجه نوایین دیدن منمناک **نظم**  
یا رسول الله بیابان حیا بلا سیاحونه **کلمشوز** در کا پکا زار و دل  
خیزیم شمع نزهتکا هنر باد فنادن فوت اولوب **بهدم** اولیشد  
بیهو نیران اه آتشین **رختن** سیلا بیگمش ملکوز اولیش خراب حال  
اولیش مکدر کونکین اندوه مکن **بو نو** عیله نوحه لری قیلور کین ناکاه



ام لم حرم طهارتند خراسید روی و پریشان موی انقباض کلوب  
سینه خاک کوبیده انده قاندهوش مطهرات اهل بیت ام سلمه  
کویان کوروب بیرون ایلد ماتم ایتملا که سکان طبقات سما  
سجده عباد تلویح الدن بر اقوب دایره مجلسه حیران قالدیلر  
اکثر تغایره نقلد و وصحنه تمشد و رکه واقع کربلان صولک  
عبید زایدنک لشکریندن پیاده و سوار و خادم مخدوم بهرج  
هیچ قدر اسایش و حضور ایلد معانی ایتیموب بهر یوی قبل الله  
بر عذاب کوفتار اولوب او سکر فوت اولدی خالدهن برید حضرت  
امانک عمامه سر بفرق مبارک کندن کورتوروب تصرف ایتیمدی  
دماغی بخت اولوب علت سودا ایلد زنجیر کیر و پال قید ایلر بسکه  
ذرها سبکون ذرا قیدند و کوب هلاک اولدی و جعفر بن  
بیلر سر بفرق بدن لطیفندن حقروب المشدی اول پیر ایتد یوز  
تمش زخم تیغ اولوب فی الحال اول بخت ابرص اولوب علت برص ایلد دنیا  
کتیلمی اسود بن حنظلله شمر بن الوب تصرف ایتمش خرامه کوفتار اولوب  
اول علت ایلد فوت اولدی مالک بن یسار خفینک المیشدی خفت  
عقل پیدا قیلوب مصرع اولوب کوجه لون دوشیدی عاقبت احو  
طفل لوطا شله هلاک اولدی سواد ایتون مسطور دور که شمر

لعین

لعین بر مقدار اشرف حضرت امانک صند و قندن حقروب بخت  
ایتیمدی بعضی سینه حیلر ایلد اولادیند و بویک داعیه سینه قیلد  
ایدی اول طلا معدوم اولوب شمر اول حالت سکت کورتوروب ذکر کوی  
کند و حضور کورتوروب اولاطاشنک بعضی سینه بوطیه قوید و قد  
تمام معدوم اولدی روایتد و رکه بعضی بد بخت لر شمراده تنک  
قطار لون ناقله زنج ایدوب تناول ایتد و کله سابر ذرا اولوب  
تصرف سیر اولدی القصه قتلا ی حضرت امام حسین عقوبات  
اخویدن مقدم عقوبات دینور کوفتار اولمدین دنیا دن کید کیر  
مرات الجنان مسطور دور که واقع کربلان دن صولک اقرب زمانه  
عبید زیاد ملعونک نامبارک باسین قطع ایدوب کوفه مسجدین سکور  
دیلر امام ترموی عمار بن نقل ایتمش کیر حاضریوم کوردوم دیوار دن  
بیرونی حقوب عبید بد بختک دماغ نامبارک کیر و پال بیدوم دوروب  
حقوب بر بخت فوت بو عملی ایددی مسابده این نلر محقق اولدی  
که بو مقدمه عذاب جهنم دور سواد ایتون مسطور دور که مدینه  
بی بخت حضرت امانک قتلد بخت ویری هم اول کجه بتر اواز  
المیشدی



که آسمان کن کلوری ایها القائلون حیثا جهلا ایشوا بالعذاب  
والتشکیل اسید وار که عدم عنایت الهی و شوم فضل ناستاهی  
اول اجای صادق الاطلاق و اودای قوم الاختصاص و قرین  
حال و کفیل حسن آمال اوله که بر ماه محرم تجدید مراسم حضرت شاه  
کر بلا و قرین حال و کفیل حسن آمال اوله که تحریک سلسله تغزیت  
شهدا قیلوب دین کرمان و دل بریانله تنوجب کسب ثواب دنیوی  
و اخروی اولوب اولار بولار و جلد ثوابدن بو مصیبت نامة مؤلفه  
تصدق قیلوب بو ثوابی دانی موجب مزید حسنات  
مناران اولار بسم الله الرحمن الرحيم

که دعا و نوبه یازن بسم الله الرحمن الرحيم  
ای مؤمنان حاضر دست بدعا بروارید که محل دعا است و غریب  
و قیست و عجب زمانست که دیده یار در ماتم شهرزاده یار پر آبست  
و سینه ها لعل زن و کبابست و دلها مجروح و خونابست و هر دعای  
که درین وقت وقوع یابد لاریب فیه مستجابست الهی بحق دل  
مجروح معنوم اولاد مصطفی الهی بحق خون ناحق ریخته جلوسد

خسکان دشت کر بلا الهی بحر مت ابریم خلیل و بقربان ساختنی  
ایسمفل زبج الهی بحر مت ناله یعقوب دریت الاحزان و بلیتیه  
یوسف در چاه زندان الهی بحر مت موسی کلیم و به بیمار ری بیماری  
ایوب سقیم الهی بحر مت مصابرت ذکر تایی مظلوم و شیخ زهر آب  
داده خلق یحیای معصوم الهی بحر مت سر شک درد آلود بشول عذر  
الهی بحر مت جلک یاره یاره حمزه سید شهدا الهی بحر مت امام حسن  
خلق رضا الهی بحر مت خلق ناحق بر سید امام حسین شهید مظلومی  
دشت کر بلا بر حق تعالی این مجلسی که چون مگر خدمت بر میان جان کند  
بسته اند و با استماع مقتل اولاد رسول و احقاد بتدل قیام اقدام نموده اند  
و هر رعه من بکا علی الحسین او تباعا و جبت که الجحش در سان ایشانرا  
از نار حیم خلاصی دلا و بنار نفهم شان بر سان و از دست کشیده های معصوم  
شراب و عقیقان بچشان اللهم ارزقنا فی اجورهم و اخلصنا فی مضایبهم  
حشر ما بار رسول کن یارب این دعا مال قبول کن یارب آمرزیده باد از من و  
اخلاص بدین نیست فاشحه بخاتم



اورنگ  
مظفر حسین

جیوتی پر غم و وفار حسین

بیخسار و بی یار حسین

دربار بیسایہ اور راج رشت ارا  
یرتن بومانی لشکر کفار حسین

مخزون دلکش تکر داغ دلغ آئین  
قوم نیرایہ اندک کرفار و احسین

داغ جگر اسیر مصیبت شلکشی  
قلمش قراق و دین سرور حسین

دست اوز و پان پان برین تیغ نردن  
خاک ابدون انجیدہ دگر حسین

جسمندہ فائز اولور واک جگر لافان

و شدن ایام زخم ابدی لافان

مجلد و ن بوندن قلیں بائیں و جان نثار

مختر کووندن رشت کدکار و احسین

فرار قالیوتی اندک فضا کمان  
صحرای بیخسار و احسین

چون در الحجابی اهل علم کوردیل و یوب  
نولر غریب اولالین غم نوار حسین

اوز قویلدیر صوم سار و تالغ ایون سپاہ  
اب نو چشم احمد فکار حسین

زین العباد صدالبید چادر و توب و یوب  
کلر دیر لشکر اسرار حسین

سدود اولور صوم و نثار و احسین

باغیضا بو واقعہ دن جسم نام توان



بوجور و بوجاده جنتیک دور استیک  
 خاک فزه بواره صنتیک دور  
 کز بلا رفتند یارب و زانو مالان قالمکم  
 بجز او هیچ کس تو از غافلان قالمکم  
 کعبه یی بخدمت لکم بر تو بخت خاندن  
 بن بوسیدان بلاده دار کمان قالمکم  
 با علی قیل کر بلید بر کوز و مالک  
 بکین مضطر غریب زار و جران قالمکم  
 اگر بود لایق ظلم البدر مقول تبدیل  
 داغ صبر ایچین چون لاله فزان قالمکم  
 ایسترا جام شهادت العطش یا مصطفی  
 سینه دل افروز و سینه سوزان قالمکم

قالمکم خیرین نیلیم ایتمی  
 یکین یه استا کران و لالان قالمکم  
 اگر اصر فراتی لالتک داغ ایلب  
 دیده کردن خون چکان چون ابرارن قالمکم  
 اول تنیک غصتی باندور در صحرای  
 اولادک فالنه مضطر و جران قالمکم  
 قالمکم ایست عال ال اهل اهل اهل  
 قوم ظالم ایچین نرساک و راک قالمکم  
 واقعات کر بلاران جسم او دلا نرضای  
 دین کرمان زار و محزون سینه بران قالمکم



آه العطش آه العطش ای وای افسان العطش  
 مظلومی کربلا صین الی کنارینه ضربی  
 اولدی روان اندوه کین میدانه کوپان العطش  
 اول طفل ایچون هر شکوه لب بر جبهه سوا بیدر طلب  
 استی که ای قوم بی ادب سیراب بیکان العطش

ایا کوه دور کوهان  
 یارب اوله ایلان ومان لب تشنه قالسون نازون  
 نه کسیدان العطش  
 اهل جوم زانو زار لب تشنه و دل ز غدار فان یغیون دله زار  
 ای الامان ای العطش

باجلایلیک و نکاح ابتیاد لیکن رسم و صبا  
 حسینه کوردلار و غلام خانان العطش  
 سوزان نالان العطش

فان اغلا کل کون فضا  
 سوزان نالان العطش  
 کرب بلاید کل بوگون اردل فغانی کور  
 طغیان جور ظلم هجوم بلا ف کور

سدد و ابتیاد یلیر یوننده شغلی کوبلا فیان  
 بو جور و ظلم و بوستم و بو صفای کور  
 فانیله دولر عرضه میدان کور ملا  
 ماتحه الخف کوزایت کربلا کور



دردی جان اینده او را در دست و پا گیر  
نور و جویم حضرت میرزا شجاع کور

دو تنگی بر اوزار زار تنگی باکی باکی  
دو تنگی مخالف اوزار نظر سال سران کور

بمنقاد و درون نفس سسکه سر کور  
امت بولند با بینی و برین فغان کور

با بصیرت رسول مومن کور  
فانده صحت اینده فکری یغی کور

از ویرب دو کور کور بونه کور  
بشیرت ایاغند ویر کی قاقور کور

قلمتیں میان معکده کور  
در ورده کور کور کور

نیغ المیکه لاری با بینی اکبر و غلغله  
باغش او غول فراغند غلغله کور

از ویرب ایل بیت سر کور  
دستمن بچند مضطرب آلبان کور

ظلم او دی در خط خمد کور  
باند دستم ایل بیت بچیان کور

مجل سوار ساسه روان اولر ایل بیت  
سامانداخ او غافلده کاروانه کور

عشک کونه که ال اوره عرسه رضا قبول  
غوغالی کور قیامت روز جزای کور

جود ملا و درود المودت مرای کور

شیراد واد غنعت غم کور

آین رسوله ایتد و در دست  
کجاست کور بولمدرت مرای کور

اولاد مضطرب ستم المکدر  
دون ولا از فاست او مد کور

نیغ صبا الید با بینی کس کور  
با بصیرت بورد سمد مرای کور

فون اور کور ضعیف آفتی ستم  
فواد عرسه تیر کور مرای کور







ایب زبید طایفه فراد الذود داد  
کورنده لور اتیوونک بوقانیه دیوره ایچیناکی

خلق عالم سوری مجر ملوک غم خورن  
تغیج بیواد ایلد مقتول ایلد و ملک اینج فراد

بارگاه کبریا محو کون ایتدیونک کیر  
بر عیار عالم کون کون در صحرای کون

اولاد دیان ارس کیم جینیل فواخلال  
کونیه دلت کول ایلد ایتدیونک کیر ایلد

بیختم عشق خورن طایفه کون کون کام  
الاوره عمر سالدین ایلدیه قیاد داد

اهل بیت خیر صیبت کور دیون ارون روا  
کورن عسکریان ابد ویر دونک افر علی عناد

بر نامل بک کورن دیونک کیم آلتنه  
اولمکون چوخ ایتدیونک کام اولاد یاد

آه افغان قبل اضا سوز جلکون اعلالار  
یزیران غمده اولمکون ایتدیونک کام اولاد

ایتمه سوز عمل غمده ایتدیونک

ساخته دون ما غمده ایتدیونک فاطمه دختر کون

آل عباد کورن صفا اولاد ایتدیونک  
بیجیونک تیر بل اولاد و کون ایتدیونک

آل سول حسن نه ستمکون ایتدیونک  
اولان دوز کارن قور اولد و کون ایتدیونک

آب خرات و حسن طیور سباح ایلن  
درما دریغ آل عباد اولد و کون ایتدیونک

بانور دنک اهل بیت باغ ایتدیونک  
اولار آن اهل غل اولد و کون ایتدیونک

نورک سنات و ناز اولد و کون ایتدیونک  
باطل خیال فکون خط اولد و کون ایتدیونک

ظلمت سوز غمده سینه کیم کام  
اولاد سلفیه در اولد و کون ایتدیونک

آق دورنک علم صبر اولد و کون ایتدیونک  
کون کیم حسینه سن نه صفا اولد و کون ایتدیونک

اولان کون کیم کاه ایلد و کون ایتدیونک  
نیغ ایلد سن اولنکی صبر اولد و کون ایتدیونک

اورا باشه راز غلا اضا آه  
باطل خیال فکون خط اولد و کون ایتدیونک

نورک سنات و ناز اولد و کون ایتدیونک  
باطل خیال فکون خط اولد و کون ایتدیونک



امام حسن  
مرتضی

اغلا سر ستم غیرتسا ایچون  
دوران داغی و راز باشد اول غلبه ایچون

کیسوا و بشتک ایدور لر فغان  
رضوان غزل و توب هم مؤمنی ایچون

فاحسنرا که سرور دین مؤمنی علی  
صاحب غزل و حضرت خیرالتسا ایچون

سنداده کان روزی غزل فغان  
زار غزل دیکر خالک مهران ایچون

مجتبیان  
اغلا سر ستم

و صبح ستم دینم دیه صیدین  
اغلا سر ستم

زار اغلا فغان ایدورن  
و کسید عسکر کرملا ایچون

سبون بلند اولر زار رسولان  
زوج قبول غلاری اولر تقدیر ایچون

مست الیکد باشد و قدیم رضا  
فان اغلا زار رسولان غلایچون

اغلا سر ستم  
دوران داغی و راز باشد اول غلبه ایچون

کیسوا و بشتک ایدور لر فغان  
رضوان غزل و توب هم مؤمنی ایچون

فاحسنرا که سرور دین مؤمنی علی  
صاحب غزل و حضرت خیرالتسا ایچون

سنداده کان روزی غزل فغان  
زار غزل دیکر خالک مهران ایچون

کربلا

اولدین بیدار بلده الم فغان  
اوز قویدر فغان عالم فغان

کربلا یسیر کیسید فغان  
نا آجری جوری ستمدن عالم فغان

لب تشنه لرغم المذن اولوب غل  
آب بقای کوزلری ایه عدم فغان

مظلوم لقایتین از یکد قولدیر  
عوج اوردی بادی دست اولر فغان

بحر بلا ده صحرای ظلم نازین

ابن زاید کون درون ایدر ستم  
اولا و صطلاحید فغان

فان اغلا یون صیدی ایچون ایچون  
بوز ظلم و بوسیدن ایچون

مهیون کمان قبول ایه بابت ذوالجلال  
استلرون رعایتیدور بوس فغان

فوز غم بودور حضرت زین العابدین  
زار غل ستم کیدر فغان

کون  
فان اغلا یون صیدی ایچون ایچون

مهیون کمان قبول ایه بابت ذوالجلال  
استلرون رعایتیدور بوس فغان

فوز غم بودور حضرت زین العابدین  
زار غل ستم کیدر فغان



دستگیری بیکدیگر یار و همی  
این رسول سرور آل عبا ص

خون و دلگشته آواز وطن  
دوران بلبل و غنچه متلاطم  
امام که خندان ابدی صفای زنده  
سجده که بلبل ده او تو بگویی

نظاره مضایق کن باطن و فانیست  
هم ناله دیدن هم دوست یار ص  
زاد غلاب و در لک و اصرار ص  
بیکدیگر معرکه کربلا ص  
فان الیه فون ایچنه که بار و همی  
میلان کی ملاده دو کو بدو بر آوند زار  
واضرا خلاصه ارضه و سما ص  
اولمن کسید نشسته که یکصد بار و همی  
عور و عیانه زنده اورید ص  
اول صحرای که خجسته عدلیه  
روز و شب شایع روز و شب ص

تجربان سینه کات جاکو افکار  
قالین بیان معرکه کربلا ص

روز و شب از غلغله فضا تنگ کنایه  
بار و شبی تشنه کربلا ص

ایستاد معرکه کربلا ص  
ای غبار و زار و غصه کربلا ص

آب فو تون شمع اتیدی فون  
آتش حرارت داغ فضا ص

تبع جلاله به تنگ اتیدایر فکار  
ای عروستان و آقا ص

ای در چشم حضرت خیر الانسا ص  
واضرا سپاه عروایح شمع ص

زار غلاب که فانی و جلی نوب و بار و همی  
بیکدیگر تشنه کربلا ص  
دار غلاب که فانی و جلی نوب و بار و همی  
بیکدیگر تشنه کربلا ص  
دار غلاب که فانی و جلی نوب و بار و همی  
بیکدیگر تشنه کربلا ص  
دار غلاب که فانی و جلی نوب و بار و همی  
بیکدیگر تشنه کربلا ص



میر

مظلوم دست بر آید که گریه  
همان توان خست جور و ضایع

لب تشنه فرات و ز نثار کوفیان  
اعدا اند مضر و مبتلا صبی

بودست و از چرخ کلزاران توان  
نواب و صدیق آل عبا صبی

صحرای باغ و درختان و کوه و دریا  
لب تشنه پاهای برون پیشا صبی

راه و فاد و فدا صیانت ایلدیت تمام  
مویه نوزاد سیما تقیای صبی

درد دارد دینش رشت و چرخ و گردن  
اول تو عالم کلشن و دد بلا صبی

بخت و نایب طایعی و مجمل اولاد نیک  
خجسته و خجسته خجسته و نایب صبی

زارانک و نال و ناله و ناله و ناله  
موز و دلچسب و دلچسب و دلچسب

ای صبی نور و نور و نور و نور  
مهم و مهم و مهم و مهم و مهم

صفا و صفا و صفا و صفا و صفا  
ماتم صبیان و چون دو تنگ بو سیدور

دربار و دربار و دربار و دربار  
کشتی و کشتی و کشتی و کشتی

سیدور و سیدور و سیدور و سیدور  
کشتی و کشتی و کشتی و کشتی



درگاه کبیریه دوشیزان و زلفیور

مبارک باد اجلال بواجبت و فانیور

دل غلامدشده جگر او لمسم کشید

حکایتی در غم و صدمه و اندوه دار  
حکایتی در غم و صدمه و اندوه دار

فانلو با بختی اندک ساری بر نذر

راه وفاده با شلیک جان انجمن دار

عفوگاه شید صبی به سیدور

دیوان عدل و لایحه رضا روز رستخیز



بقایای کتب و اسناد تاریخی

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه